

بهار آیین نیایش



(متون نیایشی قرون اول تا چهارم میلادی)

لوسین دئیس

این کتاب ترجمه‌ای است از :

le Printemps de la Liturgie
par : Lucien DEISS



بهار آیین نیایش

(متون نیایشی قرون اول تا چهارم میلادی)

لوسین دئیس

این کتاب ترجمه‌ای است از :
"le Printemps de la Liturgie"
par : Lucien DEISS

عنوان : بهار آیین نیایش

مؤلف : لوسین دئیس

کلیه حقوق این اثر محفوظ و متعلق به وب سایت ایران کاتولیک می باشد.

فهرست

پیش‌گفتار	۵
مقدمه	۸
۱- منابع نیایش یهود	۱۱
۲- روایت بنیانگذاری آیین سپاس	۳۹
۳- نیایش مدح و ثناء، برکات، و سرودهای عهد جدید	۳۶
۴- دیدگاه یا آموزش اصول مسیحیت	۷۹
۵- نامه کلمنت رومی به قرنتیان	۸۵
۶- شهادت ژوستین قدیس	۹۳
۷- موعظه درباره گذر، از ملیتو اهل ساردیس	۱۰۰
۸- کلمنت اهل اسکندریه	۱۱۷
۹- سنت رسولی هیپولیتوس رومی	۱۲۴
۱۰- آنافورای آدای و ماری	۱۵۸
۱۱- آموزش‌های رسولان	۱۶۷
۱۲- نیایش نامه سراپیون اهل تموئیس	۱۸۳
۱۳- پاپیروس استراسبورگ	۲۱۷
۱۴- مرانامه‌های رسولی	۲۲۰
۱۵- نیایش نامه دیر بالیزه	۲۵۲
۱۶- خرده نان یا قطعات متفرقه	۲۶۰
۱۷- آموزش‌های دینی سیریل اسقف اورشلیم	۲۸۱

پیش‌گفتار

«امر به نیایش همان امر به ایمان است.»

شاید بتوان این ضرب‌المثل قدیمی لاتین: «Lex orandi, Lex credendi» را با عبارت فوق‌تعبیر نمود...

جامعه مسیحیان، ایمان خود را با نیایش، ستایش و شفاعت ابراز می‌دارد. هرگاه بخواهیم طریق ایمان آوردن را بیاموزیم باید از کلیسا بخواهیم طریق نیایش را به ما تعلیم دهد. لذا، هرگاه از لابه‌لای این کتاب آوای نیایش نخستین کلیساهای مسیحی را می‌شنویم، ایمانشان را در شور و شوق دوران جوانی مشاهده می‌کنیم.

در واقع، امروز روح‌القدس ما را از سه طریق مکمل و جدایی‌ناپذیر به سوی شناخت عیسی مسیح، آن یگانه پسر و از طریق او به سوی شناخت پدر قدوسش هدایت می‌کند، این سه طریق عبارتند از: آشنایی با کتاب مقدس، مطالعه آئین نیایش و دقت در زندگانی روزمره.

کتاب مقدس کلام خدا، منشأ؛ پیوستن ما به عیسی مسیح و تغییر هیات ما در او می‌باشد. با این حال، وجود مستقل کتاب مقدس بدون رابطه با زندگی قومی که از میان تجارب روزانه، خدا را آفریدگار، منجی و یگانه مقصد خویش در تاریخ جهان شناخته‌شده، غیرممکن است. هر لحظه که این کلام خدا در قلب انسان ظنین می‌افکند طریق شکوفائی دیگری ندارد مگر در آئین نیایش جمعی که فضای برگزیده ستایش، شفاعت و شادمانی امتی است که نسبت به کل آفرینش مأموریت کهناتی برعهده دارد.

چنین آئین نیایشی که در دل کلیسا برپا می‌شود به هر فردی امکان می‌دهد جای خویش را در این ستایش جمعی بیابد بدون این که دست‌خوش هیجانی نسنجیده و احساساتی یا سکوتی، که نشانه مرگ بر اثر فردگرایی، شرم حضور یا غرور است، گردد. آئین نیایش، ایمان ما را می‌پروراند، شکوفا می‌سازد و تا حد پیوند میان جماعت دیرروز و فردا گسترش می‌دهد و به محبت برکت یگانه کاهن اعظم، عیسی مسیح مهور می‌نماید.

آئین نیایش، کلام خدا را که همه با هم به آن گوش می‌دهند و در دل‌های پاک و آماده ستایش خویش می‌پذیرند، بزرگ می‌دارد. آئین نیایش، وقایع روزمره زندگانی ما را نیز جمع‌آوری کرده آنها را تطهیر و قدیس می‌نماید تا زندگی و تجربیات ما را - همان‌گونه که بر شاگردان در راه عموآس واقع گردید- به محل ملاقات و مؤنست با آن کسی که همه روزه با ما و برای ما زنده است مبدل سازد. کلیسا در عالم ستایش، زمزمه تمام خلقت را که با سرودهای بی‌صدایش آفریدگار خود را بزرگ می‌دارد، و از این راه ما را نیز در ستایش یگانه پسر از مرگ برخاسته که رقص عرفانی همه بازادگان را رهبری نموده و آنان را به دنبال خود به رقص می‌آورد، سهیم می‌سازد.

حال، زندگی روزمره یک قوم - و زندگی هر فرد در دل آن - به گونه‌ای که آن را در پرتو روح‌القدس می‌نگریم، خود محل ملاقات شاگردان است که به ندای پرستش خداوند گوش جان داده، به نوبه خود

می پرسند: «در کجا می مانی؟» (یو: ۱: ۳۸) این زندگی روزمره، بر اثر تجربه گذشت زمان و رنج هائی که می کشیم، صحنه تطهیر و تعمیق ایمانی است که به ما ارزانی شده و در نهایت به وفاداری ما منجر می شود. از سوی دیگر این زندگی روزمره در اکثر اوقات به شناخت تجربی محبت خدا نسبت به ما و به کارگیری محبت با نسبت به برادران ما نیز می انجامد. همچنین این زندگی روزمره، که با کلام خدا مواجه شده در آئین نیایش یثار می گردد و در آن، بخشش و تقدیس دریافت می نماید و ما را به سوی آن حیات کاملاً تجلی یافته در سیح، که زندگی خویش را از بهر ما فدا کرده است، هدایت می کند.

* * *

چنان که می دانیم، مجمع جهانی اسقفان موسوم به «واتیکان دوم» تلاش خود را در جهت تجدید حیات با برانگیختن اصلاح و تجدید حیات آئین نیایش در کلیساها و مشارکت همگان در این نیایش مشترک آغاز کرد. امروزه آئین نیایش به زبان های زنده بیان می گردد، ریشه عمیق تری در کلام خدا دارد- کلامی که اعلام تشریح شده و به کمک سمبل های گوناگون نیز بیان می گردد- و از انعطاف بیشتری برخوردار است و اوقاتی را هم به نیایش فی البداهه تخصیص می دهد تا زندگی روزمره شرکت کنندگان در این نوع نیایش به گونه ای بهتر منعکس گردد.

این دعوت مجمع اسقفان تا رسیدن به تمامی ثمراتش راه درازی در پیش دارد و باید آرزو کرد که هر یک ز کلیساهای محلی ما بتواند کوشش های پیشنهادی را به جای آورد تا مراسم بزرگداشت بیش از پیش بیانگر بمان قومی گردد که کلام خدا آن را گرد آورده است. باشد که آئین های نیایش ما از حیات روح القدس حیاتی نوین یابند تا همگی و به ویژه جوانان و «مسکینان در روح» بتوانند در میان جماعتی که برای شکوفائی روح خویش تشنه روح القدس است، در این آئین ها شرکت یابند. باشد که آئین های نیایش پذیرای فرهنگ ملت هایی گردد که جماعت مسیحیان در میان آنها به سر می برند. کلیسای محلی ما این مأموریت و رسالت را دارد که فرهنگ بومی را تطهیر نموده آن را در عیسی مسیح و به قدرت روح القدس یعنی در همان آئین نیایشی که نیایش کلیسا و مسیح می باشد، تقدیس نماید.

لیکن برای به فرجام رساندن این تجدید حیات، شناخت خطوط راهنمایی که مجمع اسقفان تعیین نموده است به تنهائی کافی نیست بلکه باید ماهیت آئین نیایش بهتر شناخته شود. در غیر این صورت ما عامل داهت سطحی و زودگذری خواهیم شد که کمتر از گيرائی و رسای خاص راز خدا و راز انسان برخوردار است. مؤلف کتابی که ترجمه آن را اینک عرضه می داریم خواهان آن است که امکان دسترسی ما به سرچشمه جملگی آئین های نیایش فعلی را فراهم سازد، سرچشمه ای که با آئین نیایش عیسی در کیسسه شهر ناصره، و نیز با آئین نیایشی که خود در پنچشنبه مقدس ابداع کرد، و با مرگ و رستاخیزش به کمال رسانده است. پس مجدداً متوجه غنای نیایش دستجمعی جوامع اولیه مسیحی می گردیم. این جوامع در میان تجربیات ناشی از زار و جفا و در حالی که کتاب های عهد جدید در دل همان جوامع تدوین می شد، به پیام روح القدس در ذهن یکایک اعضایشان گوش فرا می دادند و با سرودهای الهام آمیز وی را می ستودند. سرانجام ما در این کتاب

رنج و مرگ خداوند ما عیسی مسیح

نخستین عبارات و بیان‌های ویژه آئین نیایش آن جوامع بعد از وفات رسولان را باز خواهیم یافت و به خلوص غنای ایمانشان پی خواهیم برد، ایمانی که با حرکات و اشارات جسمی و سمبل‌ها و جملاتی مملو از معنا و شاعری خاص ابراز می‌شود. البته این شاعری و سرایندگی، در عین حال که بسیار انسانی می‌باشد از غنای آن راز وصف ناپذیر به حد وفور برخوردار است.

امیدواریم که این کتاب موجب تقویت کوشش‌های خستگی‌ناپذیر و در عین حال خلاقه‌کلیساهای ما گردد. نا آئین‌های نیایش ما بیان‌گر کامل و ستاینده‌امین و اصیل آن راز بزرگ در پهنه فرهنگ ملت ما باشد. چنین است آرزو و نیایش ما.

در آستانه عید ظهور خداوند

مقدمه مؤلف

کتاب **بهار آیین نیایش**، مهمترین شواهد حاکی از آئین نیایش مسیحی از آغاز تا قرون چهارم- پنجم را معرفی می کند. منابع اصلی که در حال حاضر برای شناخت این آئین نیایش در دست داریم به شرح زیر است:

- **متون آیین نیایش سنت یهود**، شناخت این متون برای ما مسیحیان ارزشمند است زیرا همان گونه که مسیح به واسطه تن و خون خویش کتب مقدسه را به تحقق رسانید همان طور نیز نیایش کلیسای مسیح، نیایش کنیسه را به تحقق می رساند. آشنایی با نیایش یهود به منزله داشتن درک بهتری از نیایش مسیحی است.
- **روایت بنیانگذاری شام خداوند*** بر مبنای روایت اناجیل نظیر و رساله اول پولس به قرتیان. این روایت همان طور که همه می دانیم در قلب هر برپایی آیین سپاس است
- **نیایش های مدح و ثناء، برکات، و سرودهای عهد جدید**. صورت «لغوی» این متون اغلب از عهد عتیق الهام می گیرد اما «روح» آنها به ما نشان می دهد که نسل های اولیه مسیحیان چگونه چهره مسیح را در «احکام موسی، انبیاء، و مزامیر» (لو ۲۴: ۴۴) بازشناسی می کردند. از این لحاظ متون نامبرده، گواه نقش همیشه نوین عهد عتیق در امر درک و ستایش خداوند است که در دل هر دو عهد جای دارد. به گفته ایرنیوس قدیس اسقف شهر لیون: «نوشته های موسی کلمات مسیح اند».
- **دیداکه*** و به ویژه نیایش «آئین سپاس» که در آن آمده است. این نیایش سپاسگزاری احتمالاً چارچوبی بوده برای شام مسیحی یا به احتمال قوی برای برپایی آئین سپاس می باشد*.
- **نامه کلمنت رومی به قرتیان** که قدیمی ترین شهادت از آئین نیایش کلیسای روم (در سال های ۹۵-۹۶ بعد از میلاد) را به ما می رساند.
- **شهادت ژوستین قدیس**. که در «**دفاعیه اول**» خویش مراسم تعمید و آیین سپاس و نیز بزرگداشت روز خداوند را* شرح می دهد. این شهادت به اواسط قرن دوم (حدود سال ۱۵۰ میلادی) بر می گردد.
- **موعظه درباره عید گذر*** از ملیتو اهل ساردیس در نیمه دوم قرن دوم. این شاهکار نثر موزون به ما نشان می دهد که شادمانی عید گذر هرگاه با یک بیان ادبی شکوهمند ترکیب شود چه ثمری به بار می آورد.
- **شهادت کلمنت اهل اسکندریه** که بعد از سال ۲۲۰ در گذشت.
- **سنت رسولی هیپولیتوس رومی** که در حدود سال ۲۲۰ تدوین گردید. این سند فوق العاده مهم از چگونگی آئین نیایش و رسوم مسیحی کلیسای روم در آغاز قرن سوم صحبت می کند.
- **آنافورای* آدای و ماری** این آنافورا به احتمال قوی با آنافورای موجود در «آموزش رسولان» همزمان است.
- **آموزش های* رسولان**. که تاریخ آن آغاز قرن سوم است.
- **نیایش نامه سراپیون**، اسقف تمویس در مصر که در حدود سال ۳۵۰ تدوین گردید.

با شروع قرن چهارم، شمار شواهد رو به فزونی می نهد اما ارزش آنها یکسان نیست. می توان آنها را به دو گروه زیر تقسیم نمود:

گروه اول شامل مجموعه ها و متونی از آئین نیایش است. اغلب این آثار فاقد نام و امضای مؤلف بوده و

به همین دلیل تعیین تاریخ آنها امری آسان نمی باشد. شرح و تفسیر این آثار تله های خطیر و مسائل غیرمنتظره بسیاری در بر دارد. این مشکلات از آن جا ناشی می شود که این آثار به صورت نسخ خطی به دست ما می رسند و رونویسی های مکرر گاه درک این متون را به دلیل اضافات جدید مشکل می سازد. متن اصیل اولیه به زحمت توسط محققین بازسازی می شود. در نتیجه، محققین در بسیاری موارد بی اختیار به سوی فرضیاتی کشیده می شوند که مانند شن های روان خطرانی در بر دارند. با این حال و علی رغم این قبیل خطرات، می توانیم از میان گرد و غبار زمان که این متون را پوشانده است، دستورالعمل های زرین، و اصیلی را بیابیم. متون زیر را می توان جزء این گروه اول به شمار آورد.

- **پاپیروس استراسبورگ.** که شاید بتوان تاریخ آن احتمالاً به قرن چهارم برمی گردد و شامل آیین نیایش موسوم به آیین مرقس قدیس است.

- **مرام نامه های رسولی.** که منابع آن را **آموزش های رسولان** (جلد ۱ الی ۶)، **دیداکه** (جلد ۷) و **سنت رسولی** (جلد ۸) تشکیل می دهد. «مرامنامه ها» در بین دیگر کتب مربوط به آئین نیایش بیشترین اهمیت را دارا می باشد. تدوین این اثر به اواخر قرن چهارم برمی گردد.

- **نیایش نامه دیر بالیزه** که از زیر شن های صحرای مصر بیرون آورده شده است. با این که تدوین این کتاب در زمان های دور (قرون پنجم - ششم) صورت پذیرفت اما نیایش های آن ادعای قدمت به مراتب بیشتری را دارند.

- در بخشی که «**خرده نان ها**» یا **Klasmata** نامیده شده است ما قطعات متعلق به دوران مختلف را که در متون دیگر جا و ردیفی برایشان یافت نمی شد اما به هر حال قابل توجه می باشند را گرد آورده ایم.

گروه دوم مشتمل بر نوشته هایی است، که بر مبنای مراسم و متون آئین نیایش پایه گذاری شده و همان مراسم و آئین را توضیح می دهد یا از محتوای آنها نتایج تشویق و ترغیب کننده ای می گیرد و همان طور که خواننده احتمالاً حدس می زند این توضیحات برای آشنائی خود ما با آئین های نیایش کهن بسیار قابل توجه می باشد. در این رابطه می توان عناوین زیر را نیز نام برد:

- **آموزش های دینی سیریل، اسقف اورشلیم** که در حدود سال ۳۴۷ بیان شده اند. معمولاً **آموزش های رازشناسی** را نیز بدان ملحق می کنند. با وجود تردیدهایی که در اصالت آنها وجود دارد تاریخ آنها را حدود سال ۴۰۰ تعیین می کنند.

- **آموزش های دینی مربوط به تعمید از یوحنا دهان طلایی (John Chrysostom)**، که در تاریخ ۴ اکتبر ۱۹۵۵ توسط آ. و گنر (A. Wegner) کشف و بین سال های ۳۸۶ و ۳۹۸ بیان شده است.

- **رسالات درباره رازهای هفتگانه و رازهای الهی** از **امبروز قدیس**، سر اسقف شهر میلان. این آموزش ها در واقع سلسله ای از آموزش های دینی جهت استفاده نوایمانان است که در حدود سال ۳۹۰ به طور شفاهی بیان شده و توسط یکی از شنوندگان تند نویسی گردیده است.

- **سفرنامه زیارتی «اتریا» (Etheria)** که در آن آئین نیایش کلیسای اورشلیم همان گونه که «اتریا» طی سفر خود به اماکن مقدسه در حدود سال ۴۰۰ مشاهده کرده است توصیف می شود.

- **آموزش های دینی تئودور مپسوئستیا اهل سیلیسیه** که در سال ۴۳۷ میلادی در گذشت.

به منظور احتراز از طول کلام در این کتاب، فقط «آموزش های دینی» سیریل اهل اورشلیم را در این جا آورده ایم که بی گمان مهمترین و به عقیده ما زیباترین تعالیم این گروه دوم نیز می باشد. هم چنین مانند گذشته، از موضع گیری در قبال مباحث متباینی که ناگزیر از بررسی این متون بر می خیزد، احتراز نموده ایم. این مباحث اغلب جالب توجه و گاهی نیز اجتناب ناپذیرند و وسیله شناسائی هر چه کامل تر منابع می باشند. با این حال در این کتاب ترجیح داده ایم حتی المقدور باب این مسائل بحث انگیز را بر روی خواننده گشاده نگاهداریم و مسئولیت نشاط برانگیز تصمیم گیری شخصی را به دست ایشان بسپاریم (حتی اگر تمایلات خود ما از نظر ایشان چندان پوشیده نباشد).

هدف ما صرفا گردآوری داده های سنتی (که بعضی از این ها به زحمت به دست می آیند) و تقدیم آنها به خوانندگان بوده است.

بسیاری از متونی که در این جا آمده در کتاب دیگری به سال ۱۹۶۳ منتشر گردیده اما مرور زمان لزوم تکمیل و تجدید آن را پیش آورده است ... امیدواریم این کتاب به صورتی که اکنون تنظیم شده بار دیگر در خدمت کسانی قرار گیرد که از کشیدن اندک اندک آب از برکه عادات و رسوم خسته شده و ترجیح می دهند آب را از سرچشمه سنت بنوشند، مفید آید. آری، آن آبی که چون آب چشمه زلال است با همان تازگی اولیه اش از همان سنت ها و روایت ها می جوشد. برخورد با این چشمه تجربه ای بسیار شگفت آور و زیباست. شناخت گذشته ها نوید جوانی و تازگی آینده را می دهد. ایرنیوس قدیس، اسقف شهر لیون این حقیقت را چنین توضیح می دهد که با عمل روح القدس «آن ایمانی که ما از کلیسا دریافت کرده ایم به مانند بطر گران بهایی است که در ظرف نفیسی قرار دارد و ظرف را همواره نوتر گردانیده جوانی خود را به عطردانی انتقال می دهد که آن عطر را در بر دارد».

لذا آنچه در این کتاب جمع آوری شده غیر از گل های خشکیده و پژمرده ای است که در سبزه زار سنت، در مانی که سبز و خرم بود چیده شده باشد. خیر، این «بهار آئین نیایش» بیشتر شبیه گلستان همواره پر گل و متعلق به آن عروس همیشه جوان است که آن را کلیسای عیسی مسیح می نامیم.

منابع نیایش یهود

سلیمان پادشاه به یهوه خدای خود این چنین نیایش کرد:

«آوازه اسم عظیمت و دست قوتت

و بازوی دراز تو را خواهند شنید...»

پس چون غریبه‌ای که از قوم برگزیده‌تو نباشد

و به خاطر اسم تو از زمین بعید آمده باشد

چون او بیاید و به سوی این خانه دعا نماید

آنگاه از آسمان که مکان سکونت توست، بشنو

و هر چه آن غریب از تو استدعا نماید

به عمل آور

تا جمیع قوم‌های جهان اسم تو را بشناسند.»

(۱- پاد ۸: ۴۱-۴۲)

منابع نیایش یهود

ریشه آیین های نیایش مسیحی در آیین های نیایش یهود است. در واقع همان طور که عیسی بنا به تأکید کتاب مقدس «برحسب تن از نسل داود متولد شد» (روم ۱: ۳؛ ر. ک ۲- تیمو ۲: ۸)، نیایشی که در مدح سیح، پسر داود است نیز ریشه های خود را از امت ابراهیم و داود گرفته است. کلیسا قرائت کلام خدا، نگارش انجیل و کلمات نیایشی خود را از مکتب کنیسه فراگرفته است. رابطه نیایش یهود به نیایش سیحی، به رابطه گل به میوه و وعده به وفا می ماند. همچنان که می توان گفت عهد عتیق بارور از مسیح بود یعنی مسیح را در بطن خویش داشت، به همین ترتیب نیز نیایش یهود بطنی بود که از آن نیایش های سیحی زاده شد. درحقیقت غنای نیایش های «عهد جدید» شاهی بر غنا و باروری نیایش های یهود است که نیایش های مسیحی در آستانه کودکی خویش، در خاک آن ریشه دوانده است.^۱

حال که زیارت خود را به سبک جدید و از سرچشمه آیین های نیایش یهود آغاز می کنیم، با این هدف که شناخت بهتری درباره منشأ آیین های نیایش مسیحی به دست آوریم، می باید در انتخاب متون محتاط باشیم. برای این منظور، باید برای شواهد لازم چارچوبی مشخص گردانیم به طوری که با محدودیت های کاری ما مطابقت داشته باشد و این کاری است که در این کتاب به انجام آن کوشیده و به شرح زیر مورد اقدام قرار داده ایم:

از ذکر متون عهد عتیق خودداری نموده ایم در حالی که آنها به طوری که همه می دانیم، در قلب هم سنت یهود و هم آیین نیایش مسیحی وجود دارند. به طور مثال برای بهتر جلوه دادن روایت بنیانگذاری شام آخر مسیح، با استدلالی صحیح می توانیم: روایت عهد بسته شده با موسی را بازگو می کند، متن مربوط به عهد جدید در (زیرا سخنان عیسی: «این خون عهد است» سخنان موسی را بازگو می کند)، متن مربوط به عهد جدید در کتاب ارمیای نبی (۳۱: ۳۱-۳۴) - زیرا عهدی که در مراسم سپاسگزاری یا عشای ربانی تجلیل می گردد «عهد جدید» خوانده می شود (لو ۲۲: ۲۰ و ۱- قرن ۱۱: ۲۵) - همچنین چهارمین سرود درباره خادم یهوه در باب ۵۳ کتاب اشعیا نبی (که در سراسر مراسم سپاسگزاری به گونه ای حضور می یابد) و بالاخره مزامیر نسبیح (مزامیر ۱۱۳ و ۱۱۸) که مسیح آنها را در جریان شام آخر با دوازده شاگرد خود خواند (ر. ک مت ۲۶: ۳۰) را ذکر نماییم. به عقیده ما این مراجع برای همگان به سهولت قابل دسترسی می باشند. لذا عمداً کار خود را به سنت یهود که در کتاب مقدس از آن ذکری به میان نیامده است محدود ساختیم.

از سوی دیگر، گرچه برای یک فرد مسیحی تمامی سنت یهود سزاوار ستایش و احترام است اما این شواهد ظاهراً برای درک متون مسیحی از وضوح کافی برخوردار نمی باشند. لذا منطقاً باید کار خود را به آن دسته از نیایش های یهود که بر آیین نیایش مسیحی مستقیماً تأثیر گذارده است، محدود نماییم.

در این چارچوب مرجع، نیایش های زیر را برگزیده ایم:

- نیایش یهودی «قیدوش» (Kiddush) ویژه روزهای سبت و روزهای جشن است، که در کتاب نیایشهای رومی (لاتین)، در نیایش تقدیم نان و شراب آمده است.

۱- در مطالبی که ما درباره نیایش یهود در این کتاب مرور می کنیم، نیایش های خصوصی و نیایش های رسمی از یک دیگر تفکیک نشده اند.

- «برکت هامازون» (Birkat ha-mazon) نیایش برکت پس از صرف غذا.
- «شمونه عشره» (Shemone Esre) یا «برکات هیجده گانه» در متون فلسطینی و بابلی.
- «برکت یوتسر» (Birkat Yotser) از نیایش «شَمَع اسرائیل» (Shema Israeal، بشنو، ای بنی اسرائیل).

- «قدیش» (kaddish) که اساس نیایش مسیحی «ای پدر ما» را تشکیل می دهد. سه متن اخیر الگوهایی برای تهیه نخستین نیایش های بزرگداشت مسیحی (anaphora) هستند. این الگوها نشان دهنده آنند که منحصر به فرد بودن کلمات در آیین سپاسگزاری امری ظاهری می باشد زیرا در حقیقت این مراسم مملو از نیایش یهود است.

جانبداری نامتعادل می تواند این متون شگفت را تا حد بردگی تقلیل دهد. گاهی چنین به تأکید می کوشند ادعا نمایند: از یک سو «هیچ چیز جدیدی در این متون نمی توان یافت زیرا آیین نیایش مسیحی زاده آیین نیایش یهود است» و از سوی دیگر «همه چیز آن جدید است زیرا نیایش مسیحی خود را از نیایش یهود کاملاً جدا کرده است». در واقع این متون هیچ گونه مناسبتی با این دو نظریه ندارد. اصیل ترین احترامی که در مورد این متون باید داشت مراعات دقیق مفاهیم لغوی آنهاست زیرا این نوشته های یهودی حاوی ابهت شاهانه ای است که منعکس کننده نیایش های قومی است که بر روی زمین محبوب ترین قوم خدا می باشد و خداوند درباره آن می گوید: «همانا خزانه خاص من از جمیع قوم ها خواهید بود» (خروج ۱۹: ۵). این نیایش نیازی به افتخارات کاذب ندارد. ارزش آن در خودش نهفته است همان طور که «پسر خواندگی، جلال، عهدها، امانت شریعت، عبادات، وعده ها و همچنین پدران که مسیح برحسب جسم از میان ایشان برآمد» (روم ۹: ۴-۵) ارزش خود را در خود دارند.

معهدا، آیین نیایش مسیحی با خواندن این متون آنها را از تازگی سرشار می سازد. اما این تازگی در حد مفاهیم لغوی یافت نمی شود بلکه در این واقعیت نهفته است که عیسی مسیح به میان آدمیان آمده و در دل آئین نیایش خود حضور دارد. «ایرنائوس» اهل لیون (Irenaeus of Lyons) می نویسد: «مسیح به هنگام آمدن خود به آورده است؟ بدانید که او با آوردن خود تازگی کامل را آورده است». بدین ترتیب وقتی که در آیین نیایش، نیایش «ای پدر ما» خوانده می شود، این نیایش در خود دستورالعمل هایی از نیایش قدیش دارد. اما این نیایش جدید معنای آن چنان عمیقی بدان می بخشد که تنها پسر یگانه «پراز فیض و راستی» (یو: ۱۴) می توانست با چنین عمق معنا «پدر» را بخواند. همچنین وقتی در آئین نیایش مسیحی، نیایش «بشنوای بنی اسرائیل» را می خواند، همان کلام کهن سفر تثنیه را که «خداوند خدای خود را با تمامی قلب خود وست بدار» تکرار می کند لیکن می کوشد تا خدا را به حدی دوست بدارد که احدی پیش از آن قادر نبود بدین حد دوست داشته باشد، یعنی خدا را با قلب خود عیسی دوست بدارد. به هنگام ذکر نیایش «برکات هیجده گانه» به راستی به خواهش خود برای آمدن محبت و رحمت به زمین ادامه می دهد، لیکن خوب می داند که محبت پدری در عیسی مسیح چهره انسانی به خود گرفته است.

گفتن این که ما باید با این متون با هم فکری برخورد کنیم کافی نیست بلکه باید آنها را تا آن جا که امکان ارد با چشمان عیسی مسیح بخوانیم. عیسی که هنوز کودک کی بیش نبود این نیایش ها را از یوسف و مریم

بی‌آموخت و به مرور که جاننش برای پرستش پدر بیدارتر می‌شد بدان کاملیت معنایی می‌بخشید که آیین نیایش مسیحی امروز آن را باز می‌شناسد. ما از ورای قرون قرائت این نیایش‌ها را که مسیح آن را آغاز نموده است ادامه می‌دهیم. همان‌طور که پولس قدیس گفته است «ما روح مسیح را داریم» (۱-قرن ۲: ۱۶)

«قیدوش» (Qiddush) برای روز سبت و روزهای جشن

واژه «قیدوش» به معنی «تقدیس» و نام نیایش برکت است که در آغاز هر روز سبت و روزهای جشن هنگامی که نخستین ستاره‌ها به درخشش درمی‌آیند و چراغ روز سبت افروخته می‌گردد بر زبان جاری می‌شود. این نیایش، زمان کفرآمیز دنیوی را از زمانی که به گونه‌ای ویژه به خدا اختصاص داده شده است جدا می‌سازد.

«قیدوش» شامل برکتی بر شراب، برکتی بر روز و برکتی بر نان است. این نیایش برکت توسط پدر خانواده بر سر سفره‌ای که اعضای خانواده و مهمانان گرداگرد آن جمع شده‌اند خوانده می‌شود. هم‌چنان که می‌دانیم نیایش برکتی که بر نان و شراب خوانده می‌شود در کتاب نیایش‌های مربوط به بزرگداشت راز آیین سپاس در کلیسای لاتین آمده و به هنگام تقدیم نان و شراب خوانده می‌شود.

* * *

نیایش تبرک شراب

رئیس خانواده می‌ایستد، جام شراب را در دست راست می‌گیرد و در حالی که به سوی چراغ می‌نگرد متن کتاب پیدایش ۲: ۳۱، ب و ۲: ۱-۳ را که یادآور روز سبت است می‌خواند. سپس چشمانش را به سوی جام گردانده می‌گوید:

ای خداوند خدای ما، تو متبارکی
ای شاه عالم،
ای که ثمره تاک را آفریدی.

او سپس این نیایش برکت را نیز برای تقدیس روز سبت و یا عید می‌افزاید:
ای خداوند، خدای ما تو متبارکی،
ای شاه عالم،

تو با فرامین خود ما را مقدس ساخته‌ای،
سبت قدوسیت خود را

که یادبود اعمال آفرینش توست (لا و ۲۳: ۳)،
چون میراثی،

از روی مهر و نیکویی به ما عطا فرموده‌ای.
این روز، مبدأ تمام دعوت‌های مقدس تو
و یادبود خروج از مصر است.

تو ما را از میان همه اقوام برگزیده‌ای،
ما را تقدیس نموده‌ای،
سبت قدوسیت خود را چون میراثی،
از روی مهر و نیکویی به ما عطا فرموده‌ای.
تومتبارکی، ای خداوند، که روز سبت را تقدیس می‌نمائی!
سپس اندکی شراب از جام به پیاله‌های یک یک حضار ریخته می‌شود و آنان به دنبال پدر خانواده از آن شراب می‌نوشند.

نیایش تبرک نان
پدر خانواده دست‌هایش را بر روی نان می‌گذارد و سپس نان را بلند کرده چنین می‌گوید:
تومتبارکی، ای خداوند خدای ما،
ای شاه عالم،
تویی که نان را از خاک برآورده‌ای.
او سپس نان را تکه کرده بین میهمانان توزیع می‌نماید

«برکت هامازون» (Birkat ha-mazon)

نیایش برکت پس از صرف غذا
این نیایش بعد از صرف غذا خوانده می‌شد و شامل چهار بخش است:
- «برکت هازان» (Birkat ha-zan)، در متبارک داشتن آفریدگار.
- «برکت هآرتز» (Birkat ha-aretz)، به شکرانه داشتن زمین، عهد و تورات و بنابراین یادبود تاریخ نجات.
- «برکت ایروشلائییم» (Birkat-Ierusalayim) که نیایش شفاعت است برای اورشلیم و خاندان داود.
- «برکت هاتوب وهامتیپ» (Birkat ha-tobh we-ha-metibh) که نیایش عمومی و پایانی است.
واضح است که دومین و سومین برکت ممکن بود به واسطه اضافاتی^۲ در جهت توسعه دلائل ستایش و نیات مورد نیایش غنی‌تر شده باشد به ویژه در جشن «پوریم» و عید «هنوکا»^۳.
سه قسمت اول این نیایش برکت به نظر بسیار کهن می‌آید اما قسمت چهارم یعنی «برکت هاتوب» (Birkat ha-tobh) ممکن است استثنائاً مربوط به دوران شورش «بئر کوکبا» (حدود ۱۳۵ میلادی) باشد. تصور می‌شود که سومین قسمت به قرن دوم قبل از میلاد برمی‌گردد در حالی که اولین و دومین از آن هم قدیمی‌تر به نظر می‌رسند. لذا خود مسیح آنها را خوانده است.
نیایش برکت پس از صرف شام با عناصر تشکیل دهنده آن - سپاس به خاطر آفرینش و سرگذشت نجات و یادبود و نیایش شفاعت می‌باشد که به نظر می‌رسد پایه‌هایی برای توسعه نیایش‌های مسیحی باشد. این

۲- منظور نیایشی است که بعداً در میان متن اولیه جای داده شده است.
۳- جشن «پوریم» یا «پوریم» (Purim) بزرگداشت سرگذشت استرا است (استر: ۹: ۲۶-۳۲). جشن «هنوکا» (Hanukkah) یا تقدیم، یادبود تقدیم معبد اورشلیم در زمان یهودا مکابی در سال ۱۶۴ است.

امر در نیایش های قدیمی تر مسیحی محسوس تر است. از جمله در نیایش «آدای و ماری» (ر.ک فصل
:هم) و در نیایش مصری مرقس قدیس به صورتی که در نوشته های پاپیروس استراسبورگ (Strassburg)
محفوظ مانده و به ما رسیده است. (ر.ک فصل سیزدهم).
از نیایش برکت پس از صرف شام، با دو متن متفاوت یاد خواهیم کرد. نخستین آن کوشی است که «ل.
فین کلشتین» (L. Finkelstein) در جهت بازسازی متن اولیه به عمل آورده است و دومین متنی است نیایشی
در مجموعه سیدور راو ساجا (Siddur Rav Saadja) (قرن دهم).

«برکت هامازون»

(متن اولیه بازسازی شده توسط فین کلشتین)

تو متبارکی، ای خداوند خدای ما،

ای شاه عالم،

تو که سراسر جهان را

از روی نیکی و مهر و رحمتت غذا می دهی.

تو متبارکی، ای خداوند،

که سراسر عالم را غذا می بخشی.

ای خداوند خدای ما، تو را سپاس می گوئیم،

زیرا زمین مطلوب را به میراث به ما داده ای،

[تا از میوه های آن بخوریم

و از نیکویی آن سیر گردیم]

تو متبارکی، ای خداوند خدای ما،

برای زمین و برای روزی.

ای خداوند خدای ما، ترحم فرما

بر بنی اسرائیل قوم تو و اورشلیم، شهر تو

و به صهیون مقر جلال تو،

و به پرستشگاه و قربانگاه تو.

متبارکی، ای خداوند، که اورشلیم را بنا نهاده ای .

تو متبارکی ای خداوند خدای ما،

ای شاه عالم،

(تو که) نیکو و مهربانی!

تو متبارکی، ای خداوند خدای ما،

ای شاه عالم،

(تو که) نیکو و مهربانی!

«برکت ها مازون»

متن آیین نیایش بر اساس «سیدور راوساآجا»

تو متبارکی، ای خداوند خدای ما،
ای شاه عالم،
تو که ما را روزی می دهی و به همه جهانیان (روزی می بخشی)
از روی نیکی، فیض، مهر و رحمت.
تو متبارکی، ای خداوند،
تو که جهان را روزی می بخشی.

ای خداوند خدای ما، تو را سپاس می گوئیم
زیرا زمینی وسیع، مطلوب و پربار را،
عهد و شریعت، زندگانی و روزی را
برای ما به میراث نهاده ای.
برای همه این (نیکی‌ها) از تو سپاسگزاریم
و نام تو را جاودانه متبارک می خوانیم.
تو متبارکی، ای خداوند،

برای زمین و برای روزی!
ای خداوند خدای ما بر ما ترحم فرما
بر بنی اسرائیل قوم تو و بر اورشلیم شهر تو،
بر پرستشگاه تو و خانه تو^۴،
بر صهیون که مقر جلال توست،
بر مسکن برافراشته و مقدس تو.
سلطنت خاندان داود را،
در ایام ما به جای خویش بازآور.
و اورشلیم را بزودی بنا نما.
تو متبارکی، ای خداوند،
که اورشلیم را بنا می نهی! آمین.

تو متبارکی، ای خداوند خدای ما،
ای شاه عالم،
خدایی که پدر ما، شاه ما و آفریدگار مایی،

۴- در این جا منظور از «خانه» معبد است.

منجی ما، شاهی نیکو و نیکو کردار.
تو هر روزه مشتاق و نگرانی
تا به راه های بسیار بر ما نیکی بخشی.
این تویی که ما را همواره کثیر می سازی
با فیض، محبت، روح، رحمت و هر نیکویی

«شمنونه عشره» (Shemoneh-Essreh)

(برکات هیجده گانه)

«برکات هیجده گانه» رسمی ترین نیایش ها و بارزترین معرف دیانت یهود است. این برکات را «عمیده» نیز می گویند که ریشه این واژه عبری فعل «عمد» به معنی برپا ایستادن است زیرا آنها را به حالت ایستاده بیان می کردند و به طور ساده تر «تفیللا» (Tephillah) (یعنی همان نیایش) نیز می خوانند چون از نظر دیانت یهود به اعلا درجه «نیایش» است. این برکات شامل سه نیایش برکت مقدماتی و به دنبال آن وازده نیایش استغاثه و طلب (که اینها نیز به نیایش برکات ختم می شوند) و سرانجام سه نیایش برکت نهایی می باشند. متن اصلی ممکن بود به واسطه اضافاتی گسترده تر شده باشد که مهمترین اضافات - قبل از برکت سوم - نیایش «قدوشا» (Qedushah) است که حاوی نیایش «قدوس» مسیحیان می باشد. در روزهای سبت و روزهای جشن، دوازده نیایش میانی و واسطه ای خوانده نمی شد.

تأثیر سنت و فرسایش روح دینداری به مرور زمان عباراتی را که آشکارا متعلق به دوران متفاوت است در یک نیایش واحد درهم آمیخته است. تصور بر آن است که برکات هیجده گانه در آغاز قرن اول میلادی به عنوان یک واحد وجود داشته است. سه برکت نخستین و سه برکت پایانی به دوران قبل از مسیحیت برمی گردند. برکات دوازدهم و چهاردهم مربوط به دوران بعد از ویرانی معبد به سال ۷۰ میلادی است. نیایش برکت دوازدهم «لامشومادیم» (La-Meshumadim)، از «مرتدان»، تحت عنوان هامینیم (Ha-minim) اد می کند که اشاره به یهودیانی دارد که به «فرقه» مسیحی گرویده اند. تدوین نهایی کل نیایش مربوط به دوران غمالاتیل دوم (مقارن سال ۹۰) است. این تدوین بدان معنا نیست که متن تمام دستورالعمل ها قطعی است بلکه منظور، صرفاً برقراری نظم در هیجده نیایش برکت بوده است.

عیسی از «نیایش برکات هیجده گانه» مطلع بوده و در اناجیل به آن اشاره می کند. در واقع آغاز «سرایش هلهله» (مت ۲۵:۱۱-۲۷، لو ۱۰:۲۱-۲۲) و عبارت «خدای ابراهیم و اسحق و یعقوب» (مت ۲۲:۳۲، مر ۱۲:۲۶، لو ۲۰:۳۷) همه از اولین نیایش برکت گرفته شده است.

تأثیر نیایش برکات هیجده گانه بر آیین نیایشی مسیحیت چیست؟ به طور کلی می توان خاطر نشان کرد که دوازده نیایش میانی، که در واقع در بیان استغاثه و طلب است، مابین ستایش و سپاسگزاری قرار داده شده است. بدین ترتیب آئین نیایش مسیحی آموخته است که هرگز ستایش را از استدعا جدا نسازد و همین کار را در نیایش های بزرگداشت خود با قرار دادن نیایش های استغاثه در داخل آنها انجام می دهد. بنابراین، این

نیایش ها می توانند هم مدعی قدمت بسیار باشند و هم به واسطه ستایشی که آنها را احاطه می کند به نحوی از بهت بیشتر برخوردار باشند. به گونه ای باز دقیق تر متوجه می شویم که سه برکت نخستین همراه با نیایش «قدوس» یادآور نیایش سپاسگزاری در برگزاری آئین سپاس امروز است در حالی که برکات «ابهودا» و «هوداآه» یادآور طلب نزول روح القدس و حمد و ثنا می باشد.

«نیایش برکات هیجده گانه» به صورت دو نسخه اصلی به دست ما رسیده است: یکی نسخه فلسطینی که در سال ۱۸۹۸ در «جنیزا» (Geniza)، در قاهره توسط «س. شختر» (S. Schechter) کشف شده و دیگری نسخه بابلی، با وجود این که به نظر می آید که در اصل فلسطینی است، لیکن در دوران بعدی از نوعی استقلال دبی برخوردار گشته است. تفاوت هایی که بین این دو نسخه مشاهده می شود گواه آن است که در سنت های کنیسه نوعی انعطاف پذیری حفظ شده است که خود یک نیایش زنده می باشد، اما تفاوت های فوق، جریان عادی نیایش را تغییر نمی دهد.

* * *

الف) نسخه فلسطینی

خداوندا، لب هایم را بگشا،

تا زبانم تسبیح تو را اخبار نماید! (مز ۵۱:۱۵)

۱- «ابھوت» (Abhoth). تو متبارکی، ای خداوند، خدای ما و خدای پدران ما، خدای ابراهیم، خدای اسحق و خدای یعقوب، خدای بزرگ، قدرتمند، مهیب، خدای متعال، خداوند آسمان و زمین، سپر ما و سپر پدران ما که ایمان ما را از نسلی به نسلی فزون تر می گردانی. تو متبارکی، ای خداوند، ای سپر ابراهیم!

۲- «جبهوروت» (Gebhuroth). تو قدرتمندی تو متکبران را سرنگون می کنی، تو قوی هستی، تو ستمگران را داوری می نمای، تو جاودانه زنده ای، تو مردگان را حیات می بخشی، باد را برمی گردانی، شبنم را می پاشی، زندگان را غذا و مردگان را حیات می بخشی. تو در یک چشم برهم زدن جوانه نجات را می رویانی! متبارک باشی، ای خداوند، که مردگان را حیات می بخشی!

۳- «قدوشا» (Qedushah). تو قدوسی، نامت هراس انگیز است، به غیر از تو دیگر خدایی نیست. متبارک باشی، ای خداوند، خدای قدوس!

۴- «بینا» (Binah). ای پدر ما، فیض معرفتی که از تو می آید و نیز هوشیاری و تشخیصی که از شریعت تو (می آید) به ما عطا فرما. متبارک باشی، ای خداوند، که ما را فیض معرفت عطا می کنی!

۵- «تشویبا» (Tashubhah). «ای خداوند ما را به سوی خود برگردان و بازگشت خواهیم کرد و روزهای ما را چون زمان گذشته تازه گردان» (مرا ۵:۲۱). متبارک باشی، ای خداوند، که از روی آوردن ما به تو خشنود هستی!

۶- «سلیها» (Selihah). ما را ببخش، ای پدر ما، زیرا علیه تو گناه کرده ایم. خطایای ما را محو کن و از پیش چشم خود بردار زیرا رحمت های تو بسیارند. متبارک باشی، ای خداوند، که می شتایی تا آمرزش را بیافزایی!

۷- «جه اولا» (Ghe ullah). به خاطر نامت، درماندگی ما را بنگر، امر ما را به دست خود بگیر، و به خاطر نامت ما را باز خرید کن. متبارک باشی، ای خداوند، ای رهاننده اسرائیل!

۸- «رفوآ» (Rephuah). ای خداوند خدای ما، ما را از همه اضطراب های درونی امان شفا بخش، غم و ناله را از ما دور ساز، بر زخم های ما مرهم بگذار. متبارک باشی، ای خداوند، که بیماران قومت بنی اسرائیل را شفا می بخشی!

۹- «برکت ها شانیم» (Birkat Ha-Shanim). ای خداوند، خدای ما، این سال را برای ما برکت ده تا میوه های بسیار و گوناگون به بار آورد. و سال با خرید ما را به زودی فرارسان. شبنم و باران را بر زمین بباران. دنیا را از گنجینه های نیکی ات سرشار ساز. عمل دست های ما را برکت ده متبارک باشی، ای خداوند، که سال ها را برکت می دهی!

۱۰- «کیبوتس گالیوت» (Qibbuts Galuyoth) بر کرنای بزرگ برای رهایی ما بدم. برای جمع آوری اسرای ما پرچم برافراز. متبارک باشی، ای خداوند، که تبعید شدگان قوم خود بنی اسرائیل را گردهم می آوری!

۱۱- «میشپات» (Mishpat) «داوران ما را آن گونه که در گذشته بوده اند گردان، مشیران ما را چنان که سابق بوده اند گردان» (اش ۲۶:۱). تو به تنهایی بر ما پادشاهی کن. متبارک باشی، ای خداوند، که عدالت را دوست می داری!

۱۲- «لا مشومادیم» (La Meshumadim). برای مرتدان هیچ امیدی نباشد. سلطه غرور را از بیخ برکن. متبارک باشی، ای خداوند، که مغروران را تحقیر می نمایی!

۱۳- «لاتسادیکیم» (La Tsadiqim). برای نوایمانانی (که طالب) عدالتند ترحم تو، ای خداوند، برانگیخته شود. به ما، و به آنانی که خواست تو را به جای می آورند پاداش نیکی عطا فرما. متبارک باشی، ای خداوند، که اعتماد عادلان را فزونی می بخشی!

۱۴- «یروشالایم» (Ierushalayim). ای خداوند، خدای ما، در کثرت بخشایش خود بر قومت بنی اسرائیل، بر اورشلیم و صهیون، مقرر جلال تو، قدس تو، خانه تو و سلطنت خاندان داود، آن مسح شده عدل تو، رحمت آور.

متبارک باشی، ای خداوند، خدای داود، که اورشلیم را بنا می کنی!

۱۵- «تفیلآ» (Tephillah). ای خداوند، خدای ما، آوای نیایش ما را بشنو و بر ما رحمت فرما، زیرا تو خدای مهربان و رحیم هستی. متبارک باشی، ای خداوند، که نیایش ها را می شنوی!

۱۶- «ابهودا» (Abhodah). باشد ای خداوند، خدای ما، که تو را خوش آید که صهیون را مقرر خود سازی. باشد که خدمتگزارانت در اورشلیم تو را خدمت کنند. متبارک باشی، ای خداوند، که ما طالبیم با احترام تو را خدمت کنیم!

۱۷- «هودا آه» (Hoda ah). ای خداوند، تو را سپاس می گویم زیرا خداوند خدای ما و خدای پدران ما هستی به خاطر تمام بخشایش هایت، برای نیکویی و رحمت هایت که با آنها ما را پرورانده ای و آنها را به ما و به پدران ما پیش از ما عنایت فرموده ای. وقتی می گفتیم: «پاهای ما می لنگند، محبت تو، ای خداوند، ما را نگاه می دارد» (ر.ک مز ۹۴:۱۸). متبارک باشی، ای خداوند، که نیکوست تو را سپاس گفتن!

۱۸- «شالوم» (Shalom). به قوم خود بنی اسرائیل، به شهر خود، به میراث خود، صلح و سلامت عطا فرما. نگاه همه با هم تو را نیایش خواهیم کرد: متبارک باشی، ای خداوند، که صلح و سلامت می بخشی!

ب) نسخه بابلی

خداوندا لب هایم را بگشای

تا زبانم تسبیح تو را اخبار نماید (مز ۵۱: ۱۵)

۱- «**ابهوت**» (Abhoth) تو متبارکی، ای خداوند، خدای ما و خدای پدران ما، خدای ابراهیم، خدای سحق و خدای یعقوب، خدای بزرگ، قدرتمند و هراسناک، خدای متعال که ما را از نعمت های خود سرشار می سازی، پادشاه عالم، که وفای پدران ما را به یاد داری و از برای ذریت ایشان به خاطر عشق نامت ای پادشاه، یاور، منجی و ای سپر مدافع، نجات دهنده می فرستی. متبارک باشی، ای خداوند، سپر بلای ابراهیم!

۲- «**جهوروت**» (Ghebhuoth) خداوندا، تو جاودانه قادر هستی، مردگان را زنده می گردانی، زندگان را! به خاطر مهربانی ات روزی می رسانی، با رحمت های بی شماری مردگان را زنده می گردانی، «افتادگان را برمی خیزانی» (مز ۱۴۵: ۱۴)، به آنان که در خاک خفته اند وفای خود را باقی می داری. چه کسی مانند نوست ای خداوند، (که) شگفتی ها پدید می آوری؟ چه کسی همانند توست «که می میرانی و زنده می گردانی» (۱- سمو ۲: ۶)؟ تو در شکفتن بذر نجات درنگ نمی کنی، تو امینی که به مردگان حیات می بخشی. متبارک باشی، ای خداوند، که به مردگان حیات می بخشی!

۳- «**قدوشا**»^۵ (Qedushah). افواج آسمانی، همراه با جماعت این جهان بر سر تو تاج می نهند. آنها همه با هم سه مرتبه قدوس تو را می سرایند، همان طور که نبی گفته است و این چنین می خوانند:

قدوس، قدوس، قدوس یهوه صباپوت

تمامی زمین از جلال او مملو است! (اش ۳: ۶).

آنگاه آنان با صدایی خروشان، چون رعد بر طنین، شگرف و پر قدرت، رو به تو خواهند گفت:

«متبارک باشد جلال خداوند در مسکن تو!» (حزق ۳: ۱۲)

از جایگاهت، ای شاه ما، بر ما بدرخش و سلطنت بران زیرا ما به انتظار تویم. چه وقت سلطنت خواهی راند؟ هر چه زودتر به عمر ما، در صهیون سلطنت ران و در زندگی ما مسکن خود را برقرار نما. در میان ورشلیم، شهر ما، از نسلی به نسلی و تا ابدالآباد جلال بیاب و قدوس باش. باشد که چشمان ما سلطنت تو را ببینند، برحسب کلامی که در سرایش قدرت تو از زبان داود، که به عدل تو تدهین گردیده است، گفته شد:

«خداوند سلطنت خواهد کرد تا ابدالآباد،

و خدای تو ای صهیون، نسلاً بعد نسل! هلولیا!» (مز ۱۴۶: ۱۰)

از نسلی به نسلی سلطنت خدا را اعلام می کنیم، زیرا تنها او متعال و قدوس است. ای خدای ما، باشد که اعلام جلال تو هرگز لب های ما را ترک نگویید، زیرا تو پادشاه بزرگ و قدوس مطلق هستی. متبارک باشی، ای خداوند، ای خدای قدوس!

۴- «**بینا**» (Binah). تو به بشر فیض معرفت عطا می کنی و به انسان میرا هوشمندی را می آموزی. ما را

۵- متن این برکت سوم تا نقل مزمو ۱۴۶: ۱۰ به متن اولیه نیایش (که توسط رهبر مراسم در حضور جماعت خوانده می شد) اضافه شده است و بنابراین بعضی سنت ها، جماعت با نقل سه آیه از کتاب مقدس به آن جواب می داد.

فیض آن معرفتی که از سوی تو می آید و نیز قدرت درک و تشخیص عطا فرما. متبارک باشی، ای خداوند، که فیض معرفت را به ما می بخشی!

۵- «تשובا» (Tashubhah). ای پدر ما، ما را به شریعت خود بازگردان، ای پادشاه ما. ما را به خدمت گیر. ما را به حضور خود، از طریق بازگشت و توبه کامل بازآور. متبارک باشی، ای خداوند، که از روی آوردن ما به تو لذت می ببری!

۶- «سلیها» (Selihah) ای پدر ما، ما را ببخش زیرا گناه کرده ایم. بر ما رحمت فرما زیرا که مرتکب علاف شده ایم. متبارک باشی، ای خداوند، که ترحم می کنی و بخشایش خود را افزون می گردانی!

۷- «جه اولا» (Ghe ullah). به خاطر نامت، درماندگی ما را بنگر، امر ما را به دست خود گیر، در بازخرید ما شتاب کن، زیرا تو منجی قدرتمند هستی. متبارک باشی، ای خداوند، که بنی اسرائیل را بازخرید می کنی!

۸- «رفوا» (Rephu-ah). ای خداوند خدای ما، ما را شفا بخش و ما از تمامی دردهای خود شفا خواهیم یافت. زیرا تو خدایی هستی که شفا می بخشی، تو خدای بخشنده ای. متبارک باشی، ای خداوند، که بیماران قوم خود بنی اسرائیل را شفا می بخشی!

۹- «برکت ها شانیم» (Birkat Ha-Shanim). ای خداوند خدای ما، این سال را بر ما مبارک گردان: تا بیه های بسیار و گوناگون به بار آورد. متبارک باشی، ای خداوند، که سال ها را برکت می دهی!

۱۰- «کیبوتس گالیوت» (Qibbuts Galuyoth). کرنای بزرگ را به خاطر رهائی ما به صدا در آور. برای گردآوردن اسرای ما پرچم برافراز، رهایی ما را اعلام فرما، ما را از چهار گوشه جهان به گرد هم آور. متبارک باشی، ای خداوند، که تبعیدیان قوم بنی اسرائیل را گرد هم می آوری!

۱۱- «میشپات» (Mishpat) «داوران ما را آن گونه که در گذشته بوده اند گردان و مشیران ما را چنانچه سابق بوده اند» (اش ۱: ۲۶). بر ما با عدل و حق سلطنت ران. متبارک باشی، ای خداوند، تو که «عدالت و حق را دوست می داری» (مز ۳۳: ۵).

۱۲- «لا مشومادیم» (La Meshumadim). برای مرتدان هیچ امیدی نباشد. باشد که ملحدین به لحظه ای تباہ گردند و تمامی دشمنان قوم تو آنما محو گردند. در ریشه کنی سلطه غرور درنگ موز، آن را بشکن و در ایام ما آن را تحقیر فرما. متبارک باشی، ای خداوند، که قدرت کفار را در هم می شکنی و مغروران را تحقیر می کنی!

۱۳- «لا تسادیکیم» (La Tsadiqim) باشد که برای عادل، پرهیزکار، نوایمان (که در طلب) عدالت بستند رحمت های تو، ای خداوند خدای ما، برانگیخته شود. به آنان که با وفاداری به نام تو اعتماد کرده اند پاداشی نیکو عطا فرما. ما را در (خوشبختی) آنان سهیم دار، باشد که هرگز چهره ما از شرم سرخ نگردهد. متبارک باشی، ای خداوند، که حافظ و امید عادلان هستی!

۱۴- «یروشالائیم» (Jerushalayim). به خاطر رحمتت، به اورشلیم، شهر خود بازگرد. به روزگار ما سکن جاودانی خود را در آن جا بنا کن. متبارک باشی، ای خداوند، که اورشلیم را بنا نهادی!

۱۵- «داود» (David). جوانه داود را به زودی شکوفا گردان. از طریق نجات خود قدرت او را (شاخ وی) برافراز. متبارک باشی، ای خداوند، که قدرت (شاخ) نجات را بار دیگر شکوفا می گردانی!

۱۶- «تفیل» (Tephillah). ای خداوند خدای ما، آوای ما را بشنو و با رحمت و مهربانی نیایش ما را بپذیر. زیرا از ازل تو آن خدایی که نیایش و استغاثه ما را می شنوی.

۱۷- «ابهودا» (Abhodah). ای خداوند خدای ما، شادی خود را در قوم اسرائیل بیاب، به نیایشش توجه کن. آیین نیایش را در پرستشگاه و مقام خود احیاء کن. به خاطر محبتت قربانی های بنی اسرائیل و نیز نیایش های ایشان را با مهربانی پذیرا باش. باشد که خدمت قوم تو، بنی اسرائیل همواره تو را خوش آید، اشد که چشمان ما بازگشت تو را به صهیون ببینند. آری بگذار که چشمان ما بازگشت رحمت تو را بر فراز صهیون ببینند! متبارک باشی، ای خداوند، که آمدی تا بار دیگر در صهیون ساکن شوی.

۱۸- «هودا آه» (Hoda ah). تو را سپاس می گوئیم زیرا تو خداوند خدای ما، صخره حیات ما و سپر جات ما هستی، از نسلی به نسلی. تو را سپاس خواهیم گفت، تو را ستایش خواهیم کرد به خاطر زندگانی امان که به دست های تو سپرده ایم و برای جان هایمان که تو محافظت می نمایی. تو نیکویی زیرا رحمت های تو را پایانی نیست. تو بر ما ترحم می فرمایی زیرا مهربانی های تو را خلی نیست. از ازل اعتماد خود را بر تو نهاده ایم. ای خداوند خدای ما، تو بر ما شرمساری نفرستاده ای، تو ما را ترک ننموده و چهره ات را از ما نپوشانده ای.

ای پادشاه ما، باشد که به خاطر همه این نیکویی ها نامت متبارک و تا ابد ستوده باشد، از ازل تا به ابد! باشد که همه زندگان جاودانه تو را سپاس گویند و نامت را به راستی بسرایند. متبارک باشی، ای خداوند، نامت نیکوست و سزاواری که تو را سپاس گویند.

۱۹- «شالوم» (Shalom). به ما و به قوم خود صلح، شادی، برکت، رأفت و رحمت عطا فرما. همه ما را، ی پدر ما، با نور چهره ات متبارک گردان. زیرا با نور چهره ات ای خداوند خدای ما، به ما قانون حیات، محبت، رأفت، عدالت، رحمت و صلح را عطا فرموده ای. باشد که تبرک قوم تو بنی اسرائیل برای همیشه تو را خوش آید. متبارک باشی، ای خداوند، که قوم خود را در صلح و سلامتی، برکت می بخشی

* * *

شمع اسرائیل (بشنو، ای بنی اسرائیل)

برکت یوتسر

«شمع اسرائیل»، اظهار ایمان یهودیت و هم چنین تأکید اساسی شریعت یهود است که از آن مسیحیت نیز بی باشد: «خداوند خدای خود را با تمامی دل، با تمامی روح و با تمام نیروی خود دوست خواهی داشت» که شامل متن کتاب تثنیه ۶: ۴-۹ است که با «شمع اسرائیل» (بشنو، ای بنی اسرائیل) آغاز می شود و به همین خاطر است که عنوان «شمع» به تمام متن اطلاق گردیده است. قطعه منتخب از کتاب تثنیه ۱۱: ۱۳-۲۱ و همچنین از کتاب اعداد ۱۵: ۳۷-۴۱ که یادآور رهایی از مصر است نیز بدان افزوده می گردد. سنت بنی اسرائیل را این تمایل هست که دوران قرائت «شمع» را به عهد یعقوب و حتی موسی باز

گرداند: این تمایل دست کم بدین معناست که سنن یهود از قدمتی دیرینه برخوردار می باشد. به هر حال نزدیکی نیست که این نیایش مربوط به دوران قبل از مسیحیت بوده است. وقتی کاتبی نخستین فرمان از فرامین الهی را از عیسی سؤال کرد، عیسی بلافاصله در پاسخ، آغاز «شمع اسرائیل» را برای وی خواند (مر ۲۹:۱۲).

«شمع» در اصل نه یک نیایش بلکه اظهار ایمان بود. اما به عقیده «د.و.استرک» (D.W.Staerk) بعدها به صورت نیایش اصلی آیین یهود در آمد. در واقع از نظر سنتی این تمایل وجود داشته است که ابراز ایمان در جوی از ستایش و برکت صورت گیرد. از این جا دو نیایش برکت دیگر یعنی «برکت یوتسر» (Birkat Yotser) و «برکت آهابا ربّا» (Birkat Ahabbah Rabbah) به منزله درگاهی از ستایش است که روح یهود را به ابراز ایمان هدایت می کند و سومین نیایش برکت نیز یعنی «امت-و-یاتسیب» (Emet-We-Yatsib) این ابراز ایمان را با برکتی به پایان می آورد.

در این جا نیایش «برکت یوتسر» (Yotser) را آورده ایم که با ستایش از خالق نور و تاریکی شروع می شود: بدین معنا که هر فجر تازه ای که آفریدگار بر روی دنیا روشن می نماید به مانند آفرینشی جدید است. خواندن این نیایش برکت، به ویژه در مواردی که نیایش «شمع» به صورت نیایش بامدادی به کار می رفت، مناسب بود. ستایش سپس با نیایش برکت خدائی که جهان فرشتگان را آفریده است همراه با آوای «قدوس» سرافیان (مذکور توسط اشعیا نبی) ادامه می یابد.

«برکت یوتسر» ممکن است به صورت الگوئی در آئین بزرگداشت (Anaphore) مسیحیان به کار رفته باشد که این آئین نیز با تبرک خدای خالق آغاز می شود و سپس به آوای قدوس می رسد.

* * *

متبارک باشی، ای خداوند خدای ما، شاه عالم، تو که «پدید آورنده نور و آفریننده تاریکی» (اش ۷:۴۷) هستی، تو که با رحمت خود زمین و ساکنان آن را منور می گردانی و با نیکی خویش، اعمال آفرینش خود را هر روزه تجدید می نمایی.

«ای خداوند اعمال تو چه شکوهمند است! جمیع آنها را به حکمت کرده ای و زمین از غنای تو پر است» (مز ۱۰۴:۲۴). ای پادشاه متعال، از ازل یگانه خداوند بوده ای، پر جلال، عظیم و ستوده از ازل تا به ابد! ای خدای عالم، برحسب رحمت های بی شمار خود بر ما رحم فرما، ای خداوند متعال نیروی ما، صخره ما، سپر نجات ما و ای پناه ما!

خدای تبارک و تعالی با حکمت عظیم خویش اشعه خورشید را آماده و متشکل ساخته است. این نعمت را به خاطر جلال نام خود فراهم آورده است. ستارگان را برحسب قدرت خویش بر جایشان نهاده است. رهبران لشگریانش (فرشتگان) مقدس هستند. آنها همواره تعالی خدا را می سرایند، جلال قادر متعال و تقدسش را

علام می‌کنند. متبارک باشی، ای خداوند خدای ما، به خاطر درخشش اعمال دست‌هایت و ستارگانی که فریده‌ای. باشد که ستارگان جلال تو را بسرایند!

متبارک باشی ای صخره‌ما، ای شاه‌ما، منجی‌ما که (فرشتگان) مقدس را می‌آفرینی. پرجلال باد نام تو تا به ابد. پرجلال باد نام تو، ای شاه‌ما، که فرشتگان را می‌آفرینی! فرشتگان تو دراعلی‌علیین اند، همگی با نرس، با صدای بلند کارهای خدای حی و شاه‌عالم را اعلام می‌کنند. همه آنها مقدسند، همه برگزیده و همه قدرتمندند، با فروتنی و ترس اراده‌آفریدگار خود را به جای می‌آورند، همگی دهان خود را به تقدس و پاکی می‌گشایند و شاه مقدس و نام خدا را... با الحان خوش می‌سرایند، متبارک می‌خوانند، جلال می‌دهند، می‌ستایند و پرستش می‌نمایند... و با بیم و هراس می‌گویند:

«قدوس، قدوس، قدوس است خداوند صباوت!

تمامی زمین از جلال او مملو است» (اش ۳:۶).

هم «أفانیم»^۶ (Ophanim) و هم «موجودات زنده مقدس» (Hayyot) با صدایی رعدآسا در برابر هم ایستاده، او را تجلیل می‌نمایند و می‌گویند:

«جلال خداوند در مسکن او متبارک باد» (حزق ۳:۱۲).

سرودهای خود را به خداوند تبارک و تعالی تقدیم می‌دارند، به آن خدایی که شاه است، حی و ابدی، سرودها می‌خوانند و ندای ستایش برمی‌آورند، زیرا اعمال تازه و شگفت‌آز او پدید می‌آید، او که سردار نبردهاست. او تخم عدالت افشاننده نجات را برآورده و شفا را پدید می‌آورد. او برای ستایش، متعال است، او که خداوند شگفتی‌هاست.

او به خاطر نیکویی‌اش روز به روز و همواره اعمال آفرینش خود را تجدید می‌نماید هم چنان که گفته شده است «اختران بزرگ بیافریده زیرا محبت وی ابدی است!» (مز ۱۳۶:۷)

با نوری نوین صهیون را منور ساز! باشد که به زودی سزاوار نور تو گردیم! متبارک باشی، ای خداوند، که ستارگان را می‌آفرینی!

«قدیش» یهود و نیایش مسیحی «ای پدر ما»

قدیش

نیایش «ای پدر ما» اساس تمام نیایش‌های رسمی یا به‌طور ساده‌تر بگوییم اساس تمام نیایش‌های مسیحی است. اما نیایش قدیش یهود، اساس نیایش «ای پدر ما» است. در این‌جا، به‌عنوان نتیجه‌گیری از

۶- در این بخش از نیایش «یوتسر» (Yotser) به رؤیایی که در آغاز کتاب حزقیال نبی آمده است اشاره می‌شود. طبق سنت یهود، فرشتگان گرداگرد عرش آسمانی، که جلال خدا بر آن قرار دارد ایستاده آن را نگاه می‌دارند. آنان شامل سرافین (اش ۲:۶)، کروبیان (حزق ۱۰:۳)، حائیوت یعنی چهار موجود زنده مقدس (حزق ۱) و افانیم یعنی چهار چرخ آسمانی که مسکن ارواح آن موجودات زنده است (حزق ۱:۲۰) می‌باشند. در بابل چرخ، علامت خورشید بوده و نشانه ذات الهی است. ستایش از فرشتگان معمولاً به همراه روایت آفرینش ستارگان می‌آید زیرا عقیده بر آن بود که فرشتگان به حکومت عناصر تشکیل دهنده عالم منصوب شده‌اند.

سنت و روایت یهود ونیز به عنوان آغازی بر عهد جدید، از «قدیش» یهود و نیایش مسیحی «ای پدر ما» سخن می گوئیم.

«قدیش» که به زبان آرامی به معنی «تقدیس» است در پایان مراسم کنیسه ای خوانده می شد و از این رو میسی از زمان کودکی آن را می شناخت. این نیایش تحت پنج شکل اصلی معرفی شده است که برای مراسم و موارد گوناگون مناسب است. دو درخواست نخستین نیایش «ای پدر ما» از دو درخواست نخستین «قدیش» الهام گرفته است.

* * *

باشد که نام عظیمش متعال و مقدس باد
در جهانی که از روی میل و علاقه خود آفریده است!
باشد که او پادشاهی خود را حاکم سازد
به دوران حیات و روزگار شما،
و به دوران زندگی تمامی خاندان اسرائیل
هم اکنون و در آینده نزدیک.
تا همه گویند: آمین!

باشد که نام خداوند- متبارک باداو!
متبارک، ستوده، پر جلال، مجید، متعال،
پرافتخار، بزرگ و سروده باد.
وی فراتر و برتر
از هر برکت، سرود، ستایش و تسلی است
که در این جهان بر زبان آید.
تا همه گویند: آمین!

ای پدر ما

نیایش «ای پدر ما»، از دو روایت برحسب متی و لوقا به ما رسیده است. این دو روایت غیر قابل
لمخیص است بدین معنا که نمی توان آن را به متن اصلی واحدی، چه عبری و چه آرامی، برگردانید. برگردان
مجدد آن از زبان امروزی به زبان آرامی، چه از متن متی و چه از متن لوقا، در هر مورد وجود یک تحرک
موزون و زیبایی بیان را آشکار می سازد. بنابراین احتمال دارد که دو روایت ناشی از تعلیمات عیسی، شفاهی
بوده و پیش از آن که در اناجیل ضبط گردند، به طور مجزا وجود داشته اند. و نیز محتمل است که متن متی
بیشتر نماینده سنت جلیلی و متن لوقا نمایانگر سنت انطاکیه ای باشد.

حتی اگر بررسی کلمه به کلمه آموزش های عیسی برای مفسرین کتاب مقدس امری بی نهایت مطلوب باشد
بع الوصف نباید مسحور کلمات گردید. زیرا حتی در نیایش ربانی، روح سخن از واژه ها مهم تر است و

برحسب این روح، تمام نیایش‌های مسیحی باید ندای پسر به پدر باشد که همان در واژه «پا» (پدر) خلاصه می‌شود. «ژرمیاس» (J. Jeremias) در این مورد چنین توضیح می‌دهد: «ابا، یک عبارت کودکانه و روزمره و دای ادب و احترام بود. معاصرین عیسی نسبت به کاربرد این کلمه خودمانی در خطاب به خدا چنین احساس می‌کردند که این کار به دور از احترام و حتی غیر قابل تصور می‌باشد. اما این کاری بود که عیسی جرأت انجام آن را داشت ... در این جا باید متوجه رابطه عیسی با خدا بود. عیسی خدا را چون کودک پدر خویش را، خطاب می‌کرد یعنی سرشار از اعتماد و محبت ولی در عین حال مملو از احترام و آماده اطاعت. حتی در رسمی‌ترین نیایش‌ها و در برپایی شکوهمندترین آیین‌های عبادت بایستی همواره به خاطر داشته باشیم که مهم‌ترین لقب همین «ابا، پدر» است که فرد مسیحی، به عنوان فرزند آسمان، به پدر خود تقدیم می‌دارد.

لوقا ۱۱: ۲-۴

ای پدر!

مقدس باد نام تو!

فرمانروایی تو بیاید.

نان روزانه ما را

هر روز به ما بده.

و گناهان ما را ببخش،

زیرا ما نیز هر کس را که به ما مدیون است

می‌بخشیم.

و ما را در وسوسه میاور.

متی ۶: ۹-۱۳

ای پدر ما

که در آسمان‌هایی

نام تو مقدس باد!

ملکوت تو بیاید،

اراده تو انجام شود،

بر زمین، چنان که در آسمان، است.

نان روزانه ما را

امروز به ما بده.

و قرض‌های ما را ببخش،

چنان که ما نیز مدیونان خود را

بخشیده‌ایم.

و ما را از وسوسه میاور

بلکه ما را از شریر رهایی ده

۷- این مدح و ثنا در متن اولیه متی نیامده است اما متعلق به دوران بسیار قدیم است (بنا بر شهادت «دیداکه». این مدح و ثنا در جهت سنت کتاب مقدس (به طور مثال در ۱-توا ۲۹: ۱۰-۱۱) و نیز در سنت یهود قرار دارد که در «میشنا» (Mishna) قید شده است که دعاها باید با ذکر مدح و ثنا به پایان برسند. «آ. کارمیناک» (A. Carmignac) نوشته است: «مدح و ثنا اثری بسیار قدیمی است (قرن اول یا دوم میلادی) که در حدود قرن سوم توسط یک نسخه بردار از اهالی انطاکیه در انجیل متی گنجانیده شده است». «ا. لومیر» (E. Lohmeyer) نیز به همان نتیجه رسیده است: «برحق است که این مدح و ثنا را یک عطیه کلیسای سوری بدانیم زیرا به کارگیری عمومی آن در کلیسا از آن جا نشأت می‌گیرد».

به یاد آور تمامی راه را که یهوه خدایت
تو را این چهل سال در بیابان رهبری نمود...
او تو را ذلیل و گرسنه ساخت
و من را به تو خورانید...
تا تو را بیاموزاند
که انسان نه به نان تنها زیست می کند
بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر می شود
انسان زنده است
(تث ۸ : ۲-۳)

روایت بنیانگذاری آئین شکرگزاری

این پیاله عهد جدید است
در خون من .
هر گاه این را بنوشید
به یادگاری من بکنید .
زیرا هر گاه این نان را بخورید
و این پیاله را بنوشید
موت خداوند را ظاهر می نمایید
تا هنگامی که باز آید .
(۱-قرن ۱۱: ۲۵-۲۶)

شام خداوند

سنت جامعه مسیحی

متن برقراری «شام خداوند» مورد شهادت اناجیل نظیر، مرقس، متی و لوقا و نیز پولس قدیس در رساله بکم به قرنتیان است. چنانچه این چهار روایت را با هم مقایسه کنیم، متوجه مطابقتی از یک سو مابین روایت متی و مرقس از سوی دیگر مابین لوقا و پولس می شویم. این بدین معناست که جوامع اولیه مسیحی با نقل دوگانه این روایت آشنایی داشته اند.

– روایت متی و مرقس از یک محفل فلسطینی آمده و زبان بیان آن گواه بر اصل سامی زبان آن است.

– روایت لوقا و پولس، گواه رسم معمول کلیسای انطاکیه است و به زبان یونانی بهتری تنظیم شده. طبیعی است که محافل انطاکیه خیلی زود متوجه لزوم داشتن یک متن یونانی معتبر جهت برگزاری آیین های نیایشی خویش گردیدند.

تعیین این که کدام متن قدیمی تر است ممکن نیست، هر دو روایت شامل عناصر و عواملی است که آن را بسیار به روایت اصلی نزدیک می کند. حتی متن مرقس – که انجیل وی معمولاً حاوی کهن ترین روایات است در مورد الحاق آیه ۲۴ به ۲۳ نشان از دست مداخله گرنویسنده ای دارد. در واقع با خواندن این متن به همان صورت ظاهری که دارد، ممکن است چنین به نظر آید که دوازده شاگرد مسیح نخست جام تقدیس شده را سر کشیده اند (آیه ۲۳) و تنها بعد از آن پی برده اند که آن خون عهد بوده است (آیه ۲۴). بدیهی است که جریان امر در شام مقدس بدین ترتیب نبوده است. لذا بعداً چنین تصور شده است که آیه ای که بیانگر خون عهد است (آیه ۲۴) در مرحله ای دیگر به روایت افزوده شده که سوای مرحله نگارش آیه ۲۳ بوده است.

می دانیم که خود پولس نیز به «روایتی» رجوع کرده است: «در واقع آنچه به نوبه خود به شما می گویم از خداوند دریافت داشته ام» (۱-قرن ۱۱: ۲۳ الف). اقامت پولس در «قرنتس» (اع ۱۸: ۱-۱۸) بین اواخر سال ۵۰ و اواسط سال ۵۲ بوده است. لذا متن مربوط به برپایی آیین سپاسگذاری^{۱*} مقارن نخستین سال های مسیحیت است.

این همان متنی بوده است که در جشن های جماعت مسیحیان اولیه استفاده می شده و در نیایش های بزرگداشت نیز آمده است. این متن هسته اصلی نیایش های آیین سپاس گذاری در تمام نسل های بعدی مسیحی را تشکیل می دهد. هیچ تجزیه و تحلیلی نمی توانداصلیت آن را با دقتی که مورد نظر ماست تعیین کند. در این جا درهای بسته ای وجود دارند که گلستان های درونی را از دید ما مخفی می دارند. از این روست که کلید فراست و دانش در این مورد را باید در جای دیگری غیر از تفسیر متون مقدس جست، این تولید در دست های همان مجامع اولیه است که آئین سپاس گذاری را بدون آن که روی کاغذ توصیف نمایند برپا می داشتند. آنها قبل از آن که کار به مرحله تجزیه و تحلیل برسد به آن جان داده بودند. مجامع مقدم بر متون بوده اما متون تماماً به خدمت مجامع درآمده اند.

۱-Eucharist. رجوع شود به واژه نامه در آخر این کتاب. علامت* در کنار سایر واژه های خاص در این کتاب به واژه نامه فوق ارجاع می نماید.

در حالی که آنها غذا می خوردند، عیسی ...

باید به جنبه خاص مراسم نیایش در عبارات مقدماتی متی و مرقس توجه نمود: «در حالی که غذا می خوردند، عیسی نان را گرفت ...» در روایت رنج های مسیح که متن بنیانگذاری را شامل می شود، اشاره به تناول کاملاً بیهوده است زیرا بازگویی آن موضوعی است که در آیات قبلی نیز آمده است (مت ۲۶: ۲۱، مر ۱۴: ۱۸). اما در مراسم برپایی آیین نیایش ذکر آن کاملاً به جاست زیرا بر پیوند موجود میان آیین سپاس گزاری و شام عید گذر و زمینه خداشناسی آن تأکید می نماید. این شام ضیافتی عیسی با شاگردانش نسبتی است از سلسله طولانی غذاهای جمعی که از کوه سینا شروع گردیده «آنها خوردند و آشامیدند» (خروج ۲۴: ۱۱). این سری شامل غذاهای جمعی بی شمار عهد در تاریخ بنی اسرائیل، غذاهای جمعی مسیح با پیروانش قبل و بعد از رستاخیز وی و بزرگداشت های پاره کردن نان در مجامع اولیه می باشد. اتصال نهایی در این زنجیر طولانی، ضیافت ابدی در آسمان خواهد بود. پولس به نوبه خود با احترام و جدیت تمام صحبت می کند: «خداوند عیسی». این عبارت متعلق به اظهار رایج ایمان در مجامع اولیه مسیحی است: آن کس که اقرار می کند که عیسی «خداوند» است نجات خواهد یافت (روم ۱۰: ۹، ۱- قرن ۱۲: ۳). ذکر «شبی که تسلیم گردید» یادآور چهره خادم بیهوش است که بر حسب مشیت الهی «تسلیم» گردیده است (اش ۵۳: ۶-۱۲).

عهد جدید

این عبارت: «این جام، عهد جدیدی است در خون من»، یادآور این بخش از خروج ۲۴: ۸ است: «این خون عهدی است که بیهوش با شما منعقد داشته است». بر حسب روایت متی و مرقس، خون عیسی از برای افراد «بسیاری» ریخته شد یعنی از برای همگان. در واقع می دانیم که اصطلاح Semite در زبان سامی که یونانیان آن را «بسیار» ترجمه کرده اند ممکن است معنای «بسیار، ولی نه همگان» یا همان معنای «بسیار، منظور همگان» را هم بدهد. همین پیروی از زبان سامی در عبارات مستقل مر ۱۰: ۴۵ و مت ۲۰: ۲۸ نیز دیده می شود: پسر انسان آمد «تا جان خود را در راه بازخريد عده بسیاری تقدیم کند»، یعنی از برای همگان. مجموع عبارات فوق ما را مجدداً متوجه انطباق هویت عیسی با آن «خادم بیهوش» در اشعیا نبی می سازد.

^۱ - می توان هم چنان انجیل متی (۱۴: ۲۲) را نقل کرد که در آن جا آمده است: «زیرا طلبیدگان بسیارند (یعنی همه) اما برگزیدگان کم». در رساله پولس به رومیان نیز آمده است: «اگر به خطای یک شخص (یعنی آدم) بسیاری (یعنی همه) مردند چقدر زیاده آن فیض خدا و آن بخششی که مدیون یک انسان یعنی عیسی مسیح است برای بسیاری (یعنی همه انسان ها) افزون گردید».

متی

این خون پیمان من است
که برای بخشایش گناهان ریخته
خواهد شد

اشعیا

تو را داده‌ام
چون عهدی به قوم خود (۶:۴۲)
او گناهان بسیاری را
بر عهده گرفت (۱۲:۵۳)

عیسی، خادم یهوه در خون قربانی خود عهد جدید را مهور می‌دارد (ار ۳۱:۳۱-۳۴) عهدی که خدا با تمامی بشریت منعقد می‌نماید.

* * *

سنت متی و مرقس

متی (۲۶:۲۶-۲۹)

۲۶- در هنگامی که غذا می‌خوردند
عیسی نان را گرفت،
و دعای برکت خوانده،
آن را پاره کرد،
سپس آن را به شاگردان داد،
گفت:
«بگیرید و بخورید.
این تن من است.»
۲۷- و جامی را گرفت،
و شکرگزاری کرده،
به ایشان داد،
و می‌گفت:
«همه شما از آن بیاشامید»

مرقس (۱۴:۲۲-۲۵)

۲۲- و چون غذایی خوردند،
نان را گرفته،
دعای برکت خواند،
و آن را پاره کرد،
و به ایشان داد،
و گفت:
«بگیرید،
این تن من است.»
۲۳- و جامی گرفته،
و شکرگزاری کرده،
آن را به ایشان داد،
و همه از آن نوشیدند.

۲۸- زیرا این
خون من است
(خون) پیمان،
که به خاطر بسیاری
برای بخشایش گناهان.
ریخته می شود.

۲۴- و او به ایشان گفت
«این خون من است
(خون) پیمان
برای بسیاری ریخته می شود».

۲۹- به شما می گویم
از این پس دیگر
از محصول تاک نخواهم نوشید
تا روزی
که با شما تازه آن رادر
در ملکوت
پدرم بنوشم.»

۲۵- آمین، به شما می گویم،
هرگز دیگر از محصول تاک
نخواهم نوشید
تا به روزی
که آن را
در ملکوت
خدا تازه بنوشم.»

* * *

سنت لوقا و پولس
لوقا ۲۲: ۱۵-۲۰

۱۵- و به ایشان گفت: «اشتیاق بسیار داشتم که
تا پیش از رنج کشیدن این گذر را با شما بخورم.
۱۶- زیرا به شما می گویم: هرگز دیگر آن را نخواهم خورد
تا آن که ملکوت خدا به تحقق برسد.»
۱۷- و جامی برگرفت، شکرگزاری کرده گفت:
«این را بگیریید و میان خود قسمت کنید.
۱۸- زیرا به شما می گویم: که از این پس از محصول تاک نخواهم نوشید
تا زمانی که فرمانروایی خدا فرا رسد.»

لوقا ۲۲: ۱۹-۲۰

۱۹- و او نان را گرفته،
شکرگزاری کرد
آن را پاره کرد
و به ایشان داد،
و می گفت:

«این تن من است
که برای شما شده است.
این را
به یاد من به جای آرید.»

۲۰- و هم چنین
پس از شام جام را گرفته گفت:
«این جام
عهد جدید
در خون من است
که برای شما ریخته شده است.

۱۸- زیرا به شما می گویم
که از این پس
از میوه تاک
نخواهم نوشید
تا زمانی که
فرمانروایی خدا
فرا رسد.»

رساله اول پولس به قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۶

۲۳- خداوند عیسی
در شبی که او را تسلیم کردند
نان را گرفت،
۲۴- و پس از شکرگزاری
آن را پاره کرد،

و گفت:

«این تن من است
که برای شما داده می شود.
این را
به یاد من به جای آرید.»

۲۵- هم چنین
بعد از خوردن شام جام را بر گرفته و گفت
«این جام پیمان در خون من است
هر بار که این را می نوشید
به یاد من این کار را انجام دهید.

۲۶- زیرا هر بار که نان می خورید
و از این جام می نوشید
مرگ خداوند را اعلام می کنید

—
تا این که
بیاید.»

* * *

این را به یادگاری من به جای آرید

مراسم برگزاری آیین سپاس که مجامع مسیحی برپا می‌دارند یادبود رنج و درد و رستخیز عیسی مسیح است که در مجموع راز «گذر» خوانده می‌شود. یعنی گذر وی از این دنیا به سوی جلال پدر. بیان «به یاد من» یا «به یادبود من» به نظر می‌رسد پژواکی از نیایشی باشد که پس از تبرک سومین جام: «خداوند ما و خداوند پدران ما ... به یاد آور مسیح، پسر داود خادم تو ...» خوانده می‌شد. لذا رسولان باید مراسم آیین سپاس را به جای آورند تا خدا عیسی مسیح «پسر داود» (مز ۱۳۲: ۱) را به یاد آورد. یعنی ملکوتی را که عیسی در فراخنای پیروزمند ایام آخر پی افکنده است آماده دارد. این معنا در نهایت کمال در نیایش آیین سپاس بدین ترتیب آمده است: «خداوند، کلیسای خود را به یاد آور و از هر نوع شریر رهایی ده. در محبت خود آن را کامل گردان، این کلیسای مقدس را از چهار گوشهٔ عالم گرد هم آور، به ملکوت خود که برای آن آماده کرده‌ای.



مینیاتور نقاشی شده بر روی کتاب انجیل از کلیسای ارمنی در سال ۱۲۳۲ میلادی

نیایش‌های مدح و ثنا برکات و سرودهای عهد جدید

جان من کبریای خداوند را می‌ستاید
و روح من در خدا، نجات دهنده من،
شادی می‌کند
چون بر فروتنی کنیز خود نظر افکنده است.
(لو ۱: ۴۷-۴۸)

مدح و ثنا* (Doxologie) و نیایش های برکت

شما نژادی برگزیده اید
کهناتی ملوکانه، ملتی مقدس،
قومی که خدا از آن خود ساخته است
تا فضائل وی را اعلام نمایید.

والاثرین صور نیایش مسیحی، (Doxologie) یا مدح و ثنای خداوند است که جلال (Doxa) او را اعلام می‌دارد، و نیایش برکت که خدا را سپاس (eucharistein) می‌گوید و نام قدوس وی را متبارک (eulogein) می‌خواند. ۱. در برابر تعالی‌خداایی که در نوری دست نیافتنی ساکن است، در برابر شگفتی‌های نجات که خداوند در میان قومش پدید می‌آورد، در برابر راز عیسی که الوهیت دست نیافتنی را در میان فقر انسانی ساکن گردانید. آدمی تنها باید این جمله را دائماً تکرار کند: «خدا یا تو جاودانه متبارک‌ا!». انسان «مطمئناً» می‌داند که خدا برتر از هر تبرک و هر ستایشی است» (نح ۹: ۵) و این که بشر قادر نیست چیزی به غنای بی‌نهایت خدا بیفزاید و یا از آن بکاهد اما همچنین به خاطر می‌آورد که شأن انسانی وی دقیقاً مبتنی بر سرایش و شناخت عظمت خداست و در برابر درخشش این جلال همه‌گیر از ژرفای روح خویش می‌گوید: «آمین!»

با انجام این کار انسان به عمیق‌ترین استعداد مافوق طبیعی خود واکنش نشان می‌دهد و به صورت «ستایش جلال» زنده در می‌آید که از ازل نیز چنین مقدر بوده (افس ۱: ۶-۱۲). او تا حدودی در وضعیت تنی خود در ابدیت شرکت می‌یابد و در زندگانی خاکی خویش، نحوه زندگانی آسمانی را می‌آموزد. از این رو، جمله «متبارک باد خداوند»، که در سراسر کتاب مقدس یافت می‌شود، پاسخ انسان در گفتگو با خدای خویش است. این عبارت موقعیت بنیادی بشر عهد عتیق در انتظار مسیح را خلاصه می‌کند تا حدی که روح بنی اسرائیل تماماً در نیایش برکات هیجده‌گانه نمایان می‌گردد که در این نیایش ذکر «متبارک باد یهوه» پیوسته تکرار می‌شود و هر فرد اسرائیلی موظف بود هر روز سه بار آن را بخواند. نیایش برکت و نیایش مدح و ثنا همچنین به عنوان والاثرین نوع نیایش ایمانداران در عهد جدید تلقی شده‌اند. ایماندارانی که مسیح را پذیرا گردیده و در خدای ابراهیم، اسحق و یعقوب، پدر خداوند ما عیسی مسیح را شناخته و به او شهادت داده‌اند.

متبارک باد خدا و پدر

خداوند ما عیسی مسیح (۲-۱: ۳-۴).

بالاتر از همه، این دو فرم فرمی‌هایی هستند که خود عیسی نیز از آنها استفاده کرده است. وی آنها را در

۱- بنا بر مطالعات انجام شده، دو واژه یونانی eulogein (متبارک خواندن) و eucharistein (سپاس گفتن) عملاً مترادف بوده و اغلب برگردان فقط یک واژه عبری و یا یک ریشه آرامی می‌باشد. می‌توان به عنوان مثال مفهوم این واژه‌ها را در مت ۲۶: ۲۶ و مر ۱۴: ۲۰ (برکت) و لو ۲۲: ۱۹ (سپاس) با هم مقایسه کرد.

«سرودهلله و شادی» تحت تأثیر روح القدس به کار برده است:

تورا سپاس می گویم، ای پدر قدوس

خداوند آسمان و زمین ...

آری، ای پدر،

زیرا خوشنودی تو چنین بوده است. (لو ۱۰: ۲۱-۲۲)

او عبارت «آری پدر» را در میان اشک های جتسیمانی این چنین احیاء کرد: «ابا (پدر) ... نه به خواهش من، بلکه به اراده تو» (مر ۱۴: ۳۶).

نوشته های عهد جدید بسیاری از نیایش های برکات و مدح و ثنا را محفوظ داشته است. برخی از آنها ندای استقبال ساده و فریادی از سر تمجید و ستایش است که از میان متنی برمی خیزد و خواننده را مستقیماً به سوی «خدایی که جاودانه متبارک است» هدایت می نماید.

خدا، مشرکین را برحسب شهوات دلشان به پلیدی که باعث تباهی جسمشان می گردد تسلیم نموده است زیرا آنان دروغ را به عوض حقیقت پذیرفته و در ستایش و خدمت، مخلوق را به خالق - که نامش جاودانه متبارک باد! ^۲ - ترجیح داده اند.

برخی برکات دیگر به صورت سرودی کامل توسعه می یابد، از جمله برکات شش گانه پرشکوه که در آغاز رساله به افسسیان^۳ آمده است. برخی دیگر دارای طنینی عبادتی است از جمله مدح و ثنایی که در رساله اول به تیموتاؤس^۴ آمده است. این احتمال وجود دارد که این نیایش ها پیش از آن که عیناً وارد مراسم جماعت اولیه مسیحیان گردد در مراسم کنیسه خوانده می شده. اغلب آنها به پیروی از روایات عهد عتیق، یادبود «شگفتی های خدا» را با نیایش برکات پیوند می دادند. بدین ترتیب این نیایش ها مستقیماً در آغاز برپایی آیین سپاس نیز خوانده می شود که نیایش سپاسگزاری مسیحیان و یادآور اعمال نجات بخش خداست.

تنوع و غنای این نیایش ها، نشان دهنده ماهیت و قلب ستایش مسیحی است. علاوه بر این، ارزش الهیاتی آنها به شیوه نگارش و یا طول جمله ها وابسته نبوده بلکه مدیون تحرک خاصی است که روح انسان را به سوی آن ابدیت پر جلالی می برد که قلمروی خداست^۵

۲- روم ۱: ۲۴-۵، ۹: ۵-۲- قرن ۱۱: ۳۱.

۳- افس ۱: ۳-۱۴.

۴- ۱- تیمو ۱: ۱۷، ۶: ۱۵-۱۶.

۵- به متنهای مدح و ثنا که در این جا نام برده شده است می توان متون زیر را افزود: روم ۱: ۲۵، ۹: ۵؛ غلا ۵: ۵؛ ۲- قرن ۱۱: ۳۱؛ ۱- پتر ۱: ۳-۵؛ ۱- قرن ۱۵: ۵۷ و سرودهای کتاب مکاشفه.

سرود شادمانی

در همان ساعت^۶ در روح القدس به وجد آمده گفت:

تورا سپاس می گویم، ای پدر،

خداوند آسمان و زمین،

زیرا این را از حکیمان و عاقلان پنهان داشته

و بر کودکان^۷ مکشوف کرده ای!

آری ای پدر،

زیرا خوشنودی تو چنین بوده است!^۸

همه چیز را پدر به من سپرده است.^۹

هیچ کس نمی داند که پسر کیست جز پدر،

و نه که پدر کیست جز پسر

و هر که پسر بخواهد بر او مکشوف سازد. (لو ۱۰: ۲۱-۲۲)

ندای استقبال از مسیح^{۱۰}

هوشیاعنا! به پسر داودا!

مبارک باد آن که به نام خداوند می آید!

هوشیاعنا در اعلیٰ علیین! (مت ۹: ۲۱)

هوشیاعنا!

مبارک باد آن که به نام خداوند می آید!

مبارک باد ملکوت پدر ما داود که به اسم خداوند می آید!

هوشیاعنا به بالاترین آسمان ها! (مر ۱۱: ۹-۱۰)

۶- لوقا (۲۲-۲۱: ۱۰)، این سرود شادمانی را بعد از شرح مأموریت هفتاد و دو شاگرد جای داد در حالی که متی (۲۵: ۲۷-۲۷)، آن را در جوار تون دیگری، بعد از مطالب مربوط به یحیی تعمیددهنده آورده است. آغاز این نیایش از نیایش یهودی «برکات هیجده گانه» الهام می گیرد.

۷- این سپاسگزاری عیسی یاد آور نیایش دانیال نبی (۳۲: ۲) است که «حکمت و فراست» را برای درک «راز» (۱۹: ۲) دریافت کرده بود. مان گونه که طبق کتاب دانیال نبی کودکان از فیض مکاشفه برخوردار گشتند در حالی که حکیمان یعنی غیبگویان بابلی از آن محروم ماندند، همان طور نیز کودکان یعنی شاگردان از طریق عیسی به رازهای آسمانی دست یافتند در حالی که این رازها از انتظار «آنانی که بیروند» (مر ۴: ۱۱) یعنی کاتبان و فریسیان، که می پنداشتند حکمت خدا را به انحصار خود در آورده اند، پوشیده ماندند.

۸- «آری، پدر» والاترین اظهار پیوند مذهبی عیسی با پدر آسمانی اش می باشد، پیوندی متشکل از محبت و پرستش نسبت به میل و اراده پدر است. عیسی همین کلام را در باغ جتسیمانی نیز به زبان آورد.

۹- رجوع شود به دان ۷: ۱۴ و مت ۲۸: ۱۸.

۱۰- روایت سه گانه اناجیل نظیر، ندای استقبال جمعیت ها را به هنگام ورود عیسی به اورشلیم در روز «نخل ها» ذکر می کند. مبنای این عبارت به مز ۲۵: ۱۱۸-۲۶ که در زمان عیسی مفهوم انتظار مسیح و آخرت را داشته است بر می گردد. در آن دوران رسم بر این بود که زائرین معبد اورشلیم را چنین درود گویند: «مبارک باد به نام خداوند، آن که می آید». در ترجمه هفتادتنان به یونانی، مفهوم عبارت عبری فوق اندکی تغییر داده شده به گونه ای که جماعت اولیه مسیحیان آن را چنین تعبیر می کردند: «مبارک باد آن که می آید (=مسیح) به نام خداوند (=خدا)». «هوشیاعنا» برگردان تقریبی یک عبارت عبرانی است که مفهوم آن «نجات ده!» بوده است. استفاده ممتد از این عبارت معنای آن را در راز مدت خفیف تر ساخته تا جایی که به یک درود و ندای استقبال عادی مبدل گشته است.

و مبارک باد آن پادشاهی،
که به نام خداوند می آید!
در آسمان، سلامتی،
و در اعلیٰ علیین جلال باد! (لو ۱۹: ۳۸)

ای ژرفای حکمت خدا
ای عمق دولت‌مندی
حکمت و دانش خدا!
چه بی کران است داوری های وی،
و فوق از کاوش است طریق های وی!
زیرا کیست که رأی خداوند را دانسته باشد؟^{۱۱}
یا چه کسی مشیر او شده؟
یا کیست که سبقت جسته چیزی بدو داده
تا به او باز داده شود؟
زیرا که از او، به او، و تا او همه چیز است.
او را تا ابدالآباد جلال باد! آمین.
(روم ۱۱: ۳۳-۳۶)

رازی که از ازل در سکوت پوشیده شده
به آن کس که قادر است شما را استوار سازد
بر حسب بشارت من^{۱۲}
و پیام عیسی مسیح،
رازی که از ازل در سکوت پوشیده شده،
اما امروز آشکار گردیده است
از طریق نوشته های مقدس که آن را نوید می دهد
بر حسب فرموده خدای جاودان،

۱۱- اش ۱۳: ۴۰. آن محبت خدا که فقر انسانی را غنا می بخشد اساساً محبتی است آغازین: «او اول ما را محبت نمود» (۱-یو ۴: ۱۰ و ۱۹).
نسان فقط می تواند به دعوت خدا پاسخ دهد اما قادر نیست آن را برانگیزد. انسان فقط چیز را می تواند به خدا تقدیم کند که خدا از پیش به او داده باشد.

۱۲- انجیلی که پولس رسول آن را اعلام می کند، مکاشفه «رازی» است که از ازل با سکوت پوشانده شده بود اما عیسی با آمدن خود آن را
مکشوف ساخته است. منظور نیت خداست که بر اساس آن مشرکین فراخوانده می شوند تا در وعده نجاتی که مسیح آورده است با قوم صاحب
وعده، سهیم گردند. (افس ۱-۷؛ کول ۱: ۲۵-۲۹؛ تیط ۱: ۲-۳؛ تیمو ۱: ۹-۱۰).

رازی که به جمیع امت ها
به جهت اطاعت ایمان آشکار گردید.
خدای حکیم و حید را،
از طریق عیسی مسیح،
تا ابد الآباد جلال باد! آمین. (روم ۱۶: ۲۵-۲۷)

به خدای مالک جمیع تسلیات
متبارک باد خدا و پدر
خداوند ما عیسی مسیح
که پدر رحمت ها
و خدای جمیع تسلیات است.
که ما را در هر تنگی ما
تسلی می دهد،
تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشند
تسلی دهیم،
به آن تسلی که خود از خدا یافته ایم. (۲- قرن ۱: ۳-۴)

خدا تمامی نیازهای شما را برآورده خواهد کرد
خدا بر حسب دولت خود،
در جلال تمام، در عیسی مسیح
تمامی نیازهای شما را رفع خواهد نمود.
خدا، پدر ما را
فر و شکوه باد تا ابد الآباد! آمین. (فیل ۴: ۱۹-۲۰)

متبارک باد خدای پدر
متبارک باد خدا و پدر^{۱۳}
خداوند ما عیسی مسیح،

۱۳- سرودی که مقدمه‌رساله به افسسیان را تشکیل می دهد تعمقی است در تاریخ نجات از دیدگاه خداشناسی. این تاریخ نجات از خدای پدر که سرچشمه و اصل همه نعمت هاست نشأت می گیرد، در مسیح به وقوع می پیوندد و توسط روح القدس، که پیش بهای میراث ماست در دلهای ما ظهور می گردد. این سرود به شش برکت تقسیم شده است که همه آنها تفصیل یگانه برکتی است که خدای پدر از ازل ما را از آن مستفیض نموده ست. این ندای شادی «در ستایش جلال او» در یک جمله پر ابهت و بسیار گسترده (در متن یونانی در طول یازده بیت تنها یک جمله اصلی وجود دارد!) بیان شده است. کوشش نافرجام پولس بر آن بوده است که اندیشه ای بس شکوهمند و هیجان آفرین را در قالبی منظم و متداول بگنجاند.

که ما را از هر برکت روحانی
در آسمان‌ها، در مسیح سرشار نموده است.
او ما را در مسیح برگزید،
پیش از آفرینش عالم،
تا در حضور او در محبت،^{۱۴}
مقدس و بی‌عیب باشیم.

او ما را از قبیل تعیین نمود
تا پسرخوانده‌ او شویم،
به وساطت عیسی مسیح،
برحسب خشنودی اراده‌ خود،
برای ستایش جلال فیض خویش
که ما را ارزانی داشته است، در آن محبوب.^{۱۵}
در اوست که ما
از طریق خون او فدیة
یعنی آموزش گناهان را،
به اندازه‌ دولت فیض او یافته ایم
که پدر آن را به فراوانی به ما عطا فرمود
در هر حکمت و خردمندی.^{۱۶}

سر اراده‌ خود را با ما شناسانید،
برحسب خشنودی خود
که در خود عزم نموده بود،
تا در کاملیت زمان تحقق یابد:
تا همه چیز را خواه آنچه در آسمان،
و خواه آنچه بر زمین است،
در مسیح جمع کند.^{۱۷}

۱۴- برکت اول: برگزیده شدن ازلی ما در مسیح.
۱۵- برکت دوم: فرزندى خدا که به پسر خواندگان در یگانه پسر خدا اعطاء می‌شود.
۱۶- برکت سوم: رهایی و بازخرید در خونی که بر صلیب ریخته شده است.
۱۷- برکت چهارم: مکاشفه «راز». به پانوشت (۱۳) رجوع شود.

هم چنین در مسیح است که ما
برگزیده و از پیش تعیین شده ایم،
برحسب اراده او که همه چیز را موافق اراده خود می کند،
تا از آن کس که امیدوار به مسیح می بود،
جلال او ستوده شود.^{۱۸}

و در اوست که شما نیز کلام راستی یعنی
مژده نجات خود را شنیدید.
و نیز در اوست که چون ایمان آوردید،
با مهر روح قدوس وعده، روح القدس،
بیعانه میراث ما برای بازخريد قومی
که جهت ستایش و جلال نام خویش
از آن خود ساخته است، مهور گشته اید.^{۱۹} (افس ۱: ۳-۱۴)

در کلیسا و در عیسی مسیح
به آن کس که قوتش، در ما عمل می کند،
و قادر است عمل کند بی نهایت فراتر از آنچه می طلبیم
و یا فکر می کنیم،
او را در کلیسا و در عیسی مسیح^{۲۰}
تا ابدالآباد جلال باد! آمین. (افس ۳: ۲۰-۲۱)

به پادشاه سرمدی
به پادشاه سرمدی،
به خدای یکتا، فنا ناپذیر^{۲۱}،
و نامرئی،
جلال و حرمت باد تا ابدالآباد! آمین. (۱- تیمو ۱: ۱۷)

۱۸- برکت پنجم: برگزیدن بنی اسرائیل، قومی که از امید سعادت‌مندی برخوردار است.

۱۹- برکت ششم: فراخواندن ملت‌ها به مشارکت در نجات بنی اسرائیل.

۲۰- این سرود مدح و ثنا در بینش خداشناسی رساله به افسسیان از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا خدای پدر ایمانداران وفادار را در عیسی مسیح به نجات فرا می خواند و ایمانداران نیز در عیسی مسیح جلال پدر آسمانی را می سرایند.

۲۱- در اصل واژه «فساد ناپذیری» آمده است که عملاً معادل «مرگ ناپذیری» می باشد (۲- تیمو ۱: ۱۰). مبدأ دو قطعه سرودها در رساله به نیموتاوس بی گمان به آئین نیایشی برمی گردد که توسط یهودیان مقیم خارج از فلسطین برپا می شده است. این سرودها صریحاً با مقام الهی به امپراتورها و عبادت بت پرستانه آنها مقابله می کند. منشأ مشخص یهودی این قطعات از آن جا آشکار می گردد که در آنها تأکید می شود که احدی مدارا هرگز ندیده است بدون این که اضافه شود که خدا خود را در عیسی مسیح نمایان ساخته است.

به قادر متبارک و یکتا
به آن متبارک و قادر یکتا،
به شاه شاهان و ربّ الارباب،
به یگانه مالک جاودانگی،
که در نوری دست نیافتنی ساکن است،
که احدی او را ندیده و نتواند دید:
تا ابدالآباد حرمت و توانایی باد! آمین. (۱- تیمو ۶: ۱۵-۱۶)

خدا را در همه چیز جلال باد
خدا را در همه چیز جلال باد
از طریق عیسی مسیح.
او را تا ابدالآباد جلال و توانایی باد! آمین. (۱- پتر ۴: ۱۱)

خدای تمامی فیض
خدای تمامی فیض
که شما را به جلال جاودانه خود
در عیسی مسیح خوانده است،
پس از تحمل زحمتی قلیل
او خود شما را دگر بار برپا دارد،
شما را کامل، استوار، توانا و تزلزل ناپذیر گرداند.
او را تا ابدالآباد جلال و توانایی باد! آمین. (۱- پتر ۵: ۱۰-۱۱)

در فیض رشد کنید
در فیض و معرفت خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح رشد کنید.
که او را از اکنون و تا ابدالآباد جلال باد! آمین. (۲- پتر ۳: ۱۸)

به آن کس که قادر است شما را از هر لغزشی مصون دارد
به آن کس که قادر است شما را از هر لغزشی مصون دارد
و در حضور جلال خویش
شما را بی عیب و سرشار از شادی ظاهر نماید.
خدای واحد و نجات دهنده ما را،
از طریق عیسی مسیح، خداوند ما، جلال، عظمت، توانایی و قدرت باد، اکنون و تا ابدالآباد! آمین.
(یهو ۲۴-۲۵)

سرودهای مسیح شناسی

باشد که هر زبان اقرار کند
که عیسی مسیح خداوند است،
برای جلال خدای پدر!

(فیل ۲: ۱۱)

«پلینی جوان» در نامه ای به امپراتور «تراژان» از ویژگی مسیحیانی که در عبادتشان مسیح را خدا می دانند چنین می نویسد: «آنان طبق رسوم خود در روزی معین پیش از سپیده دم برای خواندن سرودهایی در وصف مسیح به عنوان خدا، گرد هم می آیند».

بدون تردید، بسیاری از این نخستین سرودهای مسیح شناسی در نوشته های عهد جدید اثری برجای نهاده است. آنها را می توان نوعی مناجات پیروزمندانه به افتخار راز مسیح، نظیر مناجات مندرج در (۱- تیمو ۳: ۱۶) تصور نمود. این مناجات فی البداهه تحت تأثیر روح القدس از دل برآمده و در اوج شکوفایی، در جریان نیایش هایی که حامل آن بوده محو گردیده است. منظور از سرایش این سرودها، تأمین دوام و بقای آن مناجات نبوده بلکه صرفاً تشکیل اجتماعی عبادتی بوده است.

آن تعداد از سرودهای مسیح شناسی که از دست تظاول روزگار محفوظ مانده و به وسیله روح الهام دهنده نوشته های مقدس به ما رسیده همگی درباره تفکرات الهی در راز عیسی می باشند. در این سرودها بر شرایط اریخی زندگانی خداوند تأکید نشده، بر خلاف بعضی اعترافات ایمان در ادبیات دوران رسولی که فی المثل نزد «ایگناتیوس انطاکیه ای» می توان یافت، که چنین می سراید:

او از نسل داود است،

او پسر مریم است.

او به تحقیق مولود شده،

خورده و آشامیده است.

او به تحقیق در زمان «پنطیوس پیلطس» شکنجه گردیده،

و به صلیب کشیده شده،

در برابر آسمان ها، زمین و دوزخ.

او به تحقیق از میان مردگان برخاسته است.

درواقع در عصر رسولی که در ارتباط مستقیم با جریانات فدییه مسیح نبوده است بسیار مهم بود که در مقابل نظریه نوین «خدای انسان نما» * Docetism، بر واقعیت راز تن گیری و ورود عیسی به تاریخ بشری، تولدش از نسل «داوود» و تعمیدش به دست یحیی و شکنجه اش در زمان فرمانروایی «پنطیوس پیلطس» و «هیروودیس» تأکید شود.

اما برای ایمانداران متعلق به جماعت اولیه مسیحیان چنین تأکیدی بر بشر بودن عیسی ضروری نبود: زیرا با چشمان خود وی را دیده و با دست های خویش او را لمس نموده بودند (۱-یو ۱: ۳-۳). وضعیت انسانی عیسی با چنان صراحتی بر آنها مسلم شده بود که آنها را به وحشت انداخته و سرانجام در نظر ایشان چون یک نوع «نیستی» آمد (فیل ۲: ۷). زیرا آنها آن مصلوب را بر روی صلیب در حال برخورد پیچیدن دیده بودند، صلیب وی را لمس کرده بودند و دل هایشان از شنیدن فریادهای دم مرگ وی دوپاره شده بود. لذا ایمانشان در فراسوی ظواهر انسانی عیسی بیشتر متوجه واقعیت الهی می گشت، آن واقعیتی که به چشم نمایان نبوده بلکه از دخمه رستاخیز از مرگ به بیرون جوشیده بود. آنها اعلام می داشتند که عیسی، با این که حال و منزلت ردگی را پذیرا گردیده بود اکنون پیروزمندانه و به طرز والاّی برافراشته شد. او که خویشتن را در فروتنی نسّم ظاهر کرده بود اکنون در جلال برخیزاننده شد. او که به خاطر گناهان ما به مرگ سپرده شده بود اکنون به دست راست پدر نشسته است.^{۲۲}

* * *

عیسی مسیح خداوند است!

نسبت به یکدیگر دارای همان احساسی باشید که باید در عیسی مسیح داشته باشید^{۲۳}.

او که مقام الهی داشت

این مقام را که وی را با خدا برابر می ساخت،

حریصانه نگاه نداشت.

اما خود را به نیستی کشاند،

در حالی که وضعیت برده ای را به خود گرفته بود،

خود را چون آدمیان نمود.

وی که به ظاهر جزء آدمیان شناخته می شد،

خود را فروتن داشت،

و تا سرحد مرگ،

حتی مرگ بر روی صلیب، از اطاعت خدا سرپیچی نکرد.

^{۲۲} رجوع شود به فی ۵: ۲-۱۱؛ ۱-تیمو ۳: ۱۶؛ ۱-پطرس ۳: ۱۸ و ۲۲. آنچه در این سه سرود به طور خاص مشهود می باشد، ترکیب اولیه «کریگم» (Kerygme) یا اعلان بشارت مسیحی است به گونه ای که در پنج خطابه پطرس در اعمال رسولان آمده است: اع ۲: ۱۴-۲۹، ۳: ۱۲-۲۶، ۴: ۱۲-۲۹، ۵: ۲۹-۳۲ و ۱۰: ۳۴-۴۳.

^{۲۳} پولس رسول در این جمله از یک سرود قدیمی که فیلیپیان بی گمان آن را از پیش می شناختند، به منظور اندرز و تشویق، نقل قول می کند. این سرود، با واژه های قدیمی اش ممکن بود در مراسم بزرگداشت آیین سپاس و یا به احتمال بیشتر در مراسم تعمید خوانده شده باشد. پولس رسول به این متن قدیمی غنا بخشیده است بویژه با اشاره به «خادم پهوه» (اش ۵۲: ۱۳ و ۱۲: ۱۲). حرکت اندیشه از «نابود شدن» و «بندگی» عیسی آغاز می شود تا به اعلان فرمانروایی جهانی وی و به این تأکیدات پطرس در اع ۲: ۳۶ برسد: «خدا او را خداوند و مسیح گردانید، همان عیسی که شما مصلوبش کردید».

بنابراین خدا او را بی نهایت سرافراز نمود
و وی را نامی بداد
که برتر از هر نامی است،
تا در برابر نام عیسی
هر زانویی
چه در آسمان ها، چه بر روی زمین و چه در دوزخ خم گردد^{۲۴}.

و هر زبانی اعلام کند:
که «عیسی مسیح خداوند است»،
برای جلال خدای پدر^{۲۵}.
(فیل ۲: ۵-۱۱)

مسیح نخست زاده تمام مخلوقات
با شادی^{۲۶} پدر را سپاس گویم که ما را در سرنوشت بسیاری از قدیسین در نور سهیم گردانیده، و ما را از
سلطه ظلمت رها نموده در ملکوت پسر دلیند خود که نجات و بخشایش گناهان ما از اوست، قرار می دهد.
وی تصویر خدای نامرئی است،
نخست زاده تمام مخلوقات،
زیرا همه چیز در او به آفرینش در آمده
آنچه در آسمان، و آنچه بر زمین است.
جهان دیدنی و نادیدنی،
تخت ها، سلطنت ها، ریاست ها و قدرت ها،
به وسیله او و برای او آفریده شده اند.
او مقدم بر هر آفریده ای است،
و در وی همه چیز قیام دارد.

۲۴- این برشماری، منعکس کننده فلسفه گیتی شناسی دوران باستان است و بر جنبه جهانی حاکمیت عیسای خداوند تأکید می نماید.
۲۵- «عیسی مسیح خداوند است»، عبارتی است مأخوذ از مراسم ابراز ایمان که در جماعت اولیه مسیحیان متداول بوده است. رجوع شود به روم ۹: ۱۰ و ۱- قرن ۱۲: ۳.
۲۶- سرود مربوط به عید رستاخیز مسیح که در آن مسیح، نخست زاده همه موجودات (رجوع شود به امث ۸: ۲۲) و نخست زاده از میان مردگان متوده می شود. مسیحیان شادمانه از بهر این آشتی جهانی که شامل عالم فرشتگان و حتی کائنات نیز می گردد سپاس می گویند. متن این سرود نسبت به نیایش های «سپاسگزاری» که در جماعت اولیه مسیحیان متداول بوده است جنبه نمونه دارد.

او بدن یعنی کلیسا را سر است.
او ابتداست،
نخست زاده از میان مردگان،
تا در همه چیز مقدم باشد.
زیرا خدا به این رضایت داد
که تمامی پُری در او ساکن شود
و از طریق او همه چیز را
با خود آشتی دهد.
چون که به خون صلیب وی سلامتی را پدید آورد
به جهت آفریده های وی چه بر زمین و چه در آسمان. (کول ۱: ۱۱-۲۰)

سرّ دینداری

چه عظیم است سرّ دینداری^{۲۷}
که (مسیح) در جسم ظاهر شده
و توسط روح القدس تصدیق کرده شد،
به فرشتگان مشهود گردید،
نزد مشرکین اعلام شد،
مورد ایمان جهان گشت،
و در جلال بالا برده شد. (۱- تیمو ۳: ۱۶)

مسیح از بهر شما رنج کشید
مسیح از بهر شما رنج کشید^{۲۸}
و شما را نمونه ای بنهاد
تا بر اثر قدم هایش گام بردارید.
او گناهی مرتکب نگردید
و از دهانش دروغی برنیامد.

۲۷- این سرود ستایش مسیح را، که در ۱- تیمو ۳: ۱۶ آمده است، عده ای از محققین «قلب رساله» و یا «اوج تمام رساله» خوانده اند. این رساله از «تجلی» مسیح تن گرفته (تیط ۳: ۱۱، ۴: ۳) و نیز از به جلال رسیدن وی در راز رستاخیز به واسطه روح خدا (روم ۱: ۴) و شناسایی حاکمیت وی از سوی فرشتگان و آدمیان (فی ۲: ۵-۱۱) ستایش می کند. ندای مسیحیان «عظیم است راز دینداری» در مقابل ندای مشرکین افسس «عظیم است ارطامیس افسسیان» (اع ۱۹: ۲۸-۳۴) قرار می گیرد.
۲۸- این سرود از سرود «خادم بیهوه» (اش ۵۳: ۴، ۵، ۶، ۱۱-۱۲) الهام می گیرد و به عیسی چون به نمونه آن ایماندارانی که به ناحق آزار و ستم می کشند می نگرد.

چون او را دشنام می‌دادند، دشنام پس نمی‌داد،
و چون عذاب می‌کشید، تهدید نمی‌نمود،
بلکه خویشان را به داور عادل تسلیم کرد.
گناهان ما را
در بدن خویش بردار متحمل شد،
تا از گناهان خود رها شده
به عدالت زیست نماییم.
زخم‌های او ما را شفا بخشید.
از آن رو که مانند گوسفندان گمشده بودید.
اما اکنون به سوی شبان
و نگاه‌دارنده‌ی جان‌های خود بازگشته‌اید. (۱- پطرس: ۲۱-۲۵)

خداوندی عیسی
مسیح یک بار به خاطر گناهان مرد ۲۹
او که عادل بود به خاطر ظالمان،
تا ما را به سوی خدا رهنمون باشد.
برحسب جسم مرد،
توسط روح (القدس) زنده گشت ...
به آسمان برشد،
او به دست راست خدا نشسته است.
فرشتگان و قدرت‌ها و سلطنت‌ها،
مطیع وی‌اند. (۱- پطرس: ۳: ۱۸-۲۲)

عیسی مسیح، شاهد امین
عیسی مسیح، شاهد امین،
نخست‌زاده از میان مردگان^{۳۰}،

۲۹- این سرود رابطه‌ی بارزی با سرود «سر دینداری» (۱- تیمو: ۳: ۱۶) دارد. آیاتی که از آن سرود حذف شده است (۳: ۱۹-۲۰) جزء تشریح تعالیم دینی می‌باشد. امکان دارد که ۱- پطرس: ۲۰ «که پیش از بنیاد عالم مقدر شد و در پایان زمان ظاهر گردید» متعلق به شکل اولیه‌ی این سرود بوده باشد.
۳۰- کول: ۱: ۱۸؛ ۱- قرن: ۱۵: ۲۰. رستاخیز عیسی از مرگ که در تاریخ بشر نخستین بوده، اصل و سبب رستاخیز خود ما می‌باشد.

فرمانروای پادشاهان زمین است!

او ما را محبت می نماید،

او با خون خویش ما را از گناهانمان شسته است،

ما را به کهناتی ملوکانه رسانده است^{۳۱}

برای خدا و پدر خویش،

او را جلال و قدرت باد

تا ابدالآباد! آمین.

او اینک بر ابرها می آید.

همه با چشمان خویش او را خواهند دید،

حتی آنانی که وی را به نیزه زده اند.

همه امت های زمین بروی مویه کنند^{۳۲}

آری. آمین.

خداوند خدا می گوید:

«من الف و یاء هستم،^{۳۳}

آن کس که بود و هست و خواهد آمد،

قادر متعال. (مکا: ۱-۵-۸)

در سرایش کلمه تن گرفته

در ابتدا کلمه بود،

و کلمه نزد خدا بود،

و کلمه خدا بود.

از ازل با خدا بود.

به واسطه او همه چیز آفریده شد،

و بدون او هیچ چیز وجود نیافت.

۳۱- خروج ۱۹: ۶؛ ۱- پطری: ۹؛ مکا: ۵: ۱۰، ۲۰: ۶. تمامی اعضای کلیسا بر حسب درجات مختلفی که دارند در کهنات ملوکانه عیسی سهیم هستند.

۳۲- اشاره ای به آمدن نهائی و پر شکوه مسیح (پسر انسان). ابر معمولاً زمینه تجلی های الهی است. این نمونها از اشاره به روز واپسین در اناجیل نظیر گرفته شده است: مت: ۲۴: ۳۰؛ دان: ۷: ۱۳-۱۴؛ زک: ۱۲: ۱۰-۱۲.

۳۳- به معنای آغاز و پایان.

آنچه در وی آفریده شد حیات بود،
و حیات نور انسان بود.
و نور در تاریکی می درخشید،
و تاریکی آن را مغلوب نساخت.
شخصی از جانب خدا فرستاده شد،
نامش یحیی بود.
او به عنوان شاهدی آمد،
تا بر نور شهادت دهد،
تا همه به وسیله او ایمان آورند.
او آن نور نبود،
بلکه آمده بود تا بر نور شهادت دهد.
کلمه نور حقیقی بود
که با آمدنش به جهان،
هر انسان را منور می گرداند.
او در جهان بود، و جهان وی را نشناخت.
او به نزد خویشان خود آمد،
و خویشانش او را نپذیرفتند.

اما به تمام کسانی که وی را پذیرفتند،
قدرت داد تا فرزند خدا گردند،
به کسانی که به نام او ایمان آوردند،
کسانی که نه از خون، و نه از خواهش نفس،
بلکه از خدا زاده شده اند.
کلمه جسم گردید،
و در میان ما ساکن شد.
و ما جلال او را دیدیم،^{۳۴}
جلالی شایسته پسر یگانه پدر،
پُر از فیض و راستی.

۳۴- در عهد عتیق نشانه حضور خدا در میان قوم او ابر پر نوری بود که خیمه اجتماع را می پوشانید. «آن گاه ابر خیمه اجتماع را پوشانید و جلال خداوند مسکن را پر ساخت و موسی نتوانست به خیمه اجتماع داخل شود زیرا که ابر بر آن ساکن بود و جلال خداوند مسکن را پر ساخته بود.» (خروج ۳۴:۴۰-۳۵).

یحیی بر وی شهادت داد. او اعلام کرد:
«این است آن که درباره او گفتم:
آن که بعد از من می آید
بر من مقدم شده است،
زیرا که پیش از من بوده است».
آری، از پُری او همه ما،
فیض در پی فیض دریافت داشتیم.
زیرا شریعت توسط موسی عطا شد،
اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح آمده است.
خدا را هرگز کسی ندیده است.
فرزند یگانه که در آغوش پدر است،
همان او را ظاهر ساخت. ۳۵. (یو: ۱-۱۸)

بیا، ای خداوند عیسی!

من، عیسی، فرشته خود را فرستاده ام
تا درباره کلیساها، به شما شهادت دهم.
«من از تبار و نسل داود و
ستاره درخشانده صبح هستم».
روح و عروس می گویند: «بیا!»
هر که می شنود بگوید: «بیا!»
هر که تشنه است بیاید!
و هر که خواهد
از آب حیات به رایگان بگیرد ...
آن کس که به این مکاشفه شهادت می دهد می گوید:
«بلی، به زودی می آیم».
آمین! ای خداوند عیسی بیا! (مکا: ۲۲: ۱۶- ۲۰)

* * *

۳۵- یوحنا قدیس در رساله خود از عناصر گوناگون ادبی ناشی از روایت تجلی خدا در سینا و اعطای عهد استفاده می کند تا آنها را متوجه کلام تن گرفته خدا کرده با زمان حال مرتبط سازد. در زمان قدیم موسی استدعا می کرد: «مستدعی آن که جلال خود را به من بنمایی» (خروج: ۳۳: ۱۸).
نال یوحنا تأکید می کند: «ما جلال او را دیده ایم». در آن زمان تعریف خدا چنین بود: «یهوه، یهوه، خدای رحیم و رؤوف دیر خشم و کثیر احسان و وفا» (خروج: ۳۴: ۶). حال پسر خدا خود را ظاهر می سازد «سرشار از فیض و راستی». در عهد عتیق خدا خود را متعالی و نامرئی معرفی می کرد: «روی مرا نمی توانی دید زیرا انسان نمی تواند مرا ببیند و زنده بماند» (خروج: ۳۳: ۲۰). حال، آن خدای تعالی که احدی هرگز ندیده و در پسر خدا از بهر ما مکشوف می گردد و کلام آسمانی که خود خدا می باشد می آید تا در میان آدمیان زندگی کند. بالاخره در عهد عتیق موسی شریعت الهی را بر روی الواح سنگی دریافت کرده بود اما حال شریعت نوین، سرشار از فیض و راستی از راه عیسی مسیح به ما می رسد. امکان دارد که آیات ۱۷ و ۱۸ (بعد از «زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد» تا پایان) در جای دیگری از نوشته، به سرود اولیه اضافه شده باشد.

اقرارهای ایمان و سرودهای تعمید

تنها یک خداوند،

یک ایمان،

یک تعمید،

یک خدای پدر.

(افس ۴:۵)

مؤمنانی که به نجات مسیحایی فراخوانده می شوند در واکنش به اعلام انجیل، ایمان خود را اقرار می کنند.

نوشته های عهد جدید خاطره این اعترافات ایمان را محفوظ داشته است که برخی از آنها در مراسم تعمید به کار می آید. ساده ترین آنها بدون تردید در تأیید خداوندی مسیح از مرگ برخاسته محدود است: «عیسی، خداوند است» (۱-قرن ۱۲:۳). نوایمانان، دستورالعمل های تعمید را که برایشان خوانده می شد و «ذکر» نام عیسی را دربرداشت، با این کلمات تصدیق می کردند.^{۳۶}

دستورالعمل های مهمتر ایمان ممکن است در سرودهای مسیح شناسی نظیر سرودی درباره «راز خداشناسی» نیز به کار آید.

این سرودها که چون آینه ای ایمان کلیسای اولیه را منعکس می کند از ارزش بی همتایی برخوردار است. غنای الهیاتی آنها به پُربار بودن این ایمان شهادت می دهد. این سرودها مراسم تعمید را به مانند مشارکت در مرگ و رستاخیز خداوند جشن می گیرند. همان گونه که در نام خداوند و روح خدا عادل شمرده می شویم ننگامی که به وحدانیت کالبدی که کلیساست وارد شده و به فقط یک پدر، یک خداوند، یک روح و یک ایمان، یک منور شدن توسط نور مسیح و یک تعمید که در آن توسط روح تولد دوباره یافته و تازه می شویم، اعتراف می کنیم.

* * *

عیسی خداوند است

اگر با زبان اقرار کنی

که عیسی خداوند است،

و اگر در قلبت ایمان آوری

۳۶- در اع ۱۶:۲۲، حنا نیا به شائول می گوید: «تعمید بگیر و نام خداوند را خوانده خود را از گناهانت پاک گردان».

که خدا وی را از میان مردگان برخیزانیده است،
نجات خواهی یافت.
زیرا ما «با دل» ایمان می آوریم
برای عدالت،
و «با زبان» اعتراف می کنیم
برای نجات. (روم: ۹: ۱۰ - ۱۰)

يك خدا، پدر
تنها يك خدا هست، یعنی پدر،
که همه چیز از اوست
و ما از بهر وی آفریده شده ایم.

و تنها يك خداوند هست، یعنی عیسی مسیح،
که همه چیز از او هستی دارد
و ما به وسیله او آفریده شده ایم. (۱-قرن: ۸: ۶)

يك خدا و پدر
بکشید تا یگانگی روح را
در رشته های سلامتی نگاه دارید.
يك بدن، ۳۷ يك روح، ۳۸
همچنین يك امید،
که شما بدان فرا خوانده شده اید،
يك خداوند،
يك ایمان، و يك تعمید،
يك خدا که پدر همه،
فوق همه، در میان همه و در همه است.

۳۷- یعنی کلیسا که تن مسیح است و همه ایمانداران را در بر دارد (۱-قرن: ۶: ۱۰؛ روم: ۶: ۱۲-۱۳).
۳۸- روح القدس اصل و اساس وحدت کلیسا است. «به عمل روح القدس است که کلیسا گرد هم آورده شده است.» بنا بر اظهار پاپ لئوی سیزدهم
به سال ۱۸۹۷، روح القدس «نفس تن مسیح است».

ای که خوابیده‌ای، بیدار شو!
ای که خوابیده‌ای، بیدار شو!
از مردگان برخیز،
و مسیح تو را منور خواهد ساخت.^{۳۹} (افس ۵: ۱۴)
او خورشید رستاخیز است،
پیش از ستاره سحرزاده شده
با پرتو خویش حیات می بخشد

به یاد عیسی مسیح باش
عیسی مسیح را به یاد دار که از نسل داود بوده، از مردگان برخاسته برحسب بشارت من ... این گفته بس
امین است:

اگر با او بمیریم،
با او زیست خواهیم کرد.
اگر با او رنج بکشیم،
با او نیز سلطنت خواهیم کرد.
اگر او را انکار کنیم،
او نیز ما را انکار خواهد نمود.
اگر ما بی ایمان شویم،
او امین می ماند.
زیرا خود را انکار نمی تواند کرد. (۲- تیمو ۲: ۸-۱۳)

تولدی تازه برای امیدی زنده
متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح!^{۴۰}
که به حسب رحمت عظیم خود
ما را تولدی تازه بخشیده است.
برای امیدی زنده،
از طریق رستاخیز عیسی مسیح
از مرگ،
برای میراثی بی فساد،

۳۹- این متن به احتمال قوی از «یک سرود قدیمی مسیحی که در مراسم تعمید خوانده می شد» ناشی می شود. معنی کامل آن در صورتی کاملاً
آبل درک می گردد که آن را به عنوان یک ترغیب خطاب به ایمان آوردگان جدید بنگریم. با کمک این متن اشخاص تازه تعمید یافته را متوجه
حقیقت عظیمی می ساختند که در مراسم راز تعمید به وقوع می پیوست یعنی بیدار شدن آنان از خواب و رستاخیز از میان مردگان و وارد شدن به
نور مسیح. سه آیه بعدی که با حروف مایل چاپ شده است متعلق به کلمنتوس اسکندریه می باشد.
۴۰- سرود خاص مراسم تعمید که متن آن شبیه تیط ۳: ۴-۷ است.

بدون پلیدی و پژمردگی،
که در آسمان‌ها محفوظ است -
از بهر شما که با قدرت خداوند محفوظ هستید،
به ایمان -

از بهر نجاتی که ظاهر خواهد شد
در زمان‌های آخر.
(۱- پطری: ۱-۳-۵)

* * *

سرودهای تعلیماتی و ترغیبی

به کمال حکمت یکدیگر را تعلیم دهید،
یکدیگر را نصیحت نمایید،
خدا را با تمامی دل بسرایید.
(کول ۳: ۱۶)

در توصیفی درباره زندگانی جوامع اولیه مسیحی لوقا در کتاب اعمال رسولان چنین نوشته است:
«آنها در تعلیم رسولان، مشارکت برادرانه، پاره کردن نان و در نیایش ها مواظبت می نمودند».
(اع ۲: ۴۲)

بنابراین کلیسای اولیه نه تنها بر مبنای برپایی آیین سپاس و پاره کردن نان و مشارکت در ستایش و استغاثه ای همزمان به مسیح، بلکه بر پایه تعالیمی که رسولان می دادند بنا می شد.
اتحاد قلب و روح^{۴۱} مستلزم وحدت عقیده بود. این تعلیمات روح فرد فرد مسیحیان را تغذیه می نمود، کلیسا را رشد می داد، پایه های آن را بیشتر در راز مسیح استوار می ساخت و آن را در راز محبت برادرانه شکوفا می نمود.^{۴۲}

امر تعلیم تنها بر عهده رسولان نبود. پولس درباره اختلاف موجود میان اعضای گوناگون بدن مسیح چنین می نویسد: «اما شما بدن مسیح هستید و هریک عضوی از اعضای او. و هستند کسانی که خداوند آنها را در کلیسا منصوب نمود، نخست رسولان، دوم انبیا و سوم معلمان - تعلیم دهنده. (اول قرن ۱: ۲۷-۲۸)»^{۴۳}.
(اول چنان که برمی آید پولس بین رسولان و انبیا و معلمان تفاوت قائل می گردد. رسولان شاهدان ممتاز زندگانی مسیح و بویژه قیام وی از مرگند.^{۴۴} انبیا شاهدان ممتاز روح القدس و منتقل کننده «مکاشفات» او هستند^{۴۵} و همراه با رسولان اساس کلیسا را تشکیل می دهند.^{۴۶} سرانجام معلمان دینی که برحسب نیاز جامعه به برادران خود تعلیمات عادی می دهند. این آموزشها می تواند عقیدتی یا «دیداکتیک» (didactic) و اخلاقی یا «پارنتیک»* (parenetic) باشد.

این طبقه بندی در واقع هیچ حالت منجمد و ثابتی به خود نداشت. روح القدسی که جهت یاری دادن به لیلیا ظاهر شد خود باعث گسترش هیئت آموزشی (اگر گفتن آن جسارت نباشد) کلیسای آموزش دهنده بود و با آزادی بی نظیری که خاص وی است به اختیار خود افرادی را از عطایای خویش مستفیض می نمود: یکی را ز بهر آموزش، دیگری را برای اعلام یک مکاشفه، سومی را برای سخن گفتن با زبان های رازگونه و دیگری

۴۱-۴۲: ۳۲: ۴ع «و جمله مؤمنین را یک دل و یک جان بود».

۴۲-۴۴: ۱۲: ۴ع ۴۵-۴۴: ۳۲-۳۵.

۴۳-۱: ۱۲: ۲۷-۲۸: ۲۸: ۳: ۵: ۱۱.

۴۴-۱: ۲۲: ۳: ۱۵.

۴۵-۶: ۵: ۱۹-۲۰: ۱۱: ۲۸-۲۷: ۱۱: ۱: ۱۰: ۷: ۲۲: ۶.

۴۶-۲: ۲: ۲۰.

را برای تفسیر آن زبان ها و سرانجام فردی را برای خواندن سرودهای الهام یافته^{۴۷} برمی انگیزد. برخی از این جوامع از شور و شوق خاصی مملو می بود و پولس متوجه شده بود که همین امر ممکن است موجب بروز برخی برخوردها و عدم نظم در مکتبی که توسط روح القدس اداره می گردد بشود زیرا چنین می گوید: «نبوت را به غیرت بطلبید، مانع از سخن گفتن به زبان ها مشوید لکن همه چیز به شایستگی و انتظام باشد.» (۱- قرن ۱۴: ۳۹-۴۰)

حتی در نبود عطایای الهی پولس طالب آن است که برادران در تعلیم یکدیگر بکوشند: «باشد که کلمه مسیح به وفور در شما ساکن گردد. به کمال حکمت یکدیگر را تعلیم دهید، مشوق یکدیگر باشید، خدا را با تمامی دل و با سپاسگزاری به وسیله خواندن مزامیر و سرودهای الهام یافته، بسرایید.» (کول ۳: ۱۶)

در این بخش از کتاب، برخی از این قبیل سرودها که احتمالاً جزء سرودهای معمول جماعت اولیه مسیحیان بوده ارائه می گردد

سرود محبت مسیح

چه کسی ما را از محبت مسیح جدا خواهد ساخت؟

مصیبت، اضطراب، اختناق، گرسنگی،

عریانی، خطرات، شمشیر؟

زیرا مکتوب است:

«به خاطر تو تمام روز کشته،

و مانند گوسفند قربانی (ذبحی) شمرده می شویم»^{۴۸}

اما بر همه اینها پیروز می گردیم،

به لطف آن کس که ما را محبت نموده است.

آری یقین می دانم: نه مرگ و نه حیات،

نه فرشتگان و نه رؤسا، نه حال و نه آینده،

نه قدرتها، نه بلندی و نه پستی،^{۴۹}

و نه هر مخلوق دیگر،

۴۷-۱- قرن ۱۴: ۲۶، «وقتی که گرد هم آمده اید هر یک از شما می تواند سرودی تعلیمی، مکاشفه ای داشته باشد». همچنین به روم ۱۲: ۶-۸ و ۱- قرن ۱۲: ۴-۱۱ رجوع شود.

۴۸- مزمو ۲۳: ۴۴، عشق یک مسیحی به مسیح، زندگی وی را در خطر دائمی تعقیب و آزار و در مرز دو زندگی قرار می دهد.
۴۹- این کلمات احتمالاً به قدرت های مخالف با خدا اشاره می کند یعنی به آن «فوج های ارواح شرارت در جای های آسمانی» (افس ۶: ۱۲) و همچنین به آن قدرت های مرگ که ساکن اعماق دوزخند.

هیچ چیز قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا
که در خداوند ما عیسی مسیح است جدا سازد. (روم ۸: ۳۵-۳۹)

آن روز بسیار نزدیک است
اکنون وقت آن رسیده است
که از خواب بیدار شوید.
زیرا الآن نجات ما نزدیکتر است
از آن زمان که ایمان آوردیم.
شب به پایان رسیده،
و روز بسیار نزدیک است.
پس اعمال تاریکی را کنار بگذاریم
و سلاح نور را بپوشیم. (روم ۱۳: ۱۱-۱۲)

اتحاد در تنوع

عطایای روح متنوع است،
اما روح همان.
خدمت‌ها گوناگونند،
اما خداوند همان.
به هر کس ظهور روح،
به جهت منفعتی عطا می‌شود.^{۵۰} (۱-قرن ۱۲: ۴-۸)

سرود محبت

اگر به زبان فرشتگان و آدمیان سخن گویم،^{۵۱}
اما محبت نداشته باشم،
مانند ناقوسی پُر سر و صدا

۵۰- وحدت موجود بین اعضای جماعت کلیسا بر یکسان و هم تراز بودن افراد تشکیل دهنده آن دلالت نمی‌کند بلکه موجب رشد مواهب شخصی و ادغام آنها در مجموعه‌تن مرموز مقدس «جهت منفعت عموم» می‌گردد. این تنوع در وحدت، غنای بی‌کران تئلیث را به مانند آینه‌ای منعکس می‌کند. هر یک از ایمانداران وفادار، بر حسب مواهب خاصی که دریافته است به جلال چهره ابدی خویش شکل خاصی می‌بخشد و از این راه به عمال تمامی کلیسا می‌افزاید. توماس قدیس این امر را چنین توضیح می‌دهد: «جمال و کمال کلیسا از تنوع درجات فراهم می‌شود».
۵۱- این سرود ستایش از محبت که آن را «غزل غزل‌های محبت مسیحی» نیز خوانده‌اند به سه بخش تقسیم می‌شود:
- بخش نخست مؤید برتری مطلق محبت بر دیگر عطایای روح القدس و سایر فضایل است.
- بخش دوم نشان دهنده پرتو جهانی محبت بویژه در روابط با هم‌نوعان است.

و سنجی فغان کننده هستم.

اگر عطیه نبوت داشته باشم،
اگر به تمام اسرار و تمام علوم واقف باشم
و ایمان کامل داشته باشم،
تا حدی که کوه ها را جابجا کنم،^{۵۲}
اما محبت نداشته باشم،
هیچ هستم.

اگر همه اموال خود را صدقه دهم،
و تن خود را به آتش سپارم،
اما محبت نداشته باشم،
هیچ سودی نمی برم.

محبت بردبار است،^{۵۳}
محبت خدمتگزار است،
محبت حسود نیست،
محبت خودستایی نمی کند، غرور ندارد.

محبت رفتار ناپسند ندارد،
در پی سود خویش نیست،
خشم نمی ورزد،
بد اندیش نیست.

خوشحال نمی گردد،
بلکه شادی در راستی می جوید.
همه چیز را می بخشد، همه چیز را باور دارد،
به همه چیز امیدوار است، همه چیز را تحمل می کند.

۵۲- اشاره به: مر ۱۱:۲۳، مت ۱۷:۲۰ و لو ۱۷:۶.
۵۳- محبت «مادر و ریشه تمامی فضایل است»، (توماس قدیس) که پرتو جلال خود را به گونه ای به سایر فضایل نیز می بخشد. همان گونه که خدا محبت است و همه کمالات دیگر وی از غنای محبت برخوردارند، زندگانی یک مسیحی ایماندار نیز محبت است و فضایل دیگر او به گونه ای مجذوب پرتوی محبت می گردند.

محبت هرگز زائل نخواهد شد.
نبوت‌ها؟ ناپدید خواهند گشت.
عطیۀ زبان‌ها؟ خاتمه خواهد یافت
دانش؟ زایل خواهد شد.

زیرا علم ما محدود،
و نبوت‌های ما نیز محدود است.
اما وقتی آنچه کامل است بیاید،
ناکامل از بین می‌رود.

وقتی کودک بودم، چون کودک سخن می‌گفتم،
چون کودک می‌اندیشیدم، چون کودک استدلال می‌کردم.
اما وقتی مردی شدم،
کارهای کودکی را رها کردم.

اکنون گویی در آینه‌ای، به طور مبهم می‌بینیم.
اما به وقتش رو در رو خواهیم دید.
زیرا شناختم محدود است،
اما به وقتش رو در رو خواهیم شناخت.

اکنون ایمان، امید و محبت،
هر سه پایدار است.
اما محبت برتر از همه است. (۱-قرن ۱۳: ۱-۱۳)

خدایی که گفت

خدایی که گفت:

«از بطن تاریکی بدرخشید!»

اکنون نورش را

در قلب های ما تابانیده است.

تا نور شناخت جلال خدا در چهره مسیح،

در قلب ما بدرخشید. ۵۴ (۲-قرن ۴-۶)

نور و تاریکی ۵۵

خود را با بی ایمانان به یک یوغ نبندید ۵۶

چه مشارکتی بین عدالت و بی انصافی است؟

چه ارتباطی میان نور و تاریکی است؟

چه توافقی بین مسیح و بلیعال است؟ ۵۷

چه همگامی میان ایماندار و بی ایمان است؟

چه تفاهمی بین هیکل خدا و بتهاست؟

زیرا ما هیکل خدای حی هستیم.

خدا گفته است:

«در میان آنان ساکن خواهم شد،

در آنجا راه خواهم رفت، خدای آنان خواهم بود

و آنان قوم من خواهند بود.» ۵۸ (۲-قرن ۶: ۱۴-۱۶)

زندگی مسیحی در رستاخیز مسیح

با مسیح از مرگ برخیزانیده شده اید.

پس آنچه را در بالاست بطلبید،

در همان جایی که مسیح،

به دست راست خدا نشسته است.

به آنچه در آسمان هاست تفکر کنید،

۵۴- مکاشفه راز عیسی به منزله یک آفرینش نوین است که طی آن خدای پدر نور الهی خود را در دل ایمانداران می تاباند.
۵۵- به طوری که می دانیم، آن خداشناسی که در متون قمران منعکس است موضوع نور و ظلمت را که در عهد عتیق ذکر گردیده با اشتیاق خاصی مورد توجه قرار داده است. این قسمت از سرود ممکن است در ابتدا جزء ادبیات یهودی بوده و بعداً مفهوم «مسیحی» به خود گرفته باشد. مسیح نور راستین جهان است و پیروان وی «پسران نور و پسران روز» هستند (۱-تسا:۵) و با فرشته تاریکی مقابله می کنند.

۵۶- این تشبیه از تث ۱۰:۲۲ گرفته شده است.

۵۷- در ادبیات یهود «بلیعار» یا «بلیعال» اشاره به ابلیس است.

۵۸- لاو ۲:۲۶ و ۱۲:۳۲ و ۳۸:۳۸.

نه آنچه بر زمین است.
زیرا از این پس مرده اید
و زندگی شما با مسیح در خدا نهفته است.

وقتی مسیح، او که زندگی شماست، ظاهر شود،
شما نیز ظاهر خواهید شد
به همراه وی در جلال. (کول ۳: ۱-۴)

سرود برای يك زائر مسیحی

شما به کوه خدا
آمده اید
و به شهر خدای حی،
به اورشلیم آسمانی،

به فرشتگان بی شمار،
به ضیافتی باشکوه،
به جماعت نخست زادگان^{۵۹}
که نامشان در آسمان مکتوب است،

به خدایی که داور جهان است،
به ارواح عادلان که تکامل یافته اند،
به عیسی، که واسطه عهدهی جدید است. (عبر ۱۲: ۲۲-۲۴)

۵۹ - یقیناً فرشتگان هستند. بنابر کتاب ایوب ۶: ۳۸-۷ خدا «سنگ زاویه» عالم را می نهد و ستارگان سحری با هم ترنم شادی می خوانند و فرزندان خدا به اتفاق هم ندای شادی بر می آورند.

سرود در ستایش فروتنی و بیداری مسیحی

نسبت به یکدیگر،

جامه فروتنی^{۶۰} بر خود بپوشید،

زیرا خدا با مغرور مقابله می کند

اما فروتن را فیض می بخشد.

پس خود را فروتن سازید،

زیر دست پرتوان خدا،

تا وی شما را در زمان (خاص خود) سرافراز سازد.

بار تمام نگرانی های خود را

بر وی نهید،

زیرا او مراقب شماست.

هوشیار و بیدار باشید!

زیرا دشمن شما، همچون شیری غران،

به گرد شما می گردد، تا شما را ببلعد.

در برابرش ایستادگی کنید،

و در ایمان استوار بمانید!

(۱- پطرس ۵: ۵-۹)

۶۰- این سرود در باب فروتنی و بیداری مسیحی یقیناً از موعظه ترغیب خطاب به جویندگان تعمید الهام می گیرد. متن فوق دارای چندین نقطه عطف با یع ۴: ۶-۱۰ و با متون قمران می باشد و از امث ۲۳: ۵۵ نیز نقل می کند.

سرودهای کودکی عیسی به روایت لوقا

و همهٔ مردم

ستایش خدا را سرودند.

(لو ۱۸: ۴۳)

لوقا، انجیل نگار شادی مسیحایی است. وی با شادی تام می‌نگارد که آمدن خداوند چشمهٔ شادی را در نسانها می‌گشاید. او با دیدن شگفتی‌های نجات مسیحایی جلال و ستایش خدا را می‌سراید: آنان خدای را جلال داده ... می‌گفتند: «امروز چیزهای عجیب دیدیم». (لو ۵: ۲۶) تمام جمعیت از اعمال عجیب وی شادمان بودند (لو ۱۳: ۱۷). در همان لحظه مرد نابینا بینایی خود را بازیافت و در حالی که خدا را جلال می‌داد از پی عیسی روانه شد و جمیع مردم با دیدن این منظره خدا را تسبیح خواندند (لو ۱۸: ۴۳). تمامی شاگردان شادی کرده و به آواز بلند خدا را به خاطر تمام معجزاتی که از او دیده بودند ستایش کردند (لو ۱۹: ۳۷).

این شادی بویژه در روایات کودکی عیسی آشکار می‌گردد. شادی که هنگام اعلام مژده به زکریا (۱: ۱۴) و به مریم (۱: ۲۸) و در موقع تولد یحیی تعمید دهنده (۱: ۵۸) و همچنین تولد عیسی (۲: ۱۰)، همانند گباری از آسمان به زمین می‌بارد. به منظور تأکید بیشتر بر این شادی، لوقا در روایت خود چهار سرود می‌آورد که هر یک چون لحظات اوج شادی، طلوع سپیدهٔ نجات را اعلام می‌دارد. این چهار سرود عبارتند از: سرود مریم «جان من خداوند را تمجید می‌نماید» (the Magnificat)، سرود زکریا «مبارک باد خداوند، خدای بنی اسرائیل» (the Benedictus)، سرود فرشتگان بیت لحم «خدا را در اعلیٰ علیین جلال باد» (the Gloria in excelsis Deo)، و بالاخره سرود شمعون «چشمان من نجات خدا را دیده است» (the Nunc Dimittis).

قابل توجه است که این سرودها بویژه سرود حضرت مریم و سرود زکریا متأثر از طرز بیان عبارات در عهد عتیق است. ملاحظهٔ این نکته برای درک پیام این انجیل نگار از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا بی‌دانیم که روایات دوران کودکی عیسی به شیوه‌ای که لوقا نوشته است (۱: ۵-۲: ۵۲) به سبک ادبی «میدراش»^{۶۱} تدوین شده است.

لوقا، با تعمق در متون عهد عتیق آنها را با وضع جدید ناشی از آمدن عیسی به جهان مطابقت می‌دهد و از این راه در نور روح القدس متوجه پیوستگی موجود بین شگفتی‌های ایام قدیم و راز تن‌گیری

۶۱- ریشهٔ کلمهٔ «میدراش» (Midrash) مفهوم «جستجو» یا «پژوهش» را می‌رساند. شیوهٔ ادبی «میدراش» را شاید بتوان نوعی رسالهٔ حاوی تفکر و تعمق در متون مقدس جهت معرفی ارزش و معنای خداشناسی و کاربردهای اخلاقی آنها تعریف نمود. باب ۱۰ تا ۱۹ کتاب حکمت را می‌توان نمونه‌ای از این سبک که اندیشه‌ای است خداشناسی در مورد تاریخ از پیدایش تا خروج دانست.

مسیح می گردد و در ضمن خاطر نشان می سازد که کلام خدا متعال است و در ورای شرایط خاصی که در آن بیان گردیده است همواره ابدی بودن خود را به اثبات می رساند.

هنگامی که مریم سرود بزرگداشت خدا را می خواند، تمامی عهد عتیق به همراه او مسیح را پذیرا گردیده و رهایی خویش را می سراید. اگر به یاد آوریم که قوم بنی اسرائیل خود نوبر ملتها می باشد می توانیم قدمی فراتر نهاده تأکید کنیم که سرود مریم از جانب تمامی آدمیان ستایش عیسی، منجی و برادر انسان هاست.

همچنین باید به تکیه کاملاً محسوس این سرودها بر مسیح شناسی توجه نماییم. مریم در خدای نجات خود یعنی در عیسی به وجد می آید (لو ۱: ۴۷). زکریا در وصف قدرت نجاتی که خدا در خاندان داود به منظور رهایی آن از دشمنانش اعمال می نماید آوای ستایش سر می دهد (۱: ۶۸، ۷۱). فرشتگان در بیت لحم منجی، یعنی عیسی را که تولد یافته است می سرایند (۲: ۱۱) و سرانجام، شمعون با در آغوش گرفتن عیسیای خردسال، تأکید می نماید که با چشمان خود نجات را دیده است (۲: ۳۰). این امر در متن اصلی عبری (یا آرامی) به سهولت قابل درک بود چرا که در آن دو زبان واژه های «عیسی»، «منجی» و «نجات» ریشه شترک دارند. این کنایه در زبان یونانی، به گونه ای که لوقا آن را به کار می برد از بین رفته است و در زبان انگلیسی نیز نمی توان آن را تداعی نمود. فراست و دینداری خواننده می تواند این نقیصه را جبران کند تا بدین سان تمامی غنای کتاب مقدس را که لوقا با آن همه ذوق و شوق برای ما نقل می کند، بار دیگر برقرار سازد.

* * *

سرود مریم ۶۲

جان من خداوند را تمجید می نماید،
و روحم در خدا، منجی من به وجد می آید!

زیرا بر کنیز ناچیز خویش نظر افکنده:

ببین، از این پس تمامی نسل ها
مرا متبارک خواهند خواند.

زیرا قادر مطلق برای من کارهای عجیب کرده است،
نام او قدوس است.

۶۲- در این سرود مریم می توان قسمت های زیر را تشخیص داد: سرود سپاس (قسمت اول)، سرود در باره مسکینانی که پهوه آنها را از نعمت نای هفتگانه خود سرشار نموده است (قسمت دوم) و سرود تحقق یافتن عهد (قسمت سوم). سرود مریم که از کیفیت ادبی خاصی برخوردار است به احتمال قوی در مجامع اهل عهد عتیق و یا مجامع یهودی - مسیحی جهت برپائی آئین های عبادت تصنیف شده بود. این اثر به شکل سلسله ای از متون جهت عهد عتیق تدوین گردیده است.

سیاسگزاری حضرت مریم به گونه ای کاملاً طبیعی با عباراتی که در عهد عتیق شکل یافته است، بیان می شود. اصالت این سرود بستگی به خود متون ندارد بلکه از شرایط جدیدی که در آن خوانده شده است ناشی می شود. مریم در خدا، نجات دهنده خود یعنی در همان عیسی که در بطن خود نمل می کند به وجد می آید. ایمانداران با از سر گرفتن سرود سپاس مریم ستایش او را گسترش می دهند تا شامل مسیح نیز گردد و تأکید می کنند که نجات مریم پیشگویی نجات خود آنان است. آنها همچنان مادر مسیح را می سرایند و با این کار به نبوت مریم که «اکنون تمام اعصار مرا خوشبخت خواهند خواند» تحقق می بخشند.

رحمت او از نسلی به نسلی گسترده است
برترسندگان وی.

او قدرت بازویش را می نمایاند.
متکبران را پراکنده می سازد،
قدرتمندان را از تختشان سرنگون می کند،
افتادگان را برمی افرازد.
گرسنگان را با نعمت ها سیر می کند،
اما دولتمندان را تهی دست دور می کند.

فرزند خود بنی اسرائیل را یاری می دهد،
با یادآوری از رحمتش
همان طور که به پدران ما وعده داده بود
به ابراهیم و به ذریت او تا ابدالآباد. (لو ۱: ۴۶-۵۵)

سرود زکریا

متبارک باد خداوند، خدای بنی اسرائیل!^{۶۳}
او به دیدار و نجات قوم خود می آید،
و نیروی نجات را برمی افرازد.
در خاندان خدمتگزار خود، داود،
چنان که به زبان مقدسین
که از پیش انبیای او بودند گفت.
ما را از دشمنانمان
و از دست کسانی که از ما متنفرند می رهاند.
بر پدران ما رحمت می آورد،
پیمان مقدس خود را به یاد می آورد،
سوگندی که به پدر ما، ابراهیم یاد کرده است،
که فیض عطا کند
تا با رهایی یافتن از دشمنان خود،

۶۱- سرود زکریا، به مانند سرود سپاس حضرت مریم گزینه ای است از چند متن عهد عتیق که ممکن بود پیش از روایت کودکی عیسی وجود داشته باشد. جای دادن سرود زکریا در متن انجیل لوقا دقیقاً بدین مضمون است که آمدن عیسی جوابگوی امیدهای بنی اسرائیل می باشد. بخش اول این سرود بی گمان انعکاس یک سرود قدیمی در باره آخرزمان است و بخش دوم آن سرودی است به افتخار یک تولد. شیوه ادبی آن دشوار و نشده است. بسیاری از جملات نقل شده از عهد عتیق وزن خاصی به سرود می بخشد اما حرکت تغزلی آن را تا حدی کند می سازد.

وی را بی ترس خدمت کنیم
در حضور او در عدالت و تقدس،
در سراسر ایام عمرمان!

و تو، ای کودک خردسال،
تو نبی تعالی خوانده خواهی شد،
زیرا پیش روی خداوند گام بر خواهی داشت،
تا راه او را آماده سازی،
تا معرفت نجات را به قوم وی بخشی
از راه بخشایش گناهان،
به رحمت قلب خدای ما،

خورشید تابان که به دیدار ما می آید،
نوری برآنانی که در تاریکی
و در سایه مرگ می نشینند،
و راهنمایی برای قدم های ما،
در راه صلح و آرامش. (لو ۱: ۶۸-۷۹)

سرود فرشتگان بیت لحم

خدا را در اعلی علیین جلال باد
و بر روی زمین صلح بر انسان های محبوب وی! ۶۴ (لو ۲: ۱۴)

۶۴- ترجمه کلمه به کلمه این جمله «انسان های مورد خیرخواهی وی» است. در متون قمران عبارت «فرزندان مورد خیرخواهی وی» یافت می شود. در ترجمه کتاب مقدس به زبان لاتین (Vulgate) عبارت «انسان های خیرخواه» آمده است که معنی متن لوقا را نمی رساند. صلح و آشتی از نعمت های مسیحی است که عطیه آن کودک مقدسی است که در بیت لحم به دنیا آمده و اساساً ثمره خیرخواهی خدا می باشد و خیرخواهی انسانی فقط قادر است که آن را از جانب خدا بپذیرد.

بر مبنای تعبیر دیگری که توسط محققین ارائه شده است سرود فرشتگان را می توان به نحو زیر نیز خواند:
«جلال بر خدا در اعلی علیین

و بر زمین صلح
که خیرخواهی (خدا) است»

سرود شمعون

ای خداوند، اکنون رخصت فرما تا بنده تو
بر حسب کلامت، در آرامش برود!

زیرا چشمان من نجات تو را دیده است،^{۶۵}
که آن را پیش روی ملت ها مهیا نموده ای،
نوری از بهر منور ساختن ملت ها^{۶۶}
و جلال قوم تو، بنی اسرائیل.
(لو ۲: ۲۹-۳۲)

* * *

سرود های مکاشفه

کتاب مکاشفه شامل مکاشفه نبوت «آنچه باید بزودی فرارسد»^{۶۷}، ظهور «راز الهی بر حسب مژده ای که خدا به خادمان خود، انبیاء داده است» (مکا ۱۰: ۷) می باشد. این رویداد قریب الوقوع که بر آستانه تاریخ است، استقرار قطعی ملکوت خدا و خداوندی مسیح است. از این رو «مکاشفه» یک سرایش پر ابهت امید است که اطمینانی خلل ناپذیر بر مبنای شهادت خود عیسی، «شاهد امین» (مکا ۱: ۵) پیروزی اخروی، برای کلیسا فراهم می سازد.

این سرود امید در وحله اول خطاب به نسل های اولیه مسیحیان است. تا آنان را در آزمایش ها تقویت بخشد، در بلایا محافظت کند و در ایمان به مسیح تأیید نماید. امروز برای ما تصور مبارزه علیه ایمان آنان، مبارزه ای که بر اثر وضعیت تاریخی که کلیسا بعد از مرگ خداوند خود را با آن رو به رو می دید به وجود آمده بود، بسیار مشکل است. با طغیان کینه ها و خشونت هایی که بر ایمانداران وارد می آمد، بیم آن می رفت که ایمان و مقاومت آنان زائل گردد. هر چند عیسی با قیام خود از میان مردگان بر تخت خداوند و مسیح نشسته بود اما آزار و شکنجه های دوران امپراتوری «نرون» و «دومیتیان» نسبت به ایمانداران به این معنا بود که «کشتار مؤمنان به خاطر کلام خدا و به خاطر شهادتی که داده بودند» (مکا ۹: ۶) همچنان ادامه داشت. مسیح متعال، روح القدس روز پنجاهه را که اشاعه آن به معنای «آخر زمان»^{۶۸} تلقی می شد فرستاده

۶۵- با دیدن عیسی (=نجات دهنده)، شمعون نجات الهی را بدید.

۶۶- در این جا عیسی با همان «خادم یهوه» و «نور امت ها» که در سرودهای اشعیای نبی ذکر شده است تطبیق داده می شود. (اش ۶: ۴۲ و ۶: ۴۹)

۶۷- دان ۲۸: ۲ که در مکا ۱: ۱، ۴: ۱ و ۶: ۲۲ نقل شده است.

۶۸- یول ۱: ۳-۵ که در مکا ۱۷: ۲-۲۱ نقل شده است.

بود اما روم ترویج و تحمیل پرستش امپراتوران خود که به آنان مقام الوهیت داده بود را بدون وقفه ادامه می داد. مسیح در آسمان سلطنت می کرد، اما مؤمنانش بر روی زمین متحمل رنجی سهمگین بودند. او خداوند تاریخ بود اما از دید جهانیان، جریانات تاریخ، خداوند تاریخ را مقهور خویش ساخته بود. مکاشفه، پاسخی است به این وضعیت بحرانی در عذاب عظیم. باشد که مؤمنان جرأت خود را حفظ کنند، چون عیسی بزودی باز خواهد گشت!^{۶۹} بازگشت دوم او بسیار نزدیک است! شکنجه ها و اختناق، موقتی است. زیرا اینها از جمله آخرین نبردها بوده و پیروزی قریب الوقوع است. بابل عظیم، «مادر فواحش و خباثت دنیا ... که از خون مقدسین و شهدای عیسی سرمست می گشت» (مکا ۱۷:۵-۶) باید جام خشم را تا انتها سر کشد. «وحش» و تمامی پرستندگان و انبیای دروغینش همه زنده «در برکه آتش و گوگرد مشتعل» افکنده خواهند شد.^{۷۰} (۲۰:۱۹)، در حالی که برگزیدگان که بر مصائب فائق آمده اند «به خاطر شهادت شهیدان خود» (مکا ۱۲:۱۱) در ضیافت نکاح بره شرکت جسته و تا ابدالآباد سلطنت خواهند کرد. (مکا ۱۹:۱-۹)

بدین ترتیب کتاب مکاشفه، اولین و برترین کتاب امید مسیحیان است. تعلیمات سرشار از خوش بینی، که نویسنده کتاب مکاشفه معاصرین خود را با آن مخاطب می دارد، در واقع تا به امروز بر ما پرتو افکنده و به تمامی اعصار مسیحی خواهد رسید. اکنون دو هزار سال است که نبرد مؤمنان ادامه دارد و امیدشان نیز زنده است.

با از سرگیری سرودهای مکاشفه که آوای افتخار و پیروزی برای لحظات مبارزه شدید است، هر ایماندار اطمینانش به عیسی را بازگو می نماید:

آن پیروزی که جهان را مقهور خویش ساخته ایمان ماست (۱- یو ۵:۴)

بزرگداشت پدر در آیین نیایش آسمانی

اینک تختی در آسمان قرار دارد و یکی بر آن تخت^{۷۱} نشسته است با منظری چون یشم و عقیق، و به گرد آن تخت رنگین کمانی است که منظری شبیه به زمرد دارد.

گرداگرد تخت بیست و چهار تخت دیگر است و بر آن تخت ها بیست و چهار پیر^{۷۲} که لباس سفید بر تن و تاج زرین بر سر دارند و از آن تخت رعد و برق صادر می شود. در پیش تخت هفت چراغ آتشین افروخته

۶۹- ر.ک به مکا ۳:۱۰ و ۷ و ۱۰:۲۲ و ۱۲ و ۲۰.

۷۰- مکا ۱۹:۲۰. این نمود نشانه مرگ اپدی است. ر.ک مکا ۲۰:۱۴

۷۱- رؤیای نبوی کتاب مکاشفه با نظاره آیین بزرگداشت آسمانی آغاز می شود. در این بزرگداشت خدا- همان خدایی که یهودیان پارسا از ذکر نام وی بیم داشتند- به صورت حاکم مطلق بر فراز زمان و تاریخ بر عرش خود مستقر است.

۷۲- بیست و چهار پیر نمود فرشتگانی هستند که دربار خدا را تشکیل می دهند و یا ترجیحاً شخصیت های بزرگ عهد عتیق می باشند که به گونه ای نماینده گذر زمان و تاریخ هستند. باید توجه داشت که آیین بزرگداشت آسمانی، ستایش خدای تنها و منزوی نبوده بلکه جشن عظیمی است که زمین و آسمان را در یک آیین شادی به هم پیوند می دهد.

است که هفت روح خدا می باشند. و نیز در پیش آن تخت دریایی از شیشه بلور مانند دیده می شود. در میان تخت و گرداگرد آن چهار حیوان^{۷۳} دیده می شوند که در هر طرف سر، چشم دارند. نخستین آنها چون شیر، دومی مانند گاو نر جوان است، سومی چهره ای مانند انسان دارد و حیوان چهارم به مانند عقابی در حال پرواز می باشد. این چهار حیوان هر یک دارای شش بال بوده و از گرداگرد و درون با چشمانی متعدد پر هستند و شبانه روز بی وقفه تکرار می کنند:

قدوس، قدوس، قدوس خداوند،^{۷۴}

خدای قادر مطلق

که بود و هست و می آید! ۷۵

و هر بار که آن حیوانات جلال، تکریم و سپاس به آن تخت نشینی که تا ابدالآباد زنده است تقدیم می دارند، آن بیست و چهار پیر، پیش روی آن تخت نشین سجده می کنند و او را که تا ابدالآباد زنده است پرستش می نمایند و تاج های خود را به پای تخت گذارده می گویند:

ای خداوند، شایسته ای،

که جلال و تکریم و قدرت بیایی!

زیرا تویی که عالم را آفریده ای،

و به خواست توست که عالم

خلق شده است و وجود دارد!

(مکا: ۴: ۲-۱۱)

سرود بره

چهار حیوان و بیست و چهار پیر به حضور بره به سجده در آمدند و هر یک سه تازی همراه با جام های زرین سرشار از عطری که نیایش های مقدسین است در دست داشتند و سرودی جدید می سرودند:

تولیاقت داری که کتاب را^{۷۶} برگیری

و مهرهای آن را بگشایی.

زیرا تو قربانی گردیدی

و با خونت از بهر خدا، آدمیان را

از هر قوم و زبان و امت و ملتی باز خرید نمودی.

۷۳- چهار حیوان ظاهراً نمایانگر چهار فرشته ای هستند که باور می رود بر اداره امور جهان صدارت می کنند.

۷۴- این مدح و ثنا از اش ۳: ۶ الهام می گیرد. به طوری که به خاطر داریم در رسوم نیایش مسیحی ندای «قدوس» سه بار در نیایش سپاسگزاری تکرار می شود که جماعت آن را همراه با فرشتگان می سرایند. و بدین ترتیب آیین بزرگداشت آسمانی و زمینی را به هم پیوند می دهند.

۷۵- جمله «که بود و هست و خواهد آمد» عبارتی است که بارها تکرار می شود (مکا: ۱: ۴، ۴: ۴) و از نام یهوه یعنی «هستم آن که هستم» (خروج: ۳: ۱۴) الهام می گیرد. و با ذکر آن بر ابدیت خدا تأکید می نماید.

۷۶- کتاب احکام الهی.

تواز بهر خدای ما، از آنان
ملکوتی از کاهنان فراهم آوردی.
آنان بر زمین سلطنت خواهند راند.

سپس صدای فرشتگان بسیار را که گرداگرد تخت و اطراف پیران و حیوانات جمع بودند، شنیدم.
شمارشان کرور، کرور و هزاران هزار بود و به آواز بلند می سرودند:
بره ای که قربانی گردید، لیاقت دارد
که قدرت، غنا، حکمت، قوت،
حرمت، جلال و ستایش را^{۷۷} دریافت دارد.

و شنیدم که تمامی آفریدگان در آسمان، بر زمین، و به زیر زمین، بر دریا و داخل دریا می گفتند:
بر آن کس که بر تخت بره نشسته است
ستایش، حرمت، جلال و قدرت باد
تا ابد الابد!

و چهار حیوان پاسخ دادند: «آمین» و پیران به روی در افتادند و سجده کردند. (مکا ۵: ۸-۱۴)

سرود برگزیدگان در آسمان
اینک دیدم گروهی بی شمار از هر ملت، قبیله، قوم و زبان پدید آمده در پیش تخت و در حضور بره
بایستادند. همه جامه سفید بر تن و شاخه های نخل در دست داشتند و به آواز بلند ندا می دادند:

نجات، خدای ما
که بر تخت نشسته،
و بره راست!

و تمام فرشتگانی که به گرداگرد تخت بودند و پیران و چهار حیوان در برابر تخت به سجده در آمده و
پیشانی بر خاک نهادند تا خدا را پرستش کنند. آنان می خواندند:

آمین!
ستایش، جلال و حکمت،

۷۷- این مدح و ثنا شامل هفت قسمت است (مانند ۷: ۱۲). مؤلف از این طریق بر کمال جلال که شایسته مسیح از مرگ برخاسته و بره مقدس
فصح می باشد تأکید می نماید.

سپاس و حرمت،
توان و قدرت با خدای ما باد
تا ابدالآباد!
آمین!
(مکا ۷: ۹-۱۲)

سرود بیست و چهار پیر
بیست و چهار پیر که بر تخت های خود در برابر خداوند جلوس کرده بودند، پیشانی بر خاک نهادند و
خدا را پرستش کرده می گفتند:
تو را سپاس گوئیم، ای خداوند خدا،
ای قادر مطلق، تویی که «هستی و بودی»،
زیرا قدرت بی کران خود را به دست گرفتی
و سلطنت خود را برقرار نمودی!

ملت ها خشمگین گردیدند،
اما غضب تو فرا رسید!

اکنون زمان داوری مردگان است
زمان پاداش به خدمتگزاران،
انبیاء و مقدسین،
آنانی که از نام تو در هراسند
از کوچک و بزرگ،
زمان نابودی نابود کنندگان زمین!

(مکا ۱۱: ۱۷-۱۸)

نبرد فرجامین

نبردی در آسمان در گرفت. میکائیل^{۷۸} و فرشتگانش علیه اژدها می‌جنگیدند. اژدها و فرشتگانش نبرد کردند اما مغلوب شدند و دیگر در آسمان جایی نداشتند. اژدهای بزرگ فرو انداخته شد، آن افعی قدیمی که وی را ابلیس و شیطان می‌نامند، آن‌که سراسر زمین مسکون را می‌فریبید. بر زمین انداخته شد و فرشتگانش نیز با وی انداخته شدند. آنگاه آوازی بلند در آسمان شنیدم که می‌گفت:

پیروزی و قدرت،

سلطنت خدای ما

و قدرت مسیح وی ظاهر شده است!

آن متهم کننده^{۷۹} برادران ما، مغلوب گردید،

آن‌که برادران ما را شب و روز

در پیشگاه خدای ما متهم می‌کرد!

آنان به وساطت خون بره

و با شهادت شهیدان خود بر او پیروز شدند،

زیرا زندگانی را تا به حد مرگ خوار داشتند.

پس ای آسمان‌ها و ساکنین آنها، به وجد آیید!

وای بر حال زمین و دریا!

زیرا شیطان به میان شما فرود آمده است،

با خشمی عظیم،

زیرا می‌داند که روزهایش شمرده شده است.

(مکا ۱۲: ۷-۱۲)

۷۸- در سنت کتاب مقدس (دان ۱: ۱۲) میکائیل جانبدار و محافظ قوم خداست.

سرود موسی و برّه

آنانی که بروحش و بر تصویر او و بر عدد نامش^{۸۰} فایق آمده اند، بربط خدا را به دست گرفته سرود موسی^{۸۱}، آن خادم خدا، و سرود برّه را چنین می سرایند:

عظیم و عجیب است اعمال تو،
ای خداوند، خدا، ای قادر مطلق!

راههای تو عدالت و راستی است،
ای شاه ملت ها!

خداوندا کیست که از تو نهراسد
و نامت را جلال ندهد؟
زیرا تنها تو قدوس هستی.
همه ملت ها خواهند آمد
و در پیشگاه تو سجده خواهند کرد،
زیرا داوری های تو ظاهر گردیده است!

(مکا ۱۵: ۲-۴)

ندبه بر بابل^{۸۲}

سپس فرشته ای را دیدم که از آسمان فرود می آمد. او قدرتی عظیم داشت و زمین از جلال وی منور گردید. او به آواز بلند ندا کرده گفت:

او سقوط کرده است، او سقوط کرده است،
بابل عظیم!

مبّدل به مسکن دیوها گردیده،
پناهگاهی برای ارواح خبیث،
پناهگاهی برای هر حیوان پلید و کریه!

زیرا تمامی ملت ها، سرمست
از باده فحشای وی گردیده اند،

۸۰- «وحش» نمود امپراتوری روم است که مسیحیان را مورد تعقیب و آزار قرار می داد اما مفهوم وسیع تر «وحش» شامل همه قدرت هایی است که با برقراری ملکوت مسیح دشمنی دارند. رقم «وحش» (که در مکا ۱۳: ۱۸ رقم ۶۶۶ می باشد) بنابر داده های معرفت اعداد آن زمان به احتمال قوی به امپراتور «نرون» (Neron) اشاره می کند.

۸۱- «سرود موسی» (خروج ۱: ۱۵-۱۸ و تث ۳۲: ۱-۴۳) به اعلا درجه، سرود رهایی می باشد. باید به خاطر داشت که در بینش کتاب مقدس «خروج» نمونه ای است از رهایی مسیحی و رهایی در آخر زمان.

۸۲- سقوط بابل، آن فاحشه بزرگ، در قبال ستایش اورشلیم نوین که مانند یک عروس زیبا از آسمان می آید (مکا ۲۱: ۳) قرار دارد. در اصطلاح انبیاء واژه «فحشاء» از هوشع نبی به بعد به معنای بی وفایی به عهد با خدا به کار می رود (رجوع شود به حزق ۱۶ و ۲۳). ندبه سه باره پادشاهان جهان از ار ۵۰-۵۱ و حزق ۲۶-۲۸ الهام می گیرد.

و پادشاهان زمین با وی زنا کرده اند،
و سوداگران زمین از کثرت عیاشی او
ثروتمند گردیده اند! ...

او در دل خویش می گفت:
«بر تخت ملکه نشسته ام،
هرگز بیوه نخواهم گردید،
هرگز به سوک نخواهم نشست»

ببین که چگونه یک روزه،
بلا یا بر وی نازل خواهد شد:
طاعون، سوک، و قحطی،
و به آتش خواهد سوخت.

آری بس قدرتمند است،
خداوند خدایی که وی را داوری کرده است!
شاهان زمین که با وی فسق و فجور کرده اند با دیدن دود ناشی از سوختن وی از درد و عذابش به ترس
افتاده و از او فاصله گرفته خواهند گفت:
دریغا، دریغا ای شهر عظیم،
ای بابل، ای شهر قدرتمند!
زیرا ساعتی کفایت کرد
تا داوری بر تو فرا رسد! ...

دریغا، دریغا، ای شهر عظیم،
ملبس به کتان، مخمل و ارغوان،
سراپا مزین به طلا و جواهر و مروارید!
زیرا ساعتی کفایت کرد
تا این چنین ثروتی عظیم ویران گردد! ...

دریغا! دریغا! .. ای شهر عظیم،
آنهایی که بر دریاها کشتی رانند
همگی از غنایش ثروتمند شدند.
زیرا ساعتی کفایت کرد
از بهر ویرانیش!

ای آسمان ها به خاطر، بابل شادی کنید،
و شما نیز ای قدیسین، رسولان و انبیا!
چون با محکوم کردن وی
خدا شما را حمایت کرده است.
وانگهی فرشته ای قوی، سنگی مانند سنگ بزرگ آسیاب را به دریا افکنده گفت: «بابل، شهر عظیم این
چنین افکنده و پرتاب خواهد شد. دیگر هرگز دیده نخواهد شد».

آوای چنگ و نغمه سرایان،
نوای نی و بریط
دیگر هرگز در تو شنیده نخواهد شد.

صنعت گران از هر پیشه ای
دیگر هرگز در تو دیده نخواهند شد.

آواز چرخش سنگ آسیاب
دیگر هرگز در تو شنیده نخواهد شد.

نور چراغ
دیگر هرگز در تو درخشیده نخواهد شد.

و صدای عروس و داماد
دیگر هرگز در تو شنیده نخواهد شد.

(مکا ۱۸: ۱-۲۳)

سرود پیروزی

صدایی شنیدم چون صدای جمعیتی عظیم که در آسمان می خواندند:
هللویا^{۸۳}!

نجات، جلال، و قدرت از آن خدای ماست!
آری داوریهای وی عدالت و راستی است.
زیرا آن فاحشه اعظم را داوری کرده است
آن که زمین را با فحشای خود به فساد می کشاند.
انتقام خون خادمان خود را از او بگرفت.

آنها بار دیگر فریاد برآوردند:
هللویا!

دودش برمی خیزد تا ابدالآباد!^{۸۴}

بدان هنگام بیست و چهار پیر و چهار حیوان به سجده در آمده خدا را که بر تخت نشسته است، ستایش کردند. آنها می گفتند:
آمین! هللویا!...

خدای ما را ستایش کنید ای همگی خادمانش،
شما که از وی در هراسید، چه کوچک و چه بزرگ!

سپس صدایی شنیدم چون صدای جمعیتی عظیم، همچون صدای آب های بسیار، و نیز صدای تندرهای قوی:

هللویا! زیرا او سلطنت می راند

خداوند خدای ما، قادر مطلق.

شادی کنیم، به وجد آییم، او را جلال دهیم،

زیرا نکاح بره فرا رسیده است!^{۸۵}

و عروس وی خود را آماده گردانیده است.

بدو عطا شد تا به کتان درخشان و پاک ملبس گردد.

این کتان، همان اعمال نیک قدیسین است.

و فرشته مرا گفت: «بنویس: خوشا به حال آنانی که به ضیافت نکاح برّه دعوت گردیده اند!»^{۸۶}

(مکا ۱۹: ۱-۹)

۸۳- این سرود پیروزی یگانه قطعه عهد جدید است که حاوی ندای پیروز «هللویا» (یعنی «خدا را ستایش کنید») می باشد. مؤلف با ذکر آن بر شدت شادی در استقبال از پیروزی خدا و برخدا تأکید می نماید. «هللویا»ی اول توجیه داوری خدا بر شهیدانی است که به خاطر کلام خدا و نهادتی که می دادند جان سپردند و طالب داوری خدا بودند. (مکا ۶: ۱۱). «هللویا»ی دوم، که با ذکر «آمین» تأیید شده است، برگزیدگان عهد عتیق (آن بیست و چهار پیر) و دنیای فرشتگان را نیز (آن چهار حیوان) در این ستایش سهیم می سازد. بالاخره در «هللویا»ی سوم، جمعیت بی شمار بازخرید شدگان است که برقراری ملکوت خدا را جشن می گیرند.

۸۴- دود بابلی که به آتش کشیده شده است (مکا ۱۴: ۱۱؛ اش ۳۴: ۱۰) به سوی آسمان بلند می شود و نشانه خشم خداست، که بر آن وارد آمده است (مکا ۸: ۹-۸).

۸۵- استعاره جشن عروسی منعکس کننده مفهوم عهد با خداست که به مانند عهد ازدواج، بنی اسرائیل را با خدایشان در وفاداری و محبت پیوند می دهد (رک هو: ۳؛ اش ۵۰: ۱، ۵۴: ۵-۶؛ ار ۲: ۲، ۳: ۱۳-۶؛ حزق ۱۶ و ۲۳). عهد جدید این استعاره را به پیوند کلیسا با مسیح ارتباط داده است (افس ۲۷: ۵-۲؛ قرن ۱۱: ۲؛ مکا ۲: ۲۱).

دیداکه

ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد از آسمان آمد
و تمام آن خانه را پر ساخت.
زبان ها منقسم شده مثل زبان های آتش به ایشان ظاهر
گشته بر هر یکی از اشان قرار گرفت.
(اعمال ۲: ۲-۳)

دیدگاه * (Didache)

یا آموزش اصول مسیحیت

در سال ۱۸۷۵ فیلوئتوس بریه نیوس (Philotheos Bryennios) اسقف یونانی شهر نیکومدیا در صومعه مقبره عیسی در قسطنطنیه دستخطی یونانی بر روی پوست متعلق به سالهای ۱۰۵۶-۱۰۵۷ یافت که علاوه بر نامه برنابا (Barnabas) و دو رساله از کلیمت (Clement)، حاوی متن دیدگاه (Didache) یا تعالیم خداوند به ملت‌ها به نقل از دوازده رسول وی.

تأثیری که این کشف فوق العاده مهم در زمان خود بر جای نهاد شبیه تأثیر کشف نوشته های دستخطی قمران (Qumran) و صحرای یهودیه در عصر ما بود. زیرا دیدگاه با این نوشته، نور درخشانی بر دوره ای که بلافاصله پس از زمان رسولان واقع شده است می تاباند و به طرز منحصربه فرد شناخت ما را در مورد کلیسای کهن و قدیمی ترین قانونگذاری آن تکمیل می نماید. از این نوشته ها به عنوان الگو و نمونه هایی برای تدوین قوانین آینده و آیین نامه های رسولی استفاده شد.

بررسیها در مورد این متن از زمان نخستین انتشار آن به سال ۱۸۸۳ توسط بریه نیوس، هنوز به اتمام نرسیده و دقت و موشکافی در آن ادامه دارد. محققان تا به امروز درباره تاریخ تدوین آن اتفاق نظر نیافته اند. از تجزیه و تحلیل محتوای این متن و مقایسه آن با دیگر متون چنین بر می آید که در این اثر مدارکی در کنار هم قرار داده شده که منشأ و تاریخ اصل آنها متفاوت است. گردآوری این مجموعه ممکن است در قرن دوم میلادی یا حتی اواخر قرن اول انجام گرفته باشد. نگارش برخی قطعات آن ممکن است به سالیان پیشتری بقرن سالهای ۵۰-۷۰ میلادی برگردد و بدین ترتیب با نوشته های پولس رسول و گردآوری نخستین سخنان انجیلی معاصر باشد.

به نظر می آید که منشأ اولیه این اثر، جوامع اهل انطاکیه سوریه بودند که آن را خطاب به جوامعی که از شرک به مسیحیت روی آورده بودند نوشته اند.

* * *

نیایش سپاس * The Eucharistic Prayer

چنانچه واژه Eucharist را سپاسگزاری معنی کنیم، این نیایش دیدگاه می تواند قدیمی ترین نیایش سپاسگزاری در سنت مسیحی تلقی شود.

این نیایش مسلماً زاده مراسم عبادتی مربوط به نیایش برکت در شام مشارکتی یهودیان است. اما رابطه آن با آئین سپاس مسیحی به معنای خاص، کماکان مورد بحث می باشد.

آنچه را کمتر می توان مورد تردید قرار داد چنین است: این نیایشی بوده است که بر سر سفره ایمانداران هنگامی که برای تناول برادرانه آگاپه * (Agape) (۱-قرن ۱۷: ۱۱-۲۲) - مراسم که پیش از اجرای آیین

سپاس بر گزار می گردید - گرد می آمدند، خوانده می شد.

حد اعلاى ادعاىى که می توان نمود این است که این نیایش به عنوان نیایش خاص آئین سپاسگزاری به منظور بزرگداشت شام آخر خداوند (نیایشی که نان و شراب را تقدیس می نمود) مورد استفاده قرار می گرفت. بدون شک روایت بنیانگذاری راز نان و جام در این نیایش وجود ندارد. اما ارجاع به شام آخر خداوند را می توان نه تنها با ذکر کلمات بنیان گذارنده راز بلکه به نحوی ساده تر، از طریق خود عمل برپایی ن به تقلید از کاری که خداوند در شام آخر انجام داد، به جای آورد. ۱.

به نظر می رسد که این تعبیر دوم - که در برخورد اول "افراط گرایانه" می نماید و از این رو می تواند در مقابل انتقادات آسیب پذیر باشد - در واقع همان است که هم متن آموزشی "دیداکه" و هم رابطه آن با سنت یهود را به بهترین نحوی تعبیر می نماید. با تجزیه و تحلیل این رابطه، "تالی" (T.J.Talley) با دوراندیشی و احتیاط چنین نوشته است: «به نظر بعید نمی رسد که بند ۱۰ دیداکه به سان اقتباس پُر دقتی از برکت هامازون به منظور جوابگویی به مقتضیات شام آخر خداوند (که نام آن به Zebah Todah یعنی همان قربانی آیین سپاسگزاری تبدیل شده بود) تدوین شده باشد و یا چنین وانمود کند.»

صرف نظر از موضعی که اختیار شود همواره می توان پنداشت که این نیایش همان حلقه زیرینی است که نیایش یهود را به آیین سپاسگزاری مسیحی پیوند می دهد.

* * *

درباره آئین سپاسگزاری، این چنین سپاس گوئید:

نخست از بهر جام:

تو را سپاس می گوئیم، ای پدر ما،

از بهر تاک مقدس داود، ۲ خادم تو

که از طریق فرزندت عیسی بر ما مکشوف ساخته ای.

جلال از آن تو باد تا ابدالآباد!

سپس از بهر نان پاره شده:

«تو را سپاس می گوئیم، ای پدر ما،

از بهر زندگانی و معرفتی

۱- جای این نیایش در سلسله نیایشها احتمالاً همان است که در آیین بزرگداشت* "آدایی و ماری" (فصل دهم) آمده است.
۲- "تاک مقدس داود" عبارت مرموزی است به شیوه انبیاء که ظاهراً در این جا به کل نجات و بویژه به عهد جدید، که در درد و رنج صلیب و لال رستاخیز منعقد شده است، اشاره می کند. پولس رسول در خطابه ای که در "انطاکیه پیسیدییه" ایراد کرد در این مورد چنین می فرماید: «ما نیز به سهم خود این مژده را به شما اعلام می داریم: و آن وعده ای که به پدران ما داده شده بود، خدا آن را به نفع ما که فرزندان آنان هستیم با پرخیزاندن عیسی از مرگ تحقق بخشید چنان که در مزمور دوم مکتوب است: «تو پسر من هستی، تو را امروز تولید کردم» (مز: ۷۰). این که ندا وی را از مردگان برخیزانید و این که او دیگر هرگز فساد نخواهد دید، همان است که اعلام کرده بود: «مقدسات داود آن مقدسات راستین را به شما خواهم بخشید». (اع: ۱۳: ۳۲-۳۴)

که از طریق فرزندت^۳ عیسی بر ما مکشوف ساخته‌ای.
جلال از آن تو باد تا ابدالآباد!

به مانند این نانی که پاره می‌کنیم،
نانی که در گذشته بر تپه‌ها پراکنده شد،
و سپس گردآوری شده یک گردید،
باشد که کلیسای تو نیز
از کرانه‌های زمین، در ملکوت تو گرد هم آیند،
زیرا جلال و قدرت از آن توست تا ابدالآباد.»

از نان و جام آیین سپاسگزاری شما هیچکس نه بخورد و نه بیاشامد
مگر آنان که به نام خداوند تعمید یافته باشند.
زیرا به همین خاطر بود که خداوند فرمود:
«چیزهای مقدس را به سگان ندهید»^۴.

هنگامی که سیر شدید بدین گونه شکرگزاری کنید:
«ای پدر مقدس، تو را سپاس می‌گوییم،
به خاطر نام قدوست
که در قلبهای ما ساکن گردانیده‌ای،
و به خاطر معرفت، ایمان و جاودانگی
که از طریق فرزندت عیسی بر ما مکشوف نموده‌ای
جلال از آن تو باد تا ابدالآباد!

این تویی ای خداوند قادر مطلق، که همه چیز را آفریدی
به خاطر نامت،

بهر شادی فرزندان آدمی

۳- واژه "فرزند" که به عیسی اطلاق می‌شود از ویژگیهای قدیمی‌ترین متون مسیحی است. واژه اصیل یونانی (Pias) را می‌توان هم "فرزند" و هم "خادم" تعبیر نمود. تفکر و تعمق جماعت اولیه مسیحیان متون مربوط به "خادم یهو"، در سرودهای اش ۱-۶: ۴۹، ۶-۱: ۵۰، ۴-۱۱ و بویژه در اش ۱۲: ۵۲ - ۱۳: ۵۳ را اعلانی نبوی از رسالت عیسی، آن "خادم مقدس" (اع ۲۷: ۴، ۳۰؛ ۲۶: ۳؛ مت ۱۷: ۸؛ اش ۵۳: ۴؛ مت ۱۲: ۱۸-۲۱؛ اش ۱-۴: ۴؛ لو ۲۲: ۳۷؛ اش ۱۲: ۵۳) تعبیر کرده است. اطلاق این متون به عیسی از این جهت نیز آسان بوده است که واژه عبرانی "عبد" (ebed) یعنی "خادم" مفهوم "فرزند" و "پسر" را نیز دربر داشته است. بنابراین واژه "خادم" برای بیان راز عیسی که در نقش مسیح و منجی، خادم خدا و از نظر منشأ الهی اش، "پسر" محبوب پدر آسمانی است، کاملاً مناسب می‌باشد. خادمی که در رنجهایش تحقیر گردید اما با رستایش از مردگان ... با قدرت تمام، "پسر خدا" نامیده شد (روم ۱: ۴). این نکته نیز باید افزوده شود که سمبل خادم یهوه در نبوت اشعیا، هم جنبه انفرادی و هم جنبه جمعی دارد و از این رو یهد کلیسای رسالت عیسی را نیز القاء می‌کند زیرا عیسی تمام جماعت ایمانداران را به دنبال خود در رنجها و رستایش خویش سهیم ساخت. بنابراین واژه "فرزند" که در قدیمی‌ترین متون مسیحی به عیسی اطلاق می‌شود، تمام این معانی تاریخی و خداشناسی را در بر دارد.

خوراک و آشامیدنی به آنان ارزانی داشته ای،
تا آنها سپاس تو را گویند.
اما ما را به فیض خود،
خوراک و آشامیدنی روحانی از بهر زندگانی جاودانی
از طریق فرزندت، عیسی عطا فرموده ای.

برتر از هر چیز، سپاس تو را گوئیم
زیرا تو قادر متعالی.
جلال از آن تو باد تا ابدالآباد!
آمین.

خداوندا، کلیسای خود را به یاد آور،
و آن را از هر نوع شریر رهایی ده.
در محبت خود آن را کامل گردان.
این کلیسای تقدیس شده را از چهار گوشه جهان گرد هم آور،
در ملکوت خود که از بهر آن آماده نموده ای.
زیرا قدرت و جلال از آن توست تا ابدالآباد!

باشد که خداوند بیاید^۶ و این جهان بگذرد!
آمین.

هوشیاعانا به خاندان داود!
آن کس که مقدس است، بیاید!
آن کس که مقدس نیست، توبه کند!
ماراناتا!^۷ * (Marana tha)
آمین.»

(بند ۹ و ۱۰ "دیداکه")

روز خداوند

"روز خداوند" به برپایی آئین شام "خداوند" تخصیص داده شده و از همان آغاز، روز یکشنبه که یادبود روز رستاخیز است، با آیین سپاس* پیوند دارد. همراه با ذکر آیین سپاس، نیایش سپاسگزاری و اعتراف دستجمعی به گناهان نیز در دیدگاه ذکر شده است. بدین ترتیب کلیسایی که در دیدگاه منعکس است، کلیسایی است که وحدت خود را با اعتراف به گناهانش، نیایش سپاسگزاری و تناول شام خداوند تثبیت می نماید.

* * *

در روز خداوند گرد هم آیید،
نان را پاره کنید و سپاس به جای آرید،
به گناهان خود اعتراف کنید
تا قربانی شما پاک باشد.
اما کسی که با همراهش اختلافی دارد
به مجمع شما نیوندد
مگر قبلاً آشتی کرده باشد،^۸
تا قربانی شما، بی حرمت نگردد.

زیرا این قربانی همانی است که خداوند درباره آن می گوید:

«در هر زمان و در هر مکان
مرا یک قربانی پاک تقدیم دارید،
زیرا من شاهی بزرگم
و نام من در بین ملتها عجیب است.»^۹

(بند ۱۴ "دیدگاه")

۵- در سر تا سر این نیایش واژه کلیسا همان مفهوم عهد عتیق را دارد یعنی "اجتماع فرزندان بنی اسرائیل که با کلام خدا برای بزرگداشت عهد قدس به گرد هم آورده شده اند" (تث ۲۳: ۲-۴، ۹). و بدین سان است که در عهد جدید خداوند کلیسای خود را با فراخواندن همه ایمانداران به ملکوت ابدی عیسی، از چهار گوشه عالم به گرد هم می آورد.

۶- طبق ترجمه قبطی به معنی "باشد که" خداوند بیاید" (مکا ۲۲: ۲۰). در ترجمه دیگری "باشد که" فیض بیاید".

۷- این اصطلاح آرامی در زمره عبارات ویژه آیین نیایش قرار گرفت و مفهوم آن "ای خداوند، بیا!" می باشد (۱- قرن ۲۲: ۱۶؛ مکا ۲۲: ۲۰؛ روم ۱۲: ۱۳؛ فی ۵: ۴؛ یع ۸: ۵؛ ۱- پتر ۷: ۴). همچنین می توان این عبارت را به صورت "ماراناتا" (Mar anatha) خواند که در آن صورت معنی آن "خداوند می آید" خواهد بود.

۸- ر. ک مت ۲۳: ۵؛ ۲۴: ۲۴.

۹- ملا ۱: ۱۱، ۱۴.

نامه کلمنت رومی

به قرنتیان

(مقارن سال ۹۵-۹۸ میلادی)

رئیس کهنه‌ای نداریم
که نتواند همدرد ضعفهای ما بشود
بلکه آزموده در هر چیز
به مثال ما بدون گناه .
(عبر ۴ : ۱۵)

کلمنت رومی

قدیمی‌ترین فهرست اسقفهای روم که از ایرنه به دست داریم، کلمنت را سومین جانشین پطرس، پس از بنیوس و آناکلتوس معرفی می‌نماید. بنا به گفته ترتولیان، کلمنت توسط خود پطرس به مقام پیری کلیسا، دستگذاری شده بود.

یوزبیوس آغاز ریاست وی بر کلیسا را مقارن دوازدهمین سال سلطنت دومیتیان (Domitian) (۸۱-۹۶) و پایان سومین سال سلطنت "تراژان" (۹۸-۱۱۷)، امپراتوران روم می‌داند. بنابراین کلمنت از سال ۹۲ تا ۱۰۱ بر مسند پطرس، تکیه داشته است.

* * *

نامه به قرن‌تیبان

مقارن پایان سلطنت دومیتیان یا آغاز سلطنت نروا یعنی در حدود سالهای ۹۵-۹۶ کلیسای خداوند مستقر در روم نامه‌ای به کلیسای خداوند مستقر در قرن‌تس فرستاد. در قرن‌تس انشقاق مذهبی رخ داده بود. عده‌ای رهبران گستاخ و بی‌پروا جامعه مسیحی را علیه پیران کلیسا برانگیخته و آنان را از رسالتی که با شرافت و به دور از هر نوع کاستی اعمال می‌کردند عزل و منفصل نموده بودند: یعنی جریانی نظیر انقلابهای ربراری اما در دل کلیسای مقدس مسیح! حال تمام این فضاحت در معرض توجه عموم و در برابر تمسخر یهودیان و مشرکین صورت می‌گرفت.

کلمنت ناگزیر از مداخله گردید. و این کار را با مهربانی و عطف انجام داد اما به مانند شخصی صحبت کرد که انتظار دارد از وی اطاعت شود.

و بدین سان قرن‌تیبان منازعه طلب - که اگر زمان پولس قدیس را نیز به خاطر آوریم همواره چنین بودند (ر. ک ۱- قرن ۱: ۱۰-۱۳) - ما را از نامه کلمنت روم که قدیمی‌ترین اثر ادبیات مسیحی خارج از مجموع متون مقدس بوده و نام و مقام نویسنده آن از نظر تاریخی مورد تأیید می‌باشد، مستفیض نمودند. همچنین این نامه را "تجلی" تقدم روم نامیده‌اند. کلیسای روم نه فقط از این که در امور داخلی یک کلیسای خواهر مداخله می‌نماید، از در معذرت خواهی در نمی‌آید بلکه برعکس از این که دیر به مداخله پرداخته است پوزش می‌طلبد. اما این مداخله در واقع التماسی به خاطر حفظ وحدت و محبت است

قدوس، سرود وحدت

افتخار و اطمینان خود را به خدا بسپاریم. در برابر اراده اش سر تسلیم فرود آریم. فرشتگان بی شماری که گرداگردش را گرفته‌اند تا اراده‌وی را به جای آرند، در نظر آریم. زیرا کتاب مقدس می‌گوید:

کرور کرور در برابرش ایستادند
و هزاران هزار وی را خدمت کردند،
و آنها ندا برمی آوردند: قدوس، قدوس، قدوس است
خداوند صبايوت!

سراسر آفرینش سرشار از جلال اوست! ۱

و ما نیز که با احساسات مشترک و تفکری واحد گرد آمده ایم همه یک زبان مصرانه به سوی او ندا
برمی آوریم تا در وعده های پر جلال و شکوهمند وی سهیم گردیم. زیرا گفته شده است: «چشم ندیده است،
گوش نشنیده است و به خاطر آدمی خطور نکرده است آنچه را که خداوند برای منتظرین خود مهیا نموده
است.» ۲.

(۸-۵:۳۴)

عیسی مسیح، کاهن اعظم ما
عیسی مسیح کاهن اعظم صدقات ماست،
حامی ما و یاور ما در ضعفایمان.
ما از طریق او چشمان خود را به سوی آسمانها بلند می کنیم،
از طریق او چنان که در آینه ای می نگریم
چهره پاک و متعال خدا را می بینیم.
از طریق او چشمان دل ما گشوده می گردند.
شعور ما که ناتوان و تار است،
باردیگر به سوی نور رشد می کند.
از طریق اوست که مرشد متعال از ما می خواهد
تا طعم دانش جاودانی را بچشیم.
(۲-۱:۳۶)

۱- ر.ک اش ۳:۶؛ دان ۱۰:۷؛ مکا ۴:۸، ۵:۱۱.
۲- اش ۳:۶۴؛ ۱-قرن ۲:۹.

نیایش بزرگ

کلمنت نامه خود را با نیایش بزرگ که یکی از شاهکارهای ادبیات صدر مسیحیت است به پایان می برد. این متن کاهنانه متأثر از خاطرات کتاب مقدس، مسلماً (لا اقل در بخشی از آن) کهن ترین گواه آیین نیایش کلیسای روم است. در تعاقب نیایشهای یهودی- فی المثل، برکت هامازون (برکت پس از صرف غذا) و برکات هیجده گانه- او سپاسگزاری را با نیایش استغاثه ترکیب می کند و بدین ترتیب طلوعه ای بر تصنیف آیینهای نیایشی بعدی است که با ادغام روایت بنیانگذاری با آئین یادبود، نیایشهای بزرگ آئین سپاس را خواهد آفرید.

* * *

باشد که آفریدگار عالم
شمار برشمرده برگزیدگان خود را
از طریق فرزند محبوبش، عیسی مسیح
در سراسر جهان محافظت نماید.

به وساطت اوست که تو
ما را از تاریکی به روشنایی،
و از جهالت به معرفت کامل نام پر جلال تو،
و به امید نام تو،
که شالوده تمامی هستی است، فراخوانده ای.

تو چشمان دل ما را گشودی
تا تو را بشناسیم.
تو، قادر متعال که بر اوج افلاک جای داری،
و قدوسی که در میان قدیسین آرمیده ای.

کبر مغرورین را فرود می آوری،
نقشه ملتها را نقش بر آب می کنی،
فروتنان را برمی افرازی و قدرتمندان را پست می گردانی.

تویی که به ثروت می‌رسانی و تهی دست می‌گردانی،
مرگ می‌دهی و نجات و حیات می‌بخشی،
تو، یگانه خیرخواه و خدای همه موجودات هستی.

تو بر ژرفای بی‌حد می‌نگری،
و بر کارهای آدمیان نظاره می‌کنی،
مددکار آدمیان در سختیها
و منجی ناامیدان هستی.
تو آفریدگار و حافظ هر نفس و روحی!

تو ملتهای زمین را کثیر می‌گردانی
و از بین آنان، عاشقانت را برمی‌گزینی
به وساطت عیسی مسیح فرزند دل‌بند تو.
به وساطت اوست که ما را تعلیم می‌دهی،
ما را مقدس می‌گردانی و جلال می‌بخشی.

خداوندا، از تو استدعا می‌کنیم،
یار و یاور ما باش.
درماندگان را برهان،
بر حقیران رحمت آور.

افتادگان را برافراز،
و بر آنان که در نیازند خود را ظاهر نما.

بیماران را شفا بخش،
گمراهان قوم خود را به راه راست برگردان.

گرسنگان را سیر گردان،
محبوسان را رهایی ده.
ضعیفان را برخیزان،
ترسیدگان را تسلی بخش.

تا تمامی ملتها بدانند
که تو خدای یکتایی،
که عیسی فرزند توست،
که ما قوم تو
و گوسفندان مرتع تو هستیم.

اعمال تو،
نظام جاودان عالم را آشکار می گردانند
ای خداوندی که زمین را آفریده ای.
تو در همه اعصار امین هستی،
عادل در داوریها،
عجیب در قدرت و عظمت،
خردمند در آفرینش
و آگاه در استواری آنچه آفریدی،
نیکو در چیزهای دیدنی،
امین به آنانی که به تو اعتماد دارند،
رحیم و دلسوز.

همه کج رفتاریها و بی عدالتیها،
خطاها و اشتباهات ما را ببخش.
گناهان بندگان و کنیزان خود را به شمار میاور،
بلکه ما را به حقانیت پاک خود، پاک گردان.

قدمهای ما را به راه راست هدایت کن
تا در قدوسیت دل بخرامیم
و آنچه به نظر تو
و به نظر آنانی که ما را ارشاد می کنند، خوش آید
انجام دهیم .

بله، خداوندا، بگذار چهره تو بر ما بدرخشد
تا ما را در صلح، سرشار از نیکویی فرمایی،

با دست قوی خود پناه دهی،
به قدرت بازوی خویش از هر گناهی بر کنار داری
و از دست کسانی که بی جهت ما را منفور می دارند برهانی.

سازگاری و صلح عطا فرما
به ما و به همه ساکنان زمین،
همان گونه که به پدران ما عطا فرمودی
وقتی که در تقدس، ایمان و حقیقت
تورا می خواندند.

ما را فرمانبردار ساز
در برابر نام قادر متعال و قدوس تو،
در برابر حکمرانان
و کسانی که در جهان بر ما حکومت می کنند.

خداوندا، این تویی
که با قدرتی عجیب و وصف ناپذیر
اختیار سلطنت بدیشان داده ای،
تا ما باز شناسیم
حشمت و جلالی که تو ایشان را ارزانی داشته ای
تا مطیع آنان بمانیم
و بر خلاف اراده تو، سخن نگوییم.
خداوندا، ایشان را سلامت،
صلح و اتحاد و پایداری عطا فرما
تا بدون نقص و کوتاهی
حاکمیتی را که بدیشان داده ای اعمال کنند.

این تویی، ای خداوند، ای پادشاه آسمانی تمام دورانها،
که به فرزندان آدمی
افتخار، حشمت و قدرت بر امور جهان می بخشی.

خداوندا، ارادهٔ آنان را هدایت فرما
به آنچه در نظر تو زیبا و پسندیده است.
تا با صلح و صفا و مهربانی و عطف
قدرتی را که بدیشان بخشیده‌ای به کار گیرند،
تا بدین سان نظر محبت تو را به خود معطوف دارند.
تنها تویی که قادری نیایش ما را اجابت نمایی
و از بهر ما برکاتی بس فزون تر فراهم آری.

تو را از طریق عیسی مسیح ستایش می‌کنیم،
که کاهن اعظم و نگهبان جان ماست.
از طریق او افتخار و عظمت تو را باد
اکنون و نسل بعد نسل،
تا ابد الآباد! آمین.

(۵۹-۶۱)

شهادت ژوستین قدیس

(مقارن سال ۱۵۰ میلادی)

روح و عروس می گویند : « بیا! »

هر که می شنود بگوید : « بیا! »

آمین!

ماران اتا!

(مکا ۲۲: ۱۷-۲۰)

ژوستین قدیس

زندگی نامه

ژوستین در قلب ناحیه جلیل در شهر رومی و مشرک فلاویا نئاپولیس (Flavia Neapolis) زاده شد. این نهر بر بقایای قدیمی شهر شکیم در نزدیکی چاه یعقوب بنا گردیده بود. گرچه این شهر نزدیک محلی بود که عیسی در آن جا به زن سامری وعده آبی داده بود که تشنگی را برای همیشه فرو می‌نشاند و تا به حیات جاودانی جریان دارد اما ژوستین شناختی از عیسی نداشت. او با روحی تشنه خداوند در جستجوی حقیقت بود.

او ابتدا به یکی از حکمای رواقی رجوع کرد. این نخستین سرخوردگی وی بود زیرا آن به اصطلاح مرشد «از خدا چیزی نمی‌دانست و این معرفت را نیز ضروری نمی‌شمرد».

ژوستین بار دیگر بخت خود را نزد یک استاد مکتب ارسطویی آزمود. اما هنگامی که این شاگرد ارسطو که از عظمت فکری و روحی ارسطو به هیچ وجه بهره نداشت، برای تعلیم حقیقت تقاضای حق التدریس نمود، ژوستین با دلسردی به وی اعلام داشت که درس را ادامه نخواهد داد.

او سپس خود را به یکی از پیروان مکتب فیثاغورث سپرد که عقیده داشت پیش از هر کاری باید به نراگیری موسیقی، نجوم و هندسه پرداخت. ژوستین در کار خویش تعجیل داشت، در تب و تاب آن بود تا هر چه زودتر به اصل مطلب بپردازد.

در این رهگذر به مردی سالک طریقت افلاطونی برخورد نمود.

ژوستین به وی علاقمند شد با این خیال که او قطعاً حقیقت را می‌داند.

و این آخرین سرخوردگی ژوستین بود زیرا سرانجام مسیح را ملاقات نمود، ملاقاتی حیرت آور و خیره کننده:

ناگهان آتشی در روح من روشن گردید. وجود مرا محبتی نسبت به انبیاء و آنانی که مسیح را دوست می‌داشتند، فرا گرفت. با تعمق در تمامی این سخنان دریافتم که این تنها فلسفه حقیقی و مفید است. بدین طریق بود که من به فلسفه علاقمند گردیدم و آرزو می‌کنم که همه کس همان احساس و درک مرا داشته باشند.

ژوستین همان زمان که به ملاقات مسیح نائل آمد، با زندگی شاگردان مسیح نیز آشنا شد و آن را درخور و شایسته استادشان دید. بی‌اهمیت بودن مرگ از نظر آنان، اتهامات بدخواهانه‌ای را که علیه آنان منتشر می‌کردند، بی‌اثر می‌ساخت.

ژوستین می‌نویسد:

در آن هنگام که تعلیمات افلاطون اسباب شادی من بود، اتهاماتی را که علیه مسیحیان عنوان می‌شد به گوش خود می‌شنیدم. اما وقتی آنان را در برابر مرگ و هر نوع وحشتی آن همه با صلابت و مقاوم دیدم، دانستم که محال است زندگانی آنها در فساد و لذت جویی بگذرد. درواقع اگر کسی طالب لذت و فسق و فجور باشد و یا از خوردن گوشت انسانی لذت ببرد، آیا باز به جستجوی مرگ می‌رود که وی را از

همه آن لذاذ محروم بدارد؟ آیا او در صدد آن نیست که به هر قیمت شده این زندگی را حفظ نموده و از رعایت قانون سر باز زند، تا این که خود را رسوا نموده تسلیم مرگ گرداند؟
ژوستین پس از گرویدن به مسیحیت که مقارن سال ۱۳۰ در افسس انجام گرفت به مانند فیلسوفی سیار به سفر پرداخت و سرانجام در زمان سلطنت "آنتونینوس پارسا" (Antoninus Pius) (۱۳۸-۱۶۱) به شهر روم رسید و در آن جا مدرسه ای مسیحی بنا نمود. او مقارن سالهای ۱۵۶-۱۶۶ به شهادت رسید.
چه هیجان انگیز است سخنانی که وی قبل از مرگ نوشته، سخنانی که به زیباترین نحو اعمال وی را تأیید می نمایند:

هیچ کس تا این اندازه به سقراط ایمان نیاورد که به خاطر عقیده اش جان سپارد ... اما برای مسیح، نه فقط فیلسوفان و ادیبان، که پیشه وران و نادانان نیز افتخار، ترس و مرگ را خوار داشتند!

آثار

از آثار متعدد ژوستین تنها دو نوشته به نام **آپولوجیا (دفاعیه)** و **یک گفتگو با تریفوی یهود** به دست داریم.

دو آپولوجیا مقارن سال ۱۵۰ در روم نوشته شده است (ژوستین در این آثار نوشته است که زمان ولادت مسیح ۱۵۰ سال پیش تر از آنچه همگان می پندارند، بوده است). در توصیفی که درباره این دو اثر آمده است اصالت و جسارت آنها به طرزى باشکوه بیان شده است: «به امپراتور آنتونینوس پارسا ... و پسرش وریسیم - منظور همان مارکوس اورلیوس (Marcus Aurelius) است - به سنای مقدس و تمامی ملت روم به خاطر افرادی از نژادهای گوناگون که ظالمانه مورد تنفر و آزارند، من که خود یکی از آنانم، ژوستین، پسر پریسکوس، پسر باکیوس، زاده شهر فلاویانثاپولیس واقع در سوریه فلسطین، این خطابه و عرض حال را عنوان می کنم». جمله من که خود یکی از آنانم، از صراحت کامل برخوردار است. ژوستین به خوبی می داند که مسیحیان به شهادت می رسند و داشتن عنوان مسیحی به تنهایی جنایت محسوب می شود، ولی او اهمیتی نمی دهد. او بدین امر که نامه ای بدون نام و امضاء برای امپراتور بفرستد، عقیده ندارد و ایمان خود را با صدای رسا ابراز می نماید.

در این اظهاریه ایمان به متونی برمی خوریم که بیشتر به منظور ما مربوط می گردند، بویژه آن متونی که به مادگی و نیل به مسیحیت، برپایی آئین سپاس و نیز به روز خداوند اختصاص دارد. با مرور این متون کهن که عمرشان به هیجده قرن می رسد متوجه تجدید حیات آیین نیایش قرن دوم نیز می گردیم.

آمادگی و نیل به مسیحیت

حال شرح می‌دهیم که چگونه به وسیله مسیح زندگانی نوین یافتیم و خود را وقف خدا نمودیم. چنانچه از
:کر آن صرف نظر می‌کردیم در بیان خود خاطی محسوب می‌شدیم.

آنان که به حقیقت تعلیمات و سخنان ما ایمان می‌آورند ابتدا قول می‌دهند که می‌توانند برحسب این
عتقاد زندگی نمایند. سپس می‌آموزند چگونه نیایش کنند و ضمن گرفتن روزه بخشایش گناهان گذشته خود
را از خدا طلب نمایند. ما نیز به سهم خود با آنان نیایش می‌کنیم و روزه می‌گیریم.^۱

سپس ایشان را به محلی هدایت می‌کنیم که آب وجود دارد و آنان درست مثل ما به تولد تازه دست
می‌یابند. به عبارت دیگر آنان در آب به نام خدای پدر و مالک عالم و عیسی مسیح، منجی ما و روح القدس
تطهیر می‌گردند. مسیح در واقع گفته است: «اگر تولد دوباره نیابید، به ملکوت آسمان وارد نخواهید شد^۲».
برای همه مسلم است که پس از زاده شدن نمی‌توان دوباره به رحم مادر بازگشت. به همین دلیل است که
ثعیای نبی که پیش تر از وی گفتیم، تعلیم می‌دهد که چگونه گناهکاری می‌تواند از گناهان خود توبه کند. او
این چنین بیان می‌دارد:

خود را بشوید و تطهیر نمایید،

بدی را از روح خود بزداید،

نیکوکاری بیاموزید.

از بهر یتیم عادل باشید

از بیوه زن حمایت کنید.

سپس بیابید تا با هم سخن گوئیم، خداوند می‌گوید:

اگر گناهان شما به رنگ ارغوان باشد،

چون پشم سفید خواهند شد،

و اگر لعل فام باشد،

چون برف سفید خواهند شد.

اما اگر اطاعت نکنید،

دهان خداوند گفته است.^۳

این است تعلیمی که رسولان درباره این موضوع به ما داده‌اند ...

درباره کسی که می‌خواهد دوباره متولد گردد و از گناهان خود توبه می‌نماید، نام خدای پدر و خداوند

هستی را ذکر می‌نمایند ...

ما این تطهیر را منور گشتن می‌نامیم زیرا کسانی که این چنین تعلیم یافته‌اند دارای افکاری نورانی‌اند.

۱- آماده نمودن نوایمانان برای تعمید شامل تعلیم ایمان مسیحی (آپولوجیا ۱، ۶۱)، رعایت اصول اخلاقی (آپولوجیا ۱، ۶۱ و ۶۶)، و تمرین
نیایش و روزه می‌باشد. روزه مقدم بر تعمید به صورتی تحریف شده در متن دیدا که (۴:۷) گواهی می‌شود.

۲- نقل آزاد از یو ۳:۵.

۳- نقل آزاد از اش ۱:۱۶-۲۰.

(همچنین) در مورد کسی که نورانی و تطهیر گردیده، نام عیسی مسیح که در زمان پنطیوس پیلاطس مصلوب گردید و نام روح القدس، که توسط انبیاء همه سرگذشت عیسی را اعلام نمود (ذکر می شود).
(آپولوجیا ۱، ۶۱)

برپایی آئین سپاس

نیایشهای جمعی

آن کس که ایمان آورده و موافقت خود را اعلام داشته است پس از تطهیر به جماعت برادران برده می شود.

ما برای خود، برای آن کس که به تازگی با نور ایمان منور گردیده و برای همه مردم در هر جا که باشند بیایش می کنیم تا شایسته آن گردیم که پس از معرفت بر حقیقت کارهای نیکو انجام دهیم و فرامین را نگاهداریم و بدین ترتیب به نجات جاودان دست یابیم.

بوسه صلح

وقتی نیایش به پایان رسید، (به نشانه صلح) روی یکدیگر را می بوسیم.

نیایش بزرگداشت

سپس برای آن کس که در صدر جمعیت برادران است نان و جام حاوی شراب مخلوط با آب آورده می شود.

او آنها را گرفته، ستایش و جلال پدر عالم را به نام پسر و روح القدس خوانده و سپس، سپاسی طولانی به جای می آورد به خاطر این که پدر ما را شایسته دریافت این عطایا گردانیده است.
در پایان مراسم، جمعیت حاضر همگی با گفتن آمین همراهی خود را اعلام می دارند. آمین لغتی عبری است به معنای: این چنین باشد.

(آپولوجیا ۱: ۶۵)

مشارکت در مراسم نان و جام

وقتی آن کس که صدارت جلسه را بر عهده دارد آئین سپاس را به پایان برد و تمام حضار ندای همراهی سر دادند آنانی را که ما خادم می نامیم، نان و شراب و آب تقدیس شده را بین حاضرین توزیع می نمایند و برای غایبین نیز می برند.

ما این مائده را یوکاریست (Eucharist) می نامیم. ۴ احدی نمی تواند از آن بخورد مگر این که با غسلی که گناهان را می زداید و تولدی تازه می بخشد تطهیر شده باشد و برحسب تعلیم مسیح زندگی کند. زیرا ما این

۴- این اولین مورد است که کلمه Eucharist نه تنها برای نیایش سپاسگزاری بلکه همچنین برای نانی که نیایش سپاسگزاری بر روی آن انجام شده است به کار می رود.

اائده را چون نان و شراب معمولی صرف نمی کنیم بلکه به همان گونه که عیسی مسیح با کلام خدا تن گرفت . به خاطر نجات ما گوشت و خون به خود گرفت، همان طور نیز این مائده که به برکت نیایشی متشکل از نلمات مسیح، به یوکاریست مبدل گشته و گوشت و خون ما را غذا می دهد و در آنها جذب می شود، همان گوشت و خون عیسی تن گرفته می باشد.

زیرا در خاطراتی که رسولان ترکیب و مرتب نموده اند و ما آنها را اناجیل می گوئیم آمده است که عیسی ین مأوریت را بدیشان داده است. عیسی نان را گرفت و پس از شکرگزاری گفت: «این را به یاد بود من ه جای آورید، این تن من است»، به همین ترتیب جام را گرفت و شکرگزاری نموده گفت: «این خون من است». و آنها را تنها به رسولان داد.

(آپولوجیا ۱: ۶۵-۶۶)

آیین نیایش روز خداوند

مشارکت در محبت و نیایش

کسانی از ما که توانایی دارند به کمک نیازمندان می آیند و ما همواره یکدیگر را یاری می دهیم. برای همه آنچه که می خوریم آفریدگار عالم را در نام پسرش عیسی مسیح و روح القدس سپاس می گوئیم.

بزرگداشت روز خداوند

در روزی که روز خورشید^۵ نامیده می شود، همگی، چه شهرنشین و چه روستایی، گرد هم جمع می شوند و خاطرات رسولان و یا نوشته های انبیاء را تا جایی که وقت اجازه دهد می خوانند.^۶ با پایان گرفتن قرائت خاطرات مذکور، خادمی که مسئول اداره مراسم است رشته سخن را به دست گرفته و ایمان آورندگان را تشویق و تشجیع می نماید که آنچه را شنیده اند به کاربندند. سپس همه با هم برپا خاسته^۷ نیایش می کنیم.

۵- در زبانهای انگلیسی و آلمانی روز یکشنبه روز خورشید، اما در زبانهای فرانسه و لاتین روز یکشنبه [روز] خداوند نامیده می شود.
۶- مراسم شام خداوند آن گونه که ژوستین توصیف می نماید، شامل اجزاء اصلی بزرگداشت مسیحی: قرائت کلام خدا، موعظه بزرگداشت، نیایش جمعی و آیین سپاس می باشد.
۷- یونان میان آیین سپاس و کلام خدا جالب توجه است. جماعتی که ژوستین به آن تعلق داشت مانند جماعت مشروحه در اعمال رسولان بر اساس آموزش رسولان و ... شکستن نان (اع ۴:۲۲)، پایه گذاری شده بود.
۸- در کلیسای اولیه به هنگام نیایش بر پا می ایستادند. این بیشتر از یک حالت احترام برای خدا و حتی بیشتر از یک ارث به جا مانده از سنت یهود بود. این حالت قبل از هر چیز دیگر، بیان آزادی مقدسی بود که خداوند به وسیله رستاخیزش به پیروان خود داده بود. همچنین علامت انتظار آمدن خداوند (لو ۲۱:۳۶) بود. این انتظار مخصوصاً در روز یکشنبه مورد توجه بود، روزی که به نوعی شبیه روز ابدی خدا (روز رستاخیز) نگاشته می شد. بازیل کبیر می گوید: «ما در روز اول هفته [یکشنبه] ایستاده نیایش می کنیم... زیرا ما با مسیح برخیزانیده شده ایم (کول ۳: ۱). بنابراین در روز تقدیس شده برای رستاخیز، با ایستادن به هنگام نیایش، فیضی را که به ما داده شده به خاطر می آوریم. ما همچنین به این دلیل بر پا می ایستیم که یکشنبه نمادی است از جهانی که خواهد آمد.

همان طور که قبلاً گفتیم، وقتی نیایش ما به پایان رسید، نان و شراب و آب می آورند. آنگاه خادم مسئول نا جایی که توان دارد مراسم نیایش و سپاس به جای می آورد و حضار با گفتن آمین! همراهی خود را اعلام می دارند.

در این هنگام نان و شراب را میان حضار توزیع می کنند و وسیلهٔ خادمان برای کسانی که از مراسم غایب بوده اند می فرستند. ثروتمندانی که تمایل دارند هر یک به صلاحدید خود هدیه ای می دهند. این هدایا را جمع آوری نموده به خادم مسئول تسلیم می دارند و او آنها را برای کمک به یتیمان، بیوه زنان، کسانی که به علت بیماری یا به هر دلیل دیگری در احتیاجند، زندانیان و مسافران غریب مصرف می نماید. در یک کلام، به تمام کسانی که نیازمندند مدد و یاری می رساند.

در روز خورشید همهٔ ما گرد هم می آییم، زیرا این نخستین روزی است که خدا تاریکی و ماده را تغییر شکل داد و جهان را آفرید و نیز به همین خاطر که در این روز عیسی مسیح منجی ما از میان مردگان برخاست. در واقع وی در روز ماقبل روز زحل^۸ مصلوب گردید و دو روز بعد، یعنی در روز خورشید به رسولان و شاگردان خود ظاهر گردید و به ایشان همین تعالیم را که ما در معرض مطالعهٔ شما گذارده ایم، داد. (آپولوجیا ۱: ۶۷)

۸- این روز جمعه است، روز ماقبل روز زحل که شنبه می باشد.

موعظه در باره گذر از ملتو اهل ساردیس

(نیمه دوم قرن دوم میلادی)

ما شاهد هستیم
بر جمیع کارهائی که عیسی
در مرز وبوم یهود و در اورشلیم کرد.
او را بر صلیب کشیده، کشتند.
اما خدا او را در روز سیم بر خیزانید.
(اعمال ۱۰: ۳۹-۴۰)

ملیتو اهل ساردیس

زندگی نامه

درباره ملیتو، اسقف شهر ساردیس واقع در لیدیه (آسیای صغیر) یادداشت مختصری به دست داریم که حاوی برخی اطلاعات کلی می باشد. این یادداشت در نامه پولیکرات (Polycrate) افسسی - مشایخ کلیسای افسس - خطاب به پاپ ویکتور (۱۸۹-۱۹۹) آمده است. خود نامه در کتاب **تاریخ کلیسا اثر یوزبیوس** قیصریه ای (Eusebius of Caesarea) ضبط شده است.

پولیکرات، ملیتو را در شمار «چهره های درخشانی که در آسیا آرمیده اند و در روز بازگشت خداوند، از مرگ خواهند برخاست» می نهد و وی را ملیتوی مجرد می نامد زیرا هرگز ازدواج نکرده بود و نیز تأکید می نماید که: «زندگانش را سراسر در روح القدس می گذراند».

دوره فعالیت های ادبی ملیتو مقارن نیمه دوم قرن دوم میلادی است. یوزبیوس نخست از نوشته ملیتو به نام **درباره گذریاد** می کند که در آن نوشته است: «در زمان سر ویلیوس پائولوس (درواقع منظور سر جیوس پائولوس است) نایب کنسول رومی آسیا در همان ایام که ساگاریس (Sagaris) به شهادت رسید، در شهر لاودیکیه (Laodicea) درباره عید فصح که برحسب تقویم در همان روزها افتاده بود بحث بزرگی در گرفت. بی دانیم که سر جیوس پائولوس در سالهای ۱۶۴ تا ۱۶۶ حاکم قلمرو آسیایی روم بوده است.

به نظر می رسد که ملیتو عمیقاً درگیر این بحث و مجادله بوده که باعث تهییج اذهان آن روزگاران شده و موضوع درباره تاریخ صحیح برپایی این عید بود. برخی از کلیساهای شرق به تبعیت از رسم یهود، جشن گذر را در روز چهاردهم ماه نیشان برگزار می کردند، یعنی روز چهاردهم ماه قمری در فصل بهار، صرف نظر از این که این روز با کدام روز از روزهای هفته برخورد می کرد. برپایی این مراسم نه فقط برای اعلام یادبود رستاخیز عیسی مسیح بلکه برای تأکید هر چه بیشتر بر یادبود شکنجه او بود که هر دو اینها رازهایی پرغنا، غیرقابل نفکیک و جدایی ناپذیر از راز گذر بودند. سایر کلیساها مراسم جشن گذر را روز یکشنبه بعد از روز چهاردهم ماه نیشان بر پا می داشتند. این مراسم تأکیدی بر نوگرایی مسیحی بود که رستاخیز عیسی در روز یکشنبه رخ داده و آن روز از همان زمان رسولان روز خداوندی^۱ نامیده شد.

اطلاع دقیقی درباره نتیجه این نخستین مباحثه در مورد جشن گذر در دست نداریم. محتمل است که ملیتو و همکارانش در این مباحثه موفق گردیده بودند زیرا مقارن پایان قرن دوم، کلیساهای آسیا همگی تابع اجرای مراسم در روز چهاردهم ماه نیشان بوده اند. ملیتو می توانست برای اثبات نظریه خود بر قدمت این مراسم، که مطابق با قواعد ایمان بود، استدلال نماید.

متأسفانه احتساب روز چهاردهم ماه - اگر متأسفانه واژه مناسبی باشد - مورد قبول بدعتگزاران مونتانیست و نواتیان قرار گرفت و همین موضوع سبب شد که این رسم احتساب در نظر مسیحیت اصیل آلوده به بدعت و به گونه ای بی اعتبار گردید.

از این رو از اهمیت این احتساب به تدریج کاسته شد به ویژه که مسندهای بزرگ رومی و اسکندریه ای خود را نسبت به روش اجرای این مراسم در روز یکشنبه مصمم نشان دادند. سرانجام شورای نیقیه به سال ۳۲۵ رسم برپایی جشن گذر به روز چهاردهم از ماه نیسان را رد نموده روز برپایی آن را قاطعانه یکشنبه بعد از روز چهاردهم همان ماه مقرر داشت. این تصمیم زمانی اتخاذ گردید که ملیتو آن نور بزرگ آسیا، یک قرن و نیم بود که دیده از جهان فرو بسته بود.

آثار

فعالتهای ادبی ملیتو بسیار وسیع و در خور توجه است. یوزبیوس که در فهرست نامه کتابخانه غنی و معتبر نیصریه به پژوهش پرداخته با خشنودی تمام از کتابها و نوشته های ملیتو چنین یاد می کند: دو کتاب در باره موضوعات مختلف منجمله: گذر و پژوهش هایی در باب زندگانی مسیحی و انبیاء، کلیسا، روز خداوند، ایمان انسان، آفرینش، اطاعت از ایمان، حواس، روح و جسم، مهمان نوازی، تعمید، حقیقت، ایمان و تولد مسیح، نبوت، مفتاح، شیطان، مکاشفه یوحنا رسول و خدای تن گرفته.

همچنین بجاست بویژه به آپولوجیا یا دفاعیه ای که به سال ۱۷۰ خطاب به مارکوس اورلیوس، امپراتور روم نوشته شده، اشاره شود. یوزبیوس، قطعات مختصری از آن را در کتاب خود به نام تاریخ کلیسا ضبط نموده است. ملیتو در آپولوجیای خود به عنوان نخستین مدافع نوعی همبستگی بین امپراتوری و آیین مسیح، قد برافراشته است.

همچنین باید از شش کتاب او تحت عنوان قطعات مستخرج از تورات و انبیاء درباره منجی ما و ایمان ما یاد کرد. مقدمه این اثر حاوی کهن ترین فهرست کتابهای عهد عتیق است که مورد قبول کلیسا بوده است. ملیتو که به زیارت فلسطین رفته بود به اونزیموس (Onesimus) یکی از دوستانش چنین نوشته است:

سرانجام با رفتن به شرق تا به آن جا که (کتاب مقدس) اعلام گردیده و تحقق یافته است، پیش رفتیم. در آن جا با کتابهای عهد عتیق آشنا شدم و فهرست آنها را تنظیم کرده ام، که برایت می فرستم. اسامی آن کتابها به این شرح است: پنج کتاب از موسی: سفر پیدایش، سفر خروج، سفر اعداد، سفر لاویان، سفر تثنیه. صحیفه یوشع بن نون، داوران و روت چهار کتاب پادشاهان دو کتاب تواریخ ایام، مزامیر داود، امثال یا حکمت سلیمان، جامعه، غزل غزلها و ایوب. انبیاء: اشعیاء ارمیاء، دوازده نبی در یک کتاب، دانیال، حزقیال و عزرا.

اثری که بدون تردید مشهورترین اثر او می باشد، خطابه درباره گذر است. این شاهکار نثر موزون باستانی دچار سرنوشت ادبیات کهن مسیحی گردید و از قرن چهارم به بعد دیگر منتشر نشد و سرانجام در ورطه فراموشی افتاد. در نیمه قرن اخیر به سال ۱۸۵۵ و. کورتن (W. Cureton) چکیده ای از آن را به زبان سریانی منتشر نمود. به سال ۱۹۴۰ بونر (Bonner) موفق به انتشار یک متن یونانی تقریباً کامل از آن گردید. با استفاده از این متن تشخیص هویت سایر قطعات ادبی یونانی، قبطی و سریانی متعلق به این خطابت و تکمیل بخش های محذوف آن به زبان یونانی امکان پذیر گردید. با افزودن نسخه قرن سوم که در مجموعه

پاپيروس های کتابخانه بودمر (Budmer) محفوظ است و به سال ۱۹۶۰ منتشر گردید، می توان اطمینان یافت که نسخه اولیه را بدست داریم و یا قادر به بازسازی آن هستیم. چنین اثری، احتیاج به توصیه و تعریف ندارد زیرا خود معرف خویشان است. یا بهتر گفته شود، در انبوهی از تصاویر آتشین با آهنگی تند و قوی چون گردباد، رمز نوین گذر جاودانی را می سراید، فریاد برمی آورد و ندا درمی دهد.

* * *

خطابه درباره گذر * Pasch

جدید و قدیم، میرا و نامیرا
اکنون در کتاب مقدس روایت خروج عبرانیان را خوانده ایم و سپس کلمات رازگونه ای که چگونه بره
نربانی گردید و چگونه مردم نجات یافتند را توضیح داده ایم. پس، عزیزان خوب درک کنید:
راز گذر،

جدید و قدیم است،
جاودانه و گذرا
فنا پذیر و فنا ناپذیر
میرا و نامیرا

قدیم، برحسب تورات،
جدید، برحسب کلمه خدا.
گذرا، برحسب جهان،
جاودان به فیض.
فنا پذیر با قربانی بره،
جاودان با قیامش از مردگان

قدیم است تورات،
لیک جدید است کلمه خدا.
تصویر، گذراست،
اما فیض جاودان است.
بره قربانی، فنا پذیر،
اما خداوند فنا ناپذیر است،

او که هیچ استخوانی از وی چون برّه شکسته نشد
به عنوان خدا از مرگ قیام کرد ...

زیرا تصویر گذشته است.
و حقیقت آشکار گردیده:
به جای برّه خدا آمده است،
و به جای میش آدم راستین.
لیک در آن آدم، مسیح است
که همه چیز را در بر دارد.

زیرا قربانی برّه،
برپایی جشن گذر
و کلام تورات
در مسیح به کمال رسیده است.
از طریق او ساخته شد
هر آنچه در شریعت قدیم
و حتی بیشتر، هر آنچه در شریعت جدید است.

زیرا تورات کلمه خدا شد،
قدیم، جدید گردید
- از صهیون و اورشلیم بیرون آمد ۲ -
و فرامین به فیض مبدل گردید،
و تصویر به حقیقت پیوست،
و برّه قربانی پسر گردید،
گوسفند به آدمی بدل شد،
و آدمی، خدا گردید.

به عنوان پسر زاده شد،
مانند یک برّه راه برده شد، ۳
مانند یک گوسفند قربانی شد،
به عنوان یک انسان به خاک سپرده شد،

۲- اشاره به اش ۴:۳: «شریعت از صهیون و کلام یهوه از اورشلیم صادر خواهد شد» .
۳- اشاره به اش ۵۳:۷: «به مانند برّه ای که برای ذبح می برند» .

از میان مردگان، به عنوان خدا برخاست،
چون ذاتاً خدا و انسان است.

او همه چیز است:
وقتی داوری می کند، قانون است،
وقتی تعلیم می دهد، کلمه خداست،
وقتی نجات می بخشد، فیض است،
وقتی تولید می نماید، پدر است،
وقتی مولود می شود، پسر است،
وقتی رنج می کشد، بره قربانی است،
وقتی به خاک سپرده می شود، آدمی است،
وقتی از مرگ برمی خیزد، خداست.

این چنین است عیسی مسیح!
او را جلال باد تا ابدالابد! آمین.

(۱۰:۱)

مرگ نخست زادگان مصری

مصر جامه نوحه و مویه بر تن فرعون کرد.
این چنین بود ردایی که از بهر تن جبار بافته شد،
این چنین بود جامه ای که فرشته عدالت
بر فرعون سنگدل افکند:

ماتم چون خنجری فرو می رفت، بر غلظت تاریکی افزوده می گردید و دیگر
کودکی وجود نداشت^۴...

مرگ نخست زادگان شتابان و سیری ناپذیر! ...

اگر روایت این تراژدی عجیب را بشنوید، حیران خواهید ماند. زیرا اینک آنچه مصریان را احاطه می کرد:

شبی طولانی
و تاریکی غلیظ،
و مرگ در کمین،
و فرشته هلاک کننده،
و دوزخی که نخست زادگان آنها را می بلعد.

۴- یک سطر جا افتاده؛ متن بدون شک تحریف شده است.

و اما بشنوید آنچه بیش از هر چیزی حیرت انگیز و هولناک است: در تاریکی آن چنان غلیظ که گویی با دست قابل لمس بود، مرگ سیری ناپذیر مخفی شده بود. مصریان وحشت زده در میان تاریکی دست و پا بی زدند و مرگ همان طور که می خزید به دستور فرشته، نخست زادگان مصری را می ربود!

چنانچه کسی در تاریکی دست و پا می زد، فرشته او را می ربود. اگر نخست زاده ای با دست خود بدنی مخفی شده را لمس می کرد وحشت زده، فریادی ترسناک سر می داد:

«دست من چه کسی را می گیرد؟»

روح من از چه کسی به وحشت می افتد؟

چه تاریکی مرا احاطه می نماید؟

اگر پدرم هستی، مرا یاری ده!

اگر مادرم هستی، مرا تسلی ده!

اگر برادرم هستی، با من سخن گو!

اگر دوستم هستی، مرا پناه ده!

اگر دشمن هستی، از من دور شو!

زیرا من یک نخست زاده ام!»

اما پیش از آن که نخست زاده سکوت نماید، سکوتی بی انتها او را فرا گرفته است. سکوتی که در گوشش چنین زمزمه می کند: «ای نخست زاده، تو از آن من هستی و من، سکوت مرگ!... به حکم تقدیر از آن تو هستیم.»

او که ثمره بود، با یک دَمش اینک مرده است.

نخست زاده مصریان،

نخستین بذر کاشته شده،

نخستین زاده شده،

خواستنی و عزیز:

بر زمین افتاده شکسته شده است.

(۲۰:۲۲-۲۶)

مرگ برّه، حیات قوم گردید

ای راز نگفتنی!

قربانی برّه نجات قوم بود،

مرگ برّه، حیات قوم گردید،

خون او، فرشته را هراسان ساخت!

ای فرشته، به من بگو، چه چیز تو را هراسان ساخت،

قربانی بره یا حیات خداوند،
مرگ بره یا پیش تصویر خداوند،
خون بره یا روح خداوند؟

آنچه تو را هراسان ساخت به من بنما. ۵
توراز خداوند را
در تقدیر بره بدیدی،
وحیات خداوند را
در قربانی بره،
و تصویر خداوند را
در مرگ بره قربانی.
به همین دلیل بنی اسرائیل را نزدی
بلکه تنها مصر را از فرزندانش محروم داشتی.

(۳۱-۳۳)

انجیل توضیح تورات است

انجیل توضیح تورات و فرم تکمیل شده آن است. و کلیسا محلی است که در آن تورات به تحقق رسید.
تصویر پیش از آمدن واقعیت ارزشمند بود،
و مثل پیش از آن که تفسیر گردد، عجیب.
این بدان معناست که قوم ارزشمند بود
پیش از آن که کلیسا بنا گردد،
و تورات قابل ستایش بود
پیش از آن که انجیل بدرخشد.

اما وقتی کلیسا بنا گردید
و انجیل بر مردم مکشوف شد،
تصویر از محتوی تهی گردید،
چون توان خود را به واقعیت داد،
و تورات به کمال رسید،
چون توان خود را به انجیل داد ...

قربانی بره ارزشمند بود

اما اینک ارزش خود را از دست داده است
به سبب حیات خداوند.

مرگ برّه ارزشمند بود،
اما اینک ارزش خود را از دست داده است
به سبب نجات خداوند.

خون برّه ارزشمند بود،
اما اینک ارزش خود را از دست داده است
به سبب روح خداوند.

برّه زبان بسته ارزشمند بود،^۶
اما اینک ارزش خود را از دست داده است
به سبب آن پسر بی گناه.

معبد زمینی ارزشمند بود،
اما اینک ارزش خود را از دست داده است
به سبب مسیح که در بالاست.

اورشلیم زمینی ارزشمند بود،
اما اینک ارزش خود را از دست داده است
به سبب اورشلیمی که در بالاست.

میراث تأکید شده (ذخیره شده) ارزشمند بود،
اما اینک ارزش خود را از دست داده است
به سبب فیضی که سخاوتمندانه بر ما (ارزانی شد).

زیرا دیگر نه فقط جایی یا کوچکترین محوطه ای نیست که جلال خدا مستقر نشده باشد بلکه فیضش نیز تا
قصی نقاط زمین گسترش یافته است، تا بدان جایی که خدای قادر مطلق خیمه عهد خویش را با عیسی مسیح
بنا نهاده است.

او را جلال باد اتا ابدالآباد! آمین.

(۴۰-۴۲، ۴۴-۴۵)

اگر خواهی راز خداوند را بینی...

خداوند از پیش تصویری از رنج‌های خود را در شخصیت پاتریارک‌ها، انبیاء و تمامی قوم نهاده بود...

اگر خواهی راز خداوند را بینی،
هابیل را بنگر، که همان‌گونه کشته شد،
اسحق را بنگر، که همان‌گونه در بند بود،
یوسف را بنگر، که همان‌گونه فروخته شد،
داود را بنگر، که همان‌گونه مورد تعقیب بود،
و انبیاء را که همان‌گونه رنج کشیدند
به خاطر مسیح.

سرانجام، برّه را بنگر،
که در سرزمین مصر قربانی شد
و با خونش بنی اسرائیل را نجات داد...
پیشگویی‌های بسیار دیگری در مورد راز گذر که درباره‌ی عیسی مسیح است توسط انبیاء انجام گرفته است. او را
جلال باد تا ابدالآباد! آمین.

(۵۷، ۵۹، ۶۵)

از مرگ به زندگی

او با جسمش که به رنج سپرده شد
به رنج‌های جسم پایان داد،
و با روحش که نمی‌تواند بمیرد،
مرگ را که آدمیان را می‌گُشد، بگُشت.

او چون گوسفندی برده شد،
چون برّه‌ای قربانی گردید،
آن کس که ما را رها نید
از بردگی جهان،
همان‌گونه که از سرزمین مصر،
و ما را آزاد ساخت
از بردگی شیطان،
همان‌گونه که از چنگال فرعون،

و روح ما را
با خون خویش ممهور کرد.^۷
اوست که چهره مرگ را شرمگین
و ابلیس را عزادار ساخت
همان گونه که موسی با فرعون کرد.

اوست که بی عدالتی را سرکوب کرد
و ظالم را از فرزندانش محروم ساخت
همان گونه که موسی با مصر کرد.

او بود که ما را
از بردگی به آزادی،
از تاریکی به نور،
از مرگ به زندگی،
از ظلم به ملکوت جاودان هدایت کرد.^۸

او، آن فصیح نجات ماست.
این اوست که رنجهای بسیار کشید
در انسانهای بسیار.

این اوست که در هابیل کشته شد،
در اسحق به بند کشیده شد،
در یعقوب به مزدوری درآمد،
در یوسف به فروش رفت،
در موسی عیان شد تا بمیرد،
در داود مورد تعقیب قرار گرفت،
در انبیاء استهزاء شد.

۷- به عبارت دیگر: «که نفس ما را با روح خویش و اعضای مختلف بدن ما را با خون خویش ممهور ساخت».
۸- جمله اضافی: «که ما را کهنانی نوین و قومی برگزیده جاودان ساخت».

این اوست که در آن باکره تن گرفت،
بر دار آویخته شد،
در زمین دفن گردید،
از میان مردگان برخاست،
و به اوج افلاک برده شد.^۹

اوست آن برهٔ خاموش،^{۱۰}
اوست آن برهٔ ذبح شده،
که از مریم، آن برهٔ شریف، زاده شد.

این اوست که از گله گرفته شد
و به قربانگاه برده شد،
به شامگاه قربانی گردید
و در شب به خاک سپرده شد.
او بر روی دار شکسته نشد^{۱۱}
و در خاک هیچ فسادى ندید.
او از میان مردگان برخاست،
او از اعماق قبر برخاست.

(۶۶-۷۱)

شکایت مسیح از بنی اسرائیل

وی به مرگ سپرده شد... در کجا به مرگ سپرده شد؟ در میان اورشلیم. چرا؟
زیرا لنگان آنها را شفا داده بود،
زیرا ابرصان آنها را طاهر ساخته بود،
زیرا به کوران آنها بینایی برگردانده بود،
زیرا مردگان آنها را زنده کرده بود.
او به خاطر همین رنج کشید. همچنان که در تورات و انبیاء نوشته شده است:

۹- در ترجمه لغوی متن اصلی، می‌تواند چنین تعبیر شود: «او آدمی را از عمق گور برخیزانید (تا او را بالا برد) تا به اوج افلاک».
۱۰- اشاره به «خادم یهوه» طبق اش ۵۳:۷: «او مانند بره‌ای به قربانگاه برده شد و در پیش چشم چشم چینان به مانند بره‌ای خاموش بود و دهانش را نگشود».

۱۱- اشاره به خروج ۱۲:۴۶: «استخوانی از آن مشکند»، همچنین به یو ۱۹:۴۶.

در عوض نیکی مرا بدی رساندند،
و زندگی من بی ثمر گردید. ۱۲
آنها بر ضد من به بدی اندیشیدند، ۱۳
گفتند: «عادل را در بند نهم،
زیرا او مزاحم ماست» ۱۴

ای بنی اسرائیل چرا مرتکب چنین جنایت عجیبی شدی؟ آن کس را که تو را غرق در افتخار گردانید به حرمتی کشاندی، آن کس را که تو را جلال داد از جلال محروم ساختی، شهادت آن کس را که تو را شهادت ادر نمودی، ندای آن کس را که تو را ندا (مژده) داده بود گوش نگرفتی، آن کس را که تو را حیات خشید به مرگ سپردی! چرا این کارها را کردی ای بنی اسرائیل؟ آیا از بهر تو نوشته نشده بود: «خون هیچ بی گناهی را جاری نسازی مبادا به مرگی فجیع بمیری»؟
بنی اسرائیل می گوید: «آری. این منم که خداوند را به مرگ سپردم.»

- «چرا؟»

- «زیرا او می بایست رنج می کشید!»

- «ای بنی اسرائیل، تو در اشتباهی، که چنین نمایش زیرکانه ای از قربانی خداوند می سازی!»

«او می بایست رنج می کشید،

اما نه به دستهای تو!

[او می بایست تحقیر می شد،

اما نه به وسیله تو!]

او می بایست داوری می شد،

اما نه به وسیله تو!] ۱۵

او می بایست مصلوب می شد،

اما نه به وسیله تو! ...

ستایشت را برنیا نگیخت

با دست خشک آن مفلوج ۱۶

که او سالم گردانید،

نه با چشمان نابینایی که

۱۲- این جمله به مز ۳۵: ۱۲ شبیه است.

۱۳- مز ۴۱: ۸.

۱۴- حک ۱۲: ۲.

۱۵- به نظر می رسد قسمتی که در [] قرار گرفته متعلق به متن اصلی نمی باشد.

۱۶- ترجمه کلمه به کلمه: «دست خشک شده را سلامت به بدن بازگرداند». اشاره به شفای مرد دست خشک: مت ۹: ۱۲-۱۳؛ مر ۳: ۱-۵؛

لوق ۶: ۱۰-۶.

که به دست او بینا گردید،
نه با بدنهای مفلوجی
که او با صدایش به آنها سلامتی بخشید.

در تو ترسی برنیانگیخت
این آیت بس عجیب:
مرده ای که او، از گور،
جایی که چهار روز خوابیده بود،
باز خواند.

اینک تو غافل از این (معجزات)، اما به منظور قربانی کردن خداوند به شامگاهان، برای او تهیه نمودی:

میخهای نوک تیز
و شاهدانی دروغین
و طنابها و تازیانه ها
وسرکه و شرنگ
و دشنه و عذاب،

گویی برای یک راهزن خون آشام.

بدنش را تازیانه زدی، بر سرش تاجی از خار نهادی، دستهای مهربانش را که تو را از گل سرشته بود^{۱۷}،
دریدی و به آن دهان شریفی که تو را حیات بخشیده بود، شرنگ ریختی و منجی خود را به هنگام آن عید
بزرگ به مرگ سپردی!

(۷۲-۷۹)

مسیح، نخست زاده خدا

ای بنی اسرائیل، آیا نمی دانستی

او نخست زاده خداست،^{۱۸}

که پیش از ستاره سحر مولود شده است؟^{۱۹}

اوست که نور را پدید آورد

و روز را تابان بداشت...

۱۷- اشاره به پید۲:۷: «خداوند انسان را از خاک زمین آفرید».

۱۸- کول ۱:۱۵.

۱۹- مز ۱۱۰: ۳، طبق ترجمه هفتاد تنان کتاب مقدس.

این اوست که تو را برگزید
و در راهت رهبری نمود
از آدم تا نوح،
از نوح تا ابراهیم،
از ابراهیم تا اسحق و یعقوب
و تا پاتریارکهای دوازده گانه.

این اوست که تو را در مصر هدایت نمود
و تو را در آن جا محافظت نمود و غذا داد.
این اوست که با ستونی (از آتش)
راه را پیش روی تو روشن ساخت.
و با ابر بر تو سایه انداخت.
او دریای سرخ را شکافت
و تو را از آن عبور داد
و دشمنان تو را پراکنده ساخت.

این اوست که تو را مَن آسمانی داد،
[تو را از (آب) صخره نوشانید،
تورات را بر فراز حوریب
و میراثی بر روی زمین به تو سپرد.]^{۲۰}
از بهر تو انبیاء فرستاد
و پادشاهانت را برانگیخت.

این اوست که به تو نزدیک آمد،
در میان قوم تو، کسانی را که در رنج بودند، مراقبت نمود
و مرده را برخیزانید.
(۸۶-۸۲)

چه کسی با من مخالفت خواهد کرد؟
او از مردگان برخاسته و ندا بر می آورد:
چه کسی با من مخالفت خواهد کرد؟

۲۰- قسمتی که در [] قرار گرفته احتمالاً به متن اصلی اضافه شده است.

بگذار او نزد من بیاید!
این من هستم که محکوم را آزاد کرده‌ام،
این من هستم که مرده را حیات بخشیدم،
این من هستم که مدفون را قیام دادم!
چه کسی مرا انکار خواهد کرد؟

مسیح می‌گوید، این من هستم،
من که مرگ را نابود کرده‌ام،
و بر دشمن ظفر یافته‌ام،
و جهنم را لگد مال کرده‌ام،
و زورمند را به زنجیر کشیده‌ام،^{۲۱}
و آدمی را به اوج فلک رسانده‌ام:
مسیح گوید، این من هستم!

پس ای تمامی نژادهای بشری
که از گناه اشباع شده‌اید،
بیایید و بخشایش گناهان را دریافت نمایید!
زیرا این من هستم که بخشایش شمایم،
من، فصیح نجات،
من، برّه قربانی شده از بهر شما،
من، تطهیر کننده^{۲۲} شما، من، حیات شما،
من رستاخیز شما، من، نور شما،
من نجات شما، من، پادشاه شما!

این من هستم که شما را به اوج فلک می‌آورم،
این من هستم که شما را این جا، روی زمین برپا می‌دارم.
من پدر جاودان را به شما نشان خواهم داد،
من با دست راست خود شما را برپا خواهم داشت! (۱۰۱-۱۰۳)

۲۱- اشاره به مت ۲۹:۱۲ (مر ۳:۲۷؛ لو ۱۱:۲۱-۲۲): عیسی می‌آید تا زور آور را به بند کشید، یعنی شیطان را.
۲۲- ترجمه کلمه به کلمه آب تطهیر یا غسل (تعمید، همچنان که در افس ۵:۲۶ و تیط ۳:۵ آمده است).

چنین است آن که زمین و آسمان را بیافرید،
چنین است آن که زمین و آسمان را بیافرید،
آن که در ابتدا آدمی را بسرشت،
آن که در تورات و انبیاء از پیش اعلام گردید،
آن که از باکره تن گرفت.

آن که به دار آویخته شد،
آن که در زمین مدفون گردید،
آن که از خواب مرگ بیدار شد،
آن که به اوج آسمان بر شد.

آن که به دست راست پدر نشسته است،
آن که قدرت داوری و نجات انسانها را دارد،
که توسط او، پدر همه چیز را بیافرید
از ازل تا به ابد!

او الف و یاء
ابتدا و انتهاست،^{۲۳}
ابتدایی وصف ناپذیر و انتهایی ماورای ادراک ما!
او مسیح است،
او پادشاه است،
او عیسی است،
رهبر و خداوند!

او از میان مردگان برخاسته است،
او به دست راست پدر می نشیند،
او از آن پدر و پدر از آن اوست.
او را جلال و قوت باد تا ابدالآباد! آمین.

ملیتو، در باب گذر. _ آرامش خداوند بر آن کس باد که (این سرایش را) نوشته و آن که آن را بخواند و
نیز بر کسانی که خداوند را در صفای دل خود دوست می دارند. (۱۰۴-۱۰۵)

۲۳- از مکا ۲۲:۱۳ گرفته شده است: «من الف و یاء و ابتدا و انتها و اول و آخر هستم». همچنین مکا ۸:۱ و ۲۱:۶.

کلمنت اهل اسکندریه

(مقارن سال ۱۵۰-۲۲۰ میلادی)

در روز خداوند، در روح شدم
و از عقب خود آوازی بلند چون صدای صور شنیدم
که می گفت:

«... آنچه می بینی در کتابی بنویس

و آن را به هفت کلیسائی

که در آسیا هستند... بفرست.»

پس رو برگردانیدم

تا آن آوازی را که با من تکلم می نمود بنگرم

و چون رو گردانیدم

هفت چراغدان طلا دیدم

و در میان هفت چراغدان

شبییه پسر انسان ...

(مکا ۱: ۱۰-۱۳)

کلمنت اهل اسکندریه

تیتوس فلاویوس کلمنس (Titus Flavius Clemens) مقارن سال ۱۵۰، احتمالاً در آتن به دنیا آمد. از تحصیلات ادبی عالی برخوردار گردید و در طلب حقیقت، به جستجوی استادان برجسته و حقیقتاً بزرگوار به سیر و سیاحت در اطراف جهان پرداخت.

اقبال وی در زندگانی، همان طور که خود گفته است ملاقات با یکی از این افراد در اسکندریه بود که در آن باره با لحنی حیرت آمیز می گوید:

آخرین این استادان را یافتم - که از نظر بزرگی اولین بود! - و وقتی رد وی را در مصر که در آن جا، مخفی گردیده بود یافتم، در همان جا اقامت گزیدم. او به معنای واقعی، زنبور عسلی بود که در گلزارهای انبیاء و رسولان از هر گلی عسل می ساخت و در روح شنوندگان خود دانشی خالص پدید می آورد.

در آن زمان بندر اسکندریه متجاوز از یک میلیون نفر جمعیت داشت، بر سر چهار راه شرق و غرب قرار گرفته بود و از نظر بازرگانی بزرگترین شهر امپراتوری محسوب می گردید. (ناوگان اسکندریه تا آن حد مشهور بود که در نامه اعمال رسولان نیز از آن یاد شده است، اع ۶:۲۷؛ ۱۱:۲۸). در زمانی که شهر آتن دچار انحطاط فرهنگی گشته و روم در بند عقاید شرقی گرفتار بود، اسکندریه پایتخت مسائل فرهنگی و روحی گردیده بود. رواقیون و افلاطونیان، شعرا و علمای علوم الهی از هر سلک و مشربی در کتابخانه وسیع اسکندریه که مایه افتخار آن شهر بود رفت و آمد داشتند. این شهر می توانست به سابقه کتاب مقدسی خود نیز به همان اندازه مباهات نماید. در واقع در محافل اسکندریه بود که کتاب مقدس از عبری به یونانی ترجمه گردید و در همین زمان کتاب حکمت و برخی کتابهای تحریفی یونانی نیز به تألیف در آمدند. همچنان تولد آپولوس (Apollon) - متبحر در کتب مقدس - بر حسب گواهی لوقا (اع ۱۸:۲۴) در این شهر رخ داده بود. حضور بسیاری از جوامع یهودی در محلات مختلف شهر حاکی از سابقه آشنایی با کتاب مقدس در آن شهر بوده است که این امر خود اغلب سبب بروز اختلافاتی با ساکنین مشرک شهر و در برخی موارد منجر به پوگروم (Pogrom)^۱ یا کشتار جمعی یهودیان می گردید.

کلمنت، به عنوان شاگردی به اسکندریه وارد شده بود اما بزودی استاد گردید و به مدیریت یک مکتب مسیحی پرداخت. چون شهر مملو از انواع مراکز علمی و ادبی بود و کرسیهای دانشگاهی متعدد داشت، افتتاح یک مرکز آموزشی جدید در پایتخت مصر امر مهمی جلوه نمی کرد. علاوه بر این، کلیسای اسکندریه که به روایتی توسط مرقس قدیس بنیان نهاده شد، مدرسه تعلیمات مذهبی رسمی و بسیار معروفی داشت که در زمان ریاست استاد شهیری چون پانتانئوس (Pantaneus)، شهرت چشمگیری یافت اما اوج شهرت خود را مدیون اوریجن (Origen) بوده است. احتمالاً کلمنت رسماً در این مرکز به کار تدریس اشتغال داشته است^۲. به هر حال می دانیم که وی نه فقط به جهت تدریس بلکه به جهت تألیفاتش نیز شهرت گسترده ای داشته است. مقارن سال ۲۰۲ تقییب و آزار سپتیمیوس سوروس (Septimius Severus) امپراتور روم، کلمنت را وادار به گریز از اسکندریه ساخت. ما رد او را به سال ۲۱۱ در کپدوکیه - آسیای صغیر - می یابیم. او قبل از سال ۲۲۰ وفات یافت.

۱ - پوگروم یعنی قتل عام (کشتار جمعی) یهودیان.

۲ - بنا بر گواهی یوزیبوس (Eusebius) این امر پذیرفته شده بود که رهبر مکتب تعلیمات دینی اسکندریه از استاد به شاگرد یعنی از پانتانئوس (Pantaenus) به کلمنت و سپس به اوریجن (Origene) و بعد از او به هراکلاس (Heraclius) انتقال یافت اما این عقیده نیز وجود دارد که اوریجن شاگرد کلمنت نبوده است.

در این روزهای پایان قرن دوم، مسیحیت با موفقیت نسبی با عقاید ادبی و فرهنگی مشرکین مقابله کرده است. کلمنت ترجیح می‌داد مشرکین را به گفت و شنود با مسیحیان بکشاند. از دید او فرهنگ و ایمان باید نه مخالف بلکه مکمل یکدیگر باشند و شاعری و انجیل می‌توانند دست به دست هم دهند.

کلمنت، که شخصی یونانی و مسیحی بود و هر دو این هویت را در کمال صداقت و حتی با اشتیاق فراوان از آن خود کرده بود، در صدد آن بود که آرمان مذهبی خویش را با آرمان فرهنگی پیوند دهد. لذا تنها روابط وجود بین ایمان نوین و حقایق کهن فلسفی نبود که توجه کلمنت را به خود جلب می‌نمود بلکه در این راه گام‌ها فراتر نهاده خواهان آن بود که جنبه‌های مختلف زندگی اش: ادبیات، هنر، زندگی اجتماعی و خانوادگی، تعلیم و تربیت، کار، فراغت و تفریح او تماماً مسیحی باشد. او از همان زمان می‌کوشید تا اصول یک فرهنگ مملو از ایمان و سیراب از آرمان خود را به طور رسا بیان کند. از این رو کلمنت به اعلا درجه سزاوار عنوان نخستین انسان گرای مسیحی می‌باشد.

کلمنت در رسیدن به هدف خویش کاملاً موفق شد. وی در نامه به دیونوت (Diognete) در اسکندریه بین سالهای ۱۹۰-۲۰۰ چنین می‌نویسد: «باشد که علم، جزء لاینفک قلب تو و کلام حقیقت، زندگی تو گردد». در آثار او ۱۵۰۰ مورد نقل از عهد عتیق و ۲۰۰۰ مورد از عهد جدید با ۳۶۰ مورد نقل از آثار کلاسیک به راحتی در کنار هم قرار می‌گیرند. کلمنت با فکری باز و درخشان توانسته است با ایمانی پرشور علاقمندی شدیدی، زیباییهایی را که مشرکین آفریده بودند با تمام وجد و خلسه‌ای که خود تجربه کرده بود^۳، در هم آمیزد. متون و نوشته‌های او به زبان یونانی علی‌رغم شیوه‌دشواری که به کار برده، امروز نیز چون آوایی دلکش به گوش می‌رسد.

مسلم نیست که قطعاتی که ذیلاً می‌آوریم در آیین نیایش کلیسای اسکندریه به کار برده شده باشد. ولی آنچه مسلم است این است که این متون سرسپردگی مسیحیان آن دوران را تغذیه می‌کردند. تا این حد که نیایش آیین نیایش رسمی کلیسای اسکندریه را - حداقل در برخی موارد- منعکس می‌کنند. زیبایی تعدادی از این قطعات در حدی است که لازم دانستیم آنها را ذیلاً نقل کنیم.

* * *

ای کلمه خدا، ستایش او را بسرای

بیایید نور را دریافت نمایم

همانا خدا را دریافت خواهیم کرد!

بیایید نور را دریافت نمایم

و شاگردان خداوند شویم!

زیرا او به پدر وعده داده:

«نام تو را بر برادران خود اعلام خواهم کرد.

در میان جماعت، تو را تسبیح خواهیم خواند».

(مز ۲۲:۲۳)

۳- در آن دوران اتخاذ چنین رویه‌ای طبعاً می‌توانست در سطح الهیات دستخوش بی‌توجهی‌هایی گردد. یکی از صاحب‌نظران معاصر درباره این نقاط ضعف اندیشه کلمنت می‌نویسد: کلمنت با نوشتن: «همان‌طور برای ما که فرزندان هستیم، ما خویش را از بادهای الحاد که وزش آنها آدمی را مملو از غرور می‌سازد مضمون می‌داریم و از باور آوردن به کسانی که ما را تعالیمی مغایر با تعالیم پدران ما می‌دهند، ابا می‌ورزیم و هنگامی که کمال دست می‌یابیم که همان کلیسائی باشیم که مسیح رأس آن است»، پیشاپیش به اصالت و صحت ایمان خویش شهادت می‌دهد.

ای (کلمهٔ خدا) ستایش او را بسرای
و خدا پدر خویش را به من بنمای!
سخنان تو مرا نجات بخشند
و سرایش تو مرا تعلیم دهد.

تا به حال در جستجوی خدا
سرگردان بودم.
اما از لحظه ای که تو مرا منور ساختی
خداوندا، مرا آموخته ای تا کسی را
که خدای من هم هست، جستجو کنم،
و من پدر تو را پدر خود می دانم.
همراه تو وارث او می گردم،
زیرا تو از برادرت شرمنده نشده ای.^۴

(Protrepticus XI, 113)

ستایش مسیح آموزگار
ای استاد، با کودکانت مهربان باش،
ای پدر، ای رهبر بنی اسرائیل،
پسر و پدر با هم، و خداوند!
به ما که پیرو فرامین تو هستیم عطا فرما،
تا شباهت تصویر تو را در خود کامل گردانیم،
و در حد توان خود، تجربه کنیم،
نیکویی خدا را که با گذشت داوری می کند.

تمام خواهشهای ما را خود اجابت فرما.
(ما را عطا فرما) تا در صلح زندگی کنیم،
و در شهر تو خود را بنا نماییم،
تا در امان از ضربات امواج،
از امواج پر تلاطم گناه بگذریم،
بر روی دریایی آرام به پیش برده شویم
به وسیلهٔ روح القدس، آن حکمت وصف ناپذیر.

ما را عطا فرما که شب و روز
و تا واپسین روز
سرود سپاس بسراییم
به پدر و پسر، به پسر و پدر،
به (پسر)، استاد و خداوند،
به همراه روح القدس.

همه چیز از آن یکتا پسر است،
همه چیز در وی استوار است،
از طریق او همه چیز در اتحاد است،
از طریق او ابدیت وجود دارد،
و ما اعضای او هستیم.
جلال و ابدیت از آن اوست.

همه چیز از آن خدای نیکویی است،
همه چیز از آن خدای زیبایی است،
همه چیز از آن خدای حکمت است،
همه چیز از آن خدای عدل است،
او را جلال باد،
اکنون و تا ابدالابد! آمین.

(Paedagogus III, 12,101)

سرایش مسیح آموزگار ۵

ای عنان بهر اسبهای سرکش،
ای بال پرندگانی که گمراه نمی شوند،
ای سگان مطمئن کشتیها،
ای شبان بره های پادشاه!

فرزندانت را
که به سادگی روزگار می گذرانند، گرد هم آور.
بگذار با اخلاص جشن بگیرند،
و با تقدس بسرایند،
با دهانی که شیرین نمی شناسد،

۵- آموزگار اثر کلمنت، با این سرود به پایان می رسد: «احتمالاً ستایش را که در مکتب اسکندریه خوانده می شده برای ما محفوظ داشته است». صاویر درخشان و گاهی ناگهانی و اغلب غیرمنتظره این اثر (که بعضی از تصاویر از افلاطون نقل شده و از این رو شاگردان مکتب اسکندریه با آنها آشنا بوده اند)، نمونه ای برجسته از تعلیم "کلمنت" می باشد که کوشیده است تا فلسفه زمان خود را در مسیر انجیل قرار دهد. اما در ورای تصاویر و روشهای ادبی، این سرود از محبت شدید به مسیح آموزگار و به فرزندان وی سرشار است.

مسیح را که رهبری می کند فرزندان را!

ای شاه مقدسین،

ای کلمه والای

پدر متعال،

شاهزاده حکمت،

حامی گرانباران،

شادی جاودان انسانها،

ای عیسی منجی،

شبان و زحمتکش،

سگان و عنان،

بال گشوده به سوی آسمان

از جماعت مقدسین،

صیاد آدمیان،

تو، منجی آنان:

تو از دریای شرارت

ماهیان پاک می گیری،

از میان طوفان مدهش

آنان را به زندگی پر برکت می کشانی.

ای شبان مقدس

گوسفندان حکمت^۶ خویش را رهبر باش،

تو ای شاه مقدس،

کودکان بی آرایش خویش را رهبر باش.

جای پای مسیح

راهی به سوی آسمان است.

۶- ترجمه کلمه به کلمه این عبارت بره های سهیم در عقل است که می توان آن را به بره های سهیم در عقل کل یعنی همان مسیح که کلمه خداست نیز تعبیر نمود. کلمنت در سراسر آموزش (Pedagogie) خود از مفهوم دوگانه و اژه یونانی لوگوس (Logos) یعنی همان کلمه که در عین حال عقل و حکمت هم هست بهره می برد تا این معنی را برساند که پیوستن به کلمه خدا با عقل انسانی کاملاً مطابقت دارد.

ای کلمه همواره جوشان خدا،
استمرار بی حساب،
نور جاودانی،
چشمه فوران رحمت،
صانع فضیلت
تا سرایندگان خدا
بتوانند با تقدس زندگی کنند!
ای عیسی مسیح
تو شیر آسمانی هستی
که همسری جوان، ما را می نوشاند،^۷
سرشار از فیوضات حکمت تو.
همچنان که برای ما، کودکان خردسال،
لبهای ظریفمان
جستجو می کند
تا از شیر روحانی
و از شبنم روح القدس
تا کمال سیری، تغذیه کنیم.

بیایید با ستایشهای از دل برخاسته،
با روراستی، مسیح پادشاه را بزرگ بداریم.
او بهای مقدس است
برای تعلیمی که حیات می بخشد:
بیایید همه با هم او را بسراییم.
بیایید همراهان واقعی
پسر قادر مطلق باشیم.

ای همسرایان صلح،
ای فرزندان مسیح،
ای قوم حکمت،
بیایید همه با هم بزرگ داریم
خدای صلح را. (Paedagogus III, Hymn)

۷- ترجمه کلمه به کلمه: «تو شیر آسمانی هستی که از سینه های شیرین یک همسر جوان فشرده می شود». منظور کلیسا، همسر و عروس مسیح است (۲-۱۱:۲) که بچه های خود را با شیر تعالیم خود تغذیه می کند (رجوع شود به ۱-۱:۲).

سنت رسولی
هیپولیتوس رومی
(مقارن سال ۲۱۵)

همه سرودی جدید می سرایند :
«سزاوار است که تو را سپاس گویند
ای بره مذبوح و بپاخاسته
زیرا قربانی شدی
و مردمان را برای خدا به خون خود
از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی
و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کاهنان ساختی».
(مکا ۵: ۹-۱۰)

هیپولیتوس رومی

زندگی نامه

به سال ۲۱۲ میلادی اوریجن جوان سفری به روم کرد تا همان طور که خود بیان نموده است کلیسای بسیار قدیمی روم را بشناسد. او در این سفر فرصت یافت تا موعظه ای درباره مدح خداوند و منجی ما، بشنود. واعظ هیپولیتوس نام داشت و یکی از کشیشان ساده کلیسای روم بود. اما تبحر او در علوم، نبوغ نویسندگی اش و روابط شخصی متعددی که داشت وی را در ردیف شخصیت اول رویدادهای تازه مذهبی آن دوران قرار داده بود. شناخت عمیق وی از فلسفه یونانی و آشنایی اعجاب انگیزش با عقاید مذهبی مرموز شرقی این تصور را به وجود می آورد که وی نه از تبار رومی یا لاتین بلکه از تبار شرقی بوده است.

در آن زمان مباحثات خدا شناسی بخصوص درباره تثلیث، روم را به صحنه برخورد تعالیم اساسی کلیسا بدل کرده بود. جر و بحثها شدید بودند.

مونارکیان (Monarchians) قویاً بر یگانگی تثلیث تأکید می کردند اما این خطر وجود داشت که بر سه گانگی الهی (پدر، پسر، روح القدس) تأکید کافی نشود. مخالفین آنها تکیه بر تفکیک پدر، پسر، روح القدس داشتند. اما آنها نیز به نوبه خود این خطر را به وجود می آوردند که طبیعت الهی کلمه (یعنی پسر) مورد تردید قرار گیرد. هیپولیتوس، بنا به گفته فوتیوس (Photius)، خود را شاگرد ایرنیوس (Irenaeus) می نامید بدین مفهوم که خود را در غیرت استادش در دفاع از تعالیم سنتی شریک می دانست. او با تمام دانش و جوش و خروشی که در طبعش بود داخل این مباحثه گردید. اما همان گونه که گاهی در چنین وضعیتهای پیش می آید، غیرت بیش از حد در دفاع از ایمان راستین ممکن است آدمی را به افراط و تفریط بکشاند. هیپولیتوس نیز وظیفه خود پنداشت که با پاپ زفیرینوس (Zephyrinus، ۱۹۸-۲۱۷) به مقابله برخیزد زیرا پاپ را متهم می کرد که در خفا از عقیده فاسد مونارکیان جانبداری می نماید.

در حقیقت پاپ زفیرینوس که کمتر با ظرافتهای خدا شناسی آشنا بود و گرایش چندانی به اضطرابهای ماوراء طبیعی نداشت، علاقمند به اظهار رأی قاطع در مورد این مباحث نبود. او مردی شایسته و دارای حکمت سالخورده گان بود که در این حالت همان ضوابطی را که از سنت دریافت کرده بود تکرار می کرد ولو این که عده ای او را جاهل بدانند. هیپولیتوس نیز به الهام موجود در برخی اظهارات وی ایراد می گرفت.

به هنگام وفات پاپ، اوضاع نسبتاً حساس شده بودم. روحانیت رومی به سال ۲۱۸، کالیستوس (Callistus) را به جانشینی پاپ متوفی برگزیدند.

کالیستوس در گذشته برده بوده و سرگذشت نسبتاً آشفته ای داشته اما از ایمانی قوی برخوردار بوده و به یاری بخت و اقبال از میان محکومین به اعمال شاقه جان به سلامت برده است. وی خادم اصلی پاپ زفیرینوس در امور اداری کلیسا بود. لذا انتخاب وی بر مسند پاپی موجب ناراحتی هیپولیتوس گردید و وی همان موضع مخالف را که نسبت به پاپ متوفی گرفته بود، در مورد پاپ جدید نیز اتخاذ نمود. این وضعیت ندمت یافت هنگامی که پاپ جدید در صدد برآمد در نظام انضباطی کلیسا نسبت به گناهکارانی که توبه کرده بودند، تخفیفی قائل گردد. از نظر هیپولیتوس این چنین رفتاری ناشی از ضعف بود و سرانجام راه حل

با امیدانه ای را برگزید و خود را از کلیسا جدا نمود. هیپولیتوس برخی از روحانیون متنفذ رومی را بر آن داشت تا وی را به اسقفی روم انتخاب کنند و در مخالفت با جماعت مسیحیان روم، کلیسای نوینی برپا داشت و بدین ترتیب نخستین ضد پاپ گردید.

حتی بعد از این که کالیستوس درگذشت و پاپ اُربان (Urban) به جای وی نشست (۲۲۳-۲۳۰) و اُربان نیز جایش را به پاپ پونتیان (Pontian) (۲۳۰-۲۳۵)، داد هیپولیتوس انشقاق مذهبی خود را حفظ نمود.

این وضع دردناک را گویی چاره ای نبود اما آزار و شکنجه مذهبی راه حلی غیرمنتظره به دست داد. راه حلی که به طرفین دعوی امکان پیروزی عطا نمود. اما این پیروزی نه در سطح مباحثات الهیاتی که در سطح قرار به ایمان بود. همین که امپراتور ماکسیموس (Maximus)، اهل تراکیه (Thrace) به قدرت رسید (۲۳۵-۲۳۸) فرمانی صادر نمود که به موجب آن رهبران کلیسا به جرم تعلیم انجیل محکوم شناخته می شدند. پونتیسوس، پاپ و هیپولیتوس، ضد پاپ هر دو محکوم و به اردوگاههای مرگ که بدان زمان معادن جزیره ساردینیا بود اعزام شدند. مشارکت در رنج و بدبختی راه را برای مشارکت در ایمان و محبت گشود.

پاپ پونتیسوس در ۲۸ سپتامبر ۲۳۵ استعفاء کرد و هیپولیتوس نیز از مقام خود کناره گرفت و بدین ترتیب بر دو اختلافات را کنار گذاشته و به اتحاد دست یافتند. سرانجام هر دو در جزیره مرگ شهید گردیدند.

به دستور پاپ فابیان (۲۳۶-۲۵۰) هر دو جسد به روم منتقل گردید و مراسم تدفین آنها در روز ۱۳ اوت سال ۲۳۶ یا ۲۳۷ برگزار شد.

به همین خاطر است که کلیسا هر سال مراسمی به یادبود هیپولیتوس قدیس، ضد پاپ و شهید، «که شجاعت وی ایمان همواره مستحکم تری در دلهای ما برمی انگیزد» برپا می دارد.

آثار

فهرست نوشته های هیپولیتوس درخور توجه است. متأسفانه بسیاری از آثار وی مفقود گردیده و به دست ما رسیده است و در زیر آوار هیجده قونی که گذشت مدفون گشته یا پوسیده و یا در ویرانیهای کتابخانه ها طعمه آتش گردیده است. به فراموشی روزگار، فراموشی آدمیان را نیز باید اضافه نمود. هیپولیتوس آثار خود را به زبان یونانی می نوشت اما پس از مرگش از رونق زبان یونانی در روم بیش از پیش کاسته گردید. علاوه براین در سنت رومی با توجه به این نکته که هیپولیتوس ضد پاپ نیز بوده است، فقدان آثار وی موجب اراحتی خاصی نمی گردید بخصوص که در مطابقت آنها با تعالیم سنتی کلیسا تردیدهایی وجود داشت و به زبانی هم نوشته شده بود که دیگر متداول نبود.

از بین نوشته هایی که باقی مانده است آثاری مباحثه ای از قبیل **فیلاسوفومنا** (Philosophoumena) یا **تکذیبی بر تمام بدعتها** (پس از سال ۲۲۲) که از جهتی یادآور **ضد بدعت** به قلم ایرنیوس است و همچنین **استدلال علیه یهود** و نوشته های مبتنی بر احکام دینی از جمله رساله ای درباره **ضد مسیح** (Antichrist) (مقارن ۲۰۲) و تألیفات تفسیری از متون مقدس از جمله تفسیری بر کتب **دانیال نبی**، **غزل غلها**، **سرگذشت داود و جلیات** و **مزامیر روشی** که هیپولیتوس برای این تفاسیر اختیار کرده و در کمال هوشیاری به کار برده

است از نوع تمثیلی (Allegorical) و نمونه ای (Typological) بوده که در نظر اوریجن (Origen) نیز بسیار پسندیده بود. از وی رسالات گاه شماری، از جمله تعیین تاریخ عید گذر (۲۲۲) و بخصوص تواریخ در دست است که در آن هیپولیتوس در صدد آرام نمودن انتظار بی قرار برخی از مسیحیان است که بدین باور بودند که پایان جهان نزدیک است. (هیپولیتوس تصور می نمود که از عمر جهان ۵۷۳۸ سال می گذرد و جهان حداقل تا سال ۶۰۰۰ بر جای خواهد ماند).

همچنین بایستی از موعظه های پراکنده ای که درباره جشن گذر، بدعت نوئت (Noet) و مدح عیسی مسیح منجی ما ایراد شده و نیز از نوشته ای که بخصوص مورد توجه ماست و آن سنت رسولی می باشد، یاد کرد. بسیاری از این تألیفات در ترجمه به زبانهای گوناگون به دست ما رسیده است از جمله به زبانهای لاتین، سریانی، قبطی، عربی، حبشی، ارمنی، گرجی، و اسلاونی (Slavon) که خود این امر دال بر ارزشی است که مسیحیان مشرق زمین برای این عالم الهیات رومی قائل بودند. از سوی دیگر حجم و تنوع این نوشته ها خود لیل بر کوشش و همت بسیاری است که هیپولیتوس در راه ایمان مسیحی ورزیده است و از آن جایی که معمولاً اعتبار را ترجیحاً به ثروتمندان می دهند رسالات و نوشته های بسیار دیگری نیز به هیپولیتوس نسبت داده شده.

سنت رسولی

هیچ نوشته ای از هیپولیتوس بدان حد در دنیای الهی دانان و بویژه در میان علمای دینی به اندازه کشف و تشخیص هویت رساله سنت رسولی جلب توجه ننموده است. این متن که نگارش آن در واقع به سال ۳۱۵ است و غنی ترین مأخذی می باشد که هم اکنون برای درک مراسمنامه کلیسای رومی و آیین نیایش آن در آغاز قرن سوم در دست داریم. این کشف برای پژوهشهای علمی موفقیت بزرگی بود.

به سال ۱۵۵۱ در گورستان رومی اگر ورا نو (Ager Veranus) در (Via Appia) مجسمه ای از هیپولیتوس در حفاری از خاک بیرون آورده شد که بر روی پایه آن فهرستی از آثار او حک شده بود. در بین نوشته های رومی این پایه، این عنوان: ((AP) OSTOLIKE PARADOSIS)) یعنی سنت رسولی نیز به چشم می خورد. اما بر سر اصل سنت رسولی چه آمده بود؟

از سال ۱۸۷۰ به بعد دانشمندان مجموعه قوانین کلیسای هیپولیتوس را که از زبان قبطی به عربی ترجمه شده بود، در دسترس داشته اند. اما منتقدین، بر این اثر که به نظر می رسد تألیف و گردآوری از منابع مختلف بوده و به سختی قابل تطبیق با سنت رسولی بود به دیده تردید می نگریستند. با وجود این، رابطه غیر قابل انکار قوانین کلیسای هیپولیتوس با دیگر مدارک موجود، از جمله مراسمنامه های رسولی، که تألیفی به زبان یونانی از اصل سریانی مربوط به قرن چهارم، عهد خداوند ما از اصل سریانی و احتمالاً مربوط به قرن پنجم، و بالاتر از همه مراسمنامه های کلیسای مصری مشاهده می شد. در این زمینه های گوناگون بود که اقدامات مربوط به کشف سنت رسولی متمرکز گردید. زمانی طولانی با بحث در مورد فرضیه های بی نتیجه

تلف گردید. نخستین محقق اد. شوارتز (Ed. Schwartz) نشانه‌هایی از اثر مورد جستجو را در **مراومه‌های کلیسای مصری** به فراست دریافت و نظریه خود را به سال ۱۹۱۰ منتشر نمود. شش سال بعد، ر. ه. کونولی (R.H. Connolly) بدون آشنایی با کار پیشینیان خود موفق گردید با اطمینان ثابت نماید که **مراومه کلیسای مصری** تکیه گاه تمام تألیفات دیگر بوده و در حقیقت با سنت **رسولی هیپولیتوس** مطابقت داشته است. این متن اولیه، پیش از آن که به دست ما برسد سرگذشت مهیجی داشته است. می‌دانیم که هیپولیتوس آثار خود را به زبان یونانی می‌نوشت. متن اصلی مفقود گردیده اما احتمالاً در اوایل قرن چهارم به زبان لاتین ترجمه شده بود که به شکل طوماری در کتابخانه راهبان شهر ورونا (Verona) در ایتالیا کشف گردید. متن این ترجمه ناقص و برخی از صفحات آن مفقود گردیده است اما در کل به متن اصلی بسیار وفادار است به طوری که حتی زبان اصلی یونانی آن از ورای اشتباهات و سوء تعبیرهای مترجم آشکار و هویدا می‌باشد. برای تکمیل بخشهای مفقود شده این متن لاتین باید از متون شرقی دیگر کمک گرفت. **مراومه کلیسای مصری** به زبانهای قبطی (ابتدا به گویش ساهیدیک و بعد به گویش بوهاریک^۱)، عربی و حبشی نیز ترجمه شده است. این ترجمه‌های مختلف به یک ارزش نیستند. به نظر می‌رسد متن به گویش ساهیدیک به متن اصلی نزدیک تر باشد که ترجمه عربی و احتمالاً متن حبشی براساس این متن تنظیم گردیده‌اند. با مقایسه این منابع گوناگون و بر اساس حدس و گمان امکان بازسازی متن و برگردان مجدد آن به اصل یونانی فراهم می‌آید.

* * *

بخش اول

آیین اعطای مراتب مقدس

۲-۳. اسقف

آن کس به مرتبت اسقفی می‌رسد که از سوی همه مردم برگزیده و دارای زندگی بدون عیب بوده^۲ و غیرقابل ملامت باشد. پس از نامگذاری و هنگامی که مورد قبول همگان واقع شد، همه مردم با مجمع پیران و اسقفان حاضر در روز خداوند گرد هم می‌آیند. اسقفان حاضر با رضایت همگان دست بر سر آن برگزیده می‌نهند. پیران کلیسا در سکوت حضور دارند. جماعت در دل خود نیایش می‌کنند تا روح القدس فرود آید. یکی از اسقفان حاضر، به تقاضای همگان، دست بر سر کسی که به مرتبت اسقفی نائل می‌آید می‌نهد و بدین مضمون نیایش می‌کند:^۳

خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح،

۱- ساهی‌دیک (Sahidic) لهجه مصر علیا و بوهاریک (Bohairic) لهجه مصر سفلی را گویند.
 ۲- هیپولیتوس بر مشارکت تمامی جماعت مسیحیان در تعیین اسقف آینده تأکید می‌نماید: اسقف باید با رأی همگی اعضاء انتخاب شود، مورد قبول همگی قرار گیرد، با موافقت و به درخواست همگی دستگذاری را دریافت کند.
 ۳- نیایشی که به دنبال می‌آید یک نیایش تقدیس است که عمل دستگذاری را همراهی می‌کند و معنای آن را بارزتر می‌سازد. احیای این عبارت نکوهمند که ارج خدمتگزاری اسقفی را به حد کمال بیان می‌کند در قالب نیایشی برای اسقف خود و یا نیایشی برای پاپ، می‌تواند بسیار پسندیده باشد.

پدر رحمتها و جمیع تسلیها^۴،
تو که در اعلیٰ علیین ساکنی
و به آنچه حقیر است نظر می کنی^۵،
تو که هر چیز را پیش از آن که هستی یابد می شناسی،
تو که حدود کلیسای خود را
با کلام فیض خویش تعیین نموده ای،
که از ازل
تبار عادلان ذریت ابراهیم را برگزیده ای،
که رهبران و کاهنان را مقرر داشته ای
قدس خود را از آیین نیایش محروم نساخته ای،
خرسندی تو از همان بنیان جهان این بوده است
که نامت توسط برگزیدگان تو جلال یابد.

اکنون قدرتی را که از تو متصاعد است پراکنده کن،
آن روح تعالی را که به فرزند محبوبت
عیسی مسیح ارزانی داشته ای
و مسیح آن را به رسولانی منتقل کرد
که کلیسا، عبادتگاه تو را
بهر جلال و ستایش بی پایان نام تو بنا کردند.

ای پدر که دلها را می شناسی،
به بنده خود که به اسقفی برگزیده ای عطا فرما
تا رمة مقدس تو را بچراند
و کهنانت والای تو را بی ملامت انجام دهد
و شبانه روز تو را خدمت کند.

باشد که پیوسته تو را نسبت به ما رحیم گرداند
و عطایای کلیسای مقدست را به تو تقدیم دارد.

۴-۲-قرن ۱:۳.

۵-اشاره به مز ۱۱۳:۵-۶.

به فضیلت روح کهانت اعظم،
باشد که توانایی بخشیدن گناهان را
برحسب فرمان تو دارا باشد.

باشد که وظایف را برحسب دستور تو، تقسیم کند
و به فضیلت توانی که به رسولان داده ای^۶
هر گره ای را بگشاید.
باشد که ملایمت و پاکی قلبش
تو را خوش آید.
باشد که عطر خوشبویی تقدیم تو نماید
از طریق فرزند تو عیسی مسیح، خداوند ما.

از طریق او جلال و قوت و حشمت از آن تو باد،
پدر و پسر با روح القدس،
در کلیسای مقدس تو
اکنون و همواره تا ابدالآباد!!
آمین

۴- آنافورا *Anaphora

بلافاصله پس از مراسم اعطای مرتبت اسقفی و دادن بوسه صلح، اسقف جدید آیین نیایش سپاسگزاری را
برپا می‌دارد. او این مراسم را در اتحاد با جماعت پیران کلیسا به انجام می‌رساند.
از بخت بلند ماست که متن آنافورایی^۷ که طی نخستین نیایش سپاسگزاری خوانده می‌شود را به دست
داریم.

دستورالعمل‌هایی که هیپولیتوس برای ما باقی نهاده است، در اطلاع از چگونگی برپایی آیین نیایش
سپاسگزاری در روم در سال ۲۱۵ ما را یاری می‌دهد. این نیایش (آنافورا) مسلماً تنها نوع متداول در آیین

۶- اشاره به مت ۱۸:۱۸ و یو ۲۰:۲۲-۲۳.

۷- در زبان یونانی قدیم آنافورا (Anaphora) به معنی تقدیم (یا برافراشتن) قربانی به سوی یکی از خدایان است. در زبان سپاس مسیحی این
واژه مفهوم نیایش تقدیمی در آیین سپاسگزاری را دارد و اساساً شامل روایت بنیانگذاری شام آخر مسیح و کلمات ویژه تقدیس می‌باشد.

نیایش رومی آن زمان نبوده اما تنها متن و نخستین تألیف ادبی مسیحی است که از این دوران کهن، به دست داریم.

در هر حال هیپولیتوس در نظر ندارد متن خود را تحمیل نماید. او فقط آن را پیشنهاد^۸ می‌دهد. او همچنین حق بدیهه سرایی آزاد را برای رهبر مراسم محفوظ می‌دارد و نیز حق روح القدس می‌داند که از لبها و قلب برپا کننده مراسم که مسیح را به جماعت می‌شناساند، این نیایش را با عبارات دیگری بسراید. جنبه مسیح شناسی در این آنافورا به وضوح مشاهده می‌شود. همچنین متوجه می‌شویم که در این نیایش بخش قدوس که بعداً مرسوم می‌گردد وجود ندارد و از اشاره به اعمال عجیب خدا در آفرینش و تاریخ نجات که همانا *Mirabilia Dei* باشد نیز ذکری به میان نمی‌آید. صراحت فوق العاده در دستورالعمل‌های هیپولیتوس این نیایش را پویایی باشکوهی می‌بخشد. آنافورا با آن روحیه قدیمی و بی‌پیرایه‌اش از رخشنده‌گی خاصی برخوردار است. این نیایش عاری از تفصیلات و اضافاتی است که با آنها در قرنهای بعد مشتاقانه آن را می‌آراستند، به سان پوششی سرسبز اما انگل گونه که باعث پنهان شدن همان زیبایی که در صدد تشدید آن بودند، می‌گشت.

این آنافورای کهن هیپولیتوس از قرنهای پیش در روم به دست فراموشی سپرده شده اما هنوز توسط پیران کلیسای حبشی خوانده می‌شود و امروزه اساس نیایش دوم آیین سپاس را تشکیل می‌دهد. در نتیجه، کلام آن شهید رومی امروز نیز در کلیسای جهان طنین انداز است.

ندای استقبال

وقتی به عنوان اسقف تقدیس گردید همه به او بوسه صلح بدهند و با این ندا از وی استقبال کنند. «به شایستگی رسیده است!»

آن گاه خادمان کلیسا نان قربانی را نزد وی می‌آورند. اسقف با نهادن دست بر تقدیمی‌ها به همراه دیگر پیران کلیسا چنین سپاس گوید:

– خداوند با شما باد!

جماعت پاسخ دهند:

و با روح تو نیز!

– قلبهای خود را برافرازیم.

قلبهای ما به سوی خداوند است.

– سپاس خداوند را به جای آریم!

زیرا که درست و امین است!

۸- رجوع شود به سنت رسولی، فصل نهم. ژوستین قدیس هم در جمله زیر بر آزادی در انتخاب عبارات نیایش تأکید می‌کند: «آنگاه رئیس جلسه نا آن جائی که مایل باشد نیایش و سپاسگزاری کند».

ابراز سپاس

اسقف چنین ادامه دهد:

خدایا، تو را سپاس می‌گوییم،
از طریق فرزند دل‌بندت عیسی مسیح،
که او را در ایام آخر^۹ از بهر ما فرستاده‌ای
به عنوان منجی، رهاننده و پیام‌آور اراده‌ تو.
او کلمه جدایی‌ناپذیر توست،
که از طریق او همه چیز را آفریده‌ای
و خرسندی خود را در او یافتی.

تو او را از آسمان فرستادی
به درون بطن باکره‌ای قدیس.
او شکل گرفت و جسم پوشید،
و خود را چون پسر تو، بر ما ظاهر کرد،
او که از روح القدس و باکره‌ی قدیس زاده شد.^{۱۰}

او اراده‌ تو را به انجام رساند،
و جهت فراهم آوردن قومی مقدس برای تو،
بازوانش را ضمن رنج کشیدن بگشود
تا آنانی را که به تو ایمان دارند
از رنج برهانند.

روایت بنیانگذاری آیین سپاس
او به هنگامی که داوطلبانه
خود را به رنج می‌سپرد تا مرگ را نابود کند،
تا زنجیرهای شیطان را بگسلد،
تا دوزخ را به زیر پاهایش لگدمال کند،
تا نورش را بر عادلان بتاباند،
تا آن پیمان را برقرار کند

۹- به معنی دوران مسیح که آن را "آخرین دوران" نجات منظور داشته‌اند. ر. ک اع ۲: ۱۷.
۱۰- عبارتی مترادف این عبارت در اثر دیگری از هیپولیتوس به نام موعظه درباره‌ی بدعت میلاد مسیح نیز یافت می‌شود: «جسمی که توسط کلام خدا به خدای پدر تقدیم شده است... همان که از روح القدس و باکره قدیس صادر گردید، و تجلی پسر کامل خداست».

و رستاخیزش را بنمایاند،^{۱۱}
نان را گرفت،
تورا شکر کرد و گفت:
«بگیرید، بخورید، این تن من است
که از بهر شما پاره می شود».
و به همین ترتیب برای جام، گفت:
«این خون من است
که از بهر شما ریخته می شود.
هرگاه این را به جای می آورید،
به یاد من به جای آرید».

نیایش یاد بود^{۱۲} *Anamnesis

پس با یادآوری مرگ
و رستاخیز تو از مردگان،
تورا نان و شراب تقدیم می داریم،
تورا سپاس می گوئیم که ما را سزاوار دانسته ای
که در پیشگاه تو بایستیم و تو را خدمت کنیم.

نیایش طلب نزول روح القدس^{۱۳} *Epiclesis

از تو تمنا داریم
که روح القدس خود را
بر تقدیمی کلیسای مقدس خود بفرستی،
و تمامی دریافت کنندگان آن را
در اتحاد به گرد هم آوری.
باشد که از آن روح القدس
که ایمانشان را در حقیقت استوار می دارد، سرشار گردند.
باشد که ما بدین سان تو را ستایش و تجلیل کنیم
از طریق فرزندت عیسی مسیح.

۹- به معنی دوران مسیح که آن را آخرین دوران نجات منظور داشته اند. ر.ک اع ۱۷:۲.

۱۰- عبارتی مترادف این عبارت در اثر دیگری از هیپولیتوس به نام موعظه دربارهٔ بدعت میلاد مسیح نیز یافت می شود: «جسمی که توسط کلام خدا به خدای پدر تقدیم شده است... همان که از روح القدس و باکره قدیس صادر گردید، و تجلی پسر کامل خداست».

۱۱- به نظر می آید که این دستورالعمل ها از نفوذ «ایرنئوس» (Irenaeus) قدیس برخوردار است که گفت: «خدای پدر سرشار از رحمت، کلمه را بفرستاد... (آن که) بندهای زندان (ما را) بگشود. و نور وی پدید آمد و تاریکی زندان را ناپدید ساخت و تولد ما را تقدیس و مرگ را، با سستن همان بندهائی که در آن گرفتار بودیم، نابود کرد. وی همچنین از آن جا که خود را نخست زاده از بین مردگان گردانید، رستاخیز خویش را از مرگ نمایان ساخت».

حمد و ثنا

از طریق او جلال و افتخار تو را باد،
به پدر و پسر با روح القدس،
در کلیسای مقدس تو،
اکنون و تا ابدآباد!
آمین

تبرک هدیای ایمانداران

بلافاصله پس از برپایی نیایش آنافورا، هیپولیتوس برای هدایای تقدیمی از سوی ایمانداران پیشنهاد نیایش طلب برکت می نماید.

گنجاندن این نیایش های طلب برکت در این مرحله از آیین نیایش سپاس^{۱۴} به نظر می رسد درست باسخگوی یکی از مقاصد الهیاتی دقیقی است که امروز آن را الهیات حقایق دنیوی می نامیم. ایرنیوس ندیسچنین توضیح می دهد که کلیسا با تقدیم قربانی مقدس، در واقع نوبران آفرینش را تحت نشان نان و شراب^{۱۵} به خدا تقدیم می دارد. هدایایی که ایمانداران آنها را بدین طریق جهت برکت اسقف و در پرتو راز قربانی مقدس تقدیم می دارند، در دنباله آیین سپاسگزاری که آنها را به تن و خون مسیح تبدیل می کند، تقدیس می گردند.

* * *

۵- تقدیم روغن

اگر کسی روغن تقدیم نماید، اسقف همان سپاس را که در مورد نان است برای روغن نیز به جا آورد، نه با همان عبارات اما به همان معنا. او چنین گوید:

۱۱- در واقع هیپولیتوس به راحتی می توانست این برکات را در باب ۳ بگنجاند که در آن باب در خصوص تقدیمی ها سخن می راند. به طوری که اطلاع داریم آئین نیایش رومی نیز یک نیایش خیر و برکت بر تقدیمی های ایمانداران را در آئین نامه مربوطه خود حفظ کرده است که در آن آمده است: «به وساطت او، ای خداوند، پیوسته می آفرینی...». این نیایش قبل از حمد و ثنا پایانی خوانده می شود. ژ.آ. یونگمن (J.A.Jungman) در این خصوص متذکر می شود: «از بدو پیدایش آئین نامه رومی تا اواخر قرون وسطی و بعد از آن نیز، مرسوم بود که به مناسبت های مختلف ثمرات زمین برکت داده شود».

۱- (مسیح) به شاگردان خود توصیه می کند که نوبرهای مخلوقات خدا را به وی تقدیم کنند. بدیهی است که خدا نیازی به آن ندارد بلکه این ندیم بیشتر برای آن است که خود شاگردان دچار کمبود ثمرات (روحی) و ناسپاسی نگردند. بنابراین وی نانی را که از جهان مخلوق آمده است ه دست گرفت و سپاس گفت و فرمود «این است تن من». او در خصوص جام نیز، که از خلقتی که متعلق به ماست رسیده است، چنین عمل نمود. اعلام داشت که آن جام خون اوست و تعلیم داد که این تقدیمی نوین مربوط به عهد جدید است. کلیسا این عطیه را از رسولان دریافت نموده و آن را در سراسر جهان به خدائی که ما را روزی می بخشد به عنوان نوبر عطایای خود او در عهد جدید تقدیم می دارد.

خدایا، با تقدیس این روغن
تو تقدس می بخشی
به کسانی که آن را به کار می برند و آنانی که دریافت می کنند.
با این روغن تو تدهین کرده ای،
پادشاهان و کاهنان و انبیاء را.
باشد که این روغن به همین سان،
مایه قوت کسانی باشد که آن را می چشند
و مایه سلامت کسانی که آن را به کار می برند

۶- تقدیم پنیر و زیتون

همچنین اگر پنیر و زیتون تقدیم دارند، اسقف این چنین نیایش می کند:
این شیر دگمه را مقدس گردان
با اتحاد دادن ما به محبت.
عطا فرما تا این بار درخت زیتون
لطفش را هرگز از دست ندهد.
که نشانه آن نعمت فراوانی است
که تو از دار (صلیب) جاری ساخته ای،
تا به کسانی که به تو امید دارند حیات بخشد.
نیایش طلب برکت برای سایر هدایا
در هر نیایش طلب برکت، گفته شود:
تو را جلال باد، پدر و پسر،
با روح القدس،
در کلیسای مقدس، ۱۶
اکنون و همواره
و تا ابدالآباد!
آمین

۱۶- ذکر در کلیسای مقدس (تو) در بخش حمد و ثنا از مشخصه های آئین نیایش هیپولیتوس است که بی گمان از رساله به افسسیان ۳: ۲۱ الهام می گیرد. این جمله، به جای بیان برابری موجود بین روح القدس و پدر و پسر (به سان حمد و ثنای سنتی لاتین) ترجیحاً بر رابطه خاصی که روح القدس را با دو شخصیت اول الهی پیوند می دهد و نیز بر نقش تقدیس کننده روح القدس در کلیسای مقدس تأکید می نماید. بدین ترتیب کلیسا مکان ممتازی است که قدوسیت خدا از طریق روح القدس در آن حلول می کند.

۷- پیران

(نیایش دستگذاری)

وقتی اسقف کسی را به مرتبت پیری می‌رساند، دستش را بر سر وی گذارد، در حالی که دیگر پیران نیز وی را لمس می‌کنند.^{۱۷} او نیز باید نیایش‌های مشابه آنچه در فوق درباره اسقف آمده است بسراید. این چنین نیایش کند:

ای خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح،
نظرت را بر خادم خویش در این جا بیفکن.
روح فیض و تدبیر را به وی ارزانی دار
تا قومت را با قلبی پاک یاری و هدایت نماید.

تو این چنین نگرستی
بر قومی که برگزیده‌ای.
موسی را دستور دادی تا مشایخ^{۱۸} را برگزیند:
و آنان را با روح خود
که به خادم خود داده بودی سرشار نمودی.

اکنون، ای خداوند، ما را ارزانی دار
تا همواره روح فیض تو را در خود نگاه داریم.
ما را شایستگی ده تا تو را با ایمان خدمت کنیم،
در سادگی دل‌هایمان.

از طریق فرزندت، عیسی مسیح تو را ستایش می‌کنیم.
از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
پدر و پسر با روح القدس،
در کلیسای مقدس، اکنون و تا ابدالآباد! آمین

۱۷- همین رسم در مورد به مرتبت رساندن کشیشان در آئین نامه رومی نیز حفظ شده است: همه پیرانی که حضور دارند به دنبال اسقف دست بر سر جوینده مرتبت می‌نهند.
۱۸- اشاره به هفتاد مشایخی که موسی را در انجام عهد یاری دادند (خروج ۲۴:۱-۱۱).

۸ - خادمان

(نیایش دستگذاری)

به هنگام اعطای مرتبت خادمی، همان طور که گفته شد خادم را انتخاب نمایند. و فقط اسقف دست خود را بر وی نهد ... خادم در واقع مرتبت کهناتی نمی یابد، بلکه برای خدمت اسقف دستگذاری می شود تا دستورات وی را به انجام رساند. او عضو شورای شبانان نیست بلکه مواظبت و مراقبت (از بیماران) را بر عهده دارد و آنچه را نیاز است به اطلاع اسقف می رساند. او روح مشترک بر مجمع کهناتی - که پیران هم جزء آن هستند - را دریافت نمی دارد بلکه روحی که به وی اعطاء می شود (به منظور انجام کار) تحت فرمان اسقف است. و به همین خاطر است که اسقف به تنهایی خادم را دستگذاری می نماید در صورتی که در مورد مرتبت یابی پیران، همه پیران متفقاً بر جوینده مرتبت دست می نهند زیرا یک روح مشترک در انجام وظایفشان دخالت دارد. پیران فقط حق دریافت آن روح را دارند اما توانایی اعطای آن را ندارند. برای همین است که آنها، روحانیون دیگر را دستگذاری نمی کنند بلکه فقط حرکت (نهادن دستها) را انجام می دهند و اسقف مرتبت عطا می کند.

در مورد خادم، اسقف نیایش زیر را می خواند:

ای خدا که جهان را آفریده ای

و با کلمه مقدس خود آن را سامان بخشیدی،

ای پدر خداوند ما عیسی مسیح،

که او را برای اجرای اراده خود فرستادی

تا نقشه تو را بر ما آشکار دارد:

به خادم خود در این جا،

روح فیض و غیرت عطا فرما.

تو او را برگزیده ای تا به کلیسای تو خدمت کند

وقربانی آن قدوس را

که کاهن اعظم خود ساخته ای،

به قربانگاه تو بیاورد،

برای جلال نام تو.

باشد که در پاکی، و بی عیب تو را خدمت نماید.

باشد که این چنین به مرتبت بالا برسد،

تو را ستایش نماید و جلال دهد،

از طریق پسر تو عیسی مسیح، خداوند ما،

اکنون و همواره، تا ابدالابد! آمین

۹- دستورالعمل‌های ویژه آیین نیایش

... اسقف بر حسب روشی که پیشتر گفته شد سپاسگزاری می‌نماید. اما لزومی ندارد در این مورد کلماتی! که در فوق نگاشته شده است تکرار کند و نباید چنین به نظر آید که او می‌کوشد این عبارات را در سپاس خود بر خدا از حفظ بیان کند.^{۱۹} هر کس بر حسب توانایی خود نیایش کند. اگر کسی می‌تواند برای مدت طولانی و با شکوه نیایش کند، خوب است. اما اگر به گونه‌ای دیگر نیایش کند و اگر نیایشی کوتاهتر و ساده‌تر بخواند نباید مانع او شود، به شرط آن که نیایش وی با صدا و موافق با طریق اصیل کلیسا باشد

۱۱- قرائت کننده

هر گاه کسی را به عنوان خواننده متون مقدس تعیین می‌کنند، اسقف کتاب را به دست وی می‌دهد اما بر وی دست نمی‌نهد

۱۲- باکره

اما در مورد باکره‌ها: نباید بر آنها دست نهاد، زیرا انتخاب راه زندگانی آنها با خودشان می‌باشد.

۱۳- خادم یار

درباره خادم یاران: بر خادم یاران دست نهاده نمی‌شود، بلکه آنان را برای کمک به خادم تعیین می‌کنند

۱۴- عطیة شفا

اگر کسی ادعا نماید: من در الهامی عطیة شفا یافته‌ام، بر وی دست تبرک نمی‌نهند.
وقایع نشان خواهند داد که او راست گفته است یا نه

۱۹- این گفته هیپولیتوس بار دیگر گواه آن است که در زمان وی اسقفان در بدیهه گویی ضمن آیین نیایش آزاد بودند مشروط بر این که نیایش آنها موافق با طریق اصیل باشد. از قرن چهارم در کلیسا مقرر شد متونی را به کار برند که پیشتر در سنت کلیسا تقبیت شده بود. اما استثناهائی در بعضی از آیین‌های نیایش تا قرن هفتم یافت می‌شد.

بخش دوم

پیوستن به مسیحیت

بخش دوم سنت رسولی هیپولیتوس در مورد آموزش حق جویان و تعمید است.

آنچه ما درباره آموزش حق جویان در جامعه رومی در اوائل قرن سوم می‌یابیم موجب تعجب نه تنها تاریخ‌نویسان کلیسایی بلکه مسیحیان امروز نیز هست. گرچه در آن زمان کلیسا در حال توسعه سریع بود، اما هیچ‌جا اثری از فعالیت سازمان یافته تبلیغاتی دیده نمی‌شد. کلیسا علی‌رغم فعالیت شدید بشارتی هیچ‌مبشر و بلغی یعنی ایماندارانی که به طور خاص خود را وقف بشارت انجیل کرده باشند، در اختیار نداشت. کلیسا پوسته در حال مقابله با شرکی که آن را احاطه می‌کرد و کسب پیروزی بر آن بود گرچه در واقع عاملان خاصی برای انجام این کار در اختیار نداشت.

توضیح این معجزه بشارتی که مسلماً اولین و بزرگترین معجزه بشارتی است در پویایی ذاتی پیام مسیح و تأثیر و نفوذ روح القدس در اذهان و نیز در شهادت بشارتی که هر مسیحی با ایمانی که دریافت کرده بود می‌داد، نهفته است.

با تفکر درباره این گسترش شگفت‌آور مسیحیت در سه قرن اول آ. فون هارناک (A. Von Harnack)

چنین می‌نویسد:

بیشترین و موفق‌ترین مبلغین مسیحی، معلمین حرفه‌ای نبودند بلکه خود مسیحیان بودند که به تناسب ایمان و جرأت خود در این راه می‌کوشیدند... این یکی از ویژگی‌های این مذهب بود که هر فرد مسیحی که با جدیت از مذهب خود پیروی می‌کرد، عامل گسترش آن نیز بود. مسیحیان می‌بایستی نور خود را می‌افشاندند تا مشرکین با مشاهده کردار نیک آنان پدر را در آسمان تجلیل نمایند. هر گاه که مسیحیان متقاعد به دین خود گشته و طبق دستورات مذهبشان زندگی می‌کردند، مطلقاً امکان آن وجود نداشت که دیگر مخفی بمانند چرا که طرز زندگانی آنها خود یک موعظه بشارتی روشن و خیره‌کننده بود.

بنابراین هیپولیتوس در نوشته‌های خود نام خاصی برای روحانیونی که حق جویان را گردآوری کرده باشند ندارد اما بارها درباره آنانی که جویندگان را معرفی می‌کنند سخن می‌راند. هر عضو جماعت مسیحیان به موجب تعمیدش، که او را مأمور این رسالت کرده بود، وظیفه رسالتی خود را انجام می‌داد.

شاید بجا باشد که از سخت‌گیریهایی که در گزینش داوطلبان تعمید اعمال می‌شد نیز سخن گفته شود. کلیسا آشکارا رشد کپی را به رشد کسی ترجیح می‌داد. کسانی که از تعالیم مذهبی منع می‌شدند فقط صاحبان مشاغل آشکارا مخالف با قانون الهی، مانند مدیران فاحشه‌خانه‌ها، فاحشه‌ها، کاهنان بتها، مجوسیان، جادوگران و یا غیبگویان نبودند بلکه هر کسی که شغل وی در حاشیه گناه بود. در عصری که شرک و بت‌پرستی در زندگی اجتماعی نفوذ کرده بود، حدود دامنه گناه بسیار وسیع و نامشخص بود. هیپولیتوس مجسمه‌سازان و نقاشان را که برای شرک در حال افول اقدام به تهیه بت می‌کردند و همچنین هنرپیشگان

نئاتر را که در آن زمان در بند هیچ رسم و آیین اخلاقی نبودند، بازیگران سیرک را که به خطر انداختن ندگی انسانها را وسیله تفریح می ساختند، گلا دیاتورها را که خود و دیگران را در معرض کشتار قرار می دادند و پیشوایانی را که در تمهید و برپایی جشن های سرشار از فسق و فجور و عیاشی فعالیت داشتند، از بیوستن به حق جویان منع می کند. حتی پذیرش سربازان به این جامعه با تردید بسیار صورت می گرفت زیرا آنها مجبور بودند در راه انجام وظیفه خود سوگند یاد نمایند و باید دانست که بویژه در آن زمان ارتش با مکتب فضیلت و تقوی فاصله زیادی داشت.

این سخت گیری که در مورد نوایمانان و حق جویان اعمال می شد، مایه سربلندی کلیسا است. کلیسا با گناهکاران دشمنی نداشت، اما دشمن سرسخت گناه بود.

* * *

الف - آموزش حق جویان

۱۵- نوایمانان

آنانی که باید در طریق پیوستن به ایمان نوین هدایت شوند، باید قبل از ورود ایمانداران، برای شنیدن کلام خدا به نزد معلمین مذهب آورده شوند.

باید از ایشان دلیل جویا شدن ایمانشان را پرسید.

آنانی که ایشان را به کلیسا معرفی می کنند باید درباره آنها شهادت دهند تا معلوم شود که آیا قابلیت شنیدن کلام خدا را دارند یا نه. باید وضع زندگانی آنها نیز بررسی شود. آیا همسر دارد؟ آیا برده است؟ در صورتی که برده یک ایماندار است چنانچه اربابش به وی اجازه دهد، می تواند کلام خدا را بشنود. اگر ربابش شهادت مثبت درباره وی ندهد، باید طرد شود. اگر اربابش بت پرست است باید وی را آموخت که چگونه رضایت اربابش را جلب کند تا افترایی بروز ننماید ...

۱۶- درباره مشاغل و حرف

- باید درباره حرفه ها و مشاغل کسانی که از بهر آموزش آورده می شوند، تحقیق به عمل آید.

- اگر کسی به شغل واسطه گری روسپیان مشغول است باید این کار را رها کند و یا طرد شود.

- اگر مجسمه ساز و یا نقاش است وی را تعلیم دهند که از آن پس بت تراشد. باید این کار را رها کند.

در غیر این صورت طرد شود.

- اگر هنرپیشه است و یا در تئاتر نمایش می‌دهد باید شغل خویش را ترک کند. در غیر این صورت طرد شود.
- اگر معلم مدرسه کودکان است، بهتر است که شغل خود را ترک گوید^{۲۰}. اما اگر شغل دیگری نداشته باشد به وی اجازه داده شود.
- اگر ازابه‌ران و یا گشتی گیر است و یا در مسابقات کشتی‌گیری حضور می‌یابد باید کار خود را رها کند. در غیر این صورت طرد شود.
- اگر گلاادیاتور است یا به گلاادیاتورها آموزش رزمی می‌دهد یا گلاادیاتوری است که با حیوانات وحشی رمی‌افتد یا کارمندی است که مسابقات گلاادیاتوری را تنظیم و برپا می‌نماید باید شغل خود را ترک گوید. در غیر این صورت طرد شود.
- اگر کاهن بتکده یا نگهبان بتهاست باید شغل خود را ترک کند. در غیر این صورت طرد شود.
- به سرباز که عامل قدرت است، اجازه داده نشود که کسی را به هلاکت رساند. اگر دستوری در آن مورد دریافت دارد به انجام نرساند. اجازه‌این که سوگند یاد کند به وی داده نشود. اگر این شرایط را نپذیرد، طرد شود.
- کسی که صاحب قدرت شمشیر است یا کلانتر و داور شهر که ردای ارغوانی به تن می‌کند باید از شغل خود دست بکشد. در غیر این صورت طرد شود.
- حق جویان یا ایماندارانی که بخواهند سرباز شوند، باید طرد شوند زیرا خدا را خوار داشته‌اند.
- فاحشه، همجنس‌باز، و مرد زن صفت یا کسی که مرتکب عملی گردد که ذکر آن ناشایست است باید طرد شود، زیرا فردی پلید است.
- از مجوسیان نیز آزمون به عمل نیاید.
- ساحر، منجم، غیبگو، فال‌بین، خواب‌گزار، سکه‌زن متقلب^{۲۱}، دعانویس باید کار خود را ترک گوید. در غیر این صورت طرد شود.
- زنی که بدون ازدواج با مردی زندگی می‌کند (صیغه‌وی است)، اگر برده باشد در صورتی که فرزندان خود را بزرگ کرده و جز با این مرد رابطه‌ای ندارد به آموزش راه داده شود. در غیر این صورت طرد شود.
- اگر مردی زنی صیغه دارد باید او را ترک کند و یک همسر قانونی اختیار نماید. در غیر این صورت طرد شود.
- اگر مواردی از قلم افتاده باشند، خود شما از روی نوع مشاغل تشخیص خواهید داد زیرا ما همگی از روح خدا برخورداریم^{۲۲}

۲۰- زیرا در آن زمان معلمان موظف بودند اساطیر را به دانش‌آموزان یاد دهند.

۲۱- متن اصلی در این قسمت صدمه دیده است و این تعبیر چندان مطمئن نیست.

۲۲- این قاعده ارزش والایی دارد که اتکال آن بر روح القدس است، روحی که هر اسقف در داوری موارد مشکوک و پیش‌بینی نشده از آن برخوردار است.

۱۷- دربارهٔ دوران آموزش (پس از آزمون) حرفه‌ها و مشاغل

حق جویان باید به مدت سه سال کلام خدا را بشنوند. اما اگر کسی در این راه از ذوق و پشتکار بیشتر برخوردار باشد، دربارهٔ وی برحسب مدت داوری نکنند بلکه ملاک داوری صرفاً رفتارش باشد

۱۸- نیایش کسانی که آموزش می‌بینند

وقتی آموزگار تعلیمات دینی را به پایان رساند، حق جویان جدا از جمعیت ایمانداران نیایش کنند.^{۲۳} نان چه ایماندار و چه حق جو در محلی جداگانه در کلیسا نماز گزارند. در پایان نیایش جویندگان بوسهٔ صلح به هم ندهند زیرا بوسه‌های ایشان هنوز تقدیس نشده است. ایمانداران به یکدیگر سلام دهند. زنان به زنان و مردان به مردان. مردان به زنان سلام نگویند ...

۱۹- دربارهٔ نهادن دست بر حق جویان

پس از پایان نیایش معلم دستش را بر سر حق جویان نهد، نیایش کند و سپس آنها را مرخص نماید. آن کس که آموزش می‌دهد، چه روحانی باشد و چه غیر روحانی به همین نحو رفتار نماید.

تعمید خون

اگر حق جویی به خاطر نام خداوند بازداشت گردد، وی را دربارهٔ شهادتش در نگرانی باقی نگذارند. زیرا اگر شکنجه گردیده و پیش از دریافت بخشایش گناهانش بمیرد، در پیشگاه خدا تبریئه خواهد شد چون که در خون خویش تعمید یافته است^{۲۴}

^{۲۳}- دروس اصول دین یک تدریس ساده نبود بلکه با نیایش آغاز می‌شد و با برکت یافتن از راه دستگذاری توسط آموزگار پایان می‌یافت.
^{۲۴}- ترتولیان در اثر خود در بارهٔ تعمید بر وجود همین باور در کلیسای آفریقا چنین گواهی می‌دهد. «از نظر ما تعمید دومی نیز وجود دارد که آن هم یگانه تعمید است یعنی تعمید خون که خداوند دربارهٔ آن می‌فرماید: «من تعمیدی دارم که باید دریافت نمایم» (یو ۱: ۵۰)، در حالی که قبلاً تعمید یافته بود. زیرا در حقیقت و بنا بر گفتهٔ یوحنا ایچیل نگار، خداوند «از طریق آب و خون» (۱ یو ۵: ۶) آمد؛ از راه آب تا تعمید گردد و از راه خون تا جلال یابد. بدین سبب است که او ما را از راه آب فرا خوانده و از راه خون برگزیده گردانید. این دو تعمید توأمآ از پهلوی شکافته شدهٔ خداوند جاری گردید... همین تعمید [دوم] است که جایگزین تعمید در آب می‌گردد برای آنانی که این تعمید را دریافت نکرده باشند و تعمید بر آب را باز می‌گرداند به کسانی که آن را از دست داده باشند».

۲۰- رسوم آمادگی برای تعمید

انتخاب جویندگان تعمید

وقتی کسانی که باید تعمید گیرند، برگزیده شدند، باید زندگانی آنان مورد آزمون قرار گیرد: آیا دوره حق جویی خود را به شایستگی به سر برده اند؟ آیا بیوه زنان را محترم داشته اند؟ آیا از بیماران عیادت کرده و همه کارهای نیک را به انجام رسانده اند؟^{۲۵}

دادن انجیل

اگر آنانی که ایشان را برای تعمید معرفی کرده اند شهادت دهند که رفتارشان به همین نحو بوده است، می توانند انجیل را بشنوند.

مراسم روزانه دفع شریر

از لحظه ای که برگزیده شدند، هر روز بر آنان دست نهند و نیایش دفع شریر بخوانند. با نزدیک شدن روزی که باید تعمید یابند، اسقف نیایش دفع شریر را بر هر یک بخواند تا از بی آلاشی ان مطمئن گردد. اگر کسی یافت شود که نیک و بی آلاش نباشد وی را کنار بگذارند چون که به کلام خدا با ایمان گوش فرا نداده است زیرا در غیر این صورت بیگانه (اهریمن) در درون وی مخفی نمی ماند...^{۲۶}

روزه و نیایش

آنان که در شرف تعمید گرفتن هستند باید روزهای جمعه و شنبه را روزه بگیرند. در روز شنبه اسقف همه ایشان را در مکانی گرد آورده، به آنها دستور دهد تا زانو زنند و نیایش کنند.^{۲۷} سپس بانهادن دست بر سر ایشان ارواح خبیثه را وادار نماید تا دور شده و دیگر در آنان نفوذ ننمایند.

بیداری در شب قبل از تعمید

وقتی اسقف نیایش دفع شریر را به پایان آورد بر چهره ایشان بدمد^{۲۸} و بر گوش ها و بینی اشان علامت صلیب بکشد و سپس از ایشان بخواهد که برپا خیزند. آنان باید تمام شب را بیدار بمانند، انجیل بخوانند و آموزش دریافت کنند.

تعمید گیرندگان چیزی با خود نیاورند مگر آنچه را که هر مسیحی برای برپایی آیین سپاسگزاری می آورد. پیرا به جاست که آن کسی که شایستگی این راز را می یابد در این هنگام تقدیمی ها را نیز با خود بیاورد

^{۲۴} - باید توجه داشت که طبق این دستور موضوع آزمون حق جوانان نه معلومات اکتسابی بلکه طریق زندگانی آنان بوده است.

^{۲۶} - متن مبهم و به طریق زیر نیز تعبیر شده است: «زیرا ممکن نیست، که بیگانه برای همیشه مخفی بماند».

^{۲۷} - ترتولیان، همچنین نوشته است: «آنانی که قرار است به تعمید نایل شوند باید از راه نیایشهای پی در پی، روزه گیری ها، زانو زدن ها و بیداری ها عبادت کنند. علاوه بر این ها باید به تمامی گناهان گذشته خود اعتراف نمایند، به تقلید از تعمید یحیی که گفته شد: «آنها ضمن اعتراف گناهانشان تعمید می یافتند».

^{۲۸} - این مراسم دمیدن جزء مراسم دفع شریر می باشد و منظور از آن دور کردن شیطان است و با مراسم دمیدن به منظور اعطای روح القدس که خود مسیح نیز بدین منظور بر رسولان دمیده بود، تفاوت دارد. (یو: ۲۰: ۲۲)

ب - تعمید

۲۱- مراسم دادن تعمید مقدس

آب جاری

به هنگام بانگ خروس ابتدا نیایشی بر آب بخوانند.
آب باید آب چشمه یا آب جاری باشد. این مراسم باید بجای آورده شود مگر هنگامی که غیر ممکن باشد.
چنانچه این عدم امکان ممتد باشد و احتیاج شدید، از آبی که در دسترس است استفاده شود.
جویندگان تعمید لباسها را از تن خود درآورند.
ابتدا کودکان را تعمید دهند. هر آن کس که می تواند، برای خود پاسخ آیین را بدهد. اگر نتواند پدر و مادر یا شخصی از اعضای خانواده برای او پاسخ دهند.^{۲۹}
نخست مردان و سپس زنان تعمید یابند. زنان باید موهای خود را باز کرده و زیورآلات طلا و نقره خویش را به کناری نهند.
هیچ کس با شیء متعلق به دیگری^{۳۰} به داخل آب نرود.

روغن سپاسگزاری و روغن دفع شریر

در لحظه تعیین شده برای تعمید، اسقف نیایش سپاسگزاری را بر روغن به جای آورده روغن را در ظرفی می ریزد. این روغن را روغن سپاسگزاری می نامند.
سپس اسقف روغن دیگری گرفته نیایش دفع شریر را بر آن می خواند. این روغن را روغن دفع شریر می نامند.
خادم ظرف روغن دفع شریر را به دست می گیرد و در سمت چپ پیر می ایستد. خادم دیگری ظرف روغن سپاس را گرفته در سمت راست پیر می ایستد.

انکار شیطان

پیر آنانی را که باید تعمید دریافت کنند به کناری می آورد و به هر یک دستور می دهد که رو به مغرب ایستاده این قسم تنفر را بخوانند:

ای شیطان، من تو را

و تمام وعده ها

و اعمال را انکار می نمایم.

^{۲۹}- این متن گواه آن است که تعمید کودکان در کلیسای روم مرسوم بوده است.

^{۳۰}- یقیناً منظور هر چیزی است که متعلق به بیگانه یعنی شیطان باشد.

تدهین دفع شریر

پس از این اظهار تنفر، پیر آنها را با روغن دفع شریر تدهین نموده چنین می گوید: «باشد که ارواح شریر از تو دور شوند!».

تعمیدی، لباس خود را از تن درمی آورد. سپس وی را به اسقف یا پیری که در نزدیکی آب تعمید ایستاده ست می سپارند. خادمی با آن کس که باید تعمید یابد به درون آب فرو می رود.

فرو رفتن سه گانه

تعمید گیرنده در آب فرو می رود، تعمید دهنده دست بر سرش می گذارد و از وی سؤال می کند:

آیا به خدای پدر قادر مطلق ایمان داری؟

تعمید گیرنده پاسخ می دهد: «ایمان دارم.»

آن گاه تعمید دهنده، در حالی که دست بر سر تعمید گیرنده دارد وی را برای بار اول تعمید می دهد و

سپس از وی سؤال می کند:

آیا ایمان داری به عیسی مسیح، پسر خدا،

زاده از روح القدس و مریم باکره،

که به زمان پنطیوس پیلاطس مصلوب گردید،

بمرد و در روز سوم،

از میان مردگان زنده برخاست.

به آسمان برشد،

و به دست راست پدر نشسته است،

و از بهر داوری زندگان و مردگان خواهد آمد؟

وقتی تعمید گیرنده پاسخ داد «ایمان دارم» وی را بار دیگر تعمید می دهد. باز هم از او سؤال می کند:

آیا به روح القدس،

به کلیسای مقدس

و به قیامت مردگان ایمان داری؟

تعمید گیرنده پاسخ می دهد: «ایمان دارم». آن گاه برای بار سوم وی را تعمید می دهد.^{۳۱}

تدهین با روغن سپاسگزاری

تعمیدی سپس از آب بیرون می آید و پیر او را با روغن سپاسگزاری تدهین می نماید^{۳۲} و می گوید:

تو را با روغن مقدس

به نام عیسی مسیح تدهین می کنم.

هر دو، پس از خشک کردن تن خود، لباس پوشیده وارد کلیسا می شوند

ج - آیین نیایش استواری

در این جا نخستین آیین نیایش رومی درباره استواری را می یابیم. که شامل دست بر سر نهادن از سوی اسقف، نیایش درخواست، تدهین با روغن سپاسگزاری، نشان بر پیشانی نهادن و بوسه صلح است. مراسم استواری بلافاصله پس از مراسم تعمید انجام می گردد. می دانیم که در مشرق زمین راز تعمید و راز استواری، به طور همزمان و گاه با اجرای مراسم نیایشی واحد اعطاء می شد. در روم و غرب اعطای این دو راز طبق گواهی هیپولیتوس که مورد تأیید پاپ اینوسنت اول (Innocent I) نیز قرار گرفته است طی دو مراسم نیایشی جداگانه اما تشریفات یکسان انجام می گرفت.^{۳۳}

* * *

نهادن دستها بر سر

اسقف با نهادن دستها بر سر آنان که استواری می یابند چنین می گوید:

ای خداوند خدا،

که به این مردان و زنان شایستگی داده ای

تا با غسل تولد نوین از روح القدس،

سزاوار بخشایش گناهان گردند،

فیض خویش را در ایشان بگذار

تا برحسب اراده تو، تو را خدمت کنند.

زیرا، جلال از آن توست،

پدر و پسر با روح القدس،

در کلیسای مقدس،

اکنون و تا ابدالآباد!

آمین.

تدهین (مسح)

سپس اسقف با دست خود روغن سپاسگزاری را بر سر کسانی که استواری می یابند می ریزد و چنین می گوید:

تو را با روغن مقدس تدهین (مسح) می کنم

در خداوند، پدر قادر مطلق،

عیسی مسیح و روح القدس.

۳۳- از قرن نهم به بعد در غرب، آیین استواری اغلب جدا از تعمید انجام می گرفت.

مهر روح القدس

سپس اسقف بر پیشانی آنان، نشان می نهد^{۳۴}، و آنها را می بوسد و می گوید: «خداوند با تو است». آن کس که بر پیشانی، نشان یافته پاسخ می دهد: «و با روح تو». برای هر کس که استواری می یابد چنین می کنند.

از آن پس استواری یافتگان با همه ایمانداران در مراسم نیایش شرکت می جویند. اما قبل از آن که این مراسم در مورد ایشان انجام گرفته باشد نباید با دیگر ایمانداران، نیایش کنند. وقتی نیایش را به اتمام رساندند، بوسه صلح رد و بدل می نمایند.

د - شام تعمید و نخستین مشارکت در راز نان و شراب

تقدیمی

آن گاه خادمان تقدیمی نان و شراب را به نزد اسقف می آورند.

اسقف در مورد نانی که همان بدن مسیح است سپاس به جای می آورد. همچنین در مورد جام محتوی شراب آمیخته با آب که در حکم خونی است که از بهر همه کسانی که به مسیح ایمان دارند ریخته شد، سپاس می گوید. او همچنین تشکر می کند از خدا در مورد شیر و عسل^{۳۵} که با هم آمیخته گردیده، به نشان تحقق وعده ای که خدا به پدران ما داد، وعده سرزمین موعود که در آن شیر و عسل جریان داشت، وعده ای که در تن مسیح که ما را ارزانی داشته تا ایمانداران چون کودکان خردسال با آن تغذیه شوند^{۳۶}، زیرا لطافت آن تلخی نلوب ما را به شیرینی بدل می کند. و سرانجام در مورد آب مخصوص تقدیمی که نشانه تطهیر است تا باطن انسان (روح انسان) همان طور که بدنش تطهیر شده است پاک گردد، سپاسگزاری می نماید. اسقف باید معنای همه این تقدیم ها را به وضوح برای کسی که آنها را دریافت می دارد توضیح دهد.

مشارکت در راز نان و جام

اسقف نان را پاره کرده ضمن توزیع قطعات آن می گوید:

نان آسمانی

در عیسی مسیح!

آن کس که نان را دریافت می دارد می گوید: «آمین».

۳۴- در متن اصلی لاتین نشان نهادن با واژه مهر زدن یا مهور کردن قید شده است.

۳۵- رسم تقدیم شیر و عسل به تعمید یافتگان، تا اوایل قرن ششم مشاهده می شد.

۳۶- اشاره به ۱- پطرس ۲: «چون کودکان نوزاد شیر معنوی و سالم را بطلبید تا از راه وی (یعنی خداوند) در جهت نجات رشد کنید».

چنانچه تعداد پیران کافی نباشد، خادمان نیز جامها را بیاورند. آنان با فروتنی و به ترتیب بایستند، اولی برای تقدیم آب، دومی شیر و سومی شراب.

دریافت کنندگان جرعه ای از هر جام می نوشند در حالی که آن کس که تقدیم می دارد می گوید:

در خدا، پدر قادر مطلق.

و آن کس که دریافت می دارد پاسخ می دهد: «آمین.»

و در خداوند عیسی.

(و او می گوید: «آمین»)

و در روح القدس و کلیسای مقدس.

و او می گوید: «آمین»

این چنین نسبت به هر کس عمل می شود.

وقتی مراسم به پایان رسید، هر کس باید برای انجام اعمال نیک، جلب رضای خدا و رفتار شایسته اقدام نموده به کلیسا پیوندد، آنچه او را آموخته اند انجام دهد و در پاکی و تقوی پیشرفت نماید ...

۲۲- مشارکت در راز نان و جام

در روزهای یکشنبه خود اسقف در صورت امکان نان و شراب را بین مردم توزیع می نماید، در حالی که خادمان مشغول پاره کردن نان هستند. پیران نیز نان را پاره می کنند. وقتی خادم نان را به نزد پیر می آورد، سینی را در برابرش می گیرد. پیر (نان را) برمی دارد تا با دست خود بین مردم توزیع نماید.

در روزهای دیگر، مراسم مشارکت در راز نان و شراب برحسب دستورات اسقف انجام می شود

۲۳- روزه

بیوه زنان و دوشیزگان اغلب روزه می گیرند و برای کلیسا نیایش می کنند.

پیران و ایمانداران غیر روحانی نیز هر وقت بخواهند، روزه می گیرند. اسقف فقط وقتی می تواند روزه بگیرد که همه مردم روزه می گیرند. زیرا ممکن است کسی بخواهد نذری کند و اسقف نمی تواند آن را رد نماید. در هر صورت وقتی او نان را پاره می کند از آن مائده می چشد

۲۴ - صدقات برای بیمار

... کسانی که (صدقات) را دریافت می‌دارند باید با غیرتمندی خدمت کنند. آن کس که صدقه دریافت می‌دارد تا آن را به بیوه‌زنی یا بیماری و یا کسی که برای کلیسا خدمت می‌کند برساند، باید همان روز این کار را انجام دهد. در غیر این صورت باید روز بعد با افزودن چیزی از جانب خود، برای ایشان ببرد زیرا نان فقرا به نزدش باقی مانده بود

بخش سوم

رسوم مسیحی

بخش سوم سنت رسولی، دربارهٔ مراعات نکاتی از زندگانی مسیحی است. در این مورد تصویری زنده از سرسپردگی مسیحیان دوران صدر مسیحیت در دست داریم. سرسپردگی ایشان که با برپایی جمعی آیین راز نان و شراب هر بار جان تازه می‌گرفت، به مراتب از قالب مراسم آیین دستجمعی وسیع‌تر بود و تمامی جنبه‌های زندگی آنها را در برمی‌گرفت. در آن سالها که شکنجه و آزار، به طور متناوب برقرار بود و هرگز پایانی قطعی بر آن نبود، همگی با جان و دل از این تأکیدات خداوند پیروی می‌کردند: «بیدار باشید و همواره نیایش کنید... تا با اعتماد در حضور پسر انسان بایستید» (لو ۲۱:۳۶)

۲۵ - آوردن چراغ به مراسم مشارکت در شام خداوند

(نیایش روشنایی)

شامگاه روز سبت (شنبه) که آغاز شب یکشنبه است، ایمانداران را رسم بر این بود که برای نیایش شامگاهی گرد هم آیند. این نیایش را نیایش روشنایی می‌نامیدند^{۳۷}. در واقع چراغی به یاد بود مسیح از مرگ رهاسته، که درخشش جلال پدر و نور جهان است و نیز در انتظار بازگشت وی، روشن می‌کردند. هیپولیتوس ز همین آیین کهن که به صورت نیایش روزمرهٔ شامگاهی برای تمام جماعت مسیحی درآمده است، سخن می‌گوید.

* * *

۳۷- این بزرگداشت میراث مراسمی است که در کتاب مقدس ذکر شده است. به خاطر داریم که در خیمهٔ اجتماع چراغی با روغن خالص و صاف با شعله‌های دائمی بر روی چراغدانی با هفت شاخه (خروج ۲۵:۲۱-۴۰)، «به حضور یهوه» روشن بود (لاو ۲۴:۳-۴). بوحنای رسول این رسوم را به آیین آسمانی برد که در آن جا بر مسیح پر جلال در میان هفت چراغدان طلایی می‌نگرد. (مکا: ۱۲-۱۳). این بزرگداشت روشنایی به مراسم خانوادگی یهودیان (هنگامی که چراغ سبت روشن می‌کردند) و به مراسم مسیحی نیز انتقال یافت. (همین طور نیز در اجتماع ترواس که پولس رسول در آن جا بر آیین پاره کردن نان صدارت داشت. ر.ک اع ۷:۲۰-۸). در آیین نیایش معاصر، در شب عید رستاخیز مسیح در تبرک شمع مخصوص آن عید و نیز با استفاده از آن شمع برای روشن کردن چراغ‌های جلوی میز مقدس و جلوی شمایل و بالاخره جلوی محفظه نان و جام مقدس، نیایش روشنایی به جای آورده می‌شود.

شامگاهان، بعد از آمدن اسقف، خادم چراغی می آورد. اسقف در حالی که در میان ایمانداران ایستاده است سپاسگزاری را با این کلمات شروع می کند:

خداوند با شما باشد!
و جماعت پاسخ می دهند:
و با روح تو!
- خدای را سپاس گوئیم.
جماعت پاسخ می دهند:
این کار عدالت و راستی است.
عظمت و حشمت
و جلال نیز از آن وی است.
اسقف نباید بگوید «قلب های خود را برافرازیم»، زیرا این سخن به هنگام تقدیم قربانی گفته خواهد شد.
سپس این چنین نیایش کند:
خداوندا، تو را سپاس گوئیم،
از طریق پسر عیسی مسیح، خداوند ما،
که ما را منور گردانید
با نور تباهی ناپذیری که بر ما مکشوف ساخت.
با به سر آوردن این روز،
با رسیدن به آستانه شب،
سرشار از نور روز
که تو بهر شادی ما آفریدی،
اکنون از طریق محبت تو،
از نور شامگاهی برخورداریم.
پس تو را ستایش کنیم و جلال دهیم
از طریق پسر عیسی مسیح، خداوند ما.
از طریق او قدرت و افتخار از آن تو باد،
با روح القدس، اکنون و همواره
و تا ابد الابد. آمین.
جماعت پاسخ دهند: «آمین.»

پس از پایان مراسم برای انجام نیایش برمی خیزند. کودکان مزامیر می خوانند، همچنین دوشیزگان^{۳۸}

۳۸- مزموری که در نیایش روشنایی مرسوم بود مزمور ۱۴۱ است زیرا بیت دوم آن مزمور بسیار مناسب به نظر می آمد: «باشد که نیایش من همچون عود و دستهای من چون تقدیمی شامگاهی به حضور تو بلند شود.»

۲۶ - شام محبت ۳۹ (Agape)

به هنگام شام، ایماندارانی که حضور داشته باشند، قبل از پاره کردن نان خود، قطعه نانی از دست اسقف دریافت می‌دارند. این مراسم تبرک نان است^{۳۹} و نه آیین سپاسگزاری برای تن عیسی مسیح. پیش از آشامیدن، هر کس جامی به دست گرفته بر آن سپاسگزاری به جای می‌آورد و پس از آن همه در کمال بی‌آلایشی می‌خورند و می‌نوشند. اما در مورد حق جویان، نان دفع شریر به آنان داده شود و به هر یک جامی ارزانی گردد...

۲۸ - با قناعت و به حد نیاز تناول شود

خوردن نان و نوشیدن شراب توأم با قناعت باشد، نه تا حد مستی. بدین ترتیب شما را مسخره نخواهند کرد و میزبان شما با دیدن حرکات شما، پشیمان نگردد بلکه بر عکس خوشنود خواهد شد از این که لیاقت پذیرایی از مقدسین را یافته است. (خداوند) می‌گوید: «شما نمک جهانید» (مت ۵:۱۳) ... وقتی اسقف صحبت می‌کند، همه با فروتنی و تأیید سکوت را مراعات کنند تا این که دوباره پرسشی دیگر مطرح نماید. اگر در غیاب اسقف، ایمانداران در حضور پیر یا خادم برای شام حضور یابند، غذای خود را همچنان با قناعت تناول کنند. هر کس باید نان تبرک یافته را از دست پیر یا خادم مشتاقانه دریافت نماید...

۲۹ - باید با شکرگزاری تناول نمود

هر کس غذایش را به نام خداوند و با ابراز سپاس تناول نماید. آنچه در واقع باعث خشنودی خداست آن است که با اتحاد و هوشیاری، برتری خود را بر مشرکان به اثبات برسانیم.

۳۰ - سفره بیوه زنان

اگر بیوه‌زنانی به مراسم شام خداوند دعوت می‌شوند (شایسته است) که در سن کمال باشند و قبل از برآوردن نان به خانه هایشان بازگردند. اگر نتوان ایشان را به سبب تکلیفی که بر عهده دارند دعوت کرد، غذا و شراب را به ایشان داده روانه‌شان نمایند. آنان شام را در منزل خود، به هر ترتیبی که بخواهند، صرف نمایند

۳۹- این شام محبت به زبان یونانی «آگاپه» (Agape) نام داشت و در سنت مسیحی به سفره‌ای گفته می‌شد که دارای روح برادری و نیز جنبه مراسم دینی باشد مانند آنچه در جوامع مذهبی یهودیان مرسوم بوده است. هدف از برپایی این مراسم تقویت حسن تفاهم بین ایمانداران و کمک به فقرا و بیوه‌زنان بود. در دوران پولس رسول ممکن است که این مراسم قبل از برپایی آیین سپاس نزد قرن‌تیان صورت می‌گرفت. (۱-قرن ۱۷:۱۱-۳۴).

۴۰- در یونانی، Eulogion معنی برکت دادن و از واژه‌های خاص آیین نیایش است که به نانی که پس از خواندن نیایش برکت بر آن، به تقدیم کنندگان پس داده می‌شد و یا بین حضار توزیع می‌گشت، گفته می‌شد.

۳۱- میوه‌هایی که باید به اسقف تقدیم داشت

ایمانداران نوبر میوه‌های خود و گل سرخ و سوسن را که چیده‌اند برای برکت آنها به اسقف تقدیم می‌نمایند. این تقدیمی‌ها یادآور تقدیمی‌های نوبر است که در عهد عتیق ذکر شده است. با تقدیم میوه‌ها، گل‌ها و سوسن‌ها هر ایمان‌دار، نیکویی خدا را که آنها را بخشیده است می‌ستاید. در واقع ایمانداران نام خدا را در ثمرات زمین می‌خوانند و خدا در قلب تقدیم‌کننده ابراز عشق به خدا را می‌خواند.

* * *

همین که موسم چیدن میوه‌هایی که رسیده‌اند فرا می‌رسد، همه در تقدیم آن به اسقف بر یکدیگر پیشی می‌گیرند. اسقف آنها را متبارک داشته و نام تقدیم‌کننده را ذکر نموده، می‌گوید:

خداوندا، تو را سپاس می‌گوییم
و نوبر میوه‌ها را تقدیم تو می‌داریم
که از بهر شادایی ما به ما ارزانی داشته‌ای.

تو با کلام خود آنها را به ثمر رسانده‌ای،
به زمین دستور داده‌ای که همه میوه‌ها را بار آورد،
از بهر شادی و از بهر خوراک،
از بهر آدمیان و همه حیوانات.

از بهر همه اینها، خداوندا،
و به خاطر برکاتی که به ما می‌دهی
هنگامی که کائنات را
با انواع میوه‌ها می‌آرایی، تو را می‌ستاییم،

از طریق فرزندت عیسی مسیح، خداوند ما.
از طریق او تو را جلال باد تا ابدالآباد!
آمین

۳۲ - تبرک میوه‌ها

میوه‌های زیر را برکت می‌دهند: انگور، انجیر، انار، زیتون، گلابی، سیب، توت، هلو، گیلاس، بادام، لو، اما نه هندوانه، نه خربزه، نه خیار، نه قارچ، نه سیر، نه دیگر سبزیجات را. گاهی گل نیز تقدیم گردد، اما فقط گل سرخ و سوسن و نه گلهای دیگر. هر محصولی که جمع آوری می‌شود سپاس خدای قدوس به جای آورده شود و برای جلال نام وی مصرف گردد

۳۴ - خادمان کلیسا باید به خدمت اسقف پیوندند

تمامی خادمان و کمک خادمان باید، در خدمت به اسقف غیور باشند. همچنین بیماران را به یاد اسقف آورند، تا چنانچه صلاح بدانند، به عیادت آنان برود زیرا این کار تسلی و مایه دلگرمی بیمار است که اسقف از وی یاد کند

۳۵ - درباره زمان نیایش

ایمانداران هنگامی که از خواب برمی‌خیزند، پیش از هر کار، خدا را نیایش کنند و سپس کار خود را شروع نمایند. اگر جلسه‌ی تعلیم کلام خدا در پیش باشد ایمانداران ترجیحاً به آنجا روند و کلام خدا را برای تقویت روح خویش بشنوند. آنان همچنین در مورد رفتن به کلیسا، جایی که روح قویاً شکوفا می‌گردد، از خود غیرت نشان دهند

۳۶ - به هنگام بزرگداشت قربانی مقدس، قبل از هر چیز باید آیین سپاس به جای آریم.

شایسته است که هر ایمانداری پیش از آن که چیز دیگری مزه کند، مراقب دریافت نان و جام مقدس باشد. زیرا اگر آن را با ایمان دریافت دارد، حتی اگر پس از آن وی را زهری مهلک دهند وی را زیانی نخواهد رساند

۳۷- آیین سپاسگزاری باید مراقبت شود

هر کس باید مراقب باشد تا شخص بی ایمان یا موش و یا حیوان دیگری^{۴۱} از شام خداوند مزه نکند. همچنین باید مراقب بود مبادا یک تکه از نان مقدس بر زمین افتد و گم شود زیرا این تن مسیح است که ایمانداران تناول می کنند و نباید آن را خوار دارند

۳۹- (خادمان و پیران)

خادمان و پیران هر روز در جایی که اسقف برایشان تعیین می کند گرد هم آیند. خادمان باید به طور مرتب حضور یابند مگر آن که بیماری مانع حضورشان گردد. وقتی همه گرد هم می آیند، به کسانی که در کلیسا حضور دارند تعلیم دهند و بعد از انجام نیایش، هر یک به سر کار خود بروند

۴۰- محل های تدفین

نباید به اشخاص هزینه های سنگین بابت خاک سپاری مردگانشان در گورستان ها تحمیل نمود زیرا گورستان ها متعلق به تمام فقراست. اما به هر حال باید دستمزد گورکن و بهای آجرها را پرداخت. اما در مورد کسانی که پیوسته در این محل ها هستند و کار می کنند، اسقف باید از محل هدایایی که به کلیسا می رسد آنان را تأمین نماید تا این اشخاص در مسئولیت خانواده متوفی قرار نگیرند^{۴۲}

۴۱- در باره اوقات نیایش

بامدادان

همه ایمانداران، چه مرد و چه زن، همین که بامدادان از خواب بیدار می شوند دست های خود را بشویند^{۴۳} و پیش از آن که دست به کاری بزنند خدا را نیایش کنند و سپس به سر کارهای خود بروند.

۴۱- دلیل این توصیه های محتاطانه آن است که مسیحیان آن زمان نان و شراب مقدس را در منزل خود نگاه می داشتند. این سنت، که چندین نویسنده مسیحی گواه آن هستند تا قرن هشتم رعایت می شد.

۴۲- «به خانواده های متوفی». ترجمه کلمه به کلمه: «آنانی که بدان جا می آیند».

۴۳- این رسم تطهیر (مز: ۲۶: ۶) بدین معناست که روح آدمی، پیش از آن که به حضور خدا باز آید نقایص و خطاها را از خود دور سازد.

کلام خدا و نیایش دستجمعی

با این حال اگر جلسهٔ تعلیمی دربارهٔ کلام خدا باشد هر کس باید با خوشحالی به آنجا برود. او در قلب خود چنین بیندیشد که سخن خدا را از دهان آن کس می‌شنود که وی را تعلیم می‌دهد. زیرا اگر در جماعت نیایش کرده باشد قادر است بر شرارت روز غالب گردد.

آن کس که از خدا می‌ترسد چنین بیندیشد که نرفتن به جایی که وی را تعلیم می‌دهند بسیار اشتباه است بخصوص اگر خواندن بدانند یا این که تعلیم دهنده‌ای به آن جا بیاید.

در میان شما احدی در رفتن به اجتماع و جایی که وی را تعلیم می‌دهند، تأخیر نرزد. آن گاه این موهبت به تعلیم دهنده داده خواهد شد تا آنچه را که برای همگان مفید است تعلیم دهد و تو آنچه را نمی‌دانستی خواهی شنیدی. تو از آنچه روح القدس به وسیله آن کس که آموزش می‌دهد به تو بخشد بهره مند خواهی شد و بدین سان ایمان تو از آنچه شنیده‌ای قوی خواهد گشت. در آن جا آنچه را که باید در منزل انجام دهی به تو خواهند گفت. لذا هر کس مراقب باشد که در جماعت حضور یابد، جایی که روح القدس به شکوفایی حضور دارد.

در روزهایی که آموزش نباشد، هر کس در منزل خود کتاب مقدسی برداشته و از آنچه برای او مفید است به قدر کافی بخواند.

سومین ساعت

اگر در ساعت سوم در منزل خود هستی، خدای را نیایش و پرستش نما^{۴۴} اما اگر در این ساعت در جای دیگری هستی، خدای را در دل خود نیایش کن. زیرا در این ساعت بود که مسیح بر روی صلیب میخکوب گردید. برای همین است که در (عهد عتیق، شریعت حکم می‌کرد که در هر ساعت نان تقدّمه را^{۴۵} که نشانگر تن و خون مسیح بود تقدیم دارند و یک بره را که فاقد عقل است اما سمبل برهٔ کامل مقدس است قربانی نمایند. زیرا مسیح شبان، و همچنین نانی است که از آسمان نازل شده است.

ششمین ساعت

در ساعت ششم نیز نیایش کن، زیرا در حالی که مسیح به چوب صلیب میخکوب بود، روز از حرکت باز ایستاد و تاریکی عظیم همه جا را فرا گرفت. پس باید که در این ساعت با اقتدار نیایش کرد به تقلید از او که بدان ساعت نیایش می‌نمود در حالی که تمامی آفرینش به خاطر یهودیان بی‌ایمان در تاریکی فرو رفته بود.

^{۴۴} - سومین، ششمین و نهمین ساعت به ترتیب ساعت نه صبح، دوازده ظهر و سه بعد از ظهر است. رسم دعا کردن سه بار در روز بی‌گمان از رسوم عبادتی عهد عتیق به ارث رسیده (مز ۵۵: ۱۸ و دان ۶: ۱۱) و در جماعت مسیحیان نیز پذیرفته شده است.
^{۴۵} - نانهای تقدّمه دوازده کرده‌ای (Cakes) که از بهترین آرد تهیه و در محلی به نام قدس نگاهداری می‌شدند و در هر روز سبت آنها را تجدید می‌کردند (رک لاو ۵: ۹، ۱-۹، ۲۳: ۲۹). در متن اعد ۷: ۴ این نانها نان دائمی نامیده شده است.

نهمین ساعت

به ساعت نهم، باید نیایش و ستایش را طولانی تر نمود درست به تقلید از ارواح عدالت که خدای حقیقی! یعنی همان خدایی را که قدیسین خود را به یاد داشته و پسر خود را که همان کلمه خداست برای منور ساختن آنان فرستاده است، متبارک می خوانند. زیرا درست در همین ساعت بود که از پهلوی شکافته شده مسیح آب و خون جاری شد و (خداوند) پایان روز را روشن ساخت و آن را تا به شامگاه رسانید. بدین ترتیب او با گشایش یک روز جدید^{۴۶} در ساعت خفتن خویش تصویری از رستاخیز خود ارائه داد.

شامگاهان

همچنین پیش از آن که تن تو در بستر آرام گیرد، نیایش کن.

نیایش شبانه

به هنگام نیمه شب^{۴۷} برخیز، دستها را با آب بشوی و نیایش کن. اگر همسر تو حضور دارد هر دو با هم نیایش کنید. اگر او ایماندار نیست برای نیایش به اطافی دیگر برو و سپس برای خواب بازگرد.

برای نیایش تنبلی ممکن ...

وقتی با مَ مرطوب خود که در دستهایت جمع کرده ای بر خود صلیب می کشی بدن تو از سر تا پا تطهیر می گردد^{۴۸}. زیرا عطای روح القدس و تطهیر آب که از قلب چون از چشمه ای فوران می کند موجب تقدس ایمانداری است که آن را تقدیم می دارد.

بنابراین در این ساعت باید نیایش کرد زیرا قدما که این سنت را به ما سپرده اند ما را تعلیم داده اند که سراسر آفرینش در این ساعت برای لحظه ای مکث می کند تا خداوند را ستایش کند. ستارگان، درختان و رودخانه ها، یک لحظه از حرکت باز می ایستند و تمامی افواج فرشتگان به همراه ارواح عدالت خدای را در این ساعت تکریم و ستایش می کنند. به خاطر همین است که ایمانداران باید مشتاق باشند که در این ساعت نیایش کنند. خود خداوند بر این امر چنین شهادت می دهد:

«اینک به نیمه شب ندایی برخاست که می گفت: داماد دارد می آید! برخیزید و به پیشواز وی روید! و چنین نتیجه می گیرد: لذا بیدار باشید، زیرا نمی دانید که در چه ساعتی خواهد آمد^{۴۹}».

۴۶- هیپولیتوس روزها را به شیوه سامیان می شمارد بدین معنی که روز شنبه که روز جدید است نه از نیمه شب بلکه از عصر روز جمعه آغاز می شد.

۴۷- دعای شبانه از یهودیت به ارث رسیده است: «در نصف شب برخاستم تا تو را حمد گویم برای داوریهای عدالت تو» (مز: ۱۱۹: ۶۲).

۴۸- نفس یک فرد مسیحی به وسیله نفس خدا یعنی روح القدس که در دل ایمانداران ساکن است تقدیس شده است. لذا با نهادن علامت صلیب بر خود از جهتی روح خدا را بر خود می نهد و سر تا پا تطهیر می گردد.

۴۹- مت ۶: ۲۵-۱۳. به طوری که می دانیم در عهد جدید تأکید بسیار بر بازگشت عیسی در دل شب می شود. (لو: ۱۲: ۲۰، ۱۲: ۳۹-۲۰؛ مت ۲۴: ۴۳-۴۲؛ لو: ۱۷: ۳۴؛ مت ۲۴: ۴۰-۴۱، ۲۵: ۱-۱۳؛ مر: ۳۵-۳۷؛ ۱-تسا: ۲. به نظر می آید که این متون منعکس کننده امید تارگوم (Targum) فلسطینی باشد که رهائی مسیحایی آینده را از نظر زمانی در شب عید گذر قرار می داد (ر. ک ار: ۳۸: ۸، هفتادتنان). آن شب مرکز تمام تاریخ جهان گشته و متصل به شب آفرینش و قربانی حضرت ابراهیم بود.

به هنگام بانگ خروس

به هنگام بانگ خروس باز برخیز زیرا در این هنگام بود که پسران بنی اسرائیل مسیح را نفی کردند، همان مسیح که ما با ایمان شناخته ایم و در وی به نور جاودانی برای قیام مردگان امید بسته و چشمان خود را به آن روز دوخته ایم.

اگر همه شما ایمانداران، این چنین کنید و اگر این یادبود را نگاه دارید و یکدیگر را تعلیم دهید و به حق جویان سرمشق دهید، نه به وسوسه خواهید افتاد و نه تباه خواهید گشت زیرا همواره خاطرۀ مسیح را نگاه می دارید

۴۲ - (نشان صلیب)

اگر دچار وسوسه شدید فوراً به شایستگی بر پیشانی خود نشان صلیب رسم نمایید زیرا این نشان نمایان کننده نجات مسیح است که با شیطان مقابله می کند، به شرطی که این نشان را با ایمان و نه به تظاهر در مقابل دیگران، بلکه آگاهانه به عنوان سپری مدافع رسم کنیم. در این صورت دشمن با مشاهده قوتی که از لب ما برمی خیزد پا به فرار می گذارد. این همان چیزی است که موسی در سمبل بره فصیح که ذبح گردیده بود، وقتی خون آن را به آستانه در و درگاهی می پاشید نمایان می ساخت. وی به همان ایمانی اشاره می کرد که ما اکنون، به آن بره کامل داریم. با نهادن نشان صلیب بر پیشانی و چشمها، در واقع آن را که در صدد تباهی ماست از خود دور می کنیم

۴۳ - (نتیجه گیری)

اگر این تعالیم با سپاسگزاری و ایمان راستین دریافت شود، باعث تحکیم بنیاد کلیسا می شود و ایمانداران را حیات ابدی می بخشد.

من به همه اشخاص محتاط توصیه می کنم در حفظ این (سنتها) بکوشند. زیرا اگر همه از سنت رسولان پیروی کنند و آن را محفوظ نگاه دارند، هیچ ملحدی و در واقع هیچ انسانی مطلقاً قادر به فریفتن شما نخواهد بود. دلیل این که بدعت هایی توسعه یافته اند این است که رهبران نخواسته اند تعالیم رسولان را فراگیرند، بلکه هر کدام از آنها خودسرانه رفتار نموده اند نه آن چنان که باید.

ای عزیزان، اگر ما چیزی از قلم انداخته ایم، خداوند آن را بر کسانی که شایسته اند مکشوف خواهد ساخت. زیرا در واقع خداست که کلیسای مقدس را هدایت می کند تا به بندر صلح برسد.

تذکر: ترجمۀ دستورالعمل های شماره: ۱۰، ۲۷، ۳۳ و ۳۸ از متن اصلی، موجود نیست.

آیین بزرگداشت (آنافورا)

آدای و ماری

(قرن سوم یا چهارم)

عدد ایشان کرورها کرور
 و هزاران هزار بود که به آواز بلند می گفتند:
 « مستحق است بره ذبح شده
 که قوت و دولت و حکمت
 و توانائی و اکرام و جلال
 و برکت را بیابد.»
 (مکا ۵: ۱۱-۱۳)

پیش‌گفتار

گروه‌های آیین نیایش شرقی

در بین آیین‌های نیایش شرقی دو گروه اصلی وجود دارد. گروه اسکندریه که متعلق به حوزه اسقفی اسکندریه است و گروه انطاکیه متعلق به حوزه اسقفی انطاکیه.

گروه اسکندریه شامل مراسم قبطی و مصری است.

گروه انطاکیه به دو نوع سوری غربی و سوری شرقی تقسیم می‌گردد.

نوع سوری غربی شامل مراسم سوری انطاکیه‌ای، مارونیت، بیزانسی (روم شرقی) و ارمنی می‌باشد.

نوع سوری شرقی شامل مراسم نسطوری، کلدانی و مالابار است. در این نوع از مراسم است که آیین بزرگداشت یا آنافورای رسولان مقدس آدای و ماری از سوی توسط نسطوریان^۱ و از سوی دیگر توسط سیحیانی که پیرو آیین کلدانی و مالابار بوده و با روم در پیوند هستند، برپا می‌گردد.

آیین بزرگداشت رسولان آدای و ماری

در بین آیین‌های نیایش به زبان سریانی، آیین آنافورای رسولان، آدای و ماری دارای جایگاه خاصی است. زیرا در حالی که آنافورای تئودور اهل موپسوستیا (Theodore of Mopsuestia) و نسطوریوس نشانه‌هایی از آن دارد که از متن اصلی یونانی ترجمه و یا اقتباس شده است، آنافورای آدای و ماری به احتمال زیاد مستقیماً به زبان سریانی نوشته شده است. از سوی دیگر ویژگی‌های سبک و اسلوب (کثرت لغات و استعارات و توازی جمله‌ها) و الهی‌شناسی آن را با نیایش قبل از صرف غذای یهودیان مرتبط می‌سازد که این امر مبین قدمت آن است. بنا به گفته ب. بوت (B. Botte) قدمت آن دست کم در شکل اولیه اش به قرن سوم باز می‌گردد و بدین ترتیب با آنافورای هیپولیتوس رومی معاصر است. ول. بویه (L. Bouyer) با جرأت تمام اظهار می‌دارد که:

«تمام شواهد دلالت بر آن دارند که این نیایش کهن‌ترین تصنیف آیین سپاس مسیحی است که امروزه در

دست داریم.»

آنچه در این نیایش بزرگداشت بیشتر جلب توجه می‌نماید چیزهایی است که در آن ذکری از آنها نیامده است چون در واقع فاقد شرح بنیانگذاری آیین سپاس است. در برابر امری چنین غیرعادی که بصیرت مورخین و متخصصین آیینهای نیایش را در بوته آزمایش قرار می‌دهد و کاربرد نظریات را دشوار می‌سازد، واکنشها بسیار متفاوت است.

۱- در آیین نسطوری سه آنافورا مرسوم است: نیایش آدای و ماری، نیایش تئودور موپسوستیا و نیایش نسطوریوس. نسطوریان قبرس و کلدیه در قرن پانزدهم و شانزدهم با روم پیوند یافتند و آیین نیایش نسطوری را با اندکی اصلاحات حفظ کردند. آیین مالابار توسط جوامع مسیحیان مالابار (در هند)، که در گذشته توسط مبشرین نسطوری تشکیل شده بود و در قرن هفدهم به روم پیوستند، رعایت می‌شود. این جوامع نیایش بزرگداشت آنافورای آدی و ماری را حفظ کردند اما نیایشهای تئودور موپسوستیا و نسطوریوس را برگزار نمی‌کنند. آن عده از مسیحیان مالابار که به روم پیوستند، کلیسای مالابار را تشکیل داده و مراسم سوری انطاکیه را برگزار می‌نمایند.

برخی دانشمندان چون ا.سی. راتکلیف (E.C. Ratcliff)، ژ. دیکس (G. Dix) و و.ا. پیت (W. E. Pitt) تأکید می‌نمایند که این آنافورا هرگز حاوی بخش بنیانگذاری آیین سپاس نبوده است. هسته اولیه آن اساساً حاوی نیایش ستایش بوده که احتمالاً به دنبال آن مراسم یادبود یا نیایش قدوس انجام می‌گردیده. واقعیت این است که اجتماع ایمانداران با اصالت تام، شام آخر خداوند را نه با سخنان و کلمات (مربوط به آن بنیانگذاری) بلکه با اعمال نیایشی که برپا می‌داشتند، بیان می‌کردند. تصریح شفاهی آنچه همه درک می‌کردند و در شرف انجام گرفتن نیز بود بی‌فایده می‌نمود.

در مقابل این نظریه، ب. بوت (B. Botte) و متعاقب وی ل. بویر (L. Bouyer) در صدد اثبات این امر برآمده‌اند که این آنافورا در اساس باید ساختاری کاملاً کلاسیک می‌داشت (سپاسگزاری، شفاعت، روایت بنیانگذاری آیین سپاس، یادبود و طلب نزول روح القدس). وضع و ساخت فعلی آن باید نتیجه دست کاری در متون یا تغییرات بعدی بوده باشد.

ظاهراً اعتبار علمی بوت به حدی زیاد و استدلال وی به اندازه‌ای واضح بوده است که مخالفان جرأت مخالفت علنی با نظریه وی را نداشته بلکه ترجیح داده‌اند که هر یک مواضع خود را حفظ کرده در سنگر نظریه شخصی خویش پناه گیرند.

زمانی که هیچ دلیلی در دست نبود که فکر کنیم مفروضات مسأله هرگز تغییر خواهند یافت، و.ف. ماکومبر (W.F. Macomber) در کشف یک نسخه خطی، اقبالی بی‌چون و چرا کسب نمود. این دست خط، که قدیمی‌ترین متن کشف شده می‌باشد، مربوط به کلیسای ماراسایا (Mar Esaya) در موصل است که به نظر می‌رسد متعلق به قرن دهم یا یازدهم باشد و بدین دلیل قدمت آن پنج قرن بیشتر از متون خطی است که تا کنون برای تأیید متن آنافورای مورد نظر ما، صرفاً به آنها استناد می‌شده است. حتی اگر تمام عناصری که در متن ماراسایا وجود دارد لزوماً برگرفته شده از متن اولیه نباشد، به هر حال آنچه اکنون در دست داریم قدیمی‌ترین شکلی است که در حال حاضر از آنافورای آدای و ماری می‌شناسیم.

کشف ماکومبر این امکان را به ما داده است که در این آنافورا قدمت زیاد نیایش‌های شفاعت، فقدان روایت بنیانگذاری آیین سپاس و نیز طلب نزول روح القدس - دست کم به شکل اولیه اش - را مشاهده نماییم. اما این کشف هنوز از رابطه موجود بین این نیایش و نیایش برکت یهود و نیز از مسئله نیایش یادبود، پرده بر نداشته است.

اما درباره فقدان روایت بنیانگذاری آیین سپاس به نظر می‌رسد که باید توجه خود را به وجود دو سنت از مراسم نیایش بزرگداشت (آنافورا) معطوف داریم. نخستین آن بازگویی روایت بنیانگذاری آیین سپاس و ارزش تقدیمی آن است. دومین که لااقل در نزد سوریان شرقی معمول بوده است، تأییدی بر لزوم بیان صحنه شام آخر نداشته و بیشتر توجه خود را به اهمیت طلب نزول روح القدس جهت تقدیس تقدیمی‌ها معطوف می‌دارد (ر.ک به سیریل اورشلیم، Cyrille de Jerusalem) و آموزش راز شناسی باب ۵، آیه ۷. و نیز به فصل ۱۷ این کتاب). بدین سان، به طور ضمنی بر تقدم صرف عمل برپایی این نیایش (صحنه شام آخر برپا می‌گردد)، نسبت به سخنان (می‌گویند که آن را برپا می‌دارند) تأکید می‌شود.

ترجمه

مبنای ترجمه ما متن توجیهی- انتقادی است که بر مبنای متن خطی مارِ اسایا توسط و.ف. ما کومبر تدوین و منتشر گردید.

در جاهایی که متن فوق ناکامل است به علت این که نسخه بردار آن تصور می کرد که برپاکننده مراسم، آن را از حفظ می خوانده است، ما آن بخشها را با استفاده از متن تثبیت شده (textus receptus) تکمیل نموده و این قسمت ها را با حروف پررنگ مشخص نموده ایم.

* * *

سپاسگزاری

پیر: خداوندا، تو را سپاس می گوئیم،
به خاطر غنای بی کران فیضت از بهر ما.
به هنگامی که گناهکار و درمانده بودیم،
با رحمت بی کران خود ما را سزاوار آن دانستی
تا رازهای مقدس
تن و خون مسیح را برپا داریم.

یاری و مدد تو را تمنا می کنیم.
روح ما را قوی گردان
تا با شفقتی سرشار و محبتی زلال،
مراسم عطیه ای را که به ما داده ای برپا داریم.

تورا ستایش می کنیم، تو را جلال می دهیم،
تورا سپاس می گوئیم، تو را نیایش می کنیم،
اکنون و همواره
تا ابدالآباد.

جماعت: آمین.

پیر: آرامش خداوند بر شما باد.

جماعت: با تو و با روح تونیز
خادم: آرامش را در شفقت مسیح به یکدیگر عطا فرمایید.
جماعت: در اتحاد با پدران و برادران ما که در ایمان به سر می برند.
خادم: سپاس گوئیم و نیایش کنیم.
پیر: فیض خداوند ما عیسی مسیح،
محبت خدای پدر
و پیوند روح القدس
بر همه شما باد،
اکنون و همواره،
و تا ابدالابد^۲.
جماعت: آمین.

پیر: روح خود را برافزاید.
جماعت: روح ما به سوی توست
ای خدای ابراهیم، اسحق و یعقوب،
ای شاه جلال.
پیر: هدایا به پروردگار،
خداوند جهانیان تقدیم گردیده است.
جماعت: بجا و سزاوار است.
خادم: آرامش خداوند بر شما باد.
پیر: شایسته است که هر دهانی تمجید تو،
و هر زبانی سپاس گوید
نام پر جلال^۳ و پر از ستایش
پدر و پسر و روح القدس را.
جهان را بر حسب فیض خود آفرید
و آنان که بر حسب بخشایش وی بدان ساکنند.
آدمیان را بر طبق رحمت خویش رهایی بخشید.
او انسان فانی را از فیض عظیم خود سرشار نمود.
شکوهت را ای خداوند،

۲-۲- قرن ۱۳:۱۳.
۳- اشاره احتمالی به (فی ۹:۲-۱۱) که در آن رساله ستایش متوجه مسیح از مرگ برخاسته می باشد.

هزاران هزار ارواح آسمانی می ستایند.
کرور کرور، فرشتگان،
گروه ارواح (آسمانی)،
خادمان آتش و روح
با کروبیان و سرافیان مقدس
جلال نام تو را می سرایند.
و به آواز بلند تو را جلال می دهند

قدوس

جماعت: قدوس؛ قدوس، قدوس^۴

پروردگار قادر مطلق.

آسمان و زمین سرشار از ستایش توست.

هوشیعا نا در اعلیٰ علیین!

مبارک باد آن که به نام خداوند می آید و خواهد آمد!

هوشیعا نا بر پسر داود باد!

به همراه قدرت های آسمانی

خداوندا، ما نیز تو را سپاس می گوئیم،

ما بندگان درمانده، ناتوان و حقیر تو،

به خاطر فیض عظیمی که به ما بخشیده ای،

که در برابر آن چیزی نتوانیم داد.

زیرا تو انسانیت ما را بر خود پوشیده ای

تا با الوهیت خود ما را حیات بخشی.

تو حقارت ما را تعالی داده ای،

ما را از سقوط بر خیزاندی،

فنا ی ما را به حیات تبدیل نمودی،

گناهان ما را بخشیدی.

تو ما را از گناهانمان تبرئه نمودی،

افکار ما را روشن گرداندی.

تو ای خداوند و خدای ما،

۴- نیایش قدوس از روی ترجمه آنافورای تئودور مویسوستیا تکمیل شده است. عده ای از محققین توافق نظر دارند که این نیایش قدوس بعداً در درون متن اصلی گنجانیده شده است.

تو دشمنان ما را سرکوب نمودی،
طبیعت انسانی ضعیف و ناتوان ما را
به پیروزی رساندی
با رحمت های فراوان فیض خود.

به خاطر تمام یآوری ها و فیض تو از بهر ما،
تورا ستایش نموده، افتخار،
سپاس و عبادت تقدیم می داریم،
اکنون و همواره
تا ابدالآباد.

جماعت: آمین

نیایش های شفاعت

خادم: در روح خود، نیایش کنید.

آرامش خداوند با شما باد.

پیر: خداوندا، برحسب رحمت های فراوانت

که آن را نتوان شمرد،

با مهربانی به یادآور

همه پدران سرسپرده و عادل

که تو را خشنود می نمودند،

همان گونه که ما به یاد می آوریم

تن و خون مسیح تو را.

ما او را بر قربانگاه پاک و مقدس

آن چنان که ما را آموخته ای

تقدیم تو می داریم.

آسایش و آرامش خود را بر ما ارزانی فرما

در تمام ایام این جهان.

جماعت: آمین

(پیر): باشد که ساکنان زمین همگی تو را بشناسند

زیرا تنها تو خدایی، پدر حقیقی.

تو خداوند ما عیسی مسیح را فرستادی.
او پسر توست، محبوب تو.
اوست خداوند ما و خدای ما،
که با انجیل حیات بخش خود
تمام پاکی و تقدس انبیاء،
رسولان، شهدا و مدافعان ایمان،
اسقفها، پیران، خادمان
و همه پسران و دختران کلیسای مقدس جامع تو را
که با مهر زنده تعمید مقدس ممهور گشته اند^۵، به ما آموخت.

و ما نیز خداوندان^۶
خدمتگزاران ضعیف، درمانده و حقیر تو
گردهم آمده
و در این لحظه در برابر تو ایستاده ایم،
و از طریق سنت، مراسمی را که منشأ آن در تو است دریافت داشته ایم.
ما شادی می کنیم و جلال می دهیم،
ما بزرگ می داریم و یادآور می شویم،
ما ستایش می کنیم و جشن می گیریم،
این راز عظیم و پرهیبت
خداوند ما عیسی مسیح را

۵- به عقیده ب. بوت روایت بنیانگذاری آیین سپاس باید در این قسمت از متن می آمد.

۶- رابطه معنوی این قسمت با آیین نیایش واضح نمی باشد. اگر شرح بنیانگذاری آیین سپاس پیشتر می آمد ممکن بود فرض کنیم که این یک نیایش یادبود است. در ترجمه فوق این آنافورا می توان فرض نمود که این قسمت دنباله نیایش شفاعت و یا آغاز نیایش طلب نزول روح القدس است.

نیایش طلب نزول روح القدس^۷

خادم: در سکوت و احترام بمانید.
نیایش کنید. آرامش با شما باد.
پیر: خداوندا باشد که روح القدس تو فرا رسد
و بر این هدیهٔ بندگان تو قرار گیرد،
آن را متبارک داشته و مقدس گرداند،
تا خداوندا، از بهر ما،
مایهٔ بخشایش خطاها و آمرزش گناهان،
امید بزرگ رستاخیز مردگان،
و زندگانی نوین در ملکوت آسمان باشد
به همراه همهٔ آنانی که تو را خشنود داشته اند

نیایش مدح و ثنا

به خاطر مشیت الهی و شگفت آور تو
که از بهر ما به تحقق رسانده ای
تو را سپاس می گوئیم و همواره جلالت را می سراییم
در کلیسای تو، که آن را
با خون گرانهای مسیح باز خرید نموده ای.
ما با دهانی باز و رویی گشاده
ستایش و افتخار،
حق شناسی و سپاس
بر نام زنده، مقدس و جانبخش تو تقدیم می داریم
اکنون و همواره
و تا ابدالآباد.
جماعت: آمین

۷- جنبهٔ قدیمی این نیایش طلب نزول روح القدس از آن جا آشکار می گردد که در آن طلب روح القدس به منظور تبدیل تقدیمی ها به تن مسیح - همان طور که در دوران بعد مرسوم شده است - صورت نمی گیرد بلکه تنها به منظور جلب برکت الهی بر تقدیمیها و برای جلب نعمت های معنوی بر کلیسا اقامه می شود. جمله ای که خادم در مقدمه این نیایش طلب روح القدس اعلام می کند بر اهمیت این نیایش تأکید می نهد.

آموزش رسولان*

(Didascalia of the Apostles)

(آغاز قرن سوم)

عیسی مسیح،

شاهد امین

و نخست زاده‌ای از میان مردگان

و رئیس پادشاهان جهان است.

مر او را که ما را محبت می نماید

و ما را از گناهان به خون خود شست

و ما را نزد خدا و پدر خود

پادشاهان و کهنه ساخت.

او را جلال و توانائی باد

تا ابدالآباد آمین.

(مکا ۱: ۵-۶)

پیشگفتار

آثار

آموزش رسولان یا تعالیم جامع دوازده رسول و حواریون مقدس منجی ما اساسنامه ای است کلیسایی که تاریخ آغاز آن نیمه اول قرن سوم یا در حقیقت چند دهه نخست قرن سوم است. این اثر توسط اسقفی از ناحیه سوریه شمالی تألیف و به صورت یک کتاب درسی و یک مرجع جهت استفاده جماعت مسیحیانی که قبلاً جزء مشرکین بوده اند، تنظیم یافته است.

به منظور بخشیدن وزن و اعتبار بیشتر به آموزشها و دستوراتی که در این اثر قید شده است، مؤلف کتاب خود را به عنوان اثری جمع آوری شده توسط رسولان و حواریون مستقیم شخص مسیح، ارائه می نماید. مسلماً از دید نقد امروز این امر مایه شگفتی، تحیر و تأثر نبوده و زیرکی مؤلف از نظر منتقدین موضوعی قابل درک می باشد.

درواقع مؤلف به هنگام بهره گیری از نوشته های دیدا که، انجیل پطرس قدیس (تحریفی و جعلی)، اعمال پولس قدیس (تحریفی و جعلی)، ایگناتیوس انطاکیه ای و ایرنیوس از راز خود پرده برداشته مقصود خویش را ابراز می نماید. این چنین تخیلات و خیال پردازیهای ادبی در آن زمان بسیار معمول و متداول بود و درباره آنها با اغماض و حتی با نوعی جانبداری قضاوت می شد. این نوع آثار در آن زمان هرگز باعث ناراحتی وجدان خوانندگان و یا حتی مؤلفان نمی گردید. در این نوع آثار قبل از هر چیز (و به عالی ترین معنا) ارشاد جماعت مسیحیان مدنظر بوده و چنین تصور می شد که این ارشاد را می توان حتی به وسیله خلق آثار ادبی تخیلی نیز انجام داد. اصالت را بیشتر در روحیه اثر جستجو می کردند تا در نام مؤلف.

بدین ترتیب است که امروز به میمنت وجود یک اثر خلاف واقع می توانیم درباره ماهیت جماعت مسیحیان در اوایل قرن سوم پی ببریم و با روحیه ای سرشار از تحسین شاهد آن باشیم که چگونه روح انجیل در تالو محبت، به زندگانی شبانان و ایمانداران نفوذ کرده تا به حدی که احساس مشارکت شدید در میان مسیحیان آن زمان باعث می شد که عدم حضور در یک جلسه و غیبت از آن بنا به روایات، محروم کردن مسیح یکی از اعضای بدن او و به مثابه پاره کردن تن وی تلقی گردد. ما با شگفتی تمام شاهد اعمال آن اسقفی هستیم که فقیر درمانده ای را در کلیسای خود پذیرا شده وی را بر کرسی اسقفی خویش جای می دهد در حالی که خود بر روی زمین می نشیند. شاهد زنان و مردان خادمی هستیم که در عرصه خدمات خاص خود سلسله مراتب خادمان کلیسا را گسترش بخشیده و نیز نیایش بسیار زیبای توبه، موسوم به منسی را می شنویم و نرمی یابیم که هر کلیسای خاص باید جمعیتی متفق در بخشش و محبت باشد.

پ. گالتیه (P. Galtier) در این مورد چنین می نویسد:

هر قدر آموزشهای رسولان بیشتر بررسی و مطالعه شود اهمیت آن آشکارتر می گردد. هارناک (Harnack) این کتاب را سندی منحصر به فرد و بی نهایت ارزشمند می دانست. زیرا هیچ اثر دیگری در دست نیست که خواننده را این چنین به جزئیات زندگانی یک کلیسای قرن سوم وارد نماید ... با خواندن این اثر پا به پای اسقف کوششهای وی در امر آموزش، مدیریت و رهبری را دنبال نموده درمی یابیم که وی

چگونه به جزئیات زندگانی اعضای کلیسای خود وارد می‌شده. او در میان دیگر شبانان جماعت خویش در عین حال شبان، رئیس و داور آنان است و دید وی بر فرد فرد اعضای جماعت همچنان که باید گسترده می‌شود. گناهکاران و ایمانداران به یک میزان مورد مراقبت و دلسوزی وی می‌باشند. او عهده‌دار مسائل روحی ایشان بوده در صدد تهیه و رفع نیازهای جسمانی‌اشان نیز می‌باشد.

طرح تدوین

مؤلف خود را در قید طرحی گرفتار نمی‌کند که منطق آن - حداقل از دید خود او - وی را به فراسوی مقتضیات موضوع مورد نظرش بکشاند، بلکه موضوعات را به همان ترتیبی که به ذهنش خطور می‌نماید با آزادی بسیار اما پرهیز از تکرار مکررات منعکس می‌کند.

علی‌رغم نبودن طرحی مشخص می‌توان موضوعات اساسی را تشخیص داد. مؤلف پس از تعلیمات مربوط به افراد متأهل (بند ۳-۲)، از صفات و وظایف اسقف سخن به میان می‌آورد (بند ۴). او بار دیگر درباره این موضوع در بند ۷-۹ و ۱۱-۱۲ می‌نویسد. سپس امر توبه و بخشایش گناهان را مورد توجه قرار می‌دهد (بند ۶) و در این مورد بیش از معاصرین غربی خود منجمله ترتولیان، هیپولیتوس و سیهیریان، اغماض به خرج می‌دهد. سپس به شرح خصایص و وظایف خادمان پرداخته (بند ۱۶ و ۱۱) و از نظمی که باید در مجامع ایمانداران برقرار باشد سخن می‌گوید. (بند ۱۳). همچنین درباره بیوه‌زنان (بند ۱۴-۱۵) و زنان خادمه (بند ۱۶) و تعلیم و تربیت جوانان و یتیمان (بند ۱۷ و ۲۲) و قیامت مردگان (بند ۲۰)، بدعتها و انشاقات مذهبی (بند ۲۳) و رسولان و کلیسا (بند ۲۴-۲۵) و لغو مقررات طهارت شرعی مذکور در سفر تثنیه (بند ۲۵) صحبت می‌کند.

ضمن مرور این اثر به نقل آیات فراوانی از کتاب مقدس برخورد می‌نماییم که به مانند گل‌های کنار جاده، آن را می‌آرایند. برخی از این آیات نسبتاً طولانی‌اند. مؤلف آموزش رسولان آشکارا کلام خدا را می‌شناخته، آن را دوست می‌داشته و از قرار دادن اساس سخنان خود بر کلام خدا لذت می‌برده است.

سرگذشت متن

کتاب آموزش رسولان به زبان یونانی نوشته شده است. متن اصلی، بجز چند قطعه کوتاه، مفقود گردیده است. اما بازسازی قسمت اعظم آن به کمک مرامنامه‌های رسولی (Apostolic Constitutions) که شش فصل اول آن دقیقاً متن آموزش رسولان را تکرار می‌کند امکان پذیر است.

یک ترجمه قدیمی به زبان لاتین هم از نسخه دست نوشته، ورونا (Verona) متعلق به اواخر قرن چهارم موجود است که سه هشتم متن اولیه را شامل می‌شود.

علاوه بر آن یک ترجمه کامل به زبان سریانی نیز در دست است که به نظر می‌رسد مانند ترجمه لاتین احتمالاً به فاصله کوتاهی پس از تألیف متن اولیه تهیه شده است.

تاکستان مقدس کلیسای جامع خداوند

ای درختستان خدا،
ای تاکستان مقدس کلیسای جامع،

ای برگزیدگانی که اعتماد خود را
در سادگی بر ترس از خداوند نهاده اید،

ای که از طریق ایمان،
وارث ملکوت جاودانی وی گشته اید،

ای که نیرو و عطایای روح او را دریافت کرده اید،
و به وسیله او مسلح شده
و در حین ترس، تقویت گردیده اید،

ای که در خون پاک و گرانبهایی
که خدای بزرگ، عیسی مسیح، ریخته است، شریک شده اید،
ای که این آزادی را دریافت کرده اید
که خدای پرتوان را پدر خوانید،
و هم ارث و دوست پسر محبوب وی هستید:

آموزش خدا را بشنوید،
همه شما که به وعده های او امید دارید
و در انتظار (تحقق آنها) به سر می برید!

(بند ۱)

آموزش گناهکاران

پس داوری تو، ای اسقف، چون داوری خدای قادر مطلق آمرانه باشد، آنان را که توبه می کنند، با مهر و محبت چون خدای قادر متعال پذیرا باش. سرزنش نما تشویق و تحریص نما، آموزش ده، زیرا خداوند با

سوگند، وعده‌آمزش تمام کسانی را که گناه ورزیده اند داده است همچنان که در کتاب حزقیال نبی آمده است (۳۳: ۱۰-۱۱):

و تو ای پسر انسان، به خاندان بنی اسرائیل بگو:
«شما گفته اید:

بی عدالتیها و گناهان ما بر ما سنگینی می کنند
و زیر بار آنها کاهیده شده ایم.

پس چگونه زنده خواهیم ماند؟»

به آنان بگو: «خداوند ادونای می فرماید به حیات خودم سوگند،
من از مردن مرد شریر خشنود نیستم!

بلکه (خوش هستم) که شریر از طریق خود بازگشت نموده
و زنده بماند.

پس توبه کنید،

از طرق شرارت خود بازگشت نمایید،

و شما نخواهید مرد، ای خاندان بنی اسرائیل!»

در این جا (خدا) به گناهکاران امید می دهد که هر گاه توبه کنند نجات خواهند یافت. پس ناامید
گردند، در گناه نمانند، به گناهان خویش نیفزایند بلکه توبه کنند، بر گناهان خود بگریند و با تمام قلب به
سوی خداوند بازگشت نمایند ... (بند ۶)

بنابراین ای اسقف تعلیم ده، ملامت نما و با بخشایش (بندهای گناه) را بگشا. آگاه باش که تو بر جای
عدای قادر متعال نشسته ای و توان آمرزش گناهان را یافته ای. زیرا این کلام خطاب به شما اسقفان است که
گفته شد:

هر آنچه در زمین بندید

در آسمان بسته شده باشد.

و آنچه بر زمین گشایید

در آسمان گشوده شده باشد (مت ۱۸: ۱۸) ...

وقتی گناهکاری در پشیمانی بگریست و توبه کرد او را بپذیر. و در حالی که همه به خاطر توبه و بازگشت
بی نیایش می کنند، دست خود را بر سر او بگذار و اجازه ده که بار دیگر در جماعت مسیحیان ساکن شود^۱

...

به مانند شبانی دلسوز، که سرشار از محبت و رحمت و مملو از همیت و غیرت از بهر رمه خود بوده و
بیداری می کشد و رمه خود را می شمارد به جستجوی بره گمشده برو، همان طور که خداوند، عیسی مسیح،

^۱ - جنبه جمعی توبه مسیحی در خور توجه است. ارتکاب گناه در واقع صدمه ایست که به قدوسیت کلیسا وارد می آید بنابراین بخشش گناهکار
ستلزم مشارکت وی در جماعت کلیسایی است.

استاد مهربان و منجی ما درخواست نموده است: «نود و نه را در کوهسار باقی نه و به جستجوی آن یگانه ای که گمشده است روانه شو. وقتی آن را یافتی، بردوش خود گیر و شادمانی کن زیرا آن را که گمشده بود باز یافتی. وی را به همراه خود بیاور و به رمه ملحق نما» (مت ۱۸: ۱۲-۱۴).

پس تو نیز ای اسقف فرمانبردار باش، آن را که هلاک شده است جستجو کن و در صدد یافتن آن آواره باش، آن را که به بیراهه رفته بازگردان. درحقیقت تو قدرت داری گناهان آن افتاده را بیمارزی زیرا که شخص مسیح را بر تن داری.

از این رو خداوند ما به آن کس که گناه ورزیده بود گفت:
گناهانت به تو بخشیده شد

ایمانت تو را نجات داد. به سلامتی برو! (مت ۹: ۲)

سلامتی در این جا اشاره به کلیسا دارد که (پناهگاه) آسایش و سلامت است. آنهایی را که از گناه رهانیده ای سرشار از سلامتی، امیدواری و اشتیاق از بهر انجام کارهای سخت و شوار باز گردان. به مانند پزشکی خردمند و دلسوز همه را شفا ده، بخصوص آنهایی را که در گناهان نشان سرگردانند. زیرا «نه تندرستان که مریضان احتیاج به شفا دارند» (مت ۹: ۱۲).

تو نیز، ای اسقف، در کلیسا به مثابه پزشک هستی. پس با یاری کلیسا به شفای آنان که در گناهان خود بیمارند بشتاب. در هر زمینه آنان را مراقبت کن، شفا ده و در کلیسا به سلامت برپا دار. بدین ترتیب کلام خداوند که می گوید: «بر آنها با جور و ستم حکمرانی می نمایم» (حزق ۲۴: ۴)، در مورد تو صدق نخواهد کرد. تو با سختی رفتار مکن، سنگدل و شدیدالحن و بی رحم مباش، زیردستان خود را به سخره مگیر و کلام توبه را از ایشان پنهان مکن. (بند ۷. C)

نیایش توبه و استغفار منسوب به منسی (Manasseh)

در کتاب دوم تواریخ ایام، نویسنده تقدیس شده، سرگذشت منسی پادشاه بنی اسرائیل را شرح می دهد (۶۸۷-۶۴۲) و از شرارتها و مجازات وی به صورت تبعید به بابل و روی آوردن وی به خداوند و بازگشت به اورشلیم سخن می گوید (۲-توا ۳۳: ۱-۲۰). نویسنده می افزاید که نیایشی که آن پادشاه نزد خدای خود کرد تا گناهانش بخشیده شود و پادشاهی وی بار دیگر برقرار گردد در کتاب اعمال پادشاهان بنی اسرائیل و در تواریخ حوزای^۲ (۲-توا ۳۳: ۱۸-۱۹) ضبط شده است. متن این نیایش در دست نیست لذا برای تکمیل آنچه به نظر می رسد خللی در متن وحی الهام شده، می باشد فردی یهودی طرفدار فرهنگ یونانی در آغاز

۲- شهری در شمال بین النهرین، جنوب شرقی ترکیه امروز. کتاب تواریخ حوزای در قرن یازدهم میلادی به زبان عربی نوشته شده است.

دوران مسیحیت نیایشی تحریفی و جعلی نگاشت و آن را به منسی نسبت داد. این حيله زاهدانه با موفقیت زیاد رو به رو شد. بسیاری از نویسندگان کلیسایی شیفته این اثر شده آن را همان نیایش منسی اصلی بنداشتند. این نیایش موفقیت فراوانی یافت تا به جایی که بسیاری از آیینهای نیایشی کهن آن را به منزله نیایش توبه و استغفار به کار گرفتند.

این متن همان نیایشی است که مؤلف آموزش رسولان به صورت نقل قول در فصل هفتم اثر خود آورده است. این نیایش طبق ساختار سنتی نیایشهای یهود، شامل سه بخش است: بخش نخست به ستایش اختصاص یافته، بخش دوم طلب بخشایش گناهان و بخش سوم و آخرین، مدح و ثنا می باشد.

* * *

ای خداوند قادر متعال، خدای پدران ما
خدای ابراهیم، اسحق و یعقوب
و ذریت عادل ایشان،
تو که آسمان و زمین را
با تمام شکوهشان آفریده ای،
تو که با یک کلمه به اراده خود بر دریاها مهار زده ای
تو که هاویه را مسدود نموده
آن را با نام هراس انگیز و پر جلالتمهور کرده ای!

عالم هستی تو را پاس می دارد
و در برابر قدرت تو بر خود می لرزد،
زیرا نه تاب تحمل درخشش جلال تو را دارد،
و نه طاقت خشمی که گناهکار را تهدید می نماید.
لیک رحمتی که تو وعده فرموده ای
بس سترک است و فراتر از تشخیص
زیرا تو خداوند پر ترحمی،
رئوف، دیرخشم، کثیر احسان و وفا (خروج ۳۴: ۶)،
و از شرارت آدمیان اندوهناک می باشی

زیرا تو ای خداوند،
با مهربانی و نیکویی خود،
به گناهکاران نادم وعده بخشش داده ای.
و بر حسب رحمتت

گناهکاران را می بخشی،
بر حسب فزونی شفقتت
به نجات گناهکاران تصمیم گرفته ای.

پس تو ای خداوند، خدای عدالت،
توبه و مغفرت را از بهر عادلان،
از بهر ابراهیم، اسحق و یعقوب نهاده ای،
آنان علیه تو گناه نورزیده اند.^۳
بلکه توبه و مغفرت را
از برای من که گناهکارم نهاده ای،
زیرا شمار گناهان من از شنه‌ای دریا افزون تر است.

بی عدالتیهای من ای خداوند، افزون گشته،
بی عدالتیهای من چنان افزون گشته
که سزاوار آن نیستم
تا چشمان خود را برافرازم
تا ژرفای آسمان را بنگرم.
شمار بی عدالتیهای من مرا همچون
زنجیری آهنین به ستوه می آورد.
زیرا من خشم تو را برانگیختم،
«و آنچه در نظر تو شرارت است مرتکب شدم» (مز ۵۱: ۶).

زشتیها را مرتکب شدم^۴
گناهان خود را افزون گردانیدم.

۱- حرمتی که نویسنده نسبت به قدوسیت پیشوایان دین (چون ابراهیم و اسحق و یعقوب) ابراز می کرد به حدی قوی بوده که معرفت وی دربارهٔ هویت گناه بدین علت، قدری محدود می گردد. در حقیقت عموم آدمیان در مقابل خدا گناهکارند. «کتاب همه چیز را زیر گناه بست تا وعده از طریق ایمان به عیسی مسیح تحقق یابد» (غلا ۳: ۲۲). ظاهراً موضع نویسنده تحت تأثیر پاره ای نظرات علمای یهود دربارهٔ قدوسیت پیشوایان قرار گرفته است.

۲- ترجمه کلمه به کلمه: «رجاستهایی برپا کرده ام». نویسنده به طور ضمنی به ۲-توا ۲: ۳۳ اشاره می کند (تا با این کار به متن خود رسمیت بخشد) و رجاست را با لغت یونانی که در متن یونانی تورات (Septuagint) در همان ۲-توا ۲: ۳۳ به کار رفته بود ذکر می کند. واژه رجاستها به معنی پرستش بنها، همراه با تخصیص قربانگاهها و بلندبها به خدایان مشرکین به کار می رود.

و اکنون، در قلب خویش،
در برابر تو زانو می‌زنم.
نیکویی تو را تمنا دارم.
من گناه کرده‌ام، خداوندا، من گناه کرده‌ام
و بی‌عدالتیهای خود را، خوب می‌شناسم (مز ۵۱: ۵).
از تو خواهش و التماس می‌نمایم:
خداوندا، مرا ببخش، مرا ببخش،
مگذار با بی‌عدالتیهای خود تلف شوم،
خشم ابدی خود را
علیه خطاهای من موز.
مرا به اعماق زمین محکوم مدار.
زیرا تو خدایی،
خدای آنانی که از شریر روی گردانند.
نیکویی خویش را به من بنمای
هر چند که سزاوار آن نیستم،
با رحمت عظیمت مرا نجات ده.

همواره تو را ستایش کنم
تمام ایام عمرم،
زیرا تمام قدرتهای آسمان
با سرودها تو را می‌سرایند.
جلال از آن تو باد تا ابدالآباد!
آمین

کلیسای بزرگ، عروس آراسته از بهر خداوند

بشنوید، ای ایمانداران، ای کلیسای برگزیده‌خدا! در گذشته قوم (یهود) کلیسا خوانده می‌شد اما اینک
سما کلیسای جامع، مقدس و کامل هستید. کهناتی ملوکانه، جامعه‌ای مقدس، قومی که به وراثت پذیرفته
گردیده^۵، کلیسای بزرگ، عروسی آراسته از بهر خداوند خدا

اسقف

اسقف همان کاهن اعظم است. او خدمتگزار کلام خدا و میانجی است. پس از خدا، او شما را تعلیم می‌دهد. او پدر شماست که شما را با آب (تعمید)، تولد تازه بخشیده است. رئیس و راهنمای شماست، او پادشاهی مقتدر است که شما را به جایگاه قادر مطلق هدایت می‌کند.

خادم کلیسا

خادم بر جایگاه مسیح می‌ایستد. او را دوست بدانید.^۶

خادمه کلیسا

خادمه کلیسا را به مانند تصویری از روح القدس^۷ محترم بدانید.

پیران

پیران در نظر شما نماینده رسولان باشند.

بیوه زنان

بیوه زنان و یتیمان را چون قربانگاه گرامی دارید.

(بند ۹. C)

درباره نظم مجامع در کلیسا

به هنگامی که در کلیساهای مقدس گرد هم می‌آیید، جلسات را همواره به نحوی تشکیل دهید که جنبه سرمشق داشته باشد. با دقت تمام برای برادران خود جایی مناسب در نظر بگیرید.

جایگاه اسقف و پیران

برای پیران، جایی در قسمت شرقی خانه تخصیص داده مسند اسقف را در میان آنان قرار دهید. پیران باید در کنار اسقف بنشینند.

۶- در سنت مسیحی پسندیده بود که مسیح را اولین خادم مقدس که دقیقاً برای خدمتگزاری آمده است بنگرند (مت ۲۸:۲۰، مر ۴۵:۱۰، لو ۲۲:۲۷)

۷- در آموزش رسولان کراواز خادمه‌های کلیسا سخن گفته می‌شود. به نظر می‌آید که تأسیس این مقام به سرآغاز مسیحیت بر می‌گردد. (ر.ک روم ۱:۱۶؛ ۱- تیمو ۳:۱۱، ۹:۵-۱۱). خدمات آنان در وحله اول شامل نیایش و خیرات بود. آنها به طور خاص عهده‌دار رسیدگی به نیازهای نان فقیر و بیمار و زنان مشرکی بودند که تعلیم مسیحی می‌دیدند. آنها همچنین مددکار اسقف بودند و به هنگام تعمید زنان در مراسم غسل و تذهین جاننشین اسقف می‌شدند.

مردانی که در حلقه روحانیت نیستند در بقیه بخش شرقی خانه مستقر شوند. شایسته است که پیران با اسقفان، سپس مردان غیرروحانی و سرانجام زنان در بخش شرقی خانه جای گیرند به طوری که به هنگام نیایش ابتدا رهبران به پا خیزند، سپس مردان غیرروحانی و بعد زنان. باید رو به شرق نیایش کنید. زیرا می دانید که نوشته شده است:

خدا را سپاس گوید
که بر اعلیٰ علیین
در سمت شرق می تازد^۸.
جایگاه خادمان کلیسا

در مورد خادمان کلیسا، یکی از آنها بایستی دائم در کنار تقدیمی های آیین سپاس و دیگری در خارج و در کنار درب ورودی مراقب کسانی که به درون می آیند باشد. پس از انجام عمل تقدیم، هر دو با هم در کلیسا به خدمت پردازند. چنانچه کسی در جایی غیر از جای خود باشد، خادمی که درون کلیسا است او را به جایی که برایش تعیین شده راهنمایی می کند ...

جایگاه جوانان

جوانان در محلی جداگانه بنشینند و در صورت کمبود جا بر سر پا بایستند.
آنان که سالمند ترند جداگانه بنشینند.

جایگاه کودکان

کودکان در کناری جای گیرند مگر این که پدر و مادرشان آنها را نزد خود جای دهند.

جایگاه زنان

و باز: دختران جوان در محلی جداگانه بنشینند و در صورت کمبود جا، پشت سر زنان بایستند.
زنان ازدواج کرده و جوان که بچه دارند، جداگانه بایستند. زنان مسن تر و بیوه زنان جداگانه بنشینند.

نقش خادم کلیسا

خادم مراقب خواهد بود که هر کس وارد کلیسا می شود به مکان مخصوص خود برود و در جایی که از آن وی نیست ننشیند.

۸- مز ۶۸:۳۳-۳۴. در متن فوق این مزمور از روی ترجمه یونانی کتاب مقدس (Septuagint) که ترجمه لاتین (Vulgate) نیز از آن پیروی می کند نقل شده است. در واقع در نسخه عبری چنین آمده است: «بهر خدا بسرایید، بهر وی مزامیر بخوانید، که او بر آسمان، آسمانهای عتیق، می تازد». از قرار اطلاع در دوران اولیه مسیحیت توجه به جهت نیایش (در رابطه با جهات اربعه)، حائز اهمیت خاصی بود. (آفتاب طالع، بر اساس کریا ۶:۱۲ در ترجمه لاتین، به منزله سمبلی از مسیح تلقی می شد). این جهت دعا یعنی رو به مشرق موجب جهت دادن به بناهای کلیساها گردید که در قرن پنجم در مشرق عمومیت یافت و در قرن ششم در مغرب نیز جنبه سنتی به خود گرفت.

همچنین خادم مراقب خواهد بود تا کسی به خواب نرود، یا نخندد و یا با سر و دست به دیگران اشاره نکند. زیرا بجاست که هر کس در کلیسا رفتاری در خور مقام کلیسا داشته و ذهن خود را بیدار دارد تا گوشه‌هایش به شنیدن کلام خداوند باز باشد.

جایگاه برادران مسافر

چنانچه کسی از جماعت دیگری وارد شود، چه برادر و چه خواهر، خادم از وی سؤال کند که آیا ازدواج کرده یا بیوه زن مؤمنه‌ای است، یا از دختران متعلق به کلیساست و یا ملحد است. سپس او را به جایگاه مناسب خود راهنمایی کند.

جایگاه پیران و اسقفان مسافر

اما اگر پیری از جماعت دیگری وارد شود، شما، ای پیران، او را در جایگاه خود پذیرا باشید. اگر اسقف باشد در کنار اسقف محل بنشیند و اسقف محل وی را در شایستگی با خود برابر دانسته در افتخار کرسی خود سهیم دارد. و تو، ای اسقف، به ایشان بگو تا لطف نموده با جماعت تو به گفتگو بپردازند، زیرا تشویق و توصیه‌های بیگانگان اغلب سودمند واقع می‌شود.

جایگاه فقرا

چنانچه زن یا مرد فقیری وارد شود، چه از حوزه کلیسایی تو باشد و چه از جماعتی دیگر، بخصوص اگر سالمند باشد و جایی برایش پیدا نشود او را با محبت پذیرا شو و حتی اگر لازم باشد خود بر زمین بنشین.^۹ اگر می‌خواهی خدمت تو در نظر خدا مقبول افتد نباید برای جاه و مقام افراد رجحان قائل شوی. (بند ۱۲. C)

وفاداری به جلسات جماعت

هنگامی که تعلیم می‌دهی، مردم را تشویق و تشجیع به وفاداری نسبت به مشارکت در مجامع کلیسا نما تا بیبت نکنند بلکه با وفاداری گرد هم آیند. مبادا کسی با عدم حضور در جلسات کلیسا منزلت آن را کاهش داده تن مسیح را از یکی از اعضای آن محروم سازد!

^۹ - این دستور درباره جایگاه فقرا - حتی اگر لازم باشد که اسقف بر زمین بنشیند! - از سنت خالص انجیلی الهام می‌گیرد و صریحاً رساله یعقوب را (۲:۴) یادآوری می‌کند.

باری نه تنها به فکر دیگران، بلکه باید به فکر خود نیز باشیم، وقتی که این کلام خداوند را می شنویم که می گوید: «هر که با من جمع نکنند پراکنده سازد» (مت ۱۲: ۳۰). از آن جا که شما اعضای بدن مسیح هستید، نباید با اجتناب از گرد هم آیی در کلیسا، در خارج از آن پراکنده شوید. زیرا خداوند ما مسیح، وعده داد و اعلام داشت که: «شما با ما سهیم گشته اید»^{۱۰}.

پس خود را خوار م شمارید، منجی ما را از اعضای بدن وی محروم مدارید و تن مقدس او را مجروح و پراکنده نسازید!

(بند ۱۳. C)

خادمه ها و خادمان

ای اسقف، از بهر تیمار فقرا کارکنانی را به خدمت گیر، یاورانی تا به همراه تو (مردم) را به زندگانی هدایت کنند. از میان مردم کسانی را که از آنها خشنود هستی برگیر و آنها را به سمت خادم یعنی مردی را رای انجام کارهای متعدد و ضروری و زنی را برای خدمت به زنان، منصوب کن.

خادمه ها

به خانه هایی که به خاطر مشرکین نمی توانی خادمی برای مراقبت از زنان بفرستی، خادمه ای را گسیل دار. در موارد بسیار دیگر نیز، گماردن یک خادمه ضروری است. بخصوص وقتی زنان به درون آب می روند (برای دریافت تعمید)، لازم است توسط خادمه ها با روغن تدهین گردند. در جایی که زن یا خادمه نباشد برپا کننده مراسم تعمید باید خود شخصاً تعمید یابنده را با روغن مقدس، تدهین نماید^{۱۱} اما اگر در آن جا زن و به ویژه خادمه ای باشد، شایسته نیست که زنان (تعمید گیرنده) در معرض دید مردان قرار گیرند. در این صورت به هنگام دستگذاری فقط سر ایشان را تدهین نما. در روزگاران گذشته در اسرائیل پادشاهان و کاهنان به این شکل تدهین (مسح) می شدند. تو نیز به همین نحو به هنگام نهادن دست بر سر تعمید یابنده چه مرد و چه زن، سر وی را تدهین می نمایی ...

۱۰- ۲- پتر ۱: ۴. این استناد به کتاب مقدس ناقص است زیرا این جمله در اصل چنین می باشد: «شما در طبیعت الهی سهیم گشته اید»، اما این تلمیح از ابهت راستین برخوردار است و به این حقیقت شهادت می دهد که اعضای یک جماعت کلیسایی هر گاه که گرد هم می آیند به معنای ویژه ای ن مقدس مسیح را تشکیل می دهند و به گونه ای ممتاز از حضور خداوند بر حسب وعده او: «هر جایی که دو یا سه تن به نام من گرد هم آیند من در میان آنان هستم» (مت ۱۸: ۲۰)؛ برخوردارند.

۱۱- این جمله در مرامنام فرسولی نیامده است. مسائل حساسی که به هنگام غسل و تدهین دوشیزگان یا زنان ممکن بود بروز کند کاملاً قابل درک می باشد. ژان موسنوس (Jean Mosehus) در قرن ششم در اثر خود "سبزه زار روحانی" در مورد تارک دنیایی به نام گنون (Conon) حکایت می کند که این روحانی که صرفاً برای انجام مراسم تعمید به مقام پیری مرتبت یافته بود در مقابل یک زن جوان پارسی که بنا بود مراسم تدهین را بروی انجام دهد، شدیداً پریشان گشت و برای رهایی از این وضع دشوار تصمیم گرفت صومعه خود را ترک کند و به خلوت پناه برد. اما بچی تعمید دهنده بر او ظاهر شد و او را قوت دل بخشید و از آن پس دوازده سال مراسم تعمید را انجام داد بدون اینکه هیچ ناراحتی احساس کند.

وقتی زن تعمید یافته از آب خارج شد، خادمه وی را پذیرا گردیده به تعلیم او در طریق پاکی و تقدس بکوشد و او را بیاموزد که مَهر تعمید شکستنی نیست. به همین خاطر است که تأکید داریم که خدمت زنان خادمه ضروری است. زیرا منجی و خداوند ما را نیز زنان خادمه ای مانند مریم مجدلیه، مریم مادر یعقوب، مادر یوسف، مادر پسران زبیدی و دیگر زنان خدمت کرده اند.^{۱۲}

(بند ۱۶. C)

خادمان کلیسا

خادمان در رفتار خود از اسقف سرمشق گیرند و خود را کاملاً وقف کار نموده از کسب درآمدهای دور از عدالت بپرهیزند و در خدمت خود سراپا غیور باشند. تعداد خادمان باید متناسب با تعداد اعضای کلیسا باشد به طوری که بتوانند با یک یک آنها در تماس بوده آنها را در صورت لزوم یاری دهند. خادمان باید به سالمندان ناتوان و برادران و خواهرانی که بیمارند با جان و دل خدماتی را که مورد نیاز آنان است ارائه دهند.

زن (خادمه) باید در خدمت به زنان و مرد خادم در خدمت به مردان غیور و همیشه آماده اطاعت از ستورات اسقف باشد. به هر جا که برای انجام خدمت یا رساندن پیامی اعزام می گردد باید فعال باشد و رحمت آن را بر عهده گیرد. زیرا هر کس باید وظیفه خود را بشناسد و در انجام آن بکوشد. یک دل، یک جان و یک روح باشید ولو در دو جسم. خادم را نیک بشناسید، همان گونه که خداوند و منجی ما در انجیل بیان داشته است:

هر که در میان شما
می خواهد بزرگ گردد،
هر که می خواهد ارباب شما باشد،
خادم شما باشد.
چنان که پسر انسان نیامد
تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند
و جان خود را در راه بسیاری
فدا سازد (مت ۲۰:۲۶-۲۸).

(بند ۱۶. C)

۱۱-آموزش رسولان به گروه زنانی اشاره می کند که در پی عیسی می رفتند و «از اموال خود او را خدمت می کردند» (لو ۸:۲-۳)، همچنین نانی را که از خویشاوندان عیسی بودند جزء گروه نامبرده می شمارد (مت ۱۳:۵۵؛ مر ۳:۶). بدیهی است که همسان نمودن این زنان با خادمه های کلیسا از داده های انجیل تجاوز می کند اما این ارجاع به کتاب مقدس از نظر مؤلف آموزش پایه کتابی ممتاز را برای توجیه مقام خادمه های کلیسا تشکیل می دهد.

مدح خداوند

به آن کس که قادر است و می تواند
گوشهای دل شما را بگشاید،
تا شما کلام نافذ^{۱۳} خداوند را
که در انجیل و در تعالیم
عیسی مسیح ناصری است، دریافت نمایید،

به آن کس که در زمان پنطیوس پیلاتس
مصلوب گردیده جان سپرد
تا به ابراهیم و اسحق و یعقوب
پایان جهان
و رستاخیز مردگان را، اعلام دارد،

به آن کس که از میان مردگان برخاست
تا به شما معرفت بخشد
و اعلام دارد
که او وثیقه قیام است،

به آن کس که به قدرت
خدا، پدر وی و روح القدس،
به آسمانها برشد،

به آن کس که
به دست راست خدای قادر متعال
برفراز کروبیان،
برتخت نشسته است،

۱۳- در ترجمه دیگری سخنان حاد آمده است. متن فوق یادآور عبر ۴: ۱۲ است: «کلام خدا زنده است، مؤثر و برنده تر از هر شمشیر دو دم و فرو رونده تا جدا کند نفس و روح را».

به آن کس که
با قدرت و جلال خواهد آمد
تا مردگان و زندگان را داوری نماید،
تسلط و افتخار، عظمت و سلطنت باد.
و همچنین به پدر و روح القدس،
به (خدایی) « که هست، بود و خواهد آمد^{۱۴}»،
اکنون و نسلماً بعد نسل
و تا ابدالابد!
آمین

۱۴- عبارت ثابت و تکراری است که از مدح و ثنای کتاب مکاشفه (۴:۱ و ۸، ۸:۴، ۱۷:۱۱) گرفته شده است. این عبارت از نام خدا، «هستم ن که هستم» (خروج ۳:۱۴) الهام می‌گیرد و بر ابدیت خدا تأکید می‌نماید.

نیایش نامه سراپیون

اهل تموئیس

(مقارن ۳۵۰)

بعد از این دیدم:
 اینک گروهی عظیم
 که هیچکس ایشان را نتواند شمرد
 از هرامت و قبیله و قوم و زبان
 در پیش تخت و در حضور بره
 به جامه های سفید آراسته
 و شاخه های نخل به دست گرفته
 ایستاده اند.
 (مکا ۹:۷)

سراپیون اسقف تموئیس

زندگی نامه

اطلاعات ما از زندگی سراپیون پراکنده و ناچیز است. همان قدر می دانیم که پای در صحرا کشیده و یکی ز شاگردان برگزیده آنتونی قدیس (که مقارن سالهای ۳۵۰-۳۵۶ می زیسته) گردیده بود. پیش از سال ۳۳۹ او اسقف شهر تموئیس، شهری کوچک در مصر سفلی بود. او احتمالاً به سال ۳۴۳ در شورای اسقفان ساردیکا (Sardica) شرکت کرده و از نظرات آتاناسیوس قدیس اهل اسکندریه جانبداری نموده بود (۲۹۵-۳۷۳). مقارن سال ۳۵۶ آتاناسیوس وی را به همراه چهار اسقف و سه پیر به منظور رد اتهاماتی که طرفداران عقاید آریانی علیه وی اقامه کرده بودند به سفارت نزد امپراتور کنستانتین فرستاد. آتاناسیوس نامه های متعددی به سراپیون ارسال داشت که شامل نامه ای درباره مرگ آریوس و تعدادی نوشته های الهیاتی درباره روح القدس می باشند.

از سال مرگ سراپیون اطلاعی در دست نداریم. اما از آن جا که مکاتبات آتاناسیوس مورخ سالهای ۳۵۶-۳۶۲ است، لذا درگذشت سراپیون نیز باید بعد از سال ۳۶۲ بوده باشد.

آثار

بنا به گفته ژروم قدیس، سراپیون علاوه بر قدوسیت والا، از استعداد درخشانی نیز برخوردار بود که موجب شد به وی لقب **اسکلاستیکوس** (Scholasticus) یا دانشمند بدهند. با این حال آنچه سنت کلیسا از آثار وی حفظ نموده شامل دو نامه، یک مباحثه علیه **پیروان مانی** - که ژروم قدیس آن اعلام داشته و در سال ۱۸۹۴ برینکمان (Brinkmann) قطعاتی از آن را تدوین مجدد نموده و سپس تمام این نگارش در ۱۹۳۱ منتشر گردیده است - و یک **نیایش نامه** است.

نیایش ناممذکور که در سال ۱۸۹۴ در کوه آتوس کشف گردید امروزه مورد توجه خاص علمای علوم الهی و محققین آیین های نیایش است. این اثر نوعی آیین نامه مراسم عبادت، و مشتمل بر سی نیایش است. از میان این سی نیایش، دوازده نیایش اول در نخستین بخش مراسم عبادت روز یکشنبه که بر قرائت و نیایش متمرکز بود استفاده می شد. پس از آن نوبت به آیین بزرگداشت یا آنافوراً می رسید که ارزشمندترین بخش این اثر است و به دنبال آن نیایش های آیین تعمید و استواری، نیایشی بر روغن تدهین بیماران و یک نیایش نهایی برای درگذشتگان انجام می گرفت.

تردید نیست که سراپیون، پیش از آن که متون قبلی را به صورت **نیایش نامه** خود استنساخ کرده باشد، علائمی از شخصیت خویش را بر آن متون گذارده است زیرا تجزیه و تحلیل متن و مقایسه آن با دیگر متون نیایشی، پاره ای از این دست کاریها را نمایان می سازد. اما این حقیقت که این نیایش ها به منظور ارائه نیایش هایی که در اواسط قرن چهارم در آیین نیایش شهر تموئیس رسمیت داشت و تعدادی از آنها نیز به دوران به مراتب قدیمی تر بر می گردد نوشته شده، صرفاً بر ارزش شهادت این نیایش ها درباره ایمان کلیسای آن دوران می افزاید.

شام کلیسایی یکشنبه

۱- نخستین نیایش برای یکشنبه

تورا نیایش می کنیم،
ای پدرِ پسرِ یکتا
خداوند همه چیز
آفریدگار جهان مخلوق
و آفریننده آنچه وجود دارد.

دستهای پاک خود را
به سوی تو می گشاییم
و روح خود را
به سوی تو بر می افرازیم.

می ستاییم رحمت تو،
دلسوزی و نیکویی تو را.
ما را اصلاح گردان، و
توانایی، ایمان و معرفت را در ما فزونی بخش.

خداوندا، نظرت را بر ما بیفکن
ضعفهای خود را به تو تسلیم می داریم.
بخشایش و رحمت خود را به همه ما ارزانی دار.
بر قوم خود رحمت آور،
نیکی خود را بر ایشان بنما،
آنان را سخاوتمند، عقیف و پاک گردان.

ارواح فرشته صفت را بفرست
تا تمام قوم تو
مقدس و بی عیب باشند.

تورا نیایش می کنیم.
روح قدوس خود را به درون جانهای ما بفرست
و ما را معرفت بخش
تا نوشته های مقدس ملهم از او را درک کنیم،
و آنها را با وضوح و شایستگی تعبیر نماییم،
تا آنانی که در این جا حاضرند
از ثمرات آن، بهره مند گردند.

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
در روح القدس.
از طریق او تو را جلال و قدرت باد،
اکنون و تا ابدالآباد!
آمین

۲- نیایش بعد از موعظه

ای خدای نجات بخش، خدای عالم،
ای شاه اعظم و خالق همه چیز،
ای پدر تنها پسر مولود،
تصویر زنده و حقیقی مولود از تو (عبر ۱:۳)
که او را
برای خیریت نژاد بشر فرستاده ای،
از طریق او همه آدمیان را فراخوانده
و آنان را آشتی داده ای.

برای این قوم از تو استدعا می کنیم
روح القدس را بر ایشان بفرست،
باشد که عیسی مسیح از آنان دیدار کند،
در روح هر یک سخن گوید
قلبهایشان را آماده ایمان سازد،

و جانهای ایشان را به سوی تو هدایت کند،
ای خدای رحمت.
قوم خود را در این شهر نیز
از آن خود گردان،
این رمه شریف را از آن خود ساز،

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
در روح القدس.
از طریق او تو را جلال و قدرت باد،
اکنون و تا ابدالآباد!
آمین

۳- نیایش برای حق جویان

ای خداوند عالم، ای یاور (ما)،
رهای بخت رهایی یافتگان،
سرور نجات یافتگان
امید آنانی که در دست تو آند!

توهستی که بیداد را بر چیده ای،
که از طریق تنها پسر مولودت، شیطان را نابود ساخته ای،
و کسانی را که او به زنجیر بسته بود، رهایی بخشیدی

تو را سپاس می گوئیم، به خاطر حق جویان،
که ایشان را از طریق تنها پسر مولودت فراخوانده ای
و به آنان عطا کرده ای که تو را بشناسند.

بدین سبب از تو می خواهیم،
آنان را در این معرفت استوار داری
تا «تو را، خدای واحد حقیقی

و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند» (یو ۱۷:۳).

آنان را در آموزشها
و در تعالیم پاک خود محفوظ دار،
باشد که در آن تعالیم پیشرفت کنند
و سزاوار «غسل تولد تازه» (تیط ۳:۵)
و رازهای مقدس تو گردند،

از طریق تنها پسر مولودت عیسی مسیح،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد!
آمین

۴- نیایش تبرک حق جویان

خداوندا، دستهای خود را به سوی تو بلند می‌کنیم
و از تو تمنا داریم
که دست الهی و حیات بخش خود را
از بهر برکت این قوم بگشایی.

آنها در حضور تو، ای پدر ازلی^۱، از طریق تنها پسر مولودت،
سره‌های خود را خم کرده‌اند.

باشد که برکت تو بر این قوم نازل شود،
برکت معرفت و ترحم،
برکت رازهای مقدس تو،

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
از طریق او تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد.
آمین

۱- سرایپون علاقه بسیار دارد نام خدای پدر را همراه با صفت آژنتوس (Agennetos) ذکر کند («نیایش نامه» ۴، ۵، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۷) که معنی تحلیل این واژه آن که تولد و مبدأ نداشته است می‌باشد و ما آن را ازلی، یا مولود نیافته ترجمه می‌کنیم. در مرامنامه رسولان نیز صفت «آژنتوس» را به معنای تحلیلی «تولد نشده و خلق نشده» ترجمه می‌شود.

۵- نیایش مناجات برای قوم

تو را متبارک می خوانیم،
ای خدایی که آدمیان را دوست می داری.
ضعف خود را پیش روی تو می نهیم
و از تو تمنا داریم که قوت ما باشی.

گناهان گذشته ما را ببخش،
از تقصیرهای گذشته ما در گذر،
و از ما انسانهای نوینی بساز،
از ما خدمتگزارانی پاک و سخاوتمند به وجود آر.^۲
ما خود را وقف تو می کنیم.
ای خدای حقیقت، ما را بپذیر،
این قوم را بپذیرا باش،
تا همگی (قوم) حقیقی (تو) باشند.

باشد که آنان همگی در بی گناهی و راستی زندگی کنند.
باشد که به ارواح آسمانی ملحق گردند،
به شمار فرشتگان درآیند
و همه برگزیده و مقدس باشند.

برای آنان که به خداوند عیسی مسیح ایمان آورده و او را شناخته اند، نیایش می کنیم. باشد که در ایمان
(کول ۲:۷)، معرفت و تعالیم، استوار گردند.

به خاطر تمامی این قوم تو را نیایش می کنیم، آنان را ببخش، خود را ظاهر نما، نور خود را مکشوف ساز تا
همه تو را بشناسند، ای پدر ابدی، همراه با تنها پسر مولودت، عیسی مسیح، به خاطر همه حکام تو را
نیایش می کنیم تا حکومت آنان صلح آمیز باشد، از بهر آرامش کلیسا.

ای خدای رحمتها، به خاطر آزاد مردان و بردگان، به خاطر مردان و زنان، به خاطر ثروتمندان و فقرا تو را
نیایش می کنیم. نیکویی ات را به همه بنما، مهربانیت را بر ما بگستران، بر همه ترحم نما، آنان را به
سوی خود هدایت فرما و به همه آنان فیض آن ده که به تو بگروند.

به خاطر مسافران، تو را نیایش می کنیم. فرشته صلح را با ایشان همراه دار تا از خطر به دور باشند و در امنیت
مسافرت خود را به سر آورند.

۲- سخی و راستین هر دو برگردان یک واژه یعنی گنه زیوس (Gnesios) است که مفهوم تحلیلی آن نجیب زاده یا حلال زاده است. (تیطس و تیموتائوس فرزندان راستین یا فرزندان حقیقی در ایمان نامیده می شوند: تیط ۱:۴ و ۱- تیمو ۱:۲) که منشأ شریف و سخی (به معنای قدیمی نجیب زاده) می باشد. قوم گنه زیوس قوم راستین خدا می باشد.

به خاطر زحمتکششان ، اسیران و فقرا تو را نیایش می کنیم. همه را قوت بخش، آنان را از بندهایشان رهایی ده، آنان را از درماندگی که در آنند برهان، همه را تسلی بخش، تو که سرچشمه تسلیات و قوت قلب هستی.

به خاطر بیماران تو را نیایش می کنیم، بیماریهای آنان را شفا بخش و ایشان را سلامت جسم و روح عطا فرما.

تو نجات دهنده و نیکوکاری
تو خداوند و پادشاه همگانی!
نیایشهای خود را برای همگان به سوی تو می آوریم
از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح.
از طریق او تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
هم اکنون و تا ابد الآباد!
آمین

۶- نیایش تبرک قوم

باشد که دست زنده و پاک،
دست تنها پسر مولود،
دستی که همه بدیها را دور می کند،
و هر آنچه را که مقدس است استوار و نیرومند می دارد،
بر سرهای خمیده این قوم گسترده شود!

باشد که این جمعیت
به تبرک روح، به تبرک آسمان،
به تبرک پیامبران و رسولان، برکت یابند.

باشد که بدنهای همه برکت یابد،
به خاطر پاکی و عفت.
باشد که جانهای همگی برکت یابند،
به خاطر دانش، معرفت و رازها.
تا همه با هم برکت یابند

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح.
از طریق او تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد. آمین

۷- نیایش برای بیماران

تو را نیایش می کنیم، ای حافظ و خداوند،
ای صانع جسم، و ای خالق روح،
تو که انسان را سرشتی،
تو که پروردگاری و حکومت می کنی
و همه آدمیان را رهایی می بخشی،
تو که آشتی می دهی و آرامش عطا می کنی،
به خاطر محبتت به انسانها!

خداوندا، نظر موافق داشته باش
همه بیماران را یاری ده و شفا بخش
بیماریهایشان را تحت تسلط خود دار،
درماندگان را رهایی ده.
نام مقدس خود را به جلال رسان
از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح.

از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد.
آمین

۸ - نیایش برکت برای بیماران

ای خداوند، خدای رحمتها،
مرحمت نموده دستهایت را بگشا:
در محبتت، همهٔ بیماران را شفا ده،
در محبتت، آنان را سزاوار سلامتی گردان،
آنان را از بیماری فعلی اشان رهایی ده.
به نام تنها پسر مولودت، آنان را بهبودی عطا فرما.
بگذار که این نام مقدس فدیة ای باشد
برای سلامتی و بهبود.
از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابد الآباد.
آمین

۹ - نیایش برای برداشت محصول (کشاورزی)

ای آفریننده آسمان و زمین،
که آسمان را به گروه ستارگان آراستی
و آن را با اجسام درخشان منور می سازی،
که زمین را مملو از میوه ها می نمایی
برای استفادهٔ انسانها:
در محبت خود، عطا کن
به انسانهایی که آفریدی
تا در درخشش و نور ستارگان شادی کنند
و با میوه های زمین تغذیه گردند.

از تو تمنا می کنیم
باران فراوان و بارآورنده عطا فرما،
تا زمین نیز میوه های فراوان به بار آورد،

به خاطر محبتت به انسانها
و به خاطر اراده نیکوی تو.

به یاد آور آنانی را که تو را می خوانند.
کلیسای جامع، مقدس و یگانه خود را محترم بدار،
نیایشها و درخواستهای ما را بشنو،
و سراسر زمین را متبارک گردان
از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح.
از طریق او تو را جلال و قوت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدآباد.
آمین

۱۰- نیایش برای کلیسا

ای خداوند، خدای اعصار،
خدای ارواح آسمانی^۳،
خدای جانهای پاک
و همه آنانی که
ارادتمندانه و با خلوص، تو را می خوانند.
تو که در آسمان خود را ظاهر می گردانی
و به ارواح پاک خود را می شناسانی،
تو که نامت را بر زمین می سرایند
و ساکن در کلیسای جامع هستی،
تو که فرشتگان مقدس و ارواح پاک خدمتت می کنند،
تو که آسمان را به دسته سرودخوانان زنده بدل کرده ای
تا حقیقت را جلال دهند و نیایش کنند!

این کلیسا را زنده و پاک بدار،
نیروهای الهی را به او عطا فرما،

تا فرشتگان پاک را به خدمت داشته باشد
و بتواند به پاکی تو را ستایش کند.
ما تو را برای تمام اعضای این کلیسا نیایش می کنیم.
همه را گذشت و رحمت،
همه را صلح و آشتی،
همه را بخشایش گناهان عطا فرما.
ایشان را موهبتی بخش تا زین پس گناه نوزند
برای آنان دژ و حصاری باش
و هر نوع وسوسه را نابود ساز.

به مردان و زنان و کودکان رحمت آور.
خود را به همه بنمایان،
تا شناخت تو «در قلبشان حک گردد»^۴.

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح.
از طریق او تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد.
آمین

۱۱- نیایش مناجات برای هیئت روحانیون و اعضای کلیسا

ی نجات دهنده و خداوند، ای که خدای هر جسم و خداوند هر روحی، ای که متبارک هستی و هر نوع برکت را عطا می کنی، تو را می خوانیم. اسقف ما را تقدیس فرما، او را از همه وسوسه ها مصون دار، حکمت و معرفت به وی عطا کن و عنایت فرما تا در شناخت تو پیشرفت نماید. همچنین نیایش می کنیم برای پیرانی که همراه ایشانند. آنان را تقدیس نما، بدیشان حکمت و معرفت و تعالیم راستین عطا کن. آنان را عنایت فرما تا تعالیم مقدس تو را با صراحت و بدون ایراد به دیگران بدهند.
همچنین خادمان را تقدیس فرما تا قلب و جسمی پاک داشته باشند و بتوانند خدمت خود را با وجدانی پاک به انجام رسانند و تن و خون مقدس (خداوند) را تقدیم کنند.

۴- اشاره ای است به عهد جدید (ار ۳۱:۳۳ برابر با عبر ۸:۱۰) که بر اساس این عهد، خدا احکام مقدس خود را در قلبهای ایمانداران حک خواهد نمود.

ز تو همچنين تمنا داريم براي کمک خادمان، قرائت کنندگان، مفسرين^۵ و همه خدمتگزاران کليسا مایه دلگرمی و قوت قلب باش، به همه دلسوزی، رحمت و رشد روحانی عطا فرما. تو را نیایش می کنیم برای تارکین دنیا و کسانی که در بکارت به سر می برند. تا راه خود را بی آرایش و زندگانیشان را با پایداری به فرجام رسانند، تا بتوانند تمامی ایام عمر خود را در پاکی و تقدس بگذرانند. بر همه آنان که ازدواج کرده اند و مردان، زنان و کودکان رحمت آور. برکت خود را به همه عطا فرما تا پیشرفت نموده انسانهایی زنده و برگزیده گردند.

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
از طریق او تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدآباد!
آمین

۱۲- نیایش در حالت زانو زده

ای پدر تنها پسر مولود،
سرشار از نیکویی و رحمت،
که انسانها و جانها را دوست می داری،
نیکوکار به همه آنانی که به تو روی می آورند،

استغاثه ما را بشنو.
معرفت و ایمان،
تقوی و تقدس را به ما عطا فرما.

هر نوع شهوت و خودپرستی،
و هر خطای قوم خود را بزدای،
عطا کن که همه پاک گردند.
آنها را آشتی ده و خطاهایشان را ببخش
زیرا که در حضور توست، ای پدر جاویدان،
که ما از طریق تنها پسر مولودت،
زانو می زنییم.

۵- منظور کسانی هستند که قرائتها و موعظه ها را برای ایماندارانی که آنها را به زبان معمول خود نشنیده باشند ترجمه می کنند.

ما را روحی مقدس و مددی کامل عطا کن،
عنایت فرما که تو را جستجو کنیم و تو را دوست بداریم،
و کلام الهی تو را کاوش نماییم.
خداوندا دست خود را به سوی ما دراز کن و ما را برخیزان.
ای خدای رحمتها، ما را برخیزان!
باشد که نگاههای ما به سوی تو بالا رود
و چشمان ما گشوده گردد!

با نیکویی خود ما را اعتماد بخش،
مگذار خجل گردیم،
و سراپا در پریشان حالی اُفتیم،
یا خود، خویشتن را داوری نماییم.

«حکمی را که بر ضد ماست»^۶ باطل گردان،
نام ما را در کتاب حیات^۷ بنویس،
ما را در زمره انبیای مقدست
به شمار آور،

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
از طریق او تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد.
آمین

۶- اشاره ای است به کول ۲: ۱۴: «خدا سندی را که (شامل دیون ما) و بر علیه ما بوده محو کرده و با میخکوب نمودن آن بر صلیب، از میان برداشت».

۷- فی ۴: ۳ و مکا ۱۳، ۸.

آیین نیایش سپاس

۱۳- نیایش برافرازی

نیایش مقدماتی

به جا و سزاست تو را ستودن،
تو را بزرگ داشتن و تو را جلال دادن،
ای پدرِ جاودان تنها پسر مولود، عیسی مسیح.

تو را ستایش می کنیم، ای خدای جاودان،
نفوذ ناپذیر، وصف ناشدنی،
و فراتر از درک هر ذات مخلوق.
تو را ستایش می کنیم، ای که تنها پسر مولودت، تو را می شناسد،
تو را، که او مکشوف و معروف می سازد
و به هر ذاتِ مخلوق می شناساند.

تو را ستایش می کنیم، تو که پسر را می شناسی
و جلال وی را به مقدسین می نمایانی،
تو که پسرِ مولودت تو را می شناسد،
و به مقدسین نمایان و معروف می سازد.

تو را می ستاییم ای پدر نا دیدنی
که جاودانگی می بخشی.
تو منشأ حیات، منبع نوری،
تو سرچشمه هر فیض و هر حقیقتی.
تو انسانها را دوست می داری، تو مستمندان را دوست می داری،
تو خود را با همه آنان آشتی می دهی،
همه را به سوی خود می کشانی
از طریق ظهور پسر محبوبت.
تو را نیایش می کنیم، ما را انسانهایی زنده گردان
آن روح روشنایی را به ما عطا فرما
«که تو را، خدای واحد حقیقی،

و عیسی مسیح را که فرستاده ای بشناسیم» (یو ۱۷:۳).
روح القدس را به ما عطا فرما تا بتوانیم
رازهای وصف ناپذیر تو را اعلام داریم و بازگو نماییم!

باشد که خداوند ما عیسی در ما سخن گوید.
و روح القدس نیز،
تا از دهان ما، تو را با سرودها بسراید!

زیرا تو از هر فرمانروایی،
قدرت، نیرو و سلطه ای برتری،
برتر از هر نامی که نهاده می شود
چه در حال و چه در آینده.

قدوس

هزاران هزار و کرور کرور
فرشتگان و ملائک مقرب،
صاحبان تاج و تخت، حکومتها و سلطه گریها،
فرمانرواییها و قدرتها در موکب تو آند.

دو سرافین معظم با شش بال:
دو بال از بهر پوشاندن چهره،
دو بال از بهر پوشاندن پاها،
دو بال از بهر پرواز،
در حضور تو می ایستند.
آنان قدوسیت تو را می سرایند.
با آوای ایشان، ندای ستایش ما را
از قدوسیت خود نیز بپذیر:
قدوس، قدوس، قدوس است خداوند صباپوت!
آسمان و زمین از جلال تو سرشار است،
آسمان سرشار و زمین سرشار است
از جلال شگفت انگیز تو!

روایت بنیانگذاری آیین سپاس

ای خداوند قدرتها^۸، این قربانی را نیز
از توان و مشارکت خود سرشار ساز.
زیرا به توست که ما این قربانی زنده
و این تقدیمی غیر خونین را تقدیم داشته ایم^۹.
به توست که این نان را تقدیم داشته ایم
که سمبلی از تن تنها پسر مولود توست.
این نان سمبل تن است.

زیرا عیسای خداوند به شبی که تسلیم گردید،
نان را گرفت، پاره کرد
و به شاگردان خود داد و گفت:
«بگیرید و بخورید این تن من است،
که از بهر شما پاره گشته است،
برای بخشایش گناهان».

به خاطر همین است که ما نیز
با بزرگداشت خاطره مرگ وی،
این نان را تقدیم داشته و تمنا می کنیم:
از طریق این قربانی همه ما را با خود آشتی ده،
ای خدای حقیقت، ما را مساعدت فرما.
زیرا همان طور که این نان
که در گذشته بر تپه ها پراکنده گردید،
جمع آوری گردیده و یک شده است،
همچنین عنایت فرما و کلیسایت را
از هر قوم و کشوری،
و از هر شهر و روستا و منزلی
گرد هم آور.
و آن را کلیسایی واحد، زنده و جامع ساز.

۸- این بند (از خدای قدرتها تا جسم مقدس) بدون شک به متن اولیه اضافه شده زیرا عبارتی چون صورت ظاهر تن جزء عبارات قدیمی می باشد که در نیایش برافرازی (آنافورای) امبروز قدیس نیز یافت می شود که می گوید: «این تقدیمی ... که صورت ظاهر تن و خون خداوند ما عیسی مسیح است».

۹- این امر که عبارت تقدیم داشته ایم به زمان گذشته نقلی آمده است، یک دستکاری عمد به نظر می رسد. احتمالاً سراییون در مأخذی که در دست داشته تغییری داده است تا حرکت تقدیم نان و شراب بر میز مقدس را یادآور شود.

همچنین جام را که سمبل خون است، تقدیم می‌داریم.
زیرا عیسی پس از شام،
جام را گرفت و به شاگردان خود گفت:
«بگیرید و بیاشامید،
این عهد جدید است،
یعنی خون من، که از بهر شما ریخته شد،
برای بخشایش گناهان».
برای همین است که ما نیز
جام را که سمبل خون است، تقدیم داشته‌ایم.

استمداد از آن کلمه خدا^{۱۰}

ای خدای حقیقت،
باشد که آن کلمه مقدس تو بر این نان نازل شود
تا به تن آن کلمه مبدل گردد
و بر این جام نیز
تا به خون آن حقیقت تبدیل شود.
آن چنان کن که همه آنها که در آن مشارکت می‌یابند
دارویی جان بخش دریافت دارند،
که آنها را از هر ضعفی شفا خواهد داد
که آنها را برای هر اعتلا و هر تقوایی قدرت بخشد.
ای خدای حقیقت، مباد که این دارو
مایه محکومیت، پریشانی و یا شرمندگی گردد.

یادبود زندگان

زیرا ای (خدای) جاودان، تو را می‌خوانیم
از طریق تنها پسر مولودت، در روح القدس:
بر این قوم رحمت آور،
آنان را سزاوار پیشرفت گردان.

۱۰- جای تعجب است که در این نیایش ما به جای طلب نزول روح القدس که سنتی می‌باشد و خطاب به روح القدس ذکر می‌شود، استدعا از کلام خدا آمده است. این امر غیرعادی از نیوغ در نوپردازیهای اسقف تموتیس ناشی می‌شود که علاقه خاصی دارد که بر تقدیسی که کلام خدای ننگرفته به عمل می‌آورد تأکید نماید. در این مورد دوستی سراپیون و آتاناسیوس قدیس و نیز مقابله با الحاد آریانی کاملاً محسوس می‌باشد. (به طوری که می‌دانیم در تعالیم پدران کلیسا تمایل بسیار به اثبات الوهیت روح القدس با تکیه بر اعمال تقدیس کننده وی مشاهده می‌شود و سراپیون برای تأکید بر الوهیت کلمه خدا همان استدلالها را به کار می‌برد). در نیایش نامه وی (۱۹، ۲۲، ۲۵، ۲۹) نیایشهای دیگری هم یافت می‌شود که طالب نزول کلام خدا هستند در حالی که نیایشها به روح القدس اختصاص دارد.

فرشتگان خود را برای این قوم بفرست،
تا آنان را در پیروزی بر شریب
و استوار نمودن کلیسایت یاری دهند.

یادبود مردگان

همچنین تو را نیایش می کنیم، از بهر همه درگذشتگان
که آرمیده اند
و ما آنان را به یاد می آوریم.

پس از ذکر نام آنها:

جانهای آنان را تقدیس کن، زیرا همه آنها را می شناسی.
آنانی را که در خداوند آرمیده اند تقدیس فرما.
آنان را در شمار قدرتهای مقدس خویش درآور
و ایشان را جایی در ملکوت خود عطا فرما.

نیایش و مدح پایانی

سپاسگزاری قوم خود را بپذیر.
آنانی را که این هدایا و این سپاس را
به تو تقدیم داشته اند برکت ده.
به تمام این قوم
سلامت، خوشبختی، شادمانی،
و همه نعمتهای تن و جان را عطا فرما.

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،

در روح القدس،

چنان که بود و هست و خواهد بود،

نسلاً بعد نسل

و تا ابدالآباد!

آمین

۱۴- نیایش برای (در حال) شکستن نان

همچنین ما را لایق آن گردان،
که در تو، ای خدای حقیقت،
شراکت یابیم^{۱۱}.
و عطا کن که بدنهای ما در پاکی،
و جانهای ما در هوشمندی و شناخت، به تعالی رسد.
ای خدای بخشایشها ما را حکمت عطا فرما،
از طریق دریافت تن و خون مسیح.

جلال و قدرت تو را باد،
از طریق تنها پسر مولود،
و در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد!
آمین

۱۵- تبرک قوم بعد از شکستن نان

من دستم را بر این قوم برمی افرازم
و از تو تمنا دارم دست حقیقت را برافرازی
و این قوم را در این جا برکت دهی
به نام محبت تو برای انسانها،
ای خدای رحمتها،
و به نام رازهایی که ما برپا می داریم.
باشد که دست محبت و قدرت،
دست حکمت، پاکی و کمال تقدس،
این قوم را برکت داده و حفظ نماید
تا به تعالی و اصلاح گراید،
از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد!
آمین

۱۱- واژه شراکت یا مشارکت برگردان واژه یونانی کویونیا (Koinonia) است که دارای معنای خاص شراکت در خدا می باشد (همان طوری که در ۱- قرن ۹:۱ آمده است: ... خدایی که شما را به « شراکت پسر خود» خوانده و نیز ۱- قرن ۱۶:۱۰ «... شراکت در خون مسیح ... شراکت در بدن مسیح ...»).

۱۶- نیایش پس از مشارکت قوم در تن و خون مسیح

ای خداوند، تو را سپاس می‌گوییم،
زیرا گمراهان را فراخواندی
و گناهکاران را با خود آشتی دادی.
تو از تهدیدی که بر ما سنگینی می‌کرد، فراتر رفتی،
و با محبتت به انسانها آن را از میان برداشتی،
با تبدیل ما، آن را ترک نمودی،
و با معرفت خود آن را طرد کردی.

تو را سپاس می‌گوییم
که ما را «در تن و خون مسیح شراکت دادی». (۱- قرن ۱۰: ۱۶)
ما را و این قوم را برکت ده
و عطا کن که در آن تن و خون سهیم باشیم!
از طریق تنها پسر مولودت،
از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
اکنون و تا ابدالابد!
آمین

۱۷- تبرک روغن و آب

در نام تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
این مخلوقات را متبارک می‌داریم.
نام آن کس را که رنج کشید،
مصلوب شد و از میان مردگان برخاست
و به دست راست خدای جاودان نشسته است،
بر این آب و بر این روغن،
به استمداد بر زبان می‌آوریم.
به این مخلوقات قدرت شفا دادن عطا فرما،
باشد که هر تب، و هر روح شریر و هر مرض را دور سازند.

باشد که برای هر کس که آنها را به کار برد^{۱۲}
دارویی شفا بخش و احیا کننده گردد.
در نام تنها پسر مولودت، عیسی مسیح.

از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد!
آمین

۱۸- دستگذاری پس از تبرک روغن و آب

ای خدای حقیقت که انسانها را دوست می داری،
قوم خود را در بدن و خون مسیح سهیم مدار.

باشد که بدنهای ایشان بدنهای زنده گردد،
وجانهای ایشان جانهای پاک.

برکت خود را عطا فرما تا با ایشان
در مشارکت (بدن و خون مسیح) محفوظ بمانند،

تا به فیض آیین سپاسی که برپا گردیده است
امنیتشان فراهم گردد^{۱۳}.

آنان را به اتفاق هم شادمان گردان،
و در شمار برگزیدگان خود درآور،

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد.
آمین

۱۲- این جمله در متن اصلی به طور کلمه به کلمه به این صورت است: «با نوشیدن (از این آب) و تدهین شدن». ۱۳- در متن اصلی به طور کلمه به کلمه به این صورت آمده است: «در استواری (یا امنیت) رازهای سپاسی که به فرجام رسیده است».

آیین نیایش رازهای تعمید، استواری و دستگذاری مراتب روحانی

۱۹- تقدیس آبهای تعمید

ای پادشاه و خداوند تمامی هستی،
ای آفریدگار عالم،
از طریق تن گرفتن^{۱۴} تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
به همه مخلوقات فیض نجات ارزانی داشته ای،
و با آمدن آن سخن وصف ناپذیرت
آفرینش خویش را فدیة دادی.
اکنون از فراز آسمان بنگر
و نگاهت را^{۱۵} بر این آبها بیفکن،
آنها را سرشار از روح القدس گردان.

باشد که آن سخن وصف ناپذیر تو در آنها جاری گردد،
و قدرت آنها را دگرگون سازد.
باشد که به آنها، توان باروری بخشد،
و مشحون از فیض تو گرداند،
تا رازی که در شرف انجام است
در آنانی که دوباره تولد خواهند یافت ثمر آورد
و همه آنانی را که (به حوض تعمید) فرو می روند
و تعمید می بینند،
از فیض الهی تو سرشار سازد.

تو که انسانها را محبت می نمایی، مهربان باش،
بر آنانی که آفریده ای رحمت آور،
و آفرینش خویش را که عمل دست راست توست، نجات ده.
چهره همه آنانی را که دوباره تولد خواهند یافت
به جمال الهی و وصف ناپذیر خود مبدل گردان.

۱۴- در متن اصلی نزول آمده است.

۱۵- اشاره به مز ۸۰: ۱۵.

تا تبدیل شده و از نو به حیات باز آمده،
این چنین نجات یابند.
و به داوری خدا «مستحق ملکوت تو شوند» (۲-تسا ۱:۵).

همان گونه که آن کلمه، تنها پسر مولود تو،
با فرو رفتن در آبهای اردن
آن را تقدس بخشید،
باشد که حال به همان گونه به درون این آبها آید
تا آنها را مقدس و روحانی گرداند،
تا تعمید یافتگان، دیگر تن و خون^{۱۶} نباشند
بلکه روح گردند.
تا بتوانند تو را ای پدر جاودان بپرستند،
از طریق عیسی مسیح، در روح القدس.
از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
تا ابد الآباد.
آمین

۲۰- نیایش دفع روح شریر

ای خدای راستی، تو را نیایش می کنیم
برای همین بنده تو در این جا.
از تو تمنا داریم که وی را لایق
تجدید حیات وصف ناپذیر خود گردانی.

زیرا او را به تو که انسانها را دوست می داری
تقدیم می داریم،
و او را وقف تو می گردانیم.

۱۶- رجوع شود به یو ۳:۶: «آنچه از جسم مولود شد جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است».

باشد که برحسب فیض تو او در این تجدید حیات سهیم گردد،
باشد که او دیگر تحت سلطه
هیچ روح پلید و شریری قرار نگیرد،
بلکه در هر زمان تو را خدمت کند
و فرامین تو را حفظ نماید،
و آن کلمه، تنها پسر مولود تو، راهنمای او باشد.

از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدآباد!
آمین

۲۱- نیایش پس از انصراف

ای خداوند قادر مطلق، مهر خویش را
بر توافقی که بنده تو در این جا
اینک به تو ابراز کرده است، بگذار.

رفتار و اخلاق او را پایدار گردان
تا از این پس برده شریر نباشد
بلکه خدای حقیقت را عبادت نماید.

باشد که او تا به انتها، تسلیم تو،
ای آفریدگار عالم، بماند
و (پسر) راستین باشد.
از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح.
از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدآباد!
آمین

۲۲ - نیایش برای تدهین حق جویان^{۱۷}

ای خداوند، که انسانها را محبت می نمایی
و جانهایشان را دوست می داری،
ای خدای رحمت، ترحم و راستی،
تو را برای کسانی که از تو پیروی می نمایند^{۱۸}، می خوانیم،
آنان را به وعده های تنها پسر مولودت می سپاریم،
که گفته است: «گناهان آنانی را که پیامرید
برای ایشان آمرزیده خواهد شد» (یو ۲۰:۲۳).
ما با انجام این تدهین
بر این مردان و زنانی که خود را برای تولد تازه الهی تقدیم می دارند،
نشان می گذاریم.

از خداوند خود عیسی مسیح استدعا داریم
که ایشان را توانی از بهر شفا و پایداری عطا فرماید.

باشد که خداوند با این تدهین تجلی یابد،
و از تن، جان، و یا روح ایشان
تمامی آثار گناه و نادرستی،
یا اعمال شیطانی را بزداید.

باشد که با فیض خود
ایشان را آمرزش عطا نماید.
تا از گناه رهایی یافته
از بهر عدالت^{۱۹} زندگی کنند!
حال که با این تدهین آفرینش نوین یافته،
با این آب تطهیر گردیده و با این روح تجدید شده اند (تیط ۳:۵).
ازین پس قدرت آن یابند

۱۷- رجوع شود به تدهین دفع روح ناپاک در سنت هیپولیتوس فصل نهم.

۱۸- منظور کسانی هستند که پیرو مسیح می گردند.

۱۹- مقایسه شود با روم ۱۸:۶ - «و از گناه آزاد شده غلامان عدالت گشته اید». راز تعمید از بندگی گناه رهایی می بخشد اما نوایمانان را به بدمت جدیدی می گمارد که خدمت به عدالت است، خدمتی که قدوسیت را به ثمر می رساند و بر زندگی جاودان گشایش می یابد.

تا بر تمامی نیروهای دشمن که پیش رو دارند
و بر تمام نیرنگهای این روزگار غلبه نمایند.
باشد که آنها گردهم آمده و در اتحاد با رمة خداوند
و نجات دهنده ما عیسی مسیح درآیند.
باشد که با قدیسین در میراث موعود سهیم گردند.

از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
تا ابدالآباد!
آمین

۲۳ - نیایش پس از تدهین

ای نیکوکار آسمانی، که انسانها را محبت می نمایی،
ای نجات دهنده همه آنانی که به تو روی می آورند:

با این بنده خود مهربان باش
باشد که دست راست تو او را به تولد تازه هدایت کند.

باشد که تنها پسر مولودت، آن کلمه آسمانی،
او را به چشمه (تعمید) آورد.

باشد که این تولد تازه بزرگ داشته شود.
و فیض تو بی ثمر نگردد.

باشد که آن کلمه مقدس تو نزد وی،
و روح القدس تو به همراه وی باشد،
و تمام وسوسه ها را دفع کند.

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
تو را جلال و قدرت باد،
اکنون و تا ابدالآباد.
آمین

۲۴ - نیایش برای نوایمانان پس از تعمید

خدایا، ای خدای حقیقت و ای آفریدگار عالم،
ای خداوند سراسر خلقت،
بنده خود را که در این جاست از برکت خود سرشار گردان.
او را در نیروهای فرشتگان سهمیم دار
تا از این پس او که در فیض الهی و مؤثر تو
سهمیم گردیده است،
دیگر نه جسم بلکه روح باشد (یو ۳: ۶).
تا به انتها از بهر خود محفوظش دار،
ای آفریدگار تمام هستی،

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح.
از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد!
آمین

راز استواری در روح القدس

۲۵ - نیایش برای استواری یافتگان ۲۰

ای خدای نیروهای (آسمانی)،
یار و یاور هر جانی که به تو روی آورد
و خود را به دست پُر توان تنها پسر مولود تو بسپارد،
از تو تمنا داریم:
تا با نیروی الهی و نامرئی
خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح
از طریق این روغن، تأثیر الهی و آسمانی خود را ببخشی.

۲۰ - این نیایش تحت عنوان «نیایش بر روغن مخصوص تدهین پس از غسل تعمید» آمده است و منظور آشکارا تدهین بعد از غسل تعمید است که همراه با مراسم راز استواری انجام می‌گیرد. شخص نوایمان «زیر دست پر توان یگانه پسر خدا» قرار داده می‌شود بدین معنی که دستگذاری شده و «اثر و نشان صلیب نجات بخش» بر وی نهاده شده است.

آنان که تعمید یافته اند، تدهین می گردند،
و با مهر صلیب نجات بخش
تنها پسر مولودت (ممه‌ور می گردند).
با این صلیب، شیطان و تمام قدرتهای دشمن
شکست خورده و در صف اسرا،
به دنبال رژه پیروزمندان^{۲۱} کشیده می شوند.

باشد که اینان هم با آب تولد تازه
به حیات آمده، تازه گردند
و در عطایای روح القدس سهیم شوند.

باشد که اینان از مهری که بر ایشان نهاده شد
توان یافته «پایدار و بی تشویش» (۱-قرن ۱۵:۵۸) بمانند،
و مصون از هر یورش و غارت گردیده،
متحمل هیچ توهین و تجاوزی نشوند.

باشد که تا به انتها
در ایمان و شناخت حقیقت،
و در انتظار و امید زندگی آسمانی
و وعده‌های ازلی
خداوند و منجی ما عیسی مسیح زندگی کنند.

از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدآباد.
آمین

۲۱- این نماد پیروزی از رسوم دوران باستان گرفته شده است که طی آن غنایم و اسرای جنگی را به دنبال رژه پُر شکوه پیروزمندان در معرض نمایش عموم قرار می دادند. در ۱۵:۳ رساله به کولسیان هم به همین سمبل اشاره شده است که در ترجمه معاصر آن آمده است: «(مسیح) قدرتها و سلطه‌ها را از مظاهرشان عریان ساخته و در سان و رژه پیروزی خویش آنها را به معرض نمایش عموم آورده است».

نیایشهای مخصوص راز مرتبت یابی

۲۶- دستگذاری جهت اعطای مرتبت خادم کلیسا

- ای پدر تنها پسر مولود، که پسر خود را فرستادی و امور زمین را با حکمت ترتیب بخشیده‌ای.
- که دستورها و قوانین را به کلیسای خود از بهر منفعت و نجات رمه خویش بدادی.
- که اسقفان، پیران و خادمان را برای خدمت در کلیسای جامع خود، برگزیدی.
- که از طریق تنها پسر مولود خود هفت خادم برگزیدی و برحسب فیض خویش بدیشان روح القدس^{۲۲} ارزانی داشتی.
- (بنده خود را) که در این جاست نیز به مرتبت خادمی کلیسای جامع خود برنشان.
- به وی روح معرفت و تشخیص عنایت فرما تا بتواند در میان قوم مقدس در این مرتبت به طرز پاک و بی‌آلایش خدمتگزار باشد.

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد!
آمین

۲۷- دستگذاری جهت اعطای مرتبت پیروی

- ای خداوند، خدای آسمانها، پدر تنها پسر مولودت، اینک ما دستهای خود را بر این مرد برمی‌افزایم و از تو استدعا می‌کنیم:
- باشد که روح حقیقت در وی ساکن گردد.
- از طریق فیض خود، او را هوشمندی، معرفت و دلی مهربان عطا فرما.
- بگذار که روح الهی با وی باشد تا توان اداره قومت را بیابد، پیام آور سخنان الهی تو باشد و قوم را با تو، ای خدای جاودان، آشتی دهد.
- برحسب فیض خود، از طریق روح موسی، روح القدس را بر برگزیده نازل فرمودی: به این (مرد) نیز با روح تنها پسر مولودت، روح القدس را به صورت حکمت، معرفت و ایمان راستین عطا فرما تا بتواند با وجدانی پاک تو را خدمت نماید.

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد.
آمین

۲۸- دستگذاری جهت اعطای مرتبت اسقفی

- ای خدای راستی، تو که عیسای خداوند را برای بازخرید تمام جهان فرستادی،
- تو که از طریق او رسولان را برگزیده و از نسلی به نسلی اسقفان قدیس را به مرتبت اسقفی رسانده‌ای،
- این (بنده خود را) که اینک حاضر است در سلسلهٔ جانشینی رسولان، اسقفی زنده و مقدس بگردان.
- فیض آن روح الهی را که به همه خادمان راستین، انبیاء و پیشوایان قوم عطا فرموده بودی به وی نیز عطا فرما.

- او را سزاوار شبانی رمة خود ساز، باشد که در مرتبت اسقفی از ایراد و خطا به دور ماند.

از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح،
از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدآباد.
آمین

نیایشها برای بیماران و درگذشتگان

۲۹- نیایش بر روغن مخصوص بیماران، بر نان و آب

از تو استدعا می‌کنیم،
تو که صاحب تمام توان و قدرتی،
تو که «منجی جمیع آدمیان» هستی (۱- تیمو ۴:۹)،
پدر خداوند و منجی ما عیسی مسیح.

از تو تمنا داریم
از فراز آسمانها که تنها پسر مولودت (بر آنجا سلطنت می‌کند)،
توان شفا را بر این روغن بفرست.
تا در کسانی که این تدهین را دریافت می‌دارند
و این مواد مخلوق را به کار می‌برند،
«هر بیماری و کسالتی»^{۲۳} را دور نماید.

باشد که پادزهری در برابر هر روح پلید باشد،
ارواح خبیث را بیرون راند،
و هر روح شریر را دور نماید.
باشد که این تدهین هر تب، لرز و هر ضعف را ریشه کن ساخته
فیض نیک و آمرزش گناهان را به دست آورد.
که درمانی است برای حیات، نجات و سلامت
و کاملیت جان، تن و روح،
و کمال قوت.

باشد، خداوندا، که هر نیروی اهریمنی
هر روح پلید، هر توطئه شیطانی،
هر بلا و هر درد،
هر ضربه، هر صدمه و هر تیرگی
از نام مقدس تو و نام تنها پسر مولودت،
که به یاری می خوانیم هراسان باشند.
باشد که از درون و بیرون بندگان تو دور شوند
تا نام کسی مقدس خوانده شود
که از بهر ما مصلوب گردید،
و از میان مردگان برخاست،
و «دردها و ضعفهای ما را بر خود گرفت» (مت ۸: ۸)،
آن عیسی مسیح که خواهد آمد
«از بهر داروی زندگان و مردگان» (۲- تیمو ۴: ۱).

از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالابد.
آمین

۳۰- نیایش برای درگذشتگان

ای خدایی که بر حیات و مرگ قدرت داری،
«خدای روحهای انسانها و خداوند هر جسم» (اعد ۱۶: ۲۲)،
خدایی که مرگ و زندگی می دهی،
که «به دروازه های دوزخ می رسانی
و از آن جا باز می گردانی»،^{۲۴}

تو روح آدمی را در وی می آفرینی،
جانهای مقدسین را گرد هم آورده به آرامش می رسانی؛
تو تغییر میدهی، دگرگون می سازی
و هیئت مخلوقات را تجلی می بخشی،
برحسب آنچه عادلانه و مفید است.
تنها تویی که بی فساد و تغییر ناپذیر و جاودان هستی!

از بهر خواب و آرامش این مرد (یا: زن)، خدمتگزار تو،
تو را نیایش می کنیم.
جان و روح ایشان را تازه گردان،
در مرتع و در دیار آسایش^{۲۵}
با ابراهیم، اسحق، یعقوب و جمیع قدیسین.

این بدن را از مرگ برخیزان
به روزی که تو تعیین نموده ای
برحسب وعده های امین تو.
سهمی از میراثی که از آن اوست
در مرتع مقدس خود، وی را عطا فرما.

از خطاها و گناهایش یاد مکن.
عطا کن که مرگش آرام و متبارک باشد.

۲۴- اشاره ای به کتاب حکمت ۱۶: ۱۳.

۲۵- اشاره ای به مز ۲۳: ۲.

اندوه بازماندگان را
با روح تسلی بخش خود تسلی ده
و به همه ما پایانی خوش عطا فرما،
از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح.
از طریق او، تو را جلال و قدرت باد،
در روح القدس،
تا ابد الآباد.
آمین

پاپیروس استراسبورگ

(قرن چهارم یا پنجم میلادی)

اینک به زودی می آیم
و اجرت من با من است
تا هر کسی را به حسب اعمالش جزا دهم.

من هستم:

الف و یا

ابتدا و انتها

اول و آخر.

(مکا ۲۲: ۱۲-۱۳)

پاپيروس استراسبورگ

در کتابخانه ملی و دانشگاهی استراسبورگ تحت شماره (Gr ۲۵۴) قطعاتی از یک پاپيروس بسیار کهنه و نرسوده موجود است که بررسی محتوای آن بخشی از مراسم بزرگداشت آنافورای اسکندری منتسب به مرقس قدیس را بر ما روشن می‌دارد.

این نوشته متعلق به قرن چهارم یا پنجم است. آقایان آندریو (M. Andrieu) و کولوم (P. Collomp) در بررسی هایشان در مورد این سند، می‌نویسند: «تا کنون اطلاعی از آیین نیایشی مرقس قدیس در دست نبود مگر از روی آخرین نوشته‌ها. اما این پاپيروس شاید هفت یا هشت قرن از آنها قدیمی‌تر است، در واقع خود آن هم از سند قدیمی‌تر و دست‌کاری شده‌ای رونویسی شده و معرف متنی است حتی قدیمی‌تر از آن. لذا می‌توان، به دور از هر نوع جسارت پذیرفت که این نسخه مدون از آیین بزرگداشت یا آنافورای مرقس قدیس، در دوران آتاناسیوس قدیس نیز دست به دست می‌شده است.

* * *

مقدمه^۱

به راستی سزاوار و به حق است

تورا سرودن و بزرگ داشتن

تو را متبارک خواندن و شب و روز پرستیدن.

تو آسمانها و هر آنچه در آنهاست،

زمین و آنچه در آن است،

دریاها و رودخانه‌ها و تمام آنچه در آنهاست را آفریدی.

تو آدمی را به تصویر و شبیه خود آفریدی.

تو عالم را از طریق حکمت

و نور راستین خویش،

پسرت عیسی مسیح،

خداوند و منجی ما، آفریدی.

از طریق او و با او

و با روح القدس است

که ما به عنوان سپاسگزاری

۱- آن بخش‌ها از متن که ذیلاً با حروف مایل چاپ شده است منعکس کننده اصلاحات و اضافاتی است که بر اساس احتمالات مبتنی بر اسناد جدیدتر نسبت به متن پاپيروس انجام گرفته است.

این فدیة روحانی،
این قربانی غیر خونین را،
تقدیم تو می داریم.
که همه ملتها از شرق تا غرب و از شمال تا به جنوب
آن را به تو تقدیم می کنند،
زیرا نام تو در بین ملتها عظیم است
و در هر مکان بخور معطر به نام قدوس تو تقدیم می دارند،
هدیه ای پاک، یک قربانی و یک فدیة ...

نیایش شفاعت

ما از تو استدعا و التماس می کنیم:
کلیسای مقدس، یکتا و جامع خود، جمیع قوم و تمامی رمة خود به یاد آور.
:ر قلبهای همه ما استوار گردان آن صلحی را که از آسمان می آید، همچنین برحسب فیض خود صلح و آرامش
این زندگانی را به ما عطا فرما.
به پادشاه زمین این موهبت را ارزانی دار که (در دل خویش) از بهر ما و از برای نام قدوس تو، برای صلح
اندیشه کنند ...

خداوندا از تو تمنا داریم میوه های زمین را ، از برای کاشتن بذر و برداشت محصول نگه داری، به
خاطر نیازمندان قوم خود، و همه ما که نام تورا به یاری می طلبیم و همه آنانی که امیدشان به توست.
آنانی را که آرمیده اند (به یاد آور) و روحشان را آرامش عطا فرما.
آنانی را که ما امروز به خاطر می آوریم، آنانی را که نامشان را ذکر می کنیم و نیز آنانی را که نام ایشان را
نمی خوانیم به یاد آور ...

از پدران مقدس ما و از اسقفانی که در همه جا متعهد به اعلام و تعلیم ایمان راستین هستند، یاد آور.
ما را شریک و وارث ... در جمع پو جلال انبیاء، رسولان و شهدای مقدس خود گردان ...
از طریق خداوند و منجی ما.
از طریق او تورا جلال باد،
تا ابد الآباد. آمین

مراومه های رسولی

(مقارن سال ۳۸۰)

در آن شهر هیچ هیکلی ندیدم
 زیرا خداوند خدای قادر مطلق و بره
 هیکل آن است
 و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه
 آن را روشنائی دهد
 زیرا که جلال خدا آن را منور می سازد
 و چراغش بره است.
 (مکا ۲۱: ۲۲-۲۳)

مراومه های رسولی

مراومه های رسولی بزرگترین و مفصلترین مجموعه متون مربوط به آیین نیایشی و مقررات کلیسایی دوران اولیه می باشد. این مراومه ها حاوی فرمانهایی است که کلمنت پاپ روم^۱ احتمالاً از رسولان دریافت داشته و برای اسقفان و پیران ارسال نموده است. در واقع این فرمان جعلی است. زیرا مؤلف از مدارکی که بیش از وی وجود داشته استفاده کرده و اثر خود را تحت نام کلمنت معرفی نموده تا اعتبار بیشتری بدان بخشد.

در کتابهای ۱-۶، او به عنوان مرجع از کتاب آموزش رسولان^۲ استفاده کرده است. کتاب هفتم به دو بخش، تقسیم می گردد. بخش نخست آن آموزش رسولان را بسط داده و بخش دوم ندوین برخی نیایشهای کهن به صورت یک نیایش نامه (یوکولوجیا، *eucologia) است. منبع کتاب هشتم، سنت رسولی هیپولیتوس رومی^۳ و حاوی دستورالعمل هایی جهت اعطای مراتب کلیسایی می باشد. این کتاب جالبترین بخش این مجموعه است زیرا مؤلف آن نیایش های مربوط به آیین سپاس، معروف به آیین نیایش کلمنتی را در بین نیایشهای مربوط به مراسم تقدیس اسقف گنجانیده است. این اثر مقارن سال ۳۸۰ در سوریه یا در قسطنطنیه نوشته شده است.

اصالت و خلوص اعتقادات مؤلف به طور کلی دور از تردید نیست. برخی دستورالعملهای مندرج در آن متأثر از آیین آریانیسم است. به همین دلیل این اثر توسط شورای اسقفی (In Trullo) (۶۹۱-۶۹۲) به عنوان «تحریف شده به دست ملحدان» محکوم گردیده و تأثیر مشخصی در تاریخ کلیسا بر جای نگذاشته است. اگر این تحریفات را که به سهولت قابل تشخیص نیز هست به کنار نهیم، این اثر همچنان به عنوان یکی از شواهد آیین نیایش قرن چهارم ارزش خود را حفظ می نماید.

در این جا عمدتاً نیایش نامه، از کتاب هفتم و برپایی مراسم شام خداوند معروف به کلمنتین، از کتاب هشتم انتخاب شده است.

* * *

۱- درباره کلمنت رومی به فصل پنجم این کتاب رجوع شود.

۲- به فصل یازدهم این کتاب رجوع شود.

۳- به فصل نهم این کتاب رجوع شود.

نیایش های گوناگون

روز خداوندی

در روز رستاخیز خداوند که آن را روز خداوند می نامیم، همگی گرد هم آییم تا خدا را به خاطر همه نعمتهایی که از طریق مسیح و با رهایی ما از بندهای جهالت و خطا بر ما انباشته است، سپاس گوئیم^۴ و متبارک خوانیم.

باشد که قربانی شما پاک و مورد پسند خدا واقع گردد که دربارهٔ کلیسای جهانی خود گفته است:

«در هر مکان به من تقدیم خواهند داشت

بخور و فدیۀ طاهر،

زیرا من پادشاهی بزرگم،

خداوند قادر مطلق می گوید،

و نام من در بین ملتها، عجیب است» (ملا: ۱۱، ۱۴).

(کتاب هفتم ۳۰: ۱-۲)

منجی جاودانی ما

منجی جاودانی ما و پادشاه خدایان،

که تنها، قادر متعال و خداوند است،

خدای تمام عالم،

خدای پدران مقدس و بی عیب ما

که پیش از ما رفته اند،

خدای ابراهیم، اسحق و یعقوب،

رحیم و دلسوز،

شکیبا و سرشار از رحمت.^۵

در برابر تو هر قلبی عریان می شود

و هر اندیشهٔ مخفی آشکار می گردد.

جانهای عادلان به سوی تو فریاد برمی آورند،

امید و اعتماد قدیسین در تو است.

ای پدر آنانی که به دور از سرزنش اند،

تو به آنانی که با راستی

نامت را می خوانند گوش فرا می دهی،

۴- فعلی که در نسخهٔ اصلی به کار رفته است یعنی eucharistein به معنای بزرگداشت راز نان و جام می باشد که این بزرگداشت در کلیسا به منزلهٔ مهمترین قربانی شکر و سپاس است.
۵- خروج ۶: ۳۴-۷ و یول ۱۳: ۲

تو حتی تمناهای خاموش را می شنوی.
که مال اندیشی تو به راستی به دل هر انسان راه می یابد
و معرفت تو اندیشه هر کس را می کاود.
در تمامی پهنه های زمین،
بخور نیایشها و التماسها
به سوی تو بالا می رود!

تو این جهان را عرصه ای ساختی
بهر عدالت (که ما در آن مبارزه می کنیم)^۶
اما در رحمت را بر همگان گشوده ای.
به هر انسانی نشان داده ای،
با معرفت ذاتی، با داوری طبیعی
و با اعلام شریعت،
که تملک ثروت، جاودانی نیست،
درخشش زیبایی دیری نپاید،
قوت و توانایی منحل می گردد
و همه چیز دود و باطل است.^۷

فقط وقوف به ایمانی پاک برجای می ماند
که به همراه حقیقت تا به اعماق آسمان نفوذ می کند
و شادی های آینده را مالک می شود.
و حتی پیش از آن که به فیض رستاخیز،
و عده یک تولد نوین به روح داده شود،
روح در شادی امید به وجد می آید.

زیرا از ابتدا وقتی پدرمان ابراهیم
در راه حقیقت گام برداشت،
تو با مکشوف کردن خویشتن

۶- اشاره به ۱-قرن ۹:۲۴-۲۵ که پولس قدیس در آن جا وضعیت مسیحیان را با مسابقه دو در ورزشگاه مقایسه می کند.

۷- اشاره به جامعه ۲:۱

وی را راهنمایی کردی
و واقعیت این روزگار را به وی آموختی.
ایمان او بر معرفتش پیشی گرفت،
و عهد مقدس همراه ایمانش بود.
زیرا تو به وی گفتی:
«ذریت تو را کثیر سازم
مانند ستارگان آسمان
و مثل ریگهایی که بر کنار دریاست». (پید ۱۳:۱۶؛ ۱۷:۲۲)

همچنین اسحق را به وی دادی،
که رفتارش برحسب نقشه تو
می بایستی مانند رفتار پدرش می بود.
تو خود را خدای او اعلام نموده گفتی:
«من خدای تو خواهم بود
و خدای ذریت تو بعد از تو». (پید ۱۷:۱۹)

باز همچنین وقتی پدر ما یعقوب
به مقصد بین النهرین به راه افتاد
با نشان دادن مسیح وی را گفتی:
«اینک من با تو هستم
ذریت تو را کثیر و افزون گردانم». (پید ۲۶:۳؛ ۱۷:۷)

همچنین به موسی خادم وفادارت،
در رؤیای بوتۀ شعله ور گفتی:
«هستم آن که هستم.
این است نام من، تا ابدالآباد
و این است یادگاری من نسلًا بعد نسل» (خروج ۳:۱۴، ۱۵).

ای مدافع ذریت ابراهیم،
مبارک باشی در هر زمان!
(کتاب هفتم؛ ۳۳:۲-۷)

تو را سپاس می گوئیم
ای خدای قادر متعال تو را سپاس می گوئیم
از بهر همه نعمت هایت.
تو نیکوئی ها و رحمت های خویش را
از ما به دور نداشته ای،
اما نسلاً بعد نسل، نجات می بخشی
و به یاری ما می آیی،
و حمایت می کنی ...

به خاطر همه نعمتهایت (ای پدر)
تو را جلال و حرمت باد
از طریق عیسی مسیح
اکنون و همواره تا ابد الآباد!
آمین.
(کتاب هفتم، ۳۸: ۱، ۸)

اقرار ایمان توسط نوایمانان آینده
من ایمان دارم و تعمید یافته ام در
آن یکتای ازلی^۸، تنها خدای حقیقی و قادر متعال، پدر مسیح
که جهان را آفرید و همه چیز از او می آید.
و در عیسی مسیح، خداوند، تنها پسر مولود او، «نخست زاده تمامی آفریدگان» (کول ۱: ۱۵)،
که پیش از زمان به میل پدرمولود شده و آفریده نشده است،
که از طریق او همه چیز هستی یافت، چه آنهایی که در آسمانها و چه آنهایی که بر زمین هستند، دیدنی و
نادیدنی،

در زمانهای آخر، از آسمان فرود آمد، تن گرفت و از مریم باکره و قدیس زاده شد،
در قدوسیت و بر طبق قانون خدا و پدرش زندگی کرد،
در حکومت پنطیوس پیلاتس مصلوب گردید و از بهر ما بمرد.
و پس از رنج و مرگش به روز سوم از مردگان برخاست،
به آسمان بر شد و به راست پدر نشسته است،

۸- واژه اصلی یونانی، agennetos همان مفهوم مولود نشده را دارد.

در پایان زمان، با جلال بازخواهد گشت تا زندگان و مردگان را داوری کند. و ملکوت او را پایانی نخواهد بود.

من در روح القدس نیز تعمید می‌یابم که همان پراکلیتوس است که از ابتدای عالم تمامی قدیسین را یاری می‌بخشد،

و پدر، او را بر طبق وعده منجی و خداوند ما عیسی مسیح فرستاد، ابتدا به رسولان و سپس به همه آنانی که به کلیسای مقدس، جامع و رسولی،
به رستاخیز جسم،
به آموزش گناهان،
به ملکوت آسمان و به زندگی زمان آینده ایمان دارند.

(کتاب هفتم، ۴۱: ۴-۸)

راز استواری^۹

نیایش تدهین

وقتی (اسقف) تعمید را به نام پدر، پسر و روح القدس به جای آورد، روغن مقدس بر پیشانی (نوگرونده) مالیده می‌گوید:

ای خداوند خدای خلق نشده و بی‌همتا

خداوند همه چیز،

که عطر شیرین معرفت بر انجیل را:

بین همه ملتها پخش کرده‌ای،

باشد که این روغن از بهر این تعمید گیرنده مؤثر افتد.

تا از طریق این روغن عطر مسیح

در وی استوار و پایدار باقی ماند.

و کسی را که با عیسی مرده است است

از مرگ بر خیزاند و حیات بخشد!

(کتاب هفتم، ۴۴: ۱-۲)

۹- همان‌طور که در سنت رسولی هیپولیتوس آمده است، مراسم استواری بلافاصله بعد از تعمید می‌آید.

ای پدر ما

سپس (آن نوایمان) باید بر پا ایستاده نیایشی را که خداوند به ما آموخته است بخواند.

(کتاب هفتم، ۱:۴۵)

مراسم نیایش

آن کس که رستاخیز نموده است^{۱۰} ایستاده نیایش کند زیرا وقتی رستاخیز می نماید بر پا می ایستد. آن کس که با مسیح مرده و با وی از مرگ رستاخیز نموده ایستاده خواهد بود. باید رو به مشرق نیایش کند. زیرا در کتاب دوم تواریخ نوشته شده است: وقتی سلیمان از کار ساختمان معبد خداوند آسود، به هنگام تقدیس معبد، کاهنان، لایوان و سرود خوانان، با دف و سنج و عود، رو به مشرق ستایش می کردند، نیایش برکت به جا می آوردند و سرود می خواندند:

«خداوند را ستایش کنید، زیرا او نیکوست،

زیرا رحمت وی جاودانی است.»^{۱۱}

(کتاب هفتم، ۱:۴۵-۲)

نیایش کسی که استواری یافته است

پس از نخستین نیایش، او باید بگوید:

خدای قادر متعال،

پدر مسیح تو، تنها پسر مولودت،

مرا تنی پاک و قلبی بی آرایش،

روحي بیدار، معرفتی بری از گناه عطا فرما.

باشد که روح القدس بیاید

تا حقیقت را به دست آورم و با استواری به آن ایمان داشته باشم.

از طریق مسیح تو.

از طریق او، تو را جلال باد، در روح القدس،

تا ابد الآباد!

آمین.

(کتاب هفتم، ۳:۴۵)

۱۰- به معنای شخص تازه تعمید یافته می باشد.

۱۱- اشاره به کتاب ۲-توا ۵:۱۲-۱۳. مؤلف مرانامه ها در این متن دخل و تصرفی می کند زیرا در آنجا صرفاً گفته شده است که سرایندگان لای «به طرف مشرق مذبح ایستاده بودند» اما این جهت مشرق در انجام نیایش در قرون اولیه مسیحیت جنبه سنتی داشته است.

خدا را در اعلیٰ علیین جلال باد

نیایش بامدادان

خدا را در اعلیٰ علیین جلال باد^{۱۲}

و بر زمین سلامتی،

بر آدمیان رضامندی (خدا)!

تو را می‌سراییم، تو را ستایش می‌کنیم،

تو را متبارک می‌خوانیم، تو را جلال می‌دهیم،

و از طریق کاهن بزرگ تو، تو را پرستش می‌کنیم،

تو خدای یکتا که از ازل بوده‌ای،

تو یگانه دست نیافتنی،

به خاطر جلال بی‌کرانت

ای خداوند، پادشاه آسمان،

خدای پدر قادر متعال!

خداوند خدا، پدر مسیح،

بره پاکی که گناهان جهان را بر می‌دارد،

نیایش ما را بپذیر

«تو که بر فراز کروبیان هستی» (مز: ۸۰: ۲).

زیرا تنها تو قدوسی،

تو تنها عیسای خداوندی،

مسیح خدای جهان مخلوق،

و پادشاه ما.

از طریق او، تو را جلال و افتخار و پرستش باد.

(کتاب هفتم ۴۷)

۱۲- مؤلف مرامنامه‌های رسولی در متن سرود جلال دست برده است تا الهیات آمیخته به آریانیسم خود را منعکس سازد و آن سرود را به سرودی نطاب به خدای پدر مبذل ساخته است. همچنین درخور توجه است که در مرامنامه‌های رسولی در نقل از لو ۱۴: ۲ («خدا را در اعلیٰ علیین جلال باد») دنباله‌آن یعنی «... و بر زمین سلامتی در میان مردم رضامندی (او) باد»، حفظ نشده بلکه با عبارتی در سه سطر جایگزین گردیده است که پاره‌ای از نسخ خطی و ترجمه‌های دیگر نیز گواه بر این عبارت هستند.

ای فرزندان خداوند را ستایش کنید

نیایش شامگاهان ۱۳

ای فرزندان، خداوند را بستایید،
نام خداوند را بستایید!

تو را ستایش می کنیم،
تو را با سرودها بزرگ می داریم،
تو را به خاطر جلال بی کرانت متبارک می خوانیم،
ای خداوند پادشاه، پدر مسیح،
آن بره بی عیب که گناهان جهان را بر می دارد.

ستایش تو راست،
سرودها تو راست،
جلال تو راست
خدا و پدر،
از طریق پسر، در روح القدس،
تا ابد الآباد!
آمین.

اکنون، ای خداوند بگذار که بنده ات،
بر حسب کلام تو به صلح و آرامش برود.
زیرا چشمان من نجات تو را
که در نظر امتهای فراهم آورده ای دیده است،
نوری از بهر منور کردن ملتها
و جلال قوم تو، بنی اسرائیل.

(کتاب هفتم، ۱:۴۸ و ۴)

متبارك باشی ای خداوند

برکت برای غذا

متبارك باشی ای خداوند،
که مرا از آغا جوانی ام تغذیه می کنی
و به همه جانداران خوراک می دهی.

قلب ما را مملو از شادی و سرور ساز
تا مایحتاج خود را همواره داشته باشیم
و از کار نیک سرشار گردیم^{۱۴}
در عیسی مسیح، خداوند ما.

از طریق او، تو را جلال، افتخار و قدرت باد.
تا ابدالآباد!

آمین.

(کتاب هفتم ۴۹)

آیین نیایش شام خداوند *Mass

بخش اول: نیایشها^{۱۵}

آیین نیایش حق جویان

نیایش مناجات برای حق جویان

خادم جویندگان را برای نیایش فرا می خواند

آنگاه همه ایمانداران از صمیم قلب برای جویندگان تعمید نیایش کرده می گویند:

«خداوندا بر ما ترحم فرما!» خادم نیز برای آنان این چنین نیایش کند:

بیایید مشتاقانه برای حق جویان نیایش کنیم!

باشد که آن قدوسی که نیکوست و آدمیان را دوست می دارد با مساعدت به نیایشها و التماسهای آنان گوش فرا دهد، خواهشهای ایشان را بپذیرد، یاری خود را به ایشان عطا فرماید و آرزوهای قلبی آنها را بهر خیرشان اجابت نماید. باشد که انجیل مسیح خود را بر آنان مکشوف سازد، آنها را منور و استوار گرداند، و با دانش الهی خود آموزش دهد.

باشد که احکام و دستورات خود را به ایشان تعلیم دهد و ترس پاک و نجات بخش از خود را در ایشان بنهد.

باشد که گوشهای دلشان را بگشاید تا درباره احکام وی روز و شب تعمق و اندیشه کنند.

باشد که ایشان را در پارسایی استوار نماید، آنها را متحد گرداند و به رمه مقدس خود ملحق سازد.

باشد که آنها را سزاوار غسل زندگانی نوین و جامه جاودانگی و حیات راستین داند.

باشد که آنها را از هر ناپاکی برهاند تا دشمن نتواند بر ایشان حمله برد و «باشد که آنها را از هر ناپاکی جسم و روح طاهر بسازد» (۲-قرن ۷:۱).

باشد که در میان ایشان ساکن گردد و راه رود» (۲-قرن ۶:۱۶)، و از طریق مسیحش «آمد و رفت آنها را

متبارک گرداند» (مز ۱۲۱:۸) و نقشه های ایشان را بهر خیرشان به ثمر رساند.

ز ته دل تمنا کنیم تا آنها به آموزش گناهان دست یابند و - با وارد شدن به راز تعمید، - شایسته رازهای مقدس و جامعه مقدسین گردند.

ی حق جویان، برخیزید. صلح خداوندی را از طریق مسیح وی بطلبید، باشد که روزهای شما و نیز عمر شما

مشحون از این صلح و مصون از گناه باشد. (طالب) مرگی مسیحی، ترحم و مساعدت خدا و آموزش

گناهان باشید. خود را به یگانه خدای ازلی از طریق مسیح وی بسپارید. سرهای خود را خم نمایید و

برکت را دریافت دارید. به هر خواهشی که خادم اعلام کند مردم و به خصوص جوانان همان گونه که گفتیم

پاسخ دهند: «خداوندا بر ما ترحم فرما»

(کتاب هشتم، ۶، ۳-۹)

برکت دادن حق جویان

در حالی که حق جویان سرهای خود را خم می کنند، اسقف این برکت را بر ایشان می خواند:
ای خدای قادر مطلق، خلق ناشده و دست نیافتنی،
تو تنها خدای حقیقی،
خدا و پدر مسیح تو، تنها پسر مولودت،
خدای پرا کلیتوس و خداوند همه چیز
که شاگردان خود را

معلمان آموزش حقیقت مقرر داشتی،
اکنون چشمان خود را بر بندگان خود
که در انجیل مسیح تو آموزش یافته اند، بگردان.

بدیشان «قلبی نوین عطا فرما
و در سینه ایشان روحی راست احیا کن». (مز ۵۱:۱۲)
تا تو را بشناسند
و اراده تو را به جای آرند،
«با دل و جان و با کمال میل». (۲- مک ۱:۳)

آنها را به کلیسای مقدس خود پیوند ده،
آنها را عنایت فرما تا در رازهای الهی تو سهیم گردند.
از طریق عیسی مسیح، امید ما،
که از بهر آنان جان سپرد.
از طریق او، تو را جلال و پرستش باد،
در روح القدس،
تا ابد الابد!
آمین.

(کتاب هشتم ۶: ۱۰-۱۳)

مرخص کردن حق جویان

سپس خادم می گوید: «حق جویان، به سلامت بروید!»
(کتاب هشتم ۶: ۱۴)

نیایش مناجات برای ایمانداران^{۱۶}

خادم باز می گوید: هیچ کس اگر حق آن را ندارد نزدیک نیاید! ما همه ایمانداران زانو زنییم. خدا را از طریق مسیح او نیایش کنیم و همه با هم مشتاقانه از خدا، از طریق مسیح او، استدعا نمائیم.

برای صلح و آرامش جهان و کلیساهای مقدس. باشد که خدای هستی ما را صلحی دائم و پایدار عطا فرماید، ما را ثابت قدم گرداند و در تقوای کامل از طریق عبادت نگاه دارد.

رای کلیسای مقدس جامع و رسولی که در سراسر جهان گسترده است. باشد که خداوند آن را از هر آشفتگی و لاطم امواج محفوظ دارد. باشد که (از این کلیسا) که بر صخره ای پایه گذاری شده، تا پایان زمان حمایت کند.

برای این حوزه مقدس کلیسایی. باشد که خداوند عالم ما را سزاوار آن داند تا امید تعالی وی را استوارانه به دست آوریم و فدیة دائم نیایش را به او تقدیم داریم.

رای جمیع اسقفانی که در نقاط مختلف جهان «کلام خدا را به خوبی منتشر می کنند» (۲- تیمو: ۲: ۱۵). همچنین نیایش کنیم برای اسقفان خود، یعقوب، کلمنت، اوودیوس و آنانیوس و حوزه های کلیسایی ایشان. باشد که خدای رحمتها آنان را از بهر کلیساهای مقدس ایشان در سلامتی و افتخار نگاه دارد و به آنها عمری طولانی و دوران پیری پر افتخاری در پارسایی و عدالت عطا فرماید.

رای پیران خود. باشد که خداوند ایشان را از هر سرافکنندگی مصون دارد و به ایشان کهانتی کامل و محترم عطا فرماید.

رای همه خادمان و خدمتگزاران مسیح. خداوند عنایت فرماید که ایشان بدون هیچ کوتاهی وی را خدمت نمایند.

رای خوانندگان متون مقدس، سرود خوانان، باکره ها، بیوه زنان، یتیمان، برای آنان که در پیوند ازدواج به سر می برند و برای کودکانشان. باشد که خداوند همه ایشان را مورد رحمت خود قرار دهد.

رای پرهیزکاران، برای کسانی که زندگانی را در عصمت و تقوی به سر می برند.

رای کسانی که در کلیسای مقدس، هدایا تقدیم می دارند و به فقراء صدقه می دهند.

رای آنان که هدایا و نوبیر میوه های خود را به خداوند خدای ما تقدیم می دارند، باشد که خدای مهربان پاداش ایشان را با نعمتهای آسمانی خود عطا فرماید و صد برابر در این جهان و در زندگی ابدی در دنیای آینده به آنان مرحمت دارد، نعمتهای جاودانی در عوض نعمت های دنیوی، نعمت های آسمانی در عوض نعمتهای زمینی. برای برادران خود که به تازگی تعمید دریافت داشته اند. باشد که خداوند ایشان را پایدار و قوی سازد.

رای برادران ما که از بیماری رنج می برند. باشد که خداوند ایشان را از هر ناتوانی و هر کسالتی برهاند و صحیح و سالم به کلیسای مقدس خود باز گرداند.

۱۶- پس از اقامه نیایش از بهر جویندگان تعمید، جماعت کلیسا برای کسانی که درچنگال شریر اسیر بودند (مرامنامه های رسولی، کتاب هشتم-۷) و نیز از بهر نوایمانان آینده (کتاب هشتم-۸) و آنهایی که مکلف به ابراز ندامت در حضور عموم بودند (کتاب هشتم-۹) و بالاخره برای خود ایمانداران (کتاب هشتم-۱۰) نیایش می کردند.

رای آنان که بر دریا و خشکی و در سفرند و نیز برای آنان که به کار در معادن، به تبعید، به زندان و به زنجیر محکومند. نیایش کنیم برای آنان که زیر فشار بردگی، در رنجند.

برای دشمنان خود. نیایش کنیم برای آنانی که ما را به خاطر نام خداوند مورد نفرت و تعقیب و آزار قرار می دهند. باشد که خداوند خشم ایشان را فرو نشاند و کینه ایشان را نسبت به ما پراکنده سازد.

رای آنان که در خارج (از کلیسا) و سرگردانند. باشد که خداوند آنها را به راه خود بازگرداند.

نودکان کلیسا. باشد که خداوند ایشان را ترسی کامل عطا فرماید و بالغ گرداند.

برای یکدیگر. باشد که خداوند با فیض خود ما را محفوظ دارد، ما را تا به آخر مصون دارد، ما را از هر بدی و شرارت و «فضاحت‌های همه بدکاران» (مز ۱۴۱:۹) رهایی بخشد و به ملکوت آسمانی خویش هدایت کند.

نیایش کنیم برای هر نفس مسیحی.

خدایا ما را در رحمت خود نجات ده و بر خیزان.

برخیزیم. از دل و جان برای یکدیگر نیایش کنیم و خود را از طریق مسیح به خدای حی بسپاریم.

(کتاب هشتم. ۱۰:۱-۲۲)

نیایش اسقف از برای ایمانداران

اسقف سپس نیایش زیر را می خواند:

ای خداوند قادر مطلق،
 که متعال و در اعلی علیین ساکن هستی،
 قدوسی که در میان قدیسین ساکنی،^{۱۷}
 که آغاز نداشته، و یگانه خداوندی،
 که از طریق مسیح ما را پیغام داده ای
 که ما را بر جلال و نام خود معرفت می بخشی،
 که بر فراست ما به وسیله او مکشوف نمودی:^{۱۸}

از طریق او اکنون نظرت را
 بر رمة خود در این جا بگردان.
 ایشان را از تمامی جهالت و خطا برهان.
 ایشان را موهبتی عطا فرما که در برابر تو در ترس باشند^{۱۹}،
 تو را با محبت دوست بدارند،
 و چهره پر جلال را حرمت نهند.

۱۷- اش ۱۵:۵۷ به نقل از کتاب هفتاد تنان.
 ۱۸- این قسمت از متن معشوش است. برگردان کلمه به کلمه آن چنین است: «به واسطه مسیح تو به ما پیام معرفت داده ای برای معرفتی عمیق به جلال و نام تو که وی (مسیح) برای درک بر ما نمایان ساخته است».
 ۱۹- ترجمه کلمه به کلمه: «به ترس از تو ترسان باشند».

نسبت بدیشان بخشنده و مهربان باش،
نیایش ایشان را اجابت فرما،
ایشان را در ثبات تزلزل ناپذیری نگاهدار،
تا به جسم و جان مقدس باشند،
«که لکه و چین یا هیچ چیز مثل آن نداشته باشد». (افس:۵:۲۷).
از سرنوشت خوبی برخوردار باشند،
و هیچ یک از ایشان ضعیف و ناقص نباشند.
ای مدافع توانا، که کسی را بر دیگری برتری نمی دهی،
به یاری قوم خود در این جا، بشتاب.
تو ایشان را از میان اقوام بی شمار برگزیده ای،
ایشان را به خون گرانهای مسیح خود بازخرید نموده ای.

تو خداوند، مددکار، حامی،
محافظ، دژی مطمئن و حصاری محکم هستی،
زیرا «هیچکس نمی تواند چیزی از دست تو بیرون کشد» (یو:۱۰:۲۹).
خدای دیگری شبیه تو وجود ندارد؛
«امید ما بر تو استوار است» (مز:۶۲:۶).

«ایشان را در راستی تقدیس فرما،
زیرا کلام تو راستی است» (یو:۱۷:۱۷)
تو که فراتر از هر ظلم،
فراتر از هر خطایی.

ایشان را از هر ضعف و کسالتی،
از هر خطا، افترا و از هر اشتباهی برهان،
«از ترس از دشمن،
از تیری که در روز می پرد،
از طاعونی که در تاریکی می خرامد» (مز:۹۱:۵-۶).
ایشان را برای زندگی جاودان
در مسیح تو و تنها پسر مولودت،
خدا و منجی ما، لایق گردان.

از طریق او، تو را جلال و حرمت باد،
در روح القدس،
اکنون و تا ابدالآباد!
آمین.
(کتاب هشتم، ۱۱: ۱-۶)

بخش دوم: بزرگداشت آیین سپاس

بوسه صلح ۲۰

سپس خادم می گوید: «هوشیار باشیم.»
آنگاه اسقف به جماعت سلام کرده می گوید: «آرامش خداوند با همه شما باد.»
جماعت پاسخ می دهند: «و با روح تو نیز.»
خادم می گوید: «یکدیگر را با بوسه ای مقدسانه سلام دهید.»
آنگاه روحانیون با اسقف، غیر روحانیون با یکدیگر و زنان با زنان بوسه صلح رد و بدل می نمایند.
(کتاب هشتم، ۱۱: ۷-۹)

آنافورا

ندای استقبال

آنگاه اسقف در میان پیران، در حالی که ردای مجلل بر تن دارد، در برابر قربانگاه ایستاده نیایش را آغاز می کند. با دست نشان پیروزمند صلیب را بر پیشانی خود کشیده و می گوید: «فیض خدای قادر مطلق، محبت خداوند ما عیسی مسیح و مشارکت روح القدس با جمیع شما باد!» (۲-قرن ۱۳: ۱۳)
جماعت یک صدا پاسخ می دهند: «و با روح تو نیز»
اسقف: «روح خود را برافرازیم!»
جماعت: «به سوی خداوند برافراشته است!»
اسقف: «خداوند را سپاس گوئیم!»
جماعت: «سزاوار و برحق است.»
(کتاب هشتم ۱۲: ۴-۵)

۲۰- به طوری که در تعلیمات دینی سیریل اورشلیم نیز آمده است (رجوع شود به فصل هفده این کتاب)، مراسم بوسه صلح قبل از آیین برافرازی (آنافورا) انجام می گیرد. اما طبق گواهی آگوستین قدیس، در غرب مراسم بوسه صلح بعد از نیایش ای پدر ما انجام می گرفته است. ترتیب رسوم در مشرق قدیمی تر به نظر می رسد.

سیاسگزاری

این نیایش مقدماتی طولانی در نوشته های آیین نیایشی کهن به سبب غنای روابط آن با کتاب مقدس موقعیت منحصر به فرد دارد.

این نیایش به وسیله آوای قدوس به دو بخش تقسیم می گردد. بخش نخست متأثر و ملهم از **سِدِرْ آبودا** (Seder Abodah) از آیین نیایشی یهود کپپور (kippur) است که به سه بخش، تقسیم می شود. ۱: ستایش خدا و فضائل بی کرانش. ۲: ستایش خدا در آفرینش. ۳: ستایش خدا در تاریخ قوم بنی اسرائیل. موضوع بخش دوم ستایش اعمال مسیح در عهد جدید است. بدین ترتیب همه اعمال آفرینش و تمامی تاریخ بشر به کمال نهایی خود می رسند و با قربانی مسیح و انجام آیین سپاس به عبارتی تاجگذاری می گردند. لذا ل. لیژی (L. Ligier) به حق خاطر نشان ساخته است که این نیایش مقدماتی بیشتر نیایش یادبود است که یادآور تمامی اعمال خداست و به همین عنوان نقش ابراز ایمان را نیز ایفا می کند. زیرا مسلم است که هر بزرگداشتی که ارای آنافورائی بدین گستردگی باشد، نیازی به اقرار ایمان جداگانه ندارد.

طولانی بودن این بخش موجب بروز این تردید گشته است که آیا صرفاً منعکس کننده یک آیین نیایش خیلی است که بدون رجوع به جماعتی واقعی تدوین شده و یا این که در واقع با حفظ تمام گستردگی در بزرگداشت راز نان و جام به کار می رفته است؟

ارائه جوابی قاطع به این پرسش غیرممکن است. معهذا باید خاطر نشان ساخت که توجه مصرانه ای که در این نیایش بر امر کهنانت معطوف می شود این تصور را ایجاد کرده است که احتمالاً این آیین نیایش در مراسم به مرتبت رساندن اسقفان به کار برده می شده است.

ستایش خدا برای ذات تعالی وی

اسقف چنین ادامه می دهد: به راستی سزاوار و به حق است قبل از هر چیز تو را ستودن، تو تنها خدای حقیقی که پیش از آفرینش وجود داری، که از تو «هر خانواده در آسمان و بر زمین منشأ می گیرد» (افس ۳: ۱۵).

تنها تو جاویدی، از ازل پادشاه و سلطانی، که تو را همتایی نیست. تو به هیچ چیز نیاز نداری، تو دهنده همه نیکوئیاها، برتر از هر قاعده و هر آفرینشی، تو جاودانه و تغییر ناپذیری. همه چیز از توست، آنچه به هستی آید از تو منشأ می گیرد، تو دانش بی آغاز، و رویائی بی انتها، درک ابدی، و حکمت ذاتی هستی. تو طبیعتاً اولین هستی، تو یگانه و فراتر از هر اندازه ای. تو همه چیز را از نیستی به هستی فراخوانده ای، از طریق تنها پسر مولودت که او را پیش از همه اعصار با اراده، توان و نیکوئی خاص خود مولود نموده ای. اوست آن تنها پسر مولود، کلمه خدا، حکمت زنده و «نخست زاده تمامی آفریدگان» (کول ۱: ۱۵) و پیام آور مشیت شگفت آور تو و کاهن اعظم تو. پادشاه و خداوند همه مخلوقات ذیروح و صاحب ضمیر آگاه. «او قبل از همه است و در او همه چیز قیام دارد» (کول ۱: ۱۷).

ستایش خدا در آفرینش

از طریق اوست که ای خدای جاودان، تو همه چیز آفریده ای و از طریق اوست که بر حسب اراده مدبرانه خویش همه چیز را در مداقت خود نگاه می داری. از طریق او تو فیض هستی را بخشیده ای و از طریق اوست که موهبت وجود در نیکی را عطا فرموده ای. ای خدا و پدر تنها پسر مولودت، از طریق اوست که تو نخست کروبیان و سرافیان، اعصار، لشکرها، قدرتها، مقامات، سلطنتها و عرشها، ملائک مقرب و فرشتگان را بیافریدی.

از طریق او دنیای مرئی و هر آنچه در آن هست آفریدی. آسمان را به سان گنبدی نصب و آن را چون خیمه ای پهن کرده ای. (اش ۴۰:۲۲) تو زمین را تنها به اراده خود، بر خلأ مستقر و افلاک را ثابت گردانیدی. روز و شب را تو آفریدی. نور را از گنجینه خود بیرون کشیدی و وقتی نور پای به عقب می کشد اریکی را می فرستی تا موجودات زنده که بر زمین می گردند استراحت کنند. تو در فلک نهادی: خورشید را تا بر روز و ماه را تا بر شب حکومت رانند و همراه با گروه ستارگان در آسمان، جلال تو را بسرایند. تو آب را برای رفع تشنگی و ایجاد پاکی و هوای جان بخش را برای تنفس و سخن گفتن به هنگامی که زبان بر هوا ضربه می زند و نیز برای کمک به شنیدن، بیافریدی.

تو آتش را بیافریدی تا ما را در تاریکی تسلی بخشد، و به یاری نیازهای ما آید، تا ما را گرم نماید و روشنایی بخشد.

تو دریای بی کران را از خشکی جدا کردی. دریا را قابل کشتیرانی و زمین را زیر پای ما مقاوم ساختی. دریا را از موجودات زنده بزرگ و کوچک (مز ۱۰۴:۲۵) و زمین را از حیوانات اهلی و وحشی پر نمودی، آن را از درختان گوناگون بیاراستی، آن را با گیاهان پوشاندی و گلها را چون تاجی بر سر آن نهادی و آن را با بذر غنی ساختی.

تو، هاویه را حفر کردی و دره های مهیب پیرامون آن نهادی، اقیانوس پهناور را با شنهای ساحل مسدود کردی (ایوب ۳۸:۸). گاه آن را تا به قله کوهها بر می افزای، و گاه آن را چون دشتی هموار می گسترانی، تو آن را با گسیختن طوفان متلاطم می سازی و یا برای گذر آسوده کشتی رانان آرام گردانی. جهانی را که از طریق مسیح آفریده ای با رودخانه های بزرگت چون کمربندی احاطه گردانیده و به وسیله مسیلهای شیارهای بسیار در آن انداختی، آن را با چشمه های تمام ناشدنی سیراب می نمایی و با کوهها آن را محکم می داری تا نلرزد.

جهانت را با سبزه های معطر و شفا بخش بیاراستی و از حیوانات بی شمار و گوناگون، قوی و ضعیف، که ز بهر خوراک و طعمه و کار مفیدند، چه دست آموز و چه وحشی، افعیانی که صفیر می زنند و پرندگان نوناگونی که آواز می خوانند مملو ساختی. تکرار موزون سالها، ماهها، روزها و فصول، و حرکت ابرها را که ز آنها باران می بارد تا میوه ها برسد، برای کمک به موجودات زنده به جهانت دادی. تو وزش بادها را تنظیم کردی که به فرمان تو انبوه گیاهان و نباتات را تکان دهند.

ستایش خدا در تاریخ بشر

تو نه تنها جهان را آفریدی، بلکه آدمی را در آن بنهادی تا در آن ساکن گردد. تو در درون وی گویی جهان (دیگری) را، در میان جهان پدید آوردی زیرا که در حکمت خویش گفته‌ای:

«آدمی را به صورت ما

و موافق شبیه ما بسازیم!

تا بر ماهیان دریا

و پرندگان آسمان مسلط باشد» (پید: ۱: ۲۶).

تو او را از روحی جاودان و جسمی فنا پذیر- یکی را از نیستی و دیگری را از عناصر اربعه (چهارگانه) ۲۱ - ترکیب نمودی، تو آدمی را جانی بخشیدی با استعداد تعقل و داوری و قادر به تشخیص دینداری و بی دینی، نو به او جسمی با پنج حس و قابلیت حرکت بخشیدی.

زیرا این تویی ای خدای قادر متعال که از طریق مسیح، فردوس را در عدن به سوی شرق نهادی و آن را به بر قسم گیاهان خوردنی سرشار کردی. تو آدم را در آن جا چون در دیاری مجلل جای دادی. تو در دل وی قانون کاشتی به نحوی که او در درون خود و از خود بذر معرفت خدا را داشته باشد.

با آوردن او در این بهشت شادبها، وی را بر هر چیز قدرت دادی تا از آنها لذت برد. به استثنای یک چیز، او را با آموزش که امید برکات بهتر داشته فرمانت را رعایت نماید و در عوض زندگی جاودان را دریافت دارد. اما وی حکم تو را خوار داشت، با فریب مار و به توصیه زنش، از میوه ممنوعه بخورد. پس وی را بر حسب عدالت از فردوس براندی.

اما تو به خاطر نیکویی و مهربانی خود، آدم را در گمراهی اش به طور کامل طرد نکردی زیرا که او عمل ست تو بود. تو دنیای مخلوق را به تابعیت از وی در آورده وی را اجازه دادی که با عرق ریختن و زحمت کشیدن روزی خود را به دست آورد، در حالی که تو خود ظهور جوانه و نمو و به ثمر رسیدن دانه را عطا می کنی. تو با سوگندی خود را متعهد نمودی، تو او را پس از این که مدتی به خواب رفت خواندی تا به ندگی باز گردد، و وی را وعده دادی که از بند مرگ برای زندگی و رستخیز برهانی.

تو به این اکتفا نکرده از نسل وی جمعیتی کثیر به وجود آوردی. آنانی را که به تو وفادار بودند تجلیل نمودی. اما آنهایی را که از تو روی گردان شدند تنبیه کردی. تو قربانی هابیل را چون هدیه عادلانه پذیرا شدی ما تقدیمی قائلیم که برادرش را کشت چون هدیه ای ناپاک طرد نمودی. سپس به یاری شیث و انوش آمدی. تو خونخوار (به آسمان) برگرفتی. زیرا تو خالق آدمیان و دهنده زندگی هستی. تو احتیاجات آنان را بر طرف می سازی، قوانین خویش را به ایشان می بخشی، به آنانی که این قوانین را مراعات نمایند پاداش می دهی و آنان را که تخطی کنند تنبیه می نمائی.

۲۱- منظور هوا، آب، آتش و خاک است. باید توجه داشت که مؤلف کتاب مقدس را در این جا به کمک عقاید رواقیون بیان می کند.

تو طوفان عظیم را به سبب کثرت گناهان بر دنیا فرود آوردی. اما نوح عادل را به همراه هشت تن دیگر، با کشتی از این مصیبت عمومی برهانیدی. نوح، پایانی بر آدمیان گذشته و آغازی بر انانی بود که باید پای به هستی می نهادند.

تو بر شهرهای پنجگانه سدوم و آتش هولناکی برافروختی و سرزمینی حاصلخیز «به سبب شرارت‌های ساکنانش به شوره زار مبدل کردی» (مز ۱۰۷: ۳۴). در حالی که لوط عادل را از آن آلام و بلاها نجات دادی. این تو بودی که ابراهیم را از ناپاکیهای اجدادش رهانیدی و او را وارث جهان نهادی و اجازه دادی تا مسیح تو را از پیش، رؤیت کند.

تو ملکی صدق را تقدیس کردی تا کاهن اعظم برای پرستش تو باشد، بنده خود ایوب را طی آزمایشی عظیم بر ماری که منشأ شرّ است پیروز اعلام کردی. تو اسحق را فرزند وعده و یعقوب را پدر دوازده پسر و نرزدان بسیار ایشان گردانیدی. و آنان را به شمار هفتاد تن به مصر هدایت کردی. خداوندا، تو روی خود را ز یوسف نگردانیدی و به جبران پاکدامنی که وی از برای تو محفوظ داشت، حکومت مصریان را به وی دادی. خداوندا تو، یهودیان ستمدیده از دست مصریان را ترک نگفتی - به خاطر وعده‌ای که به پدران ایشان داده بودی - بلکه با تنبیه نمودن مصریان آنها را برهانیدی.

آدمیان قانون طبیعت را منحرف کرده بودند زیرا دنیای مخلوق را حاصل تصادف و اتفاق می پنداشتند و با آن را با تو که خدا و خداوند عالمی مقایسه می کردند و بیش از آنچه سزاست تکریم می نمودند، اما تو گذاشتی که گمراه گردند بلکه موسی خادم مقدس خود را بر انگیختی. و به واسطه او به ایشان قانونی بکتوب برای کمک به قانون طبیعت اعطا نمودی و نشان دادی که دنیای مخلوق کار توست و اعتقاد به خدایان متعدد را زایل ساختی.

مصریان را با بلایای دهگانه بزدی، با گشودن دریا، بنی اسرائیل را از میان آن بگذرانیدی، مصریان را که در پی آنان بودند در امواج نابود ساختی. با چوب، آب تلخ را شیرین کردی. ۲۲ صخره را بشکستی و آب را از آن فوران دادی. از آسمان من را بارانیدی و بنی اسرائیل را از بهر خوراک، از آسمان سلوی فرستادی. ستونی از آتش بودی تا آنان را در شب روشن بداری و ستونی از ابر تا به روز آنان را از گرما در سایه خود پناه دهی. تو عیسی [یوشع] را به عنوان رهبر برخیزانیدی و به وسیله او اقوام هفتگانه کنعان را نابود ساختی. نهر اردن را بشکافتی و رودهای تان را خشک کردی، حصارهای (اریحا) را فرو ریختی بدون آن که نیازی به دیوار کوب یا دست انسان باشد.

به خاطر تمام این نعمتها ای خداوند قادر مطلق، جلال بر تو باد.

(کتاب هشتم ۱۲: ۵ و ۲۷ الف)

قدوس است خداوند!

لشکرهای بی شمار فرشتگان و ملائکه مقرب، سلطنتها، حکومتها، قدرتها، افواج ابدی، همراه با کروبیان و سرافیان شش بال - دو بال برای پوشاندن پاها، دو بال از برای پوشاندن چهره و دو بال برای پرواز - تو را عبادت می کنند. ایشان با هزاران هزار ملائکه مقرب و کرور کرور فرشتگان، بدون لحظه ای درنگ مدام در حال سراییدن هستند و همه مردم به همراه ایشان چنین می گویند:

قدوس، قدوس، قدوس است

خداوند صباپوت.

آسمان و زمین از جلال وی سرشار است!

متبارک است او تا ابدالابد. آمین.

(کتاب هتم ۱۲: ۲۷ ب)

ستایش خدا برای کار عیسی مسیح

تو به راستی قدوسی، بی نهایت قدوس، ای خدای متعال و ستوده در تمام اعصار!

تنها پسر مولودت نیز قدوس است، خداوند و خدای ما عیسی مسیح! او در همه چیز تو را خدمت کرد، تو که خدا و پدر وی، در خور تحسین در آفرینش و سزاوار تکریم در قدرت خویش هستی. او نسل بشر را که در شرف نابودی بود خوار نداشت اما بعد از (اعطای) قانون طبیعت، پس از برانگیختن قانون الهی، بعد از نکوهشهای انبیاء و پس از دخالتهای فرشتگان - حال که انسانها قانون طبیعت را نقض کرده و یاد طوفان بزرگ و شعله های عظیم آتش سوزی دهکده های گناهکار و بلایای مصر و قتل عام فلسطین را از یاد برده بودند، و وقتی آنانی که هنوز روی زمین باقی مانده بودند به سوی هلاکت می رفتند - او بر حسب اراده تو اختیار نمود که:

آفریننده، انسان شود،

قانونگذار، تابع قانون گردد،

کاهن اعظم، قربانی گردد،

شبان، به بره مبدل شود.

او تو را، که خدا و پدرش هستی به آرامش آورد و با جهان آشتی داد، او همه آدمیان را از خشمی که نهیدیشان می کرد رهانید. مولود از باکره، کلمه خدا تن گرفت، پسر محبوب نخست زاده همه آفریده ها گردید، بر حسب نبوتهایی ملهم از او و درباره او، از تبار داود و ابراهیم و از سبط یهودا برخاست.

در بطن باکره تولید گشت،

او که همه چیزهای مولود را می سازد.

تن گرفت،

که جسمانی نمی باشد.

در زمان به دنیا آمد،

او که زادهٔ ازلی است.

روزگار را در قدوسیت به سر آورد، با صراحت تعلیم داد و هر بیماری و سستی (مت ۴: ۲۳) را از میان نسانها براند. در میان مردمان آیات و معجزاتی انجام داد. در خوردن و آشامیدن و خواب ما سهیم شد. او که آنانی را که نیاز به خوراک دارند غذا می دهد و «آرزوی همه زندگان را سیر می نماید» (مز ۱۴۵: ۱۶).

او نام تو را، بر آنانی که نمی شناختند آشکار کرد، جهالت را دور نمود، زهد و تقوی را برانگیخت، ارادهٔ و را به جای آورد، کاری را که تو به وی سپرده بودی به انجام رسانید (یو ۱۷: ۶). با اجرای کامل اعمالش، از سوی آن کس که شرارت درونش را می خورد، خیانت دید، بر اثر خیانت کاهنان و کاهنان اعظمی که لایق این نام نبودند و مردمانی فاسد، به دست کفار تسلیم گردید، در دست ایشان به سختی رنج کشید، و بر حسب نقشهٔ تو هر نوع دشنام را تحمل کرد و به دست پپلاطس حاکم سپرده شد.

او که داور بود، مورد داوری قرار گرفت،

او که منجی بود، محکوم گردید.

به صلیب میخکوب شد،

او که تألم ناپذیر است.

به مرگ تن در داد،

او که ذاتاً نامیر است.

مدفون گردید،

او که بخشندهٔ حیات است.

او کسانی را که به خاطرشان آمده بود، این چنین از رنج برهانید، از چنگال مرگ به در آورد و بدین طریق بندهای ابلیس را پاره نمود و انسانها را از فریب وی آزادی بخشید.

در روز سوم از مرگ برخاست و چهل شبانه روز با شاگردان خود به سر برد، به آسمان بر شد و به دست راست تو، که خدا و پدرش هستی، بنشست.

لذا با یادآوری از رنجهایی که وی به خاطر ما کشیده، تو را سپاس می گوئیم، ای خدای قادر مطلق، مسلماً نه بدان حد که باید بلکه به حدی که در توانایی خود داریم، و نیز وصیت^{۲۳} تو را به جای می آوریم.

روایت بنیانگذاری آیین سپاس

لذا در شبی که وی را تسلیم کردند،

نان را در دستهای مقدس و پاکش گرفت

و به سوی آسمان نگریست

۲۳- در متن اصلی واژهٔ (diataris) به معنی ترتیب به کار رفته است که در زبان فرانسه در اصطلاح ترتیب وصیت مرسوم و در این جا با لغت وصیت تعبیر شده است.

به سوی تو، خدا و پدرش،
نان را پاره کرد و به شاگردان خود داد و گفت:
«این راز عهد جدید است.
بگیرید و بخورید.
این تن من است که از بهر بسیاری
به منظور بخشایش گناهان پاره می شود.»

سپس در جام، شراب مخلوط با آب ریخت،
نیایش برکت را خواند و جام را به ایشان داد و گفت:
«همه از این بنوشید، این خون من است،
که از بهر عده بسیاری ریخته می شود
به منظور بخشایش گناهان.
این را به یاد من به جای آرید.
به راستی هر بار که از این نان بخورید
و از این جام بنوشید،
مرگ مرا تا بازگشت من اعلام خواهید داشت.» (کتاب هشتم، ۱۲: ۳۶-۳۷)

نیایش یادبود

پس با یادآوری از شکنجه و مرگ مسیح،
از رستاخیزش از میان مردگان،
از بازگشت وی به آسمان، و از آمدن دوباره اش در آینده
هنگامی که با جلال و قدرت خواهد آمد
تا زندگان و مردگان را داوری کند
و هر کس را به سزای اعمالش برساند،
به تو، ای پادشاه و خداوند
این نان و جام را طبق وصیت تو
تقدیم می داریم.
از طریق او تو را سپاس می گوئیم
که ما را سزاوار آن دانستی که در برابر تو بایستیم
و کهنانت را از بهر تو به جای آوریم.
از تو تمنا داریم: نگاهی پر از مهر

بر هدایایی که تو را تقدیم می‌داریم بیفکن،
خدایا، تو که به هیچ چیز نیاز نداری
به افتخار مسیح خود، این هدایا را شایسته قبول دان.

(کتاب هشتم، ۱۲: ۳۸-۳۹)

طلب نزول روح القدس *Epiclesis*

بر این قربانی، روح القدس خویش را بفرست،
«شاهد رنجهای خداوند عیسی» (۱- پطرس ۵: ۱)
تا وی این نان را به تن مسیح
و این جام را به خون مسیح تو مبدل سازد.
باشد که همه آنانی که در آن مشارکت می‌جویند
در تدین استواری یابند،
آمرزش گناهانشان را دریافت دارند،
از شیطان و خطایایش رهائی یابند
و سرشار از روح القدس،
شایسته مسیح تو گردند،
و زندگی جاودان را از آن خود سازند
و با تو، ای خدای قادر مطلق، آشتی داده شوند.

(کتاب هشتم، ۱۲، ۳۹)

نیایش مناجات توسط اسقف

و را نیایش می‌کنیم از بهر کلیسای مقدست که سرتاسر جهان گسترده است و «آن را با خون گرانبهای مسیح
خود خریده‌ای» (اع ۲۰: ۲۸) تا آن را تا آخر زمان از هر آشفستگی و طوفانی به دور نگاه‌داری.
و را نیایش می‌کنیم از بهر هیئت اسقفان جهان که «در کمال راستی کلام حق را منتشر می‌کنند» (۲-
تیمو ۲: ۱۵).

نورا نیایش می‌کنیم از بهر من، [خادم] حقیر که این هدایا را به تو تقدیم می‌دارد، از بهر انجمن پیران،
خادمان کلیسا و تمامی روحانیت. ایشان را حکمت بیاموز و از روح القدس سرشار گردان.
نورا نیایش می‌کنیم خداوندا، از بهر پادشاه، صاحبان قدرت و برای تمام ارتش. باشد که ما در صلح به سر
بریم و تمام اوقات عمر خود را در آرامش و تفاهم و در تجلیل نام تو از طریق عیسی مسیح، امید ما،
بگذرانیم!

ین هدایا را به تو تقدیم می‌داریم از بهر مقدسینی که از ابتدا موجب خشنودی تو بودند: سالاران، انبیاء، عادلان، رسولان، شهدا، معترفین ایمان، اسقفان، پیران، خادمان کلیسا، کمک خادمان، خوانندگان متون مقدس، سرود خوانان، باکره‌ها، بیوه‌زنان، مسیحیان عام و تمام کسانی که تو نامشان را می‌شناسی.

ین هدایا را به تو تقدیم می‌داریم برای قوم تو که اینک حاضر است تا در ستایش از مسیح تو «کهانته ملوکانه و امتی مقدس» (۱- پطرس ۲: ۹) گردد، برای کسانی که بکارت و عفت را معمول می‌دارند، برای بیوه‌زنان کلیسا، برای کسانی که در ازدواجی مقدس به سر می‌برند و برای فرزندانیشان، برای کوچکترین افراد قوم تو، هیچ کس را از بین ما رد مکن.

تو را نیایش می‌کنیم از بهر این شهر و همه ساکنانش، برای بیماران و کسانی که از بندگی در رنجند، برای تبعید شدگان، محکومین، دریانوردان و مسافران. از بهر همگی یار و یاور و مدافع باش. تو را نیایش می‌کنیم از بهر آنانی که «بر ما کینه می‌ورزند و ما را به سبب نام تو جفا می‌رسانند» (مت ۱۰: ۲۲) برای آنانی که بیرونند و آنانی که گمراه می‌گردند. آنان را به راه خیر برگردان و غضبشان را فرو نشان.

و را نیایش می‌کنیم از بهر حق‌جویان کلیسا، برای کسانی که مورد آزار شریک می‌باشند، برای برادران ما که اعمال توبه به جا می‌آورند. گروه نخست را در ایمان استوار ساز، گروه دوم را از حملات شریر در امان دار و درباره گروه آخر، به ایشان و به ما نیز آموزش گناهان عطا فرما.

این هدایا را به تو تقدیم می‌داریم از بهر هوای مساعد و فراوانی محصول، باشد که با دریافت بی‌وقفه نعمتهایت همواره بتوانیم تو را که «به همه جانداران روزی عطا می‌کنی» (مز ۱۳۶: ۲۵) ستایش کنیم. تو را نیایش می‌کنیم از بهر آنانی که به عذر موجه غایب هستند.

همه ما را در تقوایمان نگاهدار و در ملکوت مسیح خود، که خدای همه مخلوقات عیان و صاحب عقل، و پادشاه ما می‌باشد گرد هم آور. باشد که ما تزلزل ناپذیر و به دور از خطا و سرزنش باقی بمانیم.

یرا کمال جلال، تکریم، سپاس، عزت و عبادت از آن توست، پدر، پسر و روح القدس، اکنون و همواره و در بی‌کرانی و ابدیت، نسلاً بعد نسل!
جماعت پاسخ می‌دهند: «آمین».

(کتاب هشتم، ۱۲: ۴۰-۵۱)

نیایش مناجات توسط خادم

اسقف می‌گوید: «آرامش خدا با همه شما باد!»

جماعت پاسخ می‌دهند: «و با روح تو نیز.»

خادم می‌گوید: «یک بار دیگر خدای را از طریق مسیح اش نیایش کنیم»

نیایش کنیم از بهر هدیه ای که به خداوند، خدای ما تقدیم می‌داریم. باشد که خداوند در نیکویی خویش آن را به وساطت مسیحش بر روی قربانگاه آسمانی خود چون عطری دلپسند بپذیرد. نیایش کنیم از برای این کلیسا و این قوم.

نیایش کنیم از بهر هیئت اسقفان جهان، برای جمیع پیران و تمام خادمان و خدمتگزاران مسیح، برای تمام جماعت کلیسا. باشد که خداوند از همه آنها محافظت و حمایت کند.

نیایش کنیم «از برای پادشاهان و جمیع صاحبان منصب». باشد که ما در صلح زندگی کنیم «تا بتوانیم به آرامی و استراحت و با کمال دینداری و وقار عمر خود را به سر بریم». (۱- تیمو ۲: ۱-۲).

به یاد آوریم شهدای مقدس را، تا به شایستگی مشارکت در نبردشان نایل گردیم.

نیایش کنیم از بهر آنانی که در ایمان آرمیده‌اند.

نیایش کنیم از بهر هوای مساعد و رسیدن میوه‌ها.

نیایش کنیم از بهر آنانی که جدیداً با دریافت تعمید منور گشته‌اند، باشد که در ایمان تقویت شوند.

نیایش کنیم، همه با هم و از بهر یکدیگر.

خداوندا، ما را با فیض خود برخیزان. تا بدین گونه، برپاخاسته، خود را به خدا از طریق مسیح وی بسپاریم.

(کتاب هشتم، ۱۳: ۱-۹)

بخش سوم: آیین مشارکت در راز نان و جام

نیایش مقدماتی

اسقف می‌گوید:

«ای خدای بزرگ، که نامت متعال است،

که در نقشه‌های پر شکوه

و در اعمال، پر قدرتی» (ار ۳۲: ۱۹).

ای خدا و پدر عیسی،

پسر قدوس تو و منجی ما،

بر ما، بر این قوم خود که از طریق مسیح برگزیده‌ای

به خاطر جلال نام خود، نظر افکن.

تن و جان ما را مقدس گردان.

«ما را از هر آرایش جسم و روح

طاهر ساز» (۲- قرن ۷: ۱)
نعمتهایی را که در این جاست به ما مرحمت فرما.
هیچ یک از ما را نالایق ندان
بلکه از بهر ما یار و یاور و مدافع باش،
از طریق مسیح خود.

جلال و افتخار و ستایش،
تکریم و سپاسگزاری،
از آن تو، پسر و روح القدس باد،
تا ابد الابد!
آمین

ندای استقبال مردم

هنگامی که جماعت پاسخ می دهند «آمین» خادم می گوید: «هوشیار باشیم!»
سپس اسقف حاضرین را چنین خطاب می کند:
«آنچه مقدس است، مقدسین را سزااست.»
جماعت پاسخ می دهند:
تنها یک قدوس، تنها یک خداوند،
عیسی مسیح، که تا ابد متبارک است،
برای جلال خدای پدر... آمین.

«خدا را در اعلی علیین جلال،
بر روی زمین سلامتی
و در میان آدمیان رضامندی (خدا) باد!» (لوقا: ۱۴: ۲)
«هوشیعا نا به پسر داود!
مبارک باد آن که به نام خداوند می آید».
خداوند خدا در میان ما ظاهر شد.
«هوشیعا نا در اعلی علیین» (مت ۹: ۲۱، لوقا: ۱۴: ۲)

مراسم مشارکت در راز نان و جام

اسقف سپس در مراسم راز نان و جام مشارکت می کند و بعد از او پیران، خادمان، کمک خادمان، خوانندگان متون مقدس، سرود خوانان، و راهبان، عده ای از بین زنان، خادمه ها، دوشیزگان، بیوه زنان، کودکان و سپس همه مردم با نظم و ترتیب و احترام و تقدس و به دور از هر گونه بی نظمی. اسقف ضمن دادن نان مقدس می گوید: «تن خداوند» و دریافت کننده پاسخ می دهد: «آمین!» خادم از جانب خود جام را گرفته و ضمن دادن آن می گوید: «خون مسیح، جام حیات» و کسی که از آن می نوشد پاسخ می دهد: «آمین!» در طی مدتی که همه مشارکت می کنند، مزمور سی و چهارم خوانده شود. پس از اتمام مشارکت جماعت در شام خداوند، خادمان هدایای باقیمانده را برداشته به خزانه^{۲۴} کلیسا می برند.

(کتاب هشتم ۱۰: ۱۷-۱۰)

نیایش پس از مشارکت

هنگامی که خواندن مزمور پایان یافت خادم می گوید:
«با دریافت تن و خون گرانبهای مسیح،
سپاس می گوئیم به آن کس که ما را شایسته دانست
تا در رازهای مقدس وی مشارکت نماییم.
از او خواهش می کنیم که این رازها مایه محکومیت ما نگردند.
بلکه مایه نجات و نیکوئی تن و جان،
و حافظ تقوا، آمرزش گناهان،
و زندگی آینده ما باشند.
«برپا بایستیم! به شکرانه فیض مسیح، خود را به خدای نامخلوق و مسیح وی بسپاریم».
(کتاب هشتم ۱۴: ۱-۳)

۲۴- واژه یونانی مورد استفاده این متن، یعنی پوستوفوریون (Postophorion)، در ترجمه هفتاد تنان کتاب مقدس، به مفهوم اطاق کاهن در معبد اورشلیم تعبیر شده است. در متن این مراسمنامه مفهوم خزانه یا گنجینه کلیسا بر مفهوم خیمه خاص نگهداری هدایای مقدس ارجحیت دارد.

نیایش سپاسگزاری

اسقف نیایش سپاسگزاری را می خواند:

ای خداوند خدای قادر مطلق،
پدر مسیح، پسر متبارک تو،
تو که آنانی که تو را در راستی می خوانند می شنوی،
تو که حتی نیایشهای بی صدای ما را می دانی:

تو را سپاس می گوئیم از آن که ما را شایسته دیدی
تا در رازهای مقدس تو مشارکت نماییم
تو آنها را به ما عطا فرمودی
بر تقویت اطمینان ما
از نعمتهایی که می شناسیم،
برای حفظ تقوا،
و آمرزش گناهان،
زیرا نام مسیح بر ما خوانده شده است
و ما مسکن خود را نزد تو قرار داده ایم.

تو ما را از جامعه کفار جدا ساختی
اینک ما را با آنانی که از آن تواند پیوند ده.
با آمدن روح القدس، ما را در راستی پابرجا دار،
آنچه را نمی دانیم بر ما مکشوف ساز،
کمبودهای ما را جبران کن،
آنچه را می دانیم تأیید فرما.

پیران را در خدمت خود بی ملامت نگاه دار،
پادشاهان را در صلح
و داوران را در عدالت نگاه دار.
ما را هوایی مساعد
و محصولات فراوان عطا فرما.
جهان را با تدبیر متعالی خود حفظ فرما،

مللی را که خواهان جنگند آرام ساز،
و آنانی را که در خطا سرگردانند به راه خود بازگردان.

قوم خود را تقدیس نما،
دوشیزگان را حمایت فرما،
همسران را در وفاداری نگاهبان باش،
آنان را که به عفت روزگار می گذرانند مقاوم گردان،
بچه های خردسال را رشد عطا فرما،
نوایمانان را قوت بخش،
حق جویان را تعلیم ده،
و آنان را سزاوار آگاهی از راز گردان.
ما را در ملکوت آسمان گرد هم آور
در عیسی مسیح، خداوند ما.

جلال و افتخار و پرستش
بر تو، بر مسیح و بر روح القدس باد،
تا ابد الآباد!
آمین.

(کتاب هشتم ۱۵: ۱-۵)

تبرک پایانی

خادم می گوید: «در حضور خدا از طریق مسیح او سر فرود آورید و برکت دریافت دارید».

سپس اسقف چنین نیایش می کند:

«ای خدای قادر مطلق، حقیقی و بی همتا ...

خدای قوم تو که به مسیح ایمان دارند:

بر ما نظر مساعد افکن، به خاطر نامت نیایش مرا مستجاب گردان

و آنان را که سر فرود آورده اند، برکت ده.

«آرزوهای دلشان را عطا فرما» (مز ۳۷: ۴)

آنها که برای نیکوئی ایشان است.

هیچ کدام از آنان را از ملکوت خود دور مساز.
آنان را تقدیس نموده، محافظت و حمایت فرما و یاری رسان.
آنان را از دست دشمن بزرگ و هر دشمن دیگر برهان.
مراقب مسکنهای ایشان باش،
«خروج و دخولشان را نگاهدار» (مز ۱۲۱:۸).

جلال و ستایش و حرمت، از آن تو،
و از آن پسرت، عیسی مسیح،
که خداوند ما، خدا و پادشاه ماست،
و از آن روح القدس باد،
اکنون و همواره
تا ابدالآباد.
آمین.
(کتاب هشتم ۱۵:۶-۹)

مرخص کردن جماعت

خادم می گوید: «به سلامت بروید».
(کتاب هشتم ۱۵:۱۰)

نیایش نامهٔ دیر بالیزه

با آیین نیایش
به سوی پدر گام برداریم،
زیرا در عیسی، پسر یگانه
که تا ابد زنده است و برای ما شفاعت می‌کند،
فرزندان خدا شده ایم.
(اقتباسی از نامه به عبرانیان)

نیایش نامهٔ دیر بالیزه

در سال ۱۹۰۷ در میان خرابه‌های دیر یونانی بالیزه در نواحی اسیوط مصر علیا که از بیش از هزار سال قبل ویران شده بود تعدادی قطعات پراکندهٔ پاپيروس حاوی نوشته‌هایی به زبان یونانی که آسیب فراوان دیده بود کشف گردید. این نوشته‌ها پس از بازسازی - که غالباً بر اساس حدس و گمان انجام می‌گرفت - به عنوان نیایشهای مسیحی شناسائی شدند و رأی صاحب نظران عمدتاً بر این شد که این متون شامل نیایش بسیار کهنی مخصوص برگزاری آیین سپاس و آثاری از نیایش جامع، ابراز ایمان و آنا فوراً می‌باشند. هنگامی که به نظر می‌آمد که بررسی آنا فورای دیر بالیزه پایان یافته است، کشف پاره‌های جدیدی از متنها - که امکان تکمیل متنهای موجود را فراهم می‌ساخت - همه چیز را مجدداً زیر سؤال برد. در نتیجه، متن اولیه دیگر به صورت مجموعه‌ای از نیایشهای منحصر به مراسم نان و جام نمی‌نمود بلکه جنبهٔ یک نیایش نامه به خود گرفت.

سه نیایش زیر: تو که یار و یاور ما هستی، محبت را به ما عطا فرما و تو را نیایش می‌کنیم، ای خداوند از جمله نیایشهایی است که می‌توان آنها را در هر زمانی به جای آورد. متن ایمان دارم احتمالاً به ابراز ایمان به هنگام دریافت تعمید - همان طوری که در نیایش نامهٔ هیپولیتوس آمده است - تعلق دارد. بالاخره نیایش بزرگداشت (آنا فوراً) متن نیایش مراسم شام خداوند در دوران قدیم را به ما می‌دهد. تاریخ نگارش این پاپيروس به قرن ششم بر می‌گردد گرچه متن آن بخشهای به مراتب قدیمی تری را در خود حفظ نموده است. قطعات پراکندهٔ نیایش نامه دیر بالیزه در حکم پژواکی است که آن نیایشهای کهن را که در دوران قدیم از سرزمینهای دور دست مصر به درگاه پدر عیسی مسیح، پسر محبوب بر می‌خواست، به ما می‌رساند.

تذکر: در این ترجمه علائم قراردادی زیر به کار برده شده است:

- ۱- نوشته‌های سیاه داخل []، نشان دهنده بازسازی مبنی بر حدس و گمان متن اولیه است.
- ۲- علامت سه نقطه (...) نشان دهنده بخشهای مهمتری از متن اولیه است که بازسازی آنها غیر ممکن می‌باشد.

* * *

تو ای یاور ما!

...

تو ای یاور ما!

مگذار مشرکین بگویند:

«خدای ایشان کجاست؟ (مز ۱۱۵: ۲)

او ایشان را نجات نداده است!»

تو، ای یاور و امید ما،
تو، ای پناه ما...
ما را ترک مکن،
بلکه ما را از هر خطری
که در کمین ماست برهان
و در روز بزرگ داوری ما را از مرگ برخیزان.

ما را عطا فرما تا تو را خدمت کنیم
از طریق تنها پسر مولودت، عیسی مسیح.
از طریق او تو، را جلال و فیض و حشمت باد،
[اکنون] و [نسل] بعد نسل،
[و تا ابد الابد].
[آمین].

باشد که او ما را نیکوئی دهد
باشد که او نیکوئی و محبت برادرانه به ما عطا فرماید.
با پیوند صلح^۱.
باشد که او خواهشهای دل ما را بشنود،
او که به تنهایی تمام قدرت را در دست دارد،
خداوند قدوس،
درخشنده با جلال و افتخار،
او که نامش خداوند است!
او در اوج [افلاک] ساکن است،
بر فروتنان نظر می افکند،
تخت او در آسمانهاست.
او در تمام اعصار متبارک است!
آمین

۱- اشاره به افس ۳:۴ «سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید».

تو را، ای خداوند، نیایش می کنیم

تو را، ای خداوند، نیایش می کنیم،
ای حامی آسمانی و الهی،
ای خدای راستی
و پدر خداوند ما عیسی مسیح،
که جهان را آفریده ای،
که محیط بر همه چیز هستی
و هیچ چیز تو را محاط نتوان کرد،
تو که حدود آسمان و زمین،
دریا، امواج و رودها،
و جزر و جریان امواج را ثابت گردانیدی
تو که غبار از زمین بر گرفتی
و آدمی را به شباهت خود بسرشتی!
... [تو را نیایش می کنیم]
از طریق عیسی مسیح، خداوند ما،
که تنها پسر مولود تو...
تو را جلال و قدرت باد
با ر[وح القدس] تو
[اکنون و همواره]
[و به] زمانهای [جاودانی!]
آمین

اظهار ایمان به هنگام تعمید

[تعمید گیرنده] ایمان خویش را اظهار کند:
من ایمان دارم به خدا، ای پدر قادر مطلق،
تنها پسر مولودت،
خداوند ما، عیسی مسیح،
و به روح القدس.

و به رستاخیز جسم از مرگ
[و به] کلیسای مقدس جامع

آیین نیایش شام خداوند

نیایش شفاعت

[باشد] که [برکت تو بر] قوم [تو آید]
[که اراده تو را به جای می آورد]^۲

افتادگان را برخیزان،
گمراهان را به راه آور،
ترسیدگان را، تسلی بخش^۳.
زیرا تو برتر از هر فرمانروایی،
قدرت، نیرو و حکومتی،
برتر از هر آنچه که بتوان نام برد
در این جهان و [جهان آینده]

آنا فوراً

نیایش مقدماتی

[نزدیک به تو] می ایستند
[هزاران فرشته] مقدس
[و افواج] بی شمار [ملائک مقرب].
[نزدیک تو] می ایستند
کروبیان با دیدگانی کثیر.
به گرد تو سرافیان می ایستند،
هر یک با شش بال،

۲- در این قطعه از پاپیروس پایان نیایش شفاعت منعکس است.
۳- به اقتباس از یایش بزرگ کلمنت رومی (رجوع شود به فصل پنجم این کتاب).

دو بال از بهر پوشاندن چهره،
دو بال از بهر پوشاندن پاها
و دو بال از بهر پرواز.
آنها پیوسته قدوسیت تو را اعلام می‌دارند.
به همراه همه ایشان در تحسین قدوسیت تو
آوای ما را نیز بپذیر
که تو را می‌سراییم

قدوس

قدوس، قدوس، قدوس است خداوند،
خدای صباوت!
آسمان و زمین
از جلال تو مملو است (اش ۶: ۲-۳).

طلب نزول روح القدس^۴

ما را نیز از جلال خود مملو ساز!
و عنایت فرما روح القدس خود را
بر این تقدیمیها که خود آفریده ای بفرست
و آن چنان کن که این نان
تن خداوند و منجی ما
عیسی مسیح گردد.
و این جام
خون [پیمان] نوین
خداوند، خدا و منجی ما،
عیسی مسیح گردد.

نیایش از بهر کلیسا

[به همان گونه که] این نان

بر [کوهها]، تپه ها و دره ها پراکنده گردید

۴- طلب حلول روح القدس در این جا به طور استثنایی قبل از نیایش تقدیس نان و جام قرار دارد. این مورد تا مدتها منحصر به فرد شناخته می‌شده اما در سال ۱۹۴۰ یک آنافورای قدیمی دیگر نیز توسط لوفو (Lefort) به انتشار رسید که حاوی همین خاصیت است.

و گرد آوری شد تا جسم واحدی گردد...^۵
و به همان گونه که این شراب
که از تاک [مقدس] [داود] بیرون آمد
با این آب که از بره بی عیب فوران نمود،
در هم آمیخته شد
و به یک راز بدل گردید،
تو نیز کلیسای جامع عیسی مسیح را
گرد هم آور.

روایت بنیانگذاری آیین سپاس
زیرا خدا [وند] ما [عیسی] مسیح،
به شبی که [تسلیم گردید]،
[نان را به دستهای مقدس] خود [گرفت]،
سپاس [گفت] و [آن را برکت داد]،
[تقدیس نمود و پاره کرد]
و آن را به شاگردان و رسولان خود [داد] و گفت:
«بگیر [ید و بخورید] - همه شما -
این [است] تن من
که از بهر شما داده می‌ود
برای بخشایش گناهان».

همچنین پس از شام
جام را به دست گرفت و آن را برکت داد،
و خود از آن نوشید و به ایشان داد و گفت:
«بگیرید همه از آن بنوشید.
این خون من است
که از بهر شما ریخته می‌شود
برای بخشایش گناهان.
[این را به یاد من به جای آورید]».

۵- به اقتباس از نیایش تقدیس نان و جام که در آموزش اصول دینی (دیدگاه) آمده است.

هر بار که از این نان بخورید
و از این جام بنوشید،
مرگ مرا اعلام می‌دارید،
رستاخیز مرا نوید می‌دهید
و یادبود مرا [به جای می‌آورید]».

نیایش یادبود

مرگ تو را اعلام می‌داریم
رستاخیزت را نوید می‌دهیم
و نیایش می‌کنیم...
...

نیایش مشارکت در راز نان و جام

عطا فرما [به بندگان خود]

نیروی روح القدس را،
استواری و افزونی ایمان را
امید به زندگی ابدی آینده را؛
از طریق خداوند ما عیسی مسیح
از طریق او، تو را جلال باد، ای پدر
با روح القدس،
نسلاً بعد نسل و تا ابدالابد!
آمین

۱۶

خرده نان

یا

قطعات متفرقه

ستایش تورااست،

سرودها تورااست،

جلال تورااست،

پدر، پسر و روح القدس

تا ابد الآباد، آمین.

(سرود کلیسائی)

ای دختر صهیون بسیار وجد بنما
و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده.
اینک پادشاه تو نزد تو می آید،
او عادل و صاحب نجات و حلیم می باشد
که بر الاغ و کره بچه الاغ سوار است.
او عرابه را از افرایم و اسب را از اورشلیم
پاک خواهد کرد،
کمان جنگی شکسته خواهد شد.
او به امته صلح را مژده خواهد داد،
سلطنت او از این دریا تا آن دریا
و از نهر فرات تا اقصای زمین
خواهد بود.

(زک ۹:۹-۱۰)

خرده نان ...

پس از معجزهٔ تکثیر نانها، عیسی از شاگردان خود خواست خرده نانها را جمع کنند که مبادا چیزی از آن ضیافت معجزه آسا ضایع شود. (یو ۶:۱۲. ک مر ۶:۴۲).

ما نیز خواستیم که پاره‌هایی از آن نان معنوی را که روح خداوند در طی نخستین سده‌های مسیحیت برای ضیافت سنت تکثیر کرده بود در سبد این فصل ما قبل آخر گردهم آوریم. ارزش این سرودها، نوشته‌های روی سنگ قبرها و کتیبه‌های حاوی ترتیبات تعمید متفاوت است و ارتباط آنها با آیین نیایش در بعضی موارد چندان نزدیک نیست. اهمیت آنها از آن جا ناشی می‌شود که از احوال کلیسا در آن دوران بهاری و شکوفایی ایمانش شهادت می‌دهند

سرودها

نور شادی بخش

سرود نور شادی بخش در مراسم نیایش شامگاهی معروف به نیایش روشنایی به هنگامی که به افتخار مسیح برخاسته از مرگ که نور جهان است شمعها و مشعلها را روشن می‌کردند، خوانده می‌شد. به نظر می‌رسد این سرود مربوط به قرن دوم - سوم باشد^۱.

ای نور شادی بخش جلال قدوس
پدر آسمانی، پدر جاوید:
ای عیسی مسیح، قدوس و متبارک!

اینک به هنگام غروب خورشید،
و ضمن نظارهٔ نور شامگاهی،
ستایش پدر و پسر
و روح القدس خدا را می‌سراییم.

۱- از مؤلف این سرود اطلاعی در دست نیست. بازیل اهل قیصریه دربارهٔ آن نوشته است: «نمی‌دانم پدر کلمات سپاس در نیایش روشنایی که بوده است. با این حال مردم... این عبارت قدیم «ما پدر و پسر و روح القدس خدا را می‌ستائیم» را ذکر می‌کنند. رجوع شود به نیایش روشنایی (هپیولیتوس رومی)، فصل نهم این کتاب.

ای پسر خدا که زندگی می بخشی!
سزاواری که در هر زمان،
توسط آواهای مقدس ستوده شوی
از این روست که جهان جلالت را می سراید

خدا را در اعلیٰ علیین جلال باد

(نیایش بامدادی)

خدا را در اعلیٰ علیین جلال،
بر روی زمین سلامتی
و بر آدمیان رضامندی (خدا) باد!

تو را می سراییم، تو را متبارک می خوانیم،
تو را پرستش می کنیم، تو را جلال می دهیم،
تو را به خاطر جلال عظیمت سپاس می گوئیم.
ای خداوند خدا، شاه آسمانها، خدای پدر قادر مطلق!
ای خداوند پسر یکتا، ای عیسی مسیح،
و ای روح القدس!

ای خداوند خدا، بره خدا ای پسر پدر،
تو که گناهان جهان را بر می داری،
بر ما ترحم فرما.
تو که گناهان جهان را بر می داری،
نیایش ما را بپذیر،
تو که به دست راست پدر نشسته ای،
بر ما ترحم فرما.

زیرا تنها تو قدوسی،
تنها تو خداوندی، ای عیسی مسیح،
برای جلال خدای پدر. آمین^۲

۲- این نسخه سرود جلال با آنچه در مجموعه قوانین الکساندرینوس (Lodex Alexandrinus) آمده است مطابقت می کند و چنین به نظر می آید که تاریخ تدوین این نسخه از نسخه موجود در مرانامه های رسولی (ر.ک به فصل چهاردهم این کتاب) قدیمی تر باشد. اما قدمت یکایک عناصر آن را نمی توان تضمین نمود. بنا بر گواهی آتاناسیوس قدیس (۲۹۵-۳۷۳) در باب ۲۰ رساله بکار، این سرود جزء نیایش بامدادی بوده و از این رو حداقل به قرن چهارم تعلق دارد. این سرود در اوائل قرن ششم در نیایش آیین سپاس گنجانده شده است.

ای خیر خواه همه آنانی که به تو روی می آورند

(نیایش بامدادی)

ای خیر خواه همه آنانی
که (به تو) روی می آورند،
ای که نور خود را
در هر تاریکی می تابانی،
که هر بذری را می رویانی،
و فیض روح را شکوفا کرده رشد می دهی،
خداوندا، بر من ترحم فرما.

مرا مانند معبدی (بی) قیمت بنا کن،
بر گنا [هکاری من] نظر [میفکن]،
زیرا چون به شمار بی عدالتهای من رسی،
من در حضور روی تو نتوانم ایستاد.

بلکه بر [حسب] شفقت [عظمت]
و بنا بر گستردگی مرحامت
گناهان [مرا محو] کن، از طریق [عیسی مسیح]،
خداوند ما، تنها پسر مولود و قدوس تو،
طیب جانهای ما.

از طریق او تو را جلال و قدرت
و تمامی عظمت و حشمت است
همواره، بدون وقفه
تا ابد الآباد!
آمین.

(قرن دوم)

قدوس است خدا

(نیایش بامدادی)

قدوست [است خدایی] که از بدو جوانی ام
[مرا] حیات و نور [نشان داده است].
قدوست است خدا و [پدر] جهان...^۳

تو قدوسی،
و قوی تر از هر قدرتی
تو قدوسی،
و برتر از [هر] ستایشی.^۴

[نیایش مرا] دریافت نما
که از قلب و جان من،
به سوی تو بر می خیزد،
ای که وصف ناپذیر و غیر قابل بیانی
ای که تو را در سکوت به یاری می خوانند!

از تو تمنا می کنم معرفت
طبع مرا به من ارزانی دار.
نظرت را به سوی من فرود آر
و مرا قوی گردان.
من هم این فیض را در کمال محبت
به برادرانم که فرزندان توآند منتقل خواهم نمود.

جلال از آن تو باد
اکنون و همواره
تا ابدالآباد!
آمین

۳- اصل نسخه خطی آسیب دیده و چندین سطر آن ناخواناست.
۴- اشاره به نج ۵:۹: «اسم جلیل (خدا که) از تمامی برکات و تسبیحات والاتر است...».

خداوندا، تو قدوسی،

تو قدوسی، ای خداوند خدای قادر مطلق،
[پدر] خداوند [ما] عیسی مسیح.
ای فردوس شکوفنده،
عصای سلطنت و محبتی بی قیمت،
تو قدرتی هستی که به ما امید می بخشید!...^۵

تو قدوسی، [ای خداوند خدای قادر مطلق]،
ای نردبان آسمان،
ای پیمان جدید...^۶

تو قدوسی، ای خداوند خدای [قادر مطلق]،
ای شاه شاهان، و خداوند خداوندان،
ای [یگا] نه جاو [یدان]،
ای [که در نوری دست نیافتنی ساکنی]،

[که هیچ آدمی هرگز ندیده است!]^۷
[تخت تو بر کرو] بیان است (مز: ۸۰: ۱)
[تو بر بال] بادها [می خرامی] (مز: ۱۰۴: ۳).
زیرا تو [آسمان، زمین و دریا] و همه چیزهایی را که در آنهاست آفریدی.
سراسر زمین و آسمان از آن توست! (...)

تو [روحها را پیک خویش می سازی]
[و] [شعله های آتشین، خادمان تو آند] (مز: ۱۰۴: ۴).
[تو آدمی را مطابق تصویر و] شبیه خود خلق کردی.

و جب تو مقیاس آسمانهاست
و دست تو مقیاس زمین.
زیبائی عالم پیش رویت می درخشد...

(قرن سوم)

۵- هشت سطر در این قسمت از بین رفته است.

۶- پنج سطر در این قسمت از بین رفته است.

۷- مأخوذ از سرود ۱- تیمو: ۶: ۱۵-۱۶.

تن مقدس تو

سرود مربوط به آیین سپاس

تن مقدس تو را
که از بهر ما مصلوب شد
می خوریم.

و خون تو را
که از بهر نجات ما ریخته شد
می آشامیم.

باشد که تن تو نجات ما
و خون تو، بخشایش گناهان ما باشد.

به خاطر شرنگی
که از بهر ما نوشیدی
شرنگ ابلیس را از ما خارج ساز.

به خاطر سرکه ای
که از بهر ما نوشیدی،
بگذار ضعف ما
به قوت مبدل شود.

به جای آب دهان
که از بهر ما بر تو انداختند،
باشد که ما شبنم مهربانی تو را دریافت داریم.

و به جای تازیانه
که با آن از بهر ما زده شدی،
باشد که ما پناهی کامل یابیم.

به جای تاج خار
که از بهر ما بر سر تو نهادند،
باشد که تاج ابدی
بر سر عاشقانت نهاده شود.

به جای کفن
که در آن دفن گردیدی،
باشد که ما نیز پوشیده از قدرتی شکست ناپذیر گردیم.

به جای گور تازه
و به جای مدفن تو،
باشد که ما احیای جان و جسم دریافت کنیم.

زیرا تو از مرگ برخاستی به زندگی بازگشتی.
وقتی ما به زندگی بازگردیم، خواهیم زیست
و در پیشگاه عدالت تو خواهیم ایستاد.
(قبل از قرن سوم)

مسیح متولد می شود، جلال وی را بسرایید

سرود میلاد مسیح

مسیح متولد می شود
او را جلال دهید!
مسیح از آسمان می آید
به ملاقات او بروید!
مسیح بر زمین است:
خود را (تا آسمان) برافرازید!
خداوند را بسرایید،
ای سراسر زمین!
(قرن سوم الی چهارم)

مسیح در بیت لحم متولد شده است

سرود میلاد مسیح

او در بیت لحم متولد شده است،
در ناصره بزرگ شده است،
و در جلیل زندگی کرده است،

ما در آسمان آیتی دیدیم،
ستاره ای که ظهور نمود.
شبانان که بیدار بودند
شگفت زده شدند.
آنها به زانو در افتاده می خواندند:

پدر را جلال باد،

هللویا!

پسر را جلال باد،

هللویا!

روح القدس را جلال باد،

هللویا، هلولیا، هلولیا!

(قرن چهارم)

تو را می ستاییم ای خدای قادر مطلق

سرود مخصوص برگزاری آیین سپاس

تو را می ستاییم، ای خدای قادر مطلق،
تو که بر بالای کروبیان
و سرافیان می نشینی،
که انبیاء و رسولان تو را می ستایند!

خداوندا، ما با نیایشهای خود، تو را می ستاییم.
تو را که آمدی تا ما را از گناه برهانی!
تو را نیایش می کنیم ای رهاننده والا،
که پدر، برای شبانی گوسفندان فرستاد:

تو هستی آن مسیح خداوند، آن منجی،
مولود از مریم باکره.
ما را که این جام بس مقدس را به دست می گیریم.
تا به ابد از هر گناه برهان!
(قرن چهارم)

در پناه رحمت تو

"در پناه رحمت تو"، یکی از کهن ترین نیایشهای خطاب به حضرت مریم است جدیدترین تحقیقات نشانگر آن است که این نیایش متعلق به بعد از شروع قرن چهارم است.
در این جا قدیمی ترین شکل آن را، که بر پایپروسی به زبان یونانی کشف شده است نقل می کنیم:

در پناه رحمت تو
ما پناه می جوئیم، ای مادر خدا.
مگذار آنها که تو را نیایش می کنند
به وسوسه بیفتند.

بلکه ما را از خطر برهان.
ای که یگانه پاک و یگانه متبارکی^۸. (قرن چهارم)

۸- متنی که در کلیسای لاتین به کار می رود چنین است: «تحت نگهداری تو پناه می جوئیم، ای مادر مقدس خدا. دعای برخاسته از نیازهای ما را خوار مشمار بلکه از جملگی خطرات، ما را نجات ده، همواره ای باکره پر جلال و متبارک». عبارت «ما را نجات ده، همواره ای باکره» خطای ترجمه می باشد زیرا در متن یونانی آمده است: «بلکه ما را نجات ده، ای که همواره باکره ای».

ای خدای قادر مطلق

ای خدای قادر مطلق،
که آسمان، زمین، دریا
و هر آنچه در آنهاست را آفریدی!

به یاری من بیا،
مرا از گناهانم شستشو ده،
مرا در این جهان و در جهان آینده نجات ده!

از طریق عیسی مسیح، خداوند و منجی ما،
از طریق او تو را جلال و قدرت باد،
تا ابدالآباد!
آمین.

(قرن سوم - چهارم)

امید، حیات، راه...

امید، حیات، راه، نجات، فهم، حکمت، نور، داور، در، متعال، شاه، سنگ گرانبها، نبی، پیر، مسیح،
صبایوت، استاد، همسر، میانجی، عصای شاه، کبوتر، دست، سنگ، پسر و عمانوئیل، تاکستان،
شبان، گوسفند، صلح، ریشه، شاخه تاک، درخت زیتون، سرچشمه، حصار، بره، قربانی، شیر، شفیع،
سخن، انسان، دام، صخره، خانه:
عیسی مسیح همه چیز است. (از گفته های پاپ داماسوس، ۳۶۶-۳۸۴)

خون عیسی مسیح

خون عیسی مسیح،
که از بهر ما تن گرفت،
و از آن باکره قدیس مولود شد.

خون عیسی مسیح،
که از مادر مقدس خدا تولد یافت.

خون عیسی مسیح،
که در جسم متجلی گردید.

خون عیسی مسیح،
که در رود اردن تعمید یافت
به دست آن پیشگام.
عیسی مسیح! آمین.

خون عیسی مسیح،
که خود را برای قربانی
از بهر گناهان ما تسلیم نمود.
عیسی مسیح! آمین
(قرن پنجم)

ای شبی که از روز روشن تری

(سرود برای شب عید گذر)

ای شبی که از روز روشن تری،
شبی که از خورشید هم تابان تری،
ای که از برف هم سپید تری،

شبی که از مشعلهای ما درخشان تری!

ای شبی که از فردوس شیرین تری،
شبی که از تاریکی رها گشته ای،
شبی که خواب را دور می کنی
شبی که ما را به همراه فرشتگان بیدار می داری!

ای شبی که برای شیاطین مخوفی،
شبی که تمام سال به سوی تو می گراید،
شبی که کلیسا را چون عروسی به پیش دامادش می بری،
شبی که مادر منوران هستی!

ای شبی که در آن شیطان خفته،
غارت شده است،
ای شبی که در آن وارث متعال
وراث را به ارثشان رسانده است!

(از «آستریوس» (Asterius)، اسقف آماسئای در پنطس متوفی: سال ۴۱۰)

کتیبه‌های روی قبرها

کتیبه قبر آبرسیوس (Abercius)

کتیبه قبر آبرسیوس شاهکار سنگ نبشته‌های کهن مسیحیت است. این اثر از آسیای صغیر می‌آید و قدمت آن احتمالاً به پایان قرن دوم بر می‌گردد. آبرسیوس اسقف هیراپولیس (Hierapolis) در فریجیه سالوتاریس (Phrygia Salutaris)، در مسافرتی به روم و سپس به سوریه، بر سر راه خود کلیساهای مسیحی را زیارت کرده و در آیین سپاس آنان مشارکت نموده است. او این مسافرت خود را به زبان سمبلیک که فقط مسیحیان قادر به درک آن بودند این چنین شرح می‌دهد.

من، شهروند شهری مشهور،
در دوران حیاتم این مقبره را بنا کردم
تا روزی تن من در آن بیارامد.

مرا آبرسیوس نام است.
از شاگردان شبان مقدسی هستم^۹
که رمه گوسفندان خود را بر کوهها و دشتها می‌چراند،
او چشمان بزرگی دارد که به هر جا می‌نگرد.
این اوست که نوشته‌های مقدس راستین را
که حیات بخش است، به من آموخت.
این اوست که مرا به روم فرستاد
تا عظمت اعلا را نظاره کنم
و آن ملکه ای را ببینم که ملبس به جامه ای زرین است
و سندهای طلا به پا دارد.

در آنجا قومی دیدم مهور به مهری درخشان.
دشت سوریه را نیز دیدم،
و تمامی شهرها را و نیسی بیس (Nisibis) را در آن سوی فرات.

۹- شبان مقدس همان مسیح است. منظور از استعاره ای چون ماهی چشمه، بسیار بزرگ و پاک باز هم مسیح است. به طوریکه اطلاع داریم واژه یونانی ایختیس (Ichtyis) به معنی ماهی از حروفی تشکیل شده است که هر یک از آنها حرف اول کلمات در عبارت یونانی زیر است: عیسی مسیح، پسر خدا رهاپنده. عبارت استعاری دیگر نیز ملکه طلا پوش به کلیسای روم اشاره می‌کند و منظور از آن و منظور از باکره مقدسی که ماهی را صید کرده است همان مریم باکره می‌باشد.

در همه جا برادرانی یافتیم.
پولس همسفر من بود.
در همه جا ایمان راهنمای من
و غذای من بود:
ماهی ای از چشمه ای بسیار بزرگ و پاک
که باکره ای مقدس صید کرده بود
و پیوسته به خورد دوستان خود می داد؛
او شرابی گوارا دارد
که با نان از بهر خوراک می دهد:
من، آبرسیوس، این متن را دیکته کردم،
و در حضور من بر روی سنگ حک شده است.
من هفتاد و دو ساله بودم.
باشد که برادری که این را درک کند،
برای آبرسیوس نیایش نماید.

مگذار کسی بر روی قبر من
قبر دیگری قرار ندهد
و گر نه جریمه ای بپردازد:
دو هزار سکه طلا برای مالیه روم
و هزار سکه طلا برای زادگاه شهیر من، هیراپولیس.

* * *

کتیبه قبر پکتوریوس (Pectoriu)

کتیبه قبر پکتوریوس در یک گورستان قدیمی مسیحی در حوالی شهر آتون (Autun) کشف گردیده و مربوط به سالهای ۳۵۰ الی ۴۰۰ است. اما بخش نخستین آن ممکن است از شعری کهن تر و نزدیک به زمان کتیبه آبرسیوس نقل شده باشد. در این کتیبه مسیح، ماهی آسمانی و تعمید، چشمه جاودانی آبهای الهی و آیین سپاس غذایی به شیرینی غسل مربوط به آن منجی قدیسین نامیده می شود. وقتی نویسنده می گوید که ساهی را «در کف دست» دریافت می کردند، در واقع به رسم قدیمی مشارکت در تن و خون مسیح اشاره می کند.

ای نژاد الهی آن ماهی آسمانی،
قلبت را پاک نگاهدار،
زیرا تو در میان انسانهای میرا
چشمه نامیرای آبهای الهی را دریافت کرده ای.
ای دوست، جانت را تازه بدار
در امواج ابدی حکمت غنی کننده.
این مائده را که به شیرینی عسل است،
از دست آن منجی قدیسین دریافت نما.
به حدی که گرسنه ای بخور،
به حدی که تشنه ای بنوش،
وقتی که ماهی را در کف دستهایت دریافت می کنی.
تو را نیایش می کنم، ای خداوند و منجی،
آن ماهی را بهر خوراک ما عطا کن.

باشد که مادر من در صلح بیارآمد،
تو را نیایش می کنم ای نور مردگان

آشاندیوس، ای پدر محبوب من،
با مادر مهربان و برادرانم،
در صلح و آرامش آن ماهی، پکتوریوس را به یاد آورید.

* * *

کتیبه قبر آماخیس (Amachis)

قدوس، قدوس، قدوس،
سلام بر شما که نور دلپذیر
پدر آسمانی ما را می بینید.
از بهر ما چنان کنید که بتوانیم بیاساییم
در عیسی مسیح، خداوند ما،
و در روح القدس او که حیات می بخشد.
و باشد که به شما نیز عطا کند

تا زندگی را پس از عمری در پرتوی زیبایی، بدرود گویند.

زیرا حتی من، با همه حقارت،
در خاتمه عمری بس کوتاه
سهم خود را از وعده خدا دریافت نمودم.
تو نیز ای خداوند، بر من ترحم فرما!

* * *

کتیبه قبر لئونتیوس (Leontius)

خدایا، او را آرامش عطا فرما
همراه با دینداران و عادلان
در دیار آسایش و شادابی
در فردوس شادیهها،
که درد و رنج و ناله از آن بگریخته اند.
قدوس، قدوس، قدوسی تو، ای خداوند صباوت!
آسمان و زمین از جلال مقدست سرشار است.

* * *

کتیبه قبر ماگوس (Magus)

ماگوس، ای کودک معصوم،
از این پس تو با معصومانی.
چه پر دوام است آن حیاتی که اکنون از آن توست!
چه پر نشاطی، حال که کلیسا، مادرت،
تو را هنگام بازگشتت از این دنیا دریافت نموده است!
ای قلب من، دیگر ناله مکن،
و ای چشمان من دیگر اشک مریز.

* * *

ای خدای هر روح و هر جسم

در نام پدر و پسر و روح القدس. آمین.
ای خدای هر روح و هر جسم،
تو که مرگ را مغلوب و دوزخ را پایمال کردی،
تو که به جهان، حیات بخشیدی:
روان پازینا (Pasina) را آرامش عطا فرما
در آغوش ابراهیم، اسحق و یعقوب،
در دیاری که از نور می درخشد،
در آن دیار شادابی،
جایی که نه رنج باشد، نه ماتم و نه اشک.

تمام گناهانی را که مرتکب شده است
به گفتار به کردار و پندار،
تو که نیک و رحیمی
بر وی بیخشای،
زیرا نیست آدمی که بی گناه زیست کند.
تنها تو خدایی، تنها تو بری از گناهی،
قدوسیت تو، قدوسیت ابدی
و کلام تو حقیقت است.
به روان من، روان پازینا، آرامش عطا فرما،
زیرا تو آرامش، زندگی و رستاخیز از مرگی.

ما جلال تو را می سراییم، ای پدر، پسر و روح القدس. آمین.
دوشنبه ۱۹ ماه خویاک (Khoiak)
سال شصتم از عصر شهدا.
ای نجات دهنده به نویسنده این خطوط آرامش ارزانی دار.
(قرن چهارم)

کتیبه‌های رومی در تعمیرگاهها

تعمیرگاه لورنس قدیس در دمشق

از این چشمه شریف آبی نجات بخش فوران می‌کند،
که هر پلیدی را از انسان می‌زادید.

آیا می‌خواهی فواید این آب مقدس را بدانی؟
این نهرهای مقدس ایمانی احیاءکننده می‌بخشند.

در این چشمه مقدس آرایش زندگی گذشته‌ات را بشوی.
مشارکت در حیاتی که این آب به تو می‌دهد، شادمانی وافر می‌بخشد.

هر که به این چشمه روی آورد چیزهای دنیوی را ترک نموده
و اعمال تاریکی را پایمال می‌کند

تعمیرگاه لاتران

در این مکان از بهر آسمان قومی از نژاد خدایی متولد می‌شود.
روح القدس در آبهای بارآور، به آنان زندگی می‌بخشد.
آن کلیسای مادر فرزندان را در این امواج می‌زاید
چون ثمره بکارتی که از روح القدس بدان آبستن شده است.

ای که در این چشمه تولدی جدید می‌یابید، به ملکوت آسمان امیدوار باشید،
زیرا آنانی که فقط به یک بار زاده شده‌اند هیچ سهمی در حیات سعادت ابدی ندارند.
آن چشمه حیات، که تمام عالم را می‌شوید، که از زخم مسیح فوران نمود، در این جا یافت می‌شود.

ای گناهکار، برای شستن گناحت، در این چشمه مقدس داخل شو.
آب، انسان قدیم را در بر می‌گیرد و انسانی نوین برمی‌خیزاند.
اگر خواهی بی‌گناه گردی: خود را در این چشمه پاک گردان،

بار گران تو هر چه باشد، چه گناه آدم چه گناه خود تو.
میان آنان که تولد نوین می یابند تفاوتی نیست: همه یک اند،
در یک تعمید، یک روح و یک ایمان.
هیچ کس از تعداد و یا سنگینی گناهان خود نهراسد:
آن کس که از این نهر تولدی تازه یابد، مقدس خواهد بود. (کتیبهٔ سیکستوس سوم، ۴۳۲-۴۴۰)

تعمیدگاه لورنس قدیس

ای رهگذر، بنگر زندگانی چه کوتاه است.
قایقت را به کرانه های فردوس بازگردان،
به بندر بازگرد و چهرهٔ خداوند را بنگر.
فیض را بپذیر، ای که در آنچه مقدس است سهمی!

ای خدای حقیقی، جلال اعظم، نور، حکمت و قدرت:
تو از پهلوی خود - ای قدرت شگفت آور محبتت -
هم آن خون را که بر قربانگاه، ظاهر شراب دارد
و هم آن آبهای تعمید را که جانها را پاک می گرداند، فوران می سازی.

(قرن پنجم)

کتیبه ای که در کنسیگناتوریوم^۱ Consignatorium قرار دارد

در این جا گوسفندان معصومی که با آب آسمانی تظهير شده اند،
با دست راست آن شبان اعظم نشان زده می شوند.

تو که در این آب مولود شده ای، به اتحادی
که روح القدس تو را برای دریافت هدایای خود بدان فرا می خواند، بیا. تو صلیب را دریافت نموده ای،
پس فرار از طوفانهای دنیوی را بیاموز:

این است درس بزرگی که این مکان به یاد تو می آورد^{۱۱}

۱۰- به مکانی گفته می شد که در آن جا تعمید یافتگان را تدهین می کردند. کنسیگناتوریوم مورد نظر در واتیکان قرار داد.
۱۱- احتمالاً اشاره ای است به شهادت پطرس رسول که به روایت سنتی در آن مکان مصلوب گردید.

آموزش‌های دینی سیریل

اسقف اورشلیم

(مقارن سال ۳۵۰)

روح القدس
به هیئت جسمانی مانند کبوتر
بر او نازل شد
و آوازی از آسمان در رسید:
«تو پسر حبیب من هستی
که به تو خوشنودم».
(لو ۳: ۲۲)

سیریل، اسقف اورشلیم (۳۱۴-۳۸۷)

بدون تردید سیریل یکی از شخصیت‌های بسیار جذاب قرن چهارم میلادی است. وی در سال ۳۱۳ یا ۳۱۴ تولد گردید، مقارن ایامی که قرارداد صلح کنستانتین میان امپراتور کنستانتین و امپراتور لیسینیوس (Licinius) در شرف تثبیت بود. سیریل در سال ۳۵۰ به اسقفی اورشلیم نائل آمد. دوران اسقفی وی دورانی آرام بود. به جای تحریم و آزاری که در گذشته از خارج بر کلیسا اعمال می‌شد، این بار مجادلات علمای علوم الهی ایمان را از درون مورد تهدید قرار می‌داد.

سیریل نیز به این مجادلات کشانده شد و به عنوان مدافع اصالت ایمان، در معرض فراز و نشیب‌های تاریخ فرار گرفت. او سه مرتبه تبعید گردید و ۶۱ سال از ۳۸ سال دوران اسقفی خود را در تبعید گذراند و سرانجام به سال ۳۸۷ در میان وفاداران خود در آرامش جان به جان آفرین تسلیم نمود. کلیسا او را در مقام مرجع رسمی علوم دینی یا دکتر (Doctor)^۱ مکرّم می‌دارد و بزرگداشت وی را در تاریخ ۱۸ مارس جشن می‌گیرد.

آموزش‌های دینی

اثری که نام سیریل را برای همیشه در قلمرو سنت‌های مسیحی و بویژه در آیین نیایش مشهور گردانیده شامل بیست و چهار جزوه آموزش دینی یا تدریس است که مقارن سال ۳۵۰ در کلیسای بزرگ مقبره مقدس^۲ ندریس می‌کرده است. این تعالیم به دو گروه تقسیم می‌گردند:

گروه نخستین شامل نوزده آموزش پیش از تعمید است که در ایام روزه بزرگ داده می‌شد. این آموزش‌ها نطاب به حق جویانی بود که برای تعمید و مشارکت در آیین نیایش سپاس در شب عید گذر آماده می‌شدند. نوآموزان این دوره را **منوران** (Photizomenoi) می‌نامیدند زیرا به دریافت معرفت رازهای مسیحی نائل می‌گردیدند.

گروه دوم شامل پنج آموزش بود که پس از عید گذر در طول هفته ردهای سپید به نوتعمید یافتگان یا **منوران جدید** (Neophotistoi) داده می‌شد. این آموزش‌ها درباره رازشناسی بود که می‌توان آن را به معرفت بر رازها نیز تعبیر نمود. در حقیقت سیریل با این آموزش‌ها قصد داشت منوران جدید را به درک هرچه عمیق‌تر ازهایی وارد کند که اکنون با دریافت تعمید در آنان تحقق یافته بود.

۱- این عنوان در زبان فرانسه Docteur de L'glise و در انگلیسی Doctor of the Church می‌باشد که طبق واژه نامه عنوانی است که رسماً از طرف کلیسا به قدیسی داده شده که عقاید و نظریات قابل توجهی بیان کرده‌اند. این عنوان به قدیسین زن (مانند ترزای قدیس آویلا) نیز داده شده است.

۲- این کلیساهای بزرگ را باسیلیک (Basilique) می‌نامند. در چنین کلیساهایی کرسی خاص پادشاه قرار دارد و سلاطین برای آیین‌های نیایش بر آن جا حاضر می‌شوند یا می‌شدند. کلیسایی که در این جا با نام مقبره مقدس بدان اشاره شده در محل قبری که جسد مسیح در آن قرار گرفته بود حادث شده و مرکز زیارت‌های بسیار مسیحیان از گوشه و کنار جهان بوده و می‌باشد.

بنابراین آنچه از این بیست و چهار آموزش به دست ما می‌آید بیان ایمان سنتی است به همان شکلی که کلیسای اورشلیم در اواسط قرن چهارم به حق جویان و نوگروندگان خود تعلیم می‌داد. علاوه بر این متن یونانی که به دست ما رسیده عین نسخه تندنویسی شده تعلیمی است که در جریان مراسم آیین نیایش داده می‌شد. بنابراین آنچه در دست داریم اثر منحصر به فردی نیست که یک استاد علوم دینی به طور خصوصی و به منظور کسب شهرت تألیف کرده و در آن نظریات شخصی خویش را بیان نموده باشد، بلکه صرفاً تعلیم متعارفی است که از جانب یک شبان کلیسا جهت توضیح ایمان مسیحی داده می‌شده است.

اما این آموزش عادی به هر حال دارای زیبایی شگفت‌انگیزی است. فی البداهه ساخته شده، اما با چه شکوهی! آموزشهایی هستند، اما با چه عظوفتی! بیانی ساده، اما با چه ابهتی! کاستن (Quasten) اینها را «یکی از ارزشمندترین گنجینه‌های مسیحیت باستان» می‌نامد. پیدانل (Piedagnel) از آنها به عنوان «یکی از بی‌قیمت‌ترین گنجینه‌های آیین نیایش مسیحی در قرن چهارم» یاد می‌کند. گزیده‌ای از این آیینها که ذیلاً خواهیم آورد به خواننده امکان خواهد داد که این ارزشیابی ما را تأیید نماید. شاید هم مقایسه این آموزشها با موعظه‌های ایمانی قرن بیستم حسادت خواننده را نسبت به مسیحیان اورشلیم قرن چهارم برانگیزد...

باید یادآور گردید که سبک نگارش موسوم به حق آموزی از جمله شیوه‌هایی است که با زندگی کلیسا می‌باید ناگسستنی دارد. آموزش اصول دین - حتی اگر به گونه‌ای علمی تر آن را رازشناسی گوئیم - همان اندازه که حق جویان و نوگروندگانی باشند که باید تعلیم ببینند، برای کلیسا یک ضرورت و امر حیاتی می‌باشد. در این دوران پس از صلح کنستانتین، داوطلبان تعمید رو به فزونی بود و به همین نسبت آثار آموزش دینی نیز گسترش می‌یافت. از میان آثاری که از گذشت زمان جان سالم به در برده و به ما رسیده است باید از: رساله درباره رازها به قلم امبروز اهل میلان (Ambrose of Milan)، مقارن پایان قرن چهارم، آموزش دینی مبتدیان به قلم آگوستین (Augustine) که مقارن سال ۴۰۵ تألیف گردید، آموزشهای هشتگانه تعمیدی که به سال ۳۹۰ توسط ژان کریزوستوم (Jhon Chrysostom)، یوحنا دهان طلایی) تنظیم شده و نسخه گردآلود آن در کتابخانه دیر کوه آتوس، به سال ۱۹۵۵ توسط پدر و گنر (Father A. Wegner) کشف گردید و آموزشهای دینی شانزده گانه که تئودور اهل مپسوئستیا بین سالهای ۳۸۸ و ۳۹۲ در انطاکیه موعظه نموده است، یاد کرد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که آثار سیریل در این زمینه منحصر به فرد نیست. اما به هر حال اولین اثر آموزشی بوده و از لحاظ طراوت بیان بی نظیر مانده است. این اثر مانند عطر نوبهاری آیین نیایش است پیش از آن که رایحه تابستانی حکمت الهی از سوی پدران کلیسا فرارسد. و سرانجام باید در این جا به مسأله غامض اصالت که درباره پنج آموزش رازشناسی وجود دارد اشاره کرد. علاوه بر سنت دست نوشته یونانی که سیریل را مؤکداً نویسنده آموزشهای رازشناسی معرفی می‌نماید، فهرست دیگری نیز وجود دارد که تدوین آن ! به یوحنا دوم که جانشین، سیریل بر کرسی اسقفی اورشلیم گردید نسبت می‌دهند و نیز چهار فهرست جزء دیگر این متون، آموزشهای رازشناسی را هم به سیریل و هم به یوحنا دوم نسبت می‌دهند. این تردیدها به هیچ نتیجه مطمئنی درباره اصالت آموزشهای رازشناسی نمی‌انجامد. از سوی دیگر به نظر می‌آید که اصالت آموزشهای رازشناسی به سبب اشاراتی که بخشهای مختلف آن به یکدیگر می‌نمایند تأیید می‌گردد زیرا هر

بخش (یا جزوه) خود را متعلق به همان مؤلف واحد اعلام می نماید. همان قدر می توان گفت که دروضع فعلی انکار بی قید و شرط اصالت این آثار عاقلانه به نظر نمی رسد. اما البته نادیده گرفتن این مسأله هم به مراتب ور از احتیاط است. می توان چنین تصور کرد که متن اولیه توسط یک نفر تندنویس ضبط گردید و در سالهای بعد برای آموزش حق جویان و نوگروندگان استفاده شد و سرانجام از سوی یوحنا دوم اورشلیمی مورد تغییرات جزئی قرار گرفت. این تصور می تواند مبین این امر باشد که شیوه سخن، واژه ها و تمثیلهایی که در آموزشهای رازشناسی به کار رفته است نسبت به تعالیم پیش از تعمید از کیفیت تغزلی کمتری برخوردار است. این تفاوت در شیوه ادبی در نسخه اصلی یونانی محسوس تر است و حتی در نسخه ترجمه فرانسه نیز^۳ اثراتی از خود به جا گذارده است. صرف نظر از مواضعی که اتخاذش در مقابل مسأله اصالت ضروری به نظر می آید، این مسأله تأثیری بر ارزش شهادتی که در این جا ناظر آن هستیم ندارد (حتی اگر قرار بر این می بود که تدوین قطعی بخش آموزشهای رازشناسی چند سالی به تعویق می افتاد) زیرا آنچه در دست داریم بیانی از ایمان سنتی کلیسای اورشلیم در قرن چهارم است.

* * *

آموزشهای آمادگی به داوطلبان تعمید

ثمرات از وعده گلها هم گذشت

هم اکنون عطر خوشبختی بر شما پخش می گردد

ای کسانی که نور را دریافت می دارید!^۴

اکنون دارید گلهای معنوی را می چینید

تا تاجهای آسمانی بیافید!

هم اکنون رایحه خوش روح القدس بر شما دمیده شده است!

و به دهلیز کاخ شاهی رسیده اید!

کاش می توانستید به بارگاه شاه بیایید! حال که درختها شکوفه کرده اند، باشد که میوه ها نیز به کمال رسیدگی برسند! نام شما هم اکنون نوشته شده است: شما بسیج گردیده اید، شما حامل چراغها برای موبک عروسی هستید، شما خواهان مدینه آسمانی می باشید، تصمیم شما نیکوست و امید به همراه دارد. آن کس که گفته است «خدا همه چیز را برای خیریت کسانی که دوست می دارد فراهم می کند» (روم ۸: ۸۲) دروغ نگفته ست. آری دست خدا برای نیکوکاری گشوده است اما او انتظار دارد که هر کس اراده صادقانه خود را بروز دهد. به خاطر همین است که نبی می افزاید:

۳- و نیز در نسخه ترجمه فارسی آن که اکنون به دست دارید.

۴- ترجمه کلمه به کلمه: ای منوران.

«آنانی را که برحست نقشه خویش فراخوانده است» (روم ۸: ۲۸). اگر از خود صمیمیتی بروز دهید، بی‌درنگ در شمار کسانی قرار می‌گیرید که فراخوانده شده‌اند.

(آموزش‌های آمادگی ۱)

نام شما ثبت شده است

ما خدمتگزاران مسیح از جانب خود از فرد فرد شما پذیرایی کرده و در را به روی شما باز گذارده ایم که گویی وظیفهٔ دربان را انجام می‌دهیم. شاید شما با روحی گناه‌آلود و نیتی پلید وارد شده باشید لیکن وارد شده‌اید، پذیرفته شده‌اید و نامتان ثبت گردیده است.

چهرهٔ احترام برانگیز جماعت ما را بنگرید. آیا متوجه نظم و انضباط، قرائت نوشته‌های کتاب، حضور روحانیون و ترتیب تعالیم می‌شوید؟ بگذارید که این مکان در شما هراس و خوف بیافریند، و آنچه می‌بینید در تعلیم، شما را به کار آید. امروز به وقت مناسب بیرون آید و فردا به وقتی مناسب تر برگردید.

اگر جامهٔ خست به تن دارید، جامه دیگری بپوشید و باز آید. از شهوات و ناپاکی خلاص شوید و جامهٔ رخشان پاکی را بر تن کنید. شما را از اینها برحذر می‌دارم تا پیش از آن که عیسی آن داماد آسمانی روح ما، وارد شده متوجه جامه‌هایتان گردد، فرصتی طولانی به شما داده شده باشد: چهل روز برای توبه در پیش آید، زمان کافی تا جامه‌های خود را از تن به در کنید، خویشتن را بشویید، دوباره لباس بپوشید و باز گردید.

اگر همچنان در نیت پلید خود تعمد ورزید آن کس که با شما سخن می‌گوید مسئول آن نیست. اما انتظار دریافت فیض نداشته باشید. آب شما را پذیرا گردد اما روح خداوند شما را نخواهد پذیرفت.

اگر کسی جریحه دار گردیده است، بگذارد زخمش را مرهم بندند! اگر کسی فرو افتاده باشد، بگذار برخیزد! هیچ شمعونی^۵ در بین شما نباشد، همین‌طور هیچ نوع ریاکاری و یا کنجکاوای بی‌شرمانه.

(آموزش آمادگی ۴)

شما همچون ماهی به تور کلیسا افتاده‌اید

شاید شما به دلیل دیگری به این جا آمده‌اید؟ گاه پیش می‌آید که مردی با انگیزهٔ جلب رضایت زنی به این جا بیاید. همین امر را در مورد زنی نیز می‌توان گفت. و گاه نیز پیش می‌آید که برده‌ای بخواهد رضایت اربابش را جلب نماید و یا دوستی از بهر دلخوشی دوستش چنین کند.

۵- سیریل در این جا به شمعون ساحر اشاره می‌کند (اع ۸: ۹-۲۴) که تعمید دیده اما منور نگشته بود.

من هرچه به قلاب است می گیرم، شما را می گیرم، شما را که با نیتی پلید آمده اید، اما از طریق امید نیکوی خود نجات خواهید یافت. بدون تردید نمی دانید به کجا می روید و از توری که بدان افتاده اید بی اطلاعید! شما به تور کلیسا افتاده اید! بگذارید شما را زنده بگیرند، فرار کنید! این عیسی است که شما را به قلاب گرفته است، نه به این خاطر که شما را بگنجد بلکه برای آن که شما را حیات بخشد، پس از آن که نفس شما را کشته باشد. زیرا شما باید بمیرید و از مرگ برخیزید. این سخن رسول را شنیده اید که: «مرده نسبت به گناه و زنده برای عدالت» (روم: ۱۱). زندگی را از همین امروز آغاز کنید!

(آموزش آمادگی ۵)

طلای خالص روح فرد فرد شما

به فراگیری دروس دینی بشتابید، جلسات نیایش برای دفع شریر را با اشتیاق پذیرا باشید. نفخه هایی که بر شما دمیده می شود، نیایشهای دفع شریر که بر شما انجام می گیرد شما را نجات می بخشد. به یاد آورید که شما طلائی ناخالص هستید و با عناصر گوناگون از قبیل: مس، قلع، آهن یا سرب آمیخته شده اید. ما می خواهیم طلای خالص به دست آوریم!

بدون آتش، نمی توان طلا را از عناصر بیگانه پاک نمود. همچنین بدون نیایشهای دفع شریر، روح پالایش نمی یابد...

زرگران وقتی با دَمَش باد را به درون آتش می دمند، شعله ها را تحریک نموده، طلا را که در بوته نهفته است ذوب کرده طلای مطلوب خود را به دست می آورند. همچنین وقتی نیایشهای دفع شریر به فیض نفخه خدا^۶ ترس را در شما می دمد و روح را که در بدن چون در بوته ای قرار دارد از آتش می گذراند، روح شریری گریزد درحالی که نجات و امید به زندگی جاودانی بر جای می ماند. به این ترتیب روح شما از گناهانش پاک گردیده و نجات را به دست آورده است.

پسران و دختران مادری واحد

ای برادران، باشد که این امید ما را مستحکم سازد!
خود را به دست این امید بسپاریم!
باشد که خدای عالم که نظاره گر عزم راسخ ماست
ما را از گناهانمان پالاید،
و ما را به آن حقایق، امیدی استوار ارزانی دارد.
باشد که ما را تحول قلب، و نجات عطا فرماید!
خدا فراخوانده است، او، شما را فراخوانده است!

(آموزش آمادگی ۹)

شما که نامتان را برنوشته اید، پسران و دختران مادری واحد گشته اید.
(آموزش آمادگی ۱۳)

باشد که در بهشت گشوده شود!

من باید نظاره گر اشتیاق هر مرد و تقوای هر زنی باشم.

باشد که روح شما به تقوی تفته شود،

و روانتان همچون آهنی بر سندان کوبیده شود،

و سختی بی ایمانی به زیر پتک آید!

باشد که تفالهٔ بیهودهٔ آهن از بین برود

و آنچه پاک است باقی بماند.

باشد که زنگ از آهن زدوده شود

و آنچه حقیقت است آن ماند!

باشد که خداوند عنایت فرماید و آن شب را به شما نشان دهد،

آن تاریکی را که چون روز می درخشد

و دربارهٔ آن نوشته شده است:

«تاریکی نزد تو تاریک نخواهد بود

و شب به روشنی روز خواهد بود» (مز ۱۳۹:۱۲).

باشد که بر هر مرد و زنی در میان شما

درهای بهشت گشوده شود!

و شما از آبهای معطر^۷

که عامل مسیح است، بهره برید.

و شما نام مسیح

و توان انجام اعمال الهی را دریافت کنید.

از هم اکنون چشمان روح خود را بگشایید و در نفس خود گروه فرشتگان را نظاره کنید و خدای مالک

جهان که بر تخت خود نشسته و یگانه پسر مولود او که به دست راست وی نشسته است، روح القدس و

ندرتهای آسمانی که در خدمت ایشانند و نیز هر مرد و زنی در میان شما که نجات یافته اید را بنگرید!

باشد که از این لحظه گوشهای شما این سرود شگفت را بشنوند که فرشتگان به هنگام نجات یافتن شما

خطاب به شما می سرایند:

«خوشا به حال آنانی که عصیانشان بخشوده

و گناهانشان مستور گردید!» (مز ۲۳:۱)

آنگاه چون ستارگان کلیسا با تنی نورافشان و جانی درخشان وارد آسمان خواهید شد.

(آموزش آمادگی ۱۵)

تعمیدی بس عظیم دریافت خواهید داشت، که باز خرید اسیران، بخشایش گناهان، مرگ گناه و تولدی تازه برای روح شماست. این تعمید ردایی از نور، مَهْری نازدودنی، ارا به ای که شما را به آسمان می برد، شادیهای فردوس، اعطای ملکوت و فیض پسر خواندگی است.

(آموزش آمادگی ۱۶)

آموزش دینی قبل از تعمید

آموزشی که جهت وارد ساختن حق جویان به راز تعمید در اورشلیم داده شده است. قرائت از اشعیای نبی: «خویشتن را شسته طاهر نمایید و بدی اعمال خویش را از نظر من دور کرده از شرارت دست بردارید». (اش ۱:۱۶)

دلی تازه برای خود بیافرینید
ای شاگردان پیمان جدید،
که در رازهای مسیح سهیم هستید،
حال برحسب فراخوانی
لیک بزودی برحسب فیض،
دلی تازه و روحی تازه برای خود بیافرینید،
تا در آسمانها شادمان باشید (لو ۱۵:۳۱).
زیرا چنانچه برطبق انجیل
حتی ندامت یک گناهکار
موجب شادمانی می گردد،
پس، از نجات این همه،
آسمان چه وجدی خواهد داشت!

شما که در راهی راست و زیباترین راه گام می نهید،
در مسابقه تقوا بدون ترس بدوید.
چون به خاطر باز خرید شماست که تنها پسر مولود خدا
در این جا می ایستد و می گوید:
«بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران،

و من شما را آرامی خواهم بخشید» (مت ۱۱:۲۸).

ای شما که به ردای منحوس شرارت‌های خود ملبسید
و در بند زنجیر گناهان خویش گرفتار،
ندای نبی را بشنوید که اعلام می‌دارد:
خود را بشوئید، خود را پاک گردانید،
و شرارت جانهای خویش را از نظر من دور کنید!
آنگاه فرشتگان سرودخوان به شما خوش آمد خواهند گفت، با این سرود:
«خوشا به حال آنانی که عصیان‌شان آمرزیده شده
و گناهان‌شان مستور گردیده!» (مز ۳۲:۱).

اکنون که مشعل‌های ایمان خود را برافروخته اید،
آنها را در دست‌های خود همواره روشن بدارید،
تا آن کس که یک بار بر فراز جلجتای مقدس
در جواب به ایمان راهزنی در فردوس بر وی گشود،
اجازه دهد که شما نیز سرود وصل بخوانید.
(آموزش ۱:۱)

بیایید با مهر معنوی مهور گردید.

اگر در میان شما کسی باشد که هنوز برده گناه است، خود را از راه ایمان آماده آن آزادی سازد که تجدید
نیات ناشی از پسرخواندگی اعطا می‌کند، خود را از بردگی کشنده گناه آزاد سازد و بندگی سعادت‌مند
خداوند را به دست آورد (روم ۱۶:۱۶-۱۸). تا شایسته میراث ملکوت آسمان گردد! باشد که وی از طریق
عتراف به گناهان، آن انسانیت کهنه را که از شهوات فریبنده فاسد می‌گردد از خود بیرون کند و به روح ذهن
خود تازه شود و انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است بپوشد
(افس ۲۲:۴-۲۴).

از طریق ایمان نوبرهای روح القدس را به دست آورید تا در مسکن‌های ابدی پذیرفته شوید. بیایید با مهر
معنوی نشان یابید تا خداوند شما را بازشناسد. به رمة مقدس و معنوی مسیح پیوندید، تا در سمت راست
بی جای گیرید و آن حیاتی را که برای شما آماده شده است به ارث برید.
اما آنانی که هنوز در پوشش خشن گناهان خویش محبوسند در سمت چپ قرار خواهند گرفت زیرا قدمی
به سوی فیض خدا، که مسیح آن را در غسل حیات نوین به ما می‌بخشد، برنداشته‌اند.

(آموزش ۱:۱-۲)

شما به فردوس روحانی منتقل خواهید شد
از آن پس شما در فردوس روحانی کاشته خواهید شد،
نامی جدید خواهید یافت که قبلاً نداشته اید.
تا به حال شما را حق جو نام بود،
اکنون شما را "ایماندار" خوانند.

از آن پس به باغ زیتون روحانی منتقل خواهید شد،
و از درخت زیتون وحشی بر درخت زیتون حقیقی،
از گناه بر عدالت،
و از پلیدیها بر پاکی پیوند زده شده اید.

شما جزئی از تاک مقدس خواهید شد،
اگر در تاک ساکن باشید رشد خواهید کرد
به سان شاخه ای پر بار.
اگر در تاک نمایید به آتش سوخته خواهید شد.

لذا باشد که آن چنان که باید بارور گردیم!
تا سرنوشت ما مانند سرنوشت درخت انجیر بی بار نباشد.
باشد که عیسی امروز بار دیگر نیاید
تا آن درخت را به خاطر بی بار بودنش لعن کند!

باشد که همگی چنین گوئیم: «و اما من
مثل زیتون سبز در خانه خدا هستم
و به رحمت خدا توکل می دارم
تا ابدالآباد» (مز ۵۲: ۸).
درخت زیتونی که مادّی نبوده
بلکه درختی روحانی و در بردارنده نور است.

پس کاشتن و آب دادن با خدا (۱- قرن ۳: ۶)،
اما به بار آوردن میوه با شماست
عطای فیض با خدا
اما دریافت و حفظ آن با شما.

(آموزش ۴: ۱)

نخستین آموزش رازشناسی

عبارات انصراف از شریر و ابراز تعهد به تعمیم

نخستین آموزش رازشناسی به نوایمانان. قرائت نخستین رساله جامع پطرس پس از «هوشیار و بیدار باشید» تا آخر رساله (۱-پطر ۵: ۸-۱۴).

هدف از آموزش رازشناسی

ای فرزندان حقیقی و محبوب کلیسا، از دیرباز می‌خواستیم این رازهای روحانی و آسمانی کلیسا را ... به شما تعلیم دهیم تا بدانید در این شامگاه تعمیم‌تان چه تحولی در وجود شما انجام گرفته است. (آموزش ۱۹ و ۱)

«ای شیطان، من تو را ترك می‌گویم!»

شما نخست به راهروی تعمیم‌گاه وارد شده رو به مغرب ایستاده، گوش فرا داشته‌اید. آنگاه به شما دستور داده شد که دست خود را بلند کرده انصراف خویش را از شیطان، که گویی در آنجا حضور دارد، ابراز نمایید! باید بدانید که پیش‌تصویری از این آیین مقدس در تاریخ کهن وجود داشته است هنگامی که فرعون، آن جبار بس‌خشن و خونخوار بر قوم آزاد و شریف عبرانیان ستم می‌کرد، خدا موسی را برای رهایی آنان از ردگی اسفناک مصریان بفرستاد. عبرانیان سردر خانه‌های خود را با خون بره‌آلوده کردند تا آن‌ها را هلاک‌کننده، خانه‌های خون‌نشان را مصون بدارد. بدین ترتیب قوم به طور معجزه‌آسایی رهایی یافتند. اما وقتی دشمن کسانی را که آزادی یافته بودند تعقیب نمود، شاهد شگفتی دیگری شد: دریا پیش روی آن قوم گشوده شد و وقتی فرعون خواست از آن‌جا عبور نماید قدم بر جای پای آنها نهاد، اما ناگهان غرق گردید و دریای سرخ وی را مدفون ساخت.

اکنون از مطالب قدیم به جدید و از تصویر به حقیقت بازآییم.

در آن‌جا موسی از سوی خدا به مصر فرستاده شد، در این‌جا این مسیح است که پدر او را به جهان بی‌فرستد. در آن‌جا موسی باید ملتی ستم‌دیده را از مصر بیرون می‌کشید در این‌جا مسیح است که باید زمین را از گناهی که در جهان آنها را می‌آزارد رهایی بخشد. در آن‌جا خون بره‌آلوده آن‌ها را هلاک‌کننده را دور می‌کرد، در این‌جا خون بره‌پاک یعنی عیسی مسیح است که شیاطین را به فرار وامی‌دارد. ستمگر مردم آن وزگاران را تا به دریا تعقیب کرد همچنان که ابلیس گستاخ و بی‌شرم که مبدأ هر شرارتی است شما را تا چشمه‌نجات تعقیب می‌کند. آن ستمگر در دریا غرق شد و این شیطان در آبهای نجات ناپدید می‌گردد.

به این دلیل است که به شما دستور داده شد دست خود را بلند کنید و اعلام نمایید «من تو را ترك می‌کنم»، چنان‌که گویی شیطان در آن‌جا حضور دارد.

حال ببینیم چرا باید رو به مغرب بایستیم و انصراف خود را از شیطان اعلام نماییم. مغرب جهتی است که تاریکی از آن جا برمی خیزد و شریر نیز که خود تاریکی است، قدرتش را در تاریکی اعمال می کند. بدین لیل است که شما روی خود را به غرب می گردانید و انصراف خود را از شاهزاده شب و تاریکی ابراز می نمایید.

شما در حالی که آن جا سر پا ایستاده بودید چه گفتید؟ «ای شیطان، ای ستمگر شریر و بی رحم، من تو را ترک می کنم» و تأکید کردید: «از این پس از قدرت تو نمی ترسم زیرا مسیح از طریق سهیم نمودن من در خون و جسم خویش آن قدرت را نابود ساخته است. او مرگ را با مرگ نابود کرده است. دیگر هرگز برده تو خواهم بود! تو را ترک می کنم ای مار فریبای خدعه گر! تو را که در کمین می نشینی و با تظاهر به دوستی هر نوع نادرستی را برمی انگیزی و اغوا کننده گناه اولین والدین ما بودی! تو را ترک می کنم ای شیطان، که عامل و شریک همه شرارتها هستی.»

(آموزش ۱۹: ۲-۴)

« و تمام اعمال تو را »

در دستورالعمل ثانوی می آموزید که بگویید: «و تمام اعمال تو را.»
اعمال شیطان همگی گناہانی هستند که باید از آنها روی گرداند: همان طور که کسی که از دست غاصبی ی گریزد باید بدون قید و شرط کلیه سلاحهای وی را رد نموده بی اثر سازد. گناه در واقع به هر شکل که باشد در شمار اعمال شیطان قرار دارد.

علاوه بر این مطمئن باشید که هر گفته شما بخصوص در این لحظه هراس انگیز، در کتابهای نادیدنی خدا نوشته می شود.

بنابراین اگر عملی از شما سرزند که برخلاف این سخنان باشد شما به عنوان سوگند شکن، داوری خواهید شد. زیرا شما از تمامی اعمال شیطان منصرف می گردید یعنی از هر اندیشه و کرداری که برخلاف قول شما باشد.

(آموزش ۱۹: ۵)

« و عبادت تو را »

بعد از آن می گوئید: «و عبادت تو را.» عبادت ابلیس، یعنی نیایش در معابد بتها، اجرای مراسم به افتخار بتهای بی جان، و برای مثال روشن کردن چراغها یا سوزاندن عطرها در مجاورت چشمه ها یا رودخانه هاست. عده ای فریب خیالات یا شیاطین را می خورند و بدین نوع اعمال متوسل می شوند به این باور که با انجام این اعمال از بیماریهای جسمانی اشان شفا می یابند. در پی این چنین کارها مباش. اعمالی نظیر نفال، فال بینی، غیب گویی، تعویذ و طلسم، دعانویسی، سحر و جادو و دیگر پلیدیها و کارهای مشابه، جزء عبادت شیطان است. از آنها دوری نمایید.

(آموزش ۱۹: ۸)

اظهار ایمان، رو به مشرق

وقتی روی از شیطان برگردانید، هر عهدی که با او بسته بودید و تمام عهدهایی که در گذشته با دوزخ داشتید را می‌شکنید. آنگاه باغ فردوس که خداوند برای شما در مشرق نشانده (پید ۸:۲) است بر شما گشوده می‌شود، باغی که اولین والدین ما به سبب عدم اطاعتشان از آن جا رانده شده‌اند. به این دلیل است که ما رو به مشرق می‌ایستیم که سرزمین نور است.

سپس از شما خواسته شد که اعلام دارید «من به پدر و پسر و روح القدس و تنها یک تعمید از بهر توبه ایمان دارم».

(آموزش ۹:۱۹)

دیگر هرگز نخواهید گریست

اکنون که بدین سخنان تقویت گشته‌اید بیدار و هوشیار بمانید، زیرا دشمن شما شیطان همان طور که گفته‌ایم چون شیری غران، می‌گردد تا کسی را بلعد. در گذشته، مرگ قدرتمند بود و می‌بلعید. اما در آب نولد تازه، خدا اشکها را از هر چهره‌ای پاک خواهد نمود (اش ۸:۲۵). شما دیگر هرگز نخواهید گریست، همواره به جشن و شادی خواهید بود زیرا جامه نجات عیسی مسیح را بر تن کرده‌اید.

(آموزش ۱۰:۱۹)

چنین است آنچه در خارج از تعمیدگاه صورت گرفت، اگر خدا بخواهد، در توضیحات آینده درخصوص ازها وارد قدس الاقداس خواهیم شد و به معنای مراسمی که در آن جا انجام می‌گیرد پی خواهیم برد. جلال و قدرت و عظمت به خدای پدر، با پسر و روح القدس باد تا ابدالآباد. آمین!

(آموزش ۱۱:۱۹)

دومین آموزش رازشناسی درباره تعمید

دومین آموزش رازشناسی درباره تعمید. قرائت رساله به رومیان از: «آیا نمی‌دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم در موت او تعمید یافتیم» تا «شما دیگر زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیض» (روم ۳:۶-۱۴).

این آموزشهای روزانه رازشناسی برای شما مفید است، این تعالیم جدید اعلام کننده حقایقی جدید تر است، زیرا شما با گذر از پیری به جوانی، جدید گردیده‌اید. لذا لازم است که دنباله آموزش رازشناسی دیروز را به شما ارائه دهم تا معنای سمبلیک مراسمی را که در درون تعمیدگاه در مورد شما انجام گرفته است، به شما بشناسانم.

(آموزش ۱:۲۰)

شما ردای خویش را از تن برکنده اید

به محض ورود به تعمیدگاه ردا از تن برکنده اید. معنای این مراسم این بود که شما انسانیت کهنه را با تمامی اعمالش از خود دور کرده اید.

لباس از تن برکنده، برهنه بودید، به مانند مسیح بر صلیب. در آن جا، مسیح با برهنگی اش قدرتها و سلطه ها را عریان ساخته و آنها را با چوب (صلیب) شجاعانه به دنبال خویش به موکب پیروزی اش کشانده است^۹ (کول ۲: ۱۵). به راستی هم، چون قدرتهای خصم در اعضای بدنانتان پنهان می شدند دیگر جایز نبود که آن ردای کهنه را بر تن دارید. منظور من آن لباسی نیست که به چشم می خورد بلکه آن انسانیت کهنه ای است که با شهوات فریبنده فاسد می گردد (افس ۴: ۲۲). باشد که روحی که یک بار برای همیشه از آن ردا بیرون آمده است دیگر آن را به تن نکند! بلکه چون عروس عیسی در غزل غزلها بگوید: «از ردای خود بدر آمده ام چگونه دگر بار آن را بپوشم؟» (غزل غزلها ۵: ۳). شگفتا! در انظار همگان برهنه بودید اما شرمسار نگشتید. درحقیقت تصویری بودید از اولین بشر، آن آدم که در باغ برهنه بود و شرمساری نداشت.

(آموزش ۲۰: ۲)

تدهین

جامه از تن برکنده از سر تا به پا^{۱۰} با روغنی که شریب از آن دفع شده بود تدهین شده اید و اینک در رخت زیتون واقعی یعنی عیسی مسیح سهیم گشته اید! حال شما از درخت زیتون وحشی قطع گردیده و به درخت زیتون واقعی پیوند یافته اید. زیرا روغنی که نیایش دفع شریب بر آن انجام شده سمبلی است از سهیم بودن ما در تدهین مسیح و آثار قدرت دشمن را محو می کند. همان گونه که نفعه های قدیسین^{۱۱} و ذکر نام خدا به مانند شعله ای سوزان می سوزاند و شیاطین را بیرون می راند، این روغن عاری از شریب نیز به فیض ذکر نام خدا و به شکرانه نیایش قدرتی شگفت می یابد. این روغن نه تنها با سوزاندن تمام علائم گناه پاک می گرداند، بلکه قدرتهای نامرئی شریب را مغلوب می نماید.

(آموزش ۲۰: ۳)

غوطة سه باره تعمید

سپس شما را به کنار استخر مقدس تعمید الهی بردند، همان طور که مسیح را از صلیب به همین مدفنی که این جا پیش روی شماست آوردند.^{۱۲}

^۹ - موکب پیروزی اشاره ای است به رسم رومیان قدیم که بنا بر آن هرگاه سردار یا قیصری در جنگی پیروز می گشت یک نوع رژه یا قطار پیروزی (که آن را تریومف 'Triumph' می گفتند) برپا می شد. در این رژه پرشکوه، به دنبال سردار فاتح که سوار بر ارابه بود و تاجی بر سر داشت، بخشی ز غنایم و اسرای جنگی و سرداران و گاهی خود سلطان اسیر نیز پیاده و با زنجیر به دست کشیده می شدند، بدیهی است که منظور از برپایی این رژه، تجلیل قیصر پیروز از طریق تحقیر آنانی بود که به صورت قطاری کشیده می شدند.

^{۱۰} - در آیینهای نیایش قدیم مراد بر آن بود که سبیلهای مذهبی معنا و مفهوم کامل تری را برساند و بیان آنها رسا باشد. از این رو در راز تعمید لباسها تماماً از تن کنده می شد، روغن بر سراسر بدن مالیده می شد و بدن کاملاً در آب فرو برده می شد. به منظور حفظ نظم در این مراسم، مردان را از زنان جدا می کردند. خدمه کلیسا مجاز بودند که در انجام مراسم مربوط به زنان روحانیون را یاری دهند.

^{۱۱} - نفعه ها یک نوع دفع شریب جهت آماده ساختن فرد به دریافت تعمید بود. قدیسینی که در این جا ذکر می شوند احتمالاً پیرانی بودند که مراسم نفعه ها را انجام می دادند.

^{۱۲} - باید به خاطر داشت که جلسات آموزشهای دینی سیریل در خود کلیسای بزرگ "مقبره مقدسه" و در درون محوطه ای موسوم به تالار گرد رستاخیز انجام می گرفت.

از فرد فرد شما سؤال شد که آیا به نام پدر، پسر، و روح القدس ایمان دارید. و شما آن کلام شهادت نجات بخش را اعلام کردید.

سپس شما سه بار در آب غوطه ور شده از آن بیرون آمدید. این رسم سمبل سه روز مدفون ماندن مسیح است... شما در همان لحظه مرده و از نو زنده گردیدید و این آب نجات بخش برای شما هم یک مدفن و هم یک مادر بود.

(آموزش ۴:۲۰)

فیض نجات

چه واقعیت عجیب و حیرت انگیزی! ما در واقع نمرده ایم، دفن نگردیده ایم، به صلیب کشیده نشده ایم و از مرگ برنخاسته ایم. اما گرچه تقلید، سمبلیک بود لیکن نجات حقیقی است! مسیح واقعاً مصلوب گردید، او حقیقتاً دفن گردید و حقیقتاً از مرگ برخاسته است. و همه اینها به ما از طریق فیض ارزانی گردیده تا با تقلید از آنها در رنجهای وی سهیم شویم و از این راه در واقع نجات را به دست آوریم. چه وسیع است محبت خدا برای انسانها! میخا بردستهای بی نهایت پاک مسیح فرو رفت، او رنج کشید و به من که در رنجهای سهیم هستم، بدون این که رنجی یا زحمتی بکشم، فیض نجات را می بخشد.

(آموزش ۵:۲۰)

تعمید یافته در مرگ مسیح

مبادا کسی تصور کند که تعمید فقط بخشایش گناهان و فیض پسرخواندگی را به ما ارزانی می دارد. این تعمید یحیی بود که صرفاً بخشایش گناهان را موجب می گردید. اما (این تعمید ما) که در عین حال زداینده گناهان و واسطه موهبت روح القدس و نیز به طوری که نیک می دانیم انعکاسی از رنج مسیح است. بدین لحاظ است که لحظه ای قبل^{۱۳} پولس این چنین تأکید داشت: «آیا نمی دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافته ایم، در مرگ او تعمید یافته ایم؟ پس با تعمید، ما به همراه وی دفن شده ایم» (روم ۶:۳-۴).

بی گمان پولس این سخن خود را خطاب به کسانی می گفت که مدعی بودند غسل تعمید فقط بخشش گناهان و پسرخواندگی را ارزانی می دارد اما مشارکت از طریق تقلید، رنجهای حقیقی مسیح را شامل نمی شود.

(آموزش ۶:۲۰)

بر مسیح پیوند زده شده ایم
لذا باید بدانیم که رنجهایی که مسیح متحمل گردیده ظاهری نبوده بلکه در واقع او آن رنجها را به خاطر ما
و برای نجات ما متحمل گردیده است. بدین ترتیب ما در شکنجه‌ی وی سهیم هستیم و پولس در این باره با
کمال دقت گفته است:

«اگر ما برای مرگی شبیه مرگ مسیح در او پیوند زده شده ایم

پس برای رستاخیزی شبیه رستاخیزی وی نیز در پیوند خواهیم بود» (روم ۶:۵).

این عبارت پیوند زده شده عبارتی بسیار شکوهمند است. در واقع تاک حقیقی در همین جا ۱۴ کاشته شده
ست. بنابراین ما که از طریق تعمید در مرگ مسیح سهیم گشته ایم در واقع بر این تاک پیوند زده شده ایم. در
معنای سخنان پولس دقت کنید. او نمی گوید «اگر از طریق مرگ پیوند زده شده ایم» بلکه «از طریق شباهت
به مرگش». مسیح در حقیقت مُرد زیرا روح از بدنش واقعاً جدا گردید. دفن او نیز واقعی بود زیرا بدن مقدس
وی در کفنی تازه پیچیده شد. هرآنچه مربوط به اوست در حقیقت اتفاق افتاده است. برای ما برعکس، ما
تصویر مرگ او و رنجهایش را بازسازی می کنیم. اما در مورد نجات، ما آن را نه به شباهت بلکه در حقیقت از
آن خود داریم.

(آموزش ۲۰:۷)

در زندگی جدید گام بردارید

در این باره به اندازه کافی تعلیم دیده اید، این تعالیم را حفظ کنید. آنگاه من هم هرچند که لایق نیستم
می توانم بگویم: «شما را تحسین می نمایم زیرا در هر زمان مرا یاد می دارید و سنتهایی که به شما منتقل
کرده ام حفظ می کنید» (کول ۲:۱۱).

خدا قادر است که شما را از میان مردگان برگرفته به حیات وارد نماید تا در زندگی جدید گام بردارید.
او را جلال و قدرت باد، اکنون و تا ابدالابد. آمین.

(آموزش ۲۰:۸)

سومین آموزش رازشناسی درباره تدهین

سومین آموزش رازشناسی درباره تدهین. قرائت رساله اول یوحنا از قسمت: «شما از خداوند تدهین
یافته اید و همه چیز را می دانید» تا «باشد که به هنگام آمدن باشکوه او، ما با شرمندگی به دور از وی
افکنده نشویم» (۱- یو ۲:۲۰-۲۸).

مردم شما را مسیح خوانند

شما در مسیح تعمید یافته اید و مسیح را بر تن پوشیده اید لذا شبیه پسر خدا شده اید زیرا خدا ما را زپیش مقرر به پسرخواندگی نمود و اکنون ما را به تن پرشکوه مسیح مانند کرده است. پس به حق است که شما را مسیحان نامند زیرا در مسیح مشارکت دارید. این در مورد شماست که خداوند گفته است: «به مسیحان من دست مگذارید» (مز ۱۰۵: ۱۵). آری شما مسیحان گردیده اید با دریافت نشان روح القدس. همه چیز درباره شما به شکل تصویر انجام گرفته است زیرا شما تصاویری از مسیح هستید.

اما مسیح وقتی در رود اردن فرو رفت تماس الهی خود را به آب منتقل داد و پس از آن که از آب بیرون آمد، روح القدس در واقع چون ماندی برمانند، بروی قرار گرفت. شما نیز وقتی از حوض آبهای مقدس بیرون آمدید همان مسح و نشانی که مسیح بدان مسح گردید یعنی روح القدس را دریافت نمودید. اشعیا در نبوت خویش درباره شخص مسیح گفته است:

«روح خداوند بر من است.

برای همین مرا مسح کرده است،

او مرا فرستاده است تا مسکینان را بشارت دهم» (اش ۶: ۱)

(آموزش ۲۱-۱)

درواقع این انسان نبود که با روغن یا مرهم مادی مسیح را مسح نمود بلکه این پدر بود که او را از ازل بنجی تمام جهان مقدر داشته وی را با روح القدس مسح نمود، برحسب این گفته پطرس: «عیسای ناصری، خدا وی را با روح القدس مسح گردانده است» (اع ۱۰: ۳۸) ... او به روغن معنوی نشاط و سرور مسح گردید یعنی به روح القدس که آن را روغن نشاط روح می نامند. اما شما با روغنی مسح گردیده اید که شما را سهم و شریک مسیح گردانید.

(آموزش ۲۱: ۲)

آن مرهم تقدیس شده

اما مپندار که این یک مرهم عادی است. زیرا همان طور که نان راز سپاس، پس از نیایش طلب نزول روح القدس بر آن، دیگر نان عادی نیست بلکه تن مسیح است، همچنین این مرهم مقدس، پس از نیایش دیگر ن چیزی نیست که بتوان مرهمی عادی و معمولی نامید بلکه موهبتی از سوی مسیح است و حضور روح القدس، یعنی سرشت خدایی، آن را مؤثر می سازد. این مرهم برای مسح پیشانی و دیگر حواس شما به کار می آید. این یک سمبل است: درحالی که بدن با مرهم مرئی مسح می گردد، روح ما با روح قدوس و حیات بخش تقدیس می یابد.

(آموزش ۲۱: ۳)

تدهینها

شما ابتدا در پیشانی مسح گردیده اید تا از شرمساری آن آدم اول که پس از بی اطاعتی خود این شرم را همه جا به همراه داشت، رها گردیده با چهره ای بی نقاب به مانند آینه ای جلال خداوند را منعکس نمایید (۲- قرن ۳: ۱۸).

سپس بر گوشها مسح گردیده اید تا گوشهای شما بر رازهای الهی هوشیار و آگاه باشند. اشعیا در این باره گفته است: «خداوند مرا گوشهایی از بهر شنیدن داده است» (اش ۵۰: ۴) و عیسی خداوند در اناجیل گفته است: «هر که گوش شنوا دارد بشنود» (مت ۱۱: ۱۵).

پس از آن بر دو سوراخ بینی مسح شده اید تا با استشمام رایحه این مرهم الهی بگویید: «ما از برای خدا، عطر خوش بوی مسیح هستیم در بین کسانی که نجات یافته اند» (۲- قرن ۲: ۱۵).

آنگاه بر سینه مسح شده اید تا به زره عدالت پوشیده شوید و در برابر حملات ابلیس مقاومت کنید. همان طور که منجی ما پس از تعمید و نزول روح القدس بر وی به جنگ با دشمن رفت، شما نیز پس از تعمید قدس و مسح رازگونه، زره روح القدس را پوشیده اید تا با نیروهای دشمن مقابله کنید و درحالی که با آنان بی جنگید می گوئید: «من توان هر کار را دارم در مسیح که مرا قوت می بخشد» (فی ۴: ۱۳).
(آموزش ۴: ۲۱)

نام مسیحی

از آن جا که لایق این مسح گردیده اید، مسیحی خوانده می شوید و تولد دوباره شما نیز بر مشروعیت این عنوان تأیید می گذارد. در واقع قبل از آن که لایق فیض تعمید و روح القدس تشخیص داده شوید مستحق این عنوان نبودید بلکه فقط در راه مسیحی شدن بودید.

(آموزش ۵: ۲۱)

تدهینی را که با این مرهم مقدس یافته اید، ضمن پیشرفت در نیکی و پسند آمدن در نظر عیسی مسیح که عامل نجات شماست، در خود از هر لکه و هر بی حرمتی عاری نگاه دارید. او را جلال باد تا ابدالآباد. آمین.

(آموزش ۷: ۲۱)

پنجمین آموزش رازشناسی درباره راز نان و جام

قرائت رساله اول پطرس: «لهذا هرگونه کینه و هر فکر و هر قسم بدگویی را ترک کنید» و ادامه آن ... (۱- پتر ۲:۱). به فیض محبت خدا، به اندازه کافی در نشستهای قبلی درباره تعمید، تدهین و دریافت تن و خون مسیح، تعلیم یافته‌اید. اکنون باید به دنباله مطلب پرداخته بنای نجات^{۱۵} شما را به کمال رسانیم. (آموزش ۱:۲۳)

شستن دستها

شما دیدید که خادم وسایل شستن دست را به اسقف و پیرانی^{۱۶} که گرداگرد قربانگاه خدا می‌ایستند قدیم نمود. آنها این کار را نه به خاطر ناپاکی جسم انجام دادند زیرا با بدنی آلوده نبود که در آغاز به کلیسا دم نهاده‌ایم. بلکه شستن دست به این معناست که باید خود را از جمیع گناهان و خطایای خود پاک گردانیم. در واقع دستها، نشانگر اعمال است. ما با شستن دستها نشان می‌دهیم که اعمال ما باید پاک و بی‌عیب باشد. این سخن حضرت داود را شنیده‌ایم که به هنگام شناساندن این راز به ما، می‌گوید: «دستهایم را در میان بی‌گناهان می‌شویم و سپس قربانگاه تو را ای خداوند در آغوش می‌گیرم» (مز ۲۶:۶). پس شستن دستها سمبل تطهیر از گناهان است. (آموزش ۲:۲۳)

بوسه صلح

خادم سپس با صدای بلند اعلام می‌دارد: «همدیگر را بپذیرید و با هم روبوسی کنید!» فکر نکنید که این بوسه شبیه بوسه‌هایی است که دوستان در ملأعام وقتی به هم می‌رسند رد و بدل می‌نمایند. خیر، این بوسه غیر از آن است. این بوسه دلها را با هم متحد می‌سازد و مستلزم فراموش کردن تمام کینه‌ها و حسد‌هاست. پس این بوسه به معنای اتحاد دلها با یکدیگر و گذشت از هر نوع دشنام و تخطی است. در این باره خداوند فرموده است:

«اگر هدیه خود را به پای قربانگاه آورده به یادآوری که برادرت بر تو حقی دارد هدیه خود را پیش قربانگاه واگذار و رفته اول با برادر خویش آشتی کن، سپس آمده هدیه خود را بگذران» (مت ۵:۲۳-۲۴). بدین ترتیب این بوسه به منزله اعلام صلح است و از این رو مقدس می‌باشد چنان که پولس رسول می‌گوید: «یکدیگر را به بوسه‌ای مقدسانه سلام رسانید» (۱- قرن ۱۶:۲۰) و پطرس نیز می‌گوید: «یکدیگر را به بوسه‌ای محبتانه سلام نمایید» (۱- پتر ۵:۱۴).

(آموزش ۳:۲۳)

۱۵- ترجمه کلمه به کلمه: بنای روحی بهره‌مندی (شما را)

۱۶- ترجمه کلمه به کلمه: به کاهن و پیران که در این عبارت منظور از کاهن، اسقف و منظور از پیران، کشیشان است. این نکته نیز درخور توجه است که سبیریل به مراسم قرائت کلام خدا که پیش از مراسم بزرگداشت نان و جام صورت می‌گرفت اشاره‌ای نمی‌کند و علت آن است که مراسم قرائت به طور رسمی جزء برپایی مراسم آموزشی دوره روزه بزرگ بوده و از این رو نوایمانان به حد کافی با آن آشنا بودند.

نیایش مقدماتی

سپس پیر با صدای بلند اعلام می‌دارد: «دل‌های خود را برافرازید!» به راستی در این لحظه هراس انگیز آید دل خود را به سوی خدا برافراشت و نگذاشت به سوی خاک و امور این دنیای خاکی نزول کند. لذا سقف ما را امر می‌فرماید که در این لحظه تمامی دل مشغولیهای روزگار و نگرانیهای خانوادگی را رها کنیم و دل خویش را در آسمان و نزدیک به خدایی که آدمیان را دوست می‌دارد نگاه داریم. و سپس شما پاسخ می‌دهید: «دل‌های خود را به سوی خداوند برمی‌افرازیم.» و بدین ترتیب رضایت خود را اعلام می‌دارید.

مبادا کسی این سخن را فقط به زبان گوید که «دل‌های خود را به سوی خداوند می‌افرازیم» درحالی که روحش دربند گرفتاریهای زندگی است. بدیهی است باید همواره خدا را به خاطر داشت، ما اگر این کار به علت ضعف بشری امکان پذیر نباشد، باید در این لحظه خاص در این امر کوشا باشیم. پیر کلیسا سپس می‌گوید: «خداوند را سپاس گوئیم!» به راستی که باید سپاسگزار خداوند باشیم زیرا او ما را، درحالی که سزاوار آن نبودیم به فیضی این چنین شگفت فراخوانده است. او ما را آشتی داد هنگامی که هنوز دشمن او بودیم، و ما را سزاوار دریافت روح پسرخواندگی دانست. شما پاسخ می‌دهید: «بجا و برحق است.» وقتی سپاس می‌گوئیم، به راستی دست به امری به حق و سزا می‌زنیم. اما خدا نه از راه احقاق حق بلکه از راهی فراتر از حق و عدالت ما را مملو از نیکیها ساخت و شایسته موهبت‌هایی این چنین شگفت دانست.

(آموزش ۲۳:۴)

سپس به ذکر آسمان، زمین، دریا، خورشید و ماه، ستارگان و همه آفریده‌ها چه صاحب عقل و چه فاقد آن، چه دیدنی و چه نادیدنی: فرشتگان، ملائک، قدرتها، حکومتها، تاج و تختها و کروبیان چند چهره می‌پردازیم. و با قدرت هرچه تمام تر این سخنان داود را تکرار می‌کنیم. «نام خداوند را با یکدیگر برافرازیم!» (مز ۳۴:۴).

همچنین از سرافیان یاد می‌کنیم که اشعیا آنان را در جلسه روح القدس بدیده است: که در گرداگرد تخت خدا قرار گرفته بودند. آنان دو بال داشتند از بهر پوشاندن چهره، دو بال از بهر پوشاندن پاها و دو بال دیگر برای پرواز. آنها فریاد می‌زدند:

قدوس، قدوس، قدوس

است خداوند صباوت! (اش ۶:۲)

ما نیز مدح خداوند را با این سرود که از سرافیان داریم می‌سراییم تا با افواج آسمانی همصدا گردیم.

(آموزش ۲۳:۶)

طلب نزول روح القدس

پس از آن که با این سرودهای آسمانی تقدیس گردیدیم، از خدایی که آدمیان را دوست می‌دارد استدعا می‌کنیم روح القدس را بر هدایایی که در این جا نهاده شده است، نازل گرداند تا نان را تن مسیح و شراب را

نون مسیح سازد. زیرا آنچه را که روح القدس لمس کند مقدس و دگرگون می‌گردد.
(آموزش ۷:۲۳)

نیایشهای شفاعت

پس از آن که در این تقدیمی کفاره، قربانی معنوی و آیین غیرخونین را انجام دادیم خدا را به خاطر صلح مشترک کلیساها و آسایش جهان، و از بهر امپراتورها و لشکرها و متحدین و نیز به خاطر شفا و تسلی بیماران ماتیان نیایش می‌کنیم. به عبارتی برای تمام کسانی که نیاز به کمک دارند خدا را به یاری می‌طلبیم و برای خود نیز نیایش می‌کنیم و این قربانی را تقدیم می‌داریم.

(آموزش ۸:۲۳)

سپس از خوابیدگان یاد می‌کنیم: ابتدا سالاران یا پاتریارکها، انبیاء، رسولان و شهیدان تا با نیایشها و شفاعت آنان خدا استغاثه‌های ما را پذیرا باشد. سپس از برای پدران خود که با تقدس به خواب رفته‌اند، رای اسقفان و همه کسانی که اکنون آرمیده‌اند. زیرا متقاعد هستیم که این نیایشی که به خاطر ایشان به حضور آن قربانی مقدس بالا می‌رود برای آرامش روح آنان مفید می‌باشد.

(آموزش ۹:۲۳)

نیایش خداوند

پس از آن این نیایش خانوادگی را که منجی ما به حواریون خود آموخته است می‌خوانیم. ما با وجدانی پاک، خدا را پدر خود خطاب نموده می‌گوییم:
«که در آسمانهای!» چه بی‌کران است محبت خدا از بهر آدمیان! او به کسانی که از وی دور شده و در بدترین مذلتها فرورفته‌اند، موهبت آموزش گناهان عطا نموده ایشان را در فیض خود سهیم می‌دارد به نحوی که بتوانند او را "پدر" بخوانند.

«ای پدر ما که در آسمانهای!» باشد که آسمانها به معنای کسانی هم باشند که چهره انسان آسمانی را دارند (۱- قرن ۱۵:۴۹). آنانی که خدا در ایشان ساکن است و در ایشان راه می‌رود (۲- قرن ۶:۱۶).

(آموزش ۱:۲۳)

«تقدیس شود نام تو!» نام خدا فی نفسه مقدس است، چه این را بگوییم و چه نگوییم. اما از آن جا که گاه این نام در میان گناهکاران به بی‌حرمتی برده می‌شود برحسب این سخن: «به سبب شما نام من دائماً در بین ملل به بی‌حرمتی برده می‌شود» (اش ۵:۵۲)، طلب نماییم که نام خدا در بین ما مقدس باشد. نه بدین معنا که قبلاً مقدس نبوده و با سخن ما مقدس شود، بلکه در درون ما تقدیس گردد وقتی ما تقدیس می‌گردیم و رفتاری شایسته تقدس او در پیش می‌گیریم.

(آموزش ۱۲:۲۳)

«ملکوت تو بیاید!» روحی پاک با اطمینان خاطر می‌تواند بگوید: «ملکوت تو بیاید!» زیرا کسی که سخن پولس را شنیده باشد: «که دیگر گناه در جسم فانی شما حکمرانی نکند» (روم ۶:۱۲) و با کردار، پندار و گفتار خویشتن را پاک سازد، می‌تواند به خدا بگوید: «ملکوت تو بیاید!»

(آموزش ۱۳:۲۳)

«روان باد خواست تو روی زمین چنان که در آسمان است!». فرشتگان خوشبخت خدا، اراده‌ی وی را

به جای می‌آورند چنان که داود در مزمورش می‌سراید:

«خدا را متبارک خوانید ای جمیع فرشتگان او

که در قوت زور آورید

و کلام او را به جای می‌آورید» (مز ۱۰۳: ۲۰).

پس نیایش برخاسته از دل شما این معنا را دربردارد: «باشد که اراده‌ی تو که در فرشتگان به اجرا

درمی‌آید، در من، بر زمین نیز به اجرا درآید!»

«نان بقای^{۱۷} ما را امروز به ما ده!» نان معمولی نان بقاء نیست اما این نان تقدیس شده نان بقاء

می‌باشد. به عبارت دیگر، راز این نان به منظور بقای روح تأسیس شده است. این نان مقدس وارد معده

نمی‌شود تا در محل خلوتی دفع گردد، بلکه سراپای وجود شما را تغذیه می‌نماید، برای نیکی جسم و روح. اما

درباره کلمه امروز معنای آن روز پشت روز است و پولس نیز همین را می‌گوید: «مادامی که آن را امروز

خوانند» (عبر ۳: ۱۳).

(آموزش ۲۳: ۱۵)

«و قرضهای ما را ببخش همان طور که ما قرضداران خود را می‌بخشیم!» در واقع ما گناهان بسیار داریم

ییرا چه در گفتار و چه در پندار دچار لغزش هستیم و دست به کارهایی می‌زنیم که سزاوار محکومیت است و

گر ادعا کنیم «گناهی نداریم، دروغ گفته ایم» همان طور که یوحنا در این باره می‌گوید (۱- یو ۸: ۸). ما با

خدا عهدی می‌بندیم: از وی تمنا می‌کنیم گناهان ما را ببخشد همان طور که ما قرضهای هموعان خود را

بی‌بخشیم. پس ملاحظه کنیم که چه دریافت می‌کنیم و چه مبادله‌ای به انجام می‌رسانیم. در بخشایش گناهان

یکدیگر تردید نداشته و تعلق نوزیم. اهانت‌هایی که به ما روا داشته اند بسیار اندک و سبک است و گذشت

از آنها آسان می‌باشد. اما گناهانی که ما نسبت به خدا مرتکب شده ایم بزرگ است. فقط می‌توانیم محبت

محض وی را بطلبیم. پس مواظب باشید که اهانت‌های اندک و سبکی که بر شما روا داشته اند موجب انسداد

دریای بخشایش خدا نسبت به خطاهای سنگین شما نگردد.

(آموزش ۲۳: ۱۶)

«و ما را در وسوسه میاور، ای خداوند!» آیا ممکن است که خداوند ما را یاد دهد تا هرگز دچار وسوسه

نگردیم؟ پس چرا در جای دیگر می‌خوانیم: «مردی که وسوسه نشده باشد آزموده نیست» (بنسی ۳۴: ۱۰)، و

یز: «ای برادران من، وقتی که با تجربه‌های گوناگون مواجه گردید این را نهایت سعادت خود بدانید» (یع

۲: ۱)؟ اما به وسوسه افتادن آیا به معنای غرق شدن در امواج وسوسه است؟ وسوسه مانند سیلابی است که

نذر از آن دشوار می‌باشد: آنان که در وسوسه غرق نشده باشند می‌توانند گذر کنند. زیرا اینان شناگران

ممتازی هستند، و به هیچ وجه با سیلابهای وسوسه کشیده نمی‌شوند. اما کسانی که فاقد این گونه امتیازات

۱۷- واژه یونانی epiousios در مت ۱۱: ۶ مفهوم بقاء را دربر ندارد. اما مؤلف این معنی را در این جا به این واژه اطلاق می‌نماید تا آن را راحت تر به راز تن مسیح مرتبط سازد. چندین واژه فارسی دیگر می‌تواند جایگزین 'epiousios' گردد، مانند (نان) حیاتی، (نان) ذاتی و غیره ما باتوجه به شرح مربوط در کتاب و این پانوش، مفهوم هیچ یک از این عبارات دربرگیرنده کل مفهوم اصلی نمی‌باشد و پژوهش ظاهراً باید ادامه یابد.

هستند، همین که پا به جریان سیلاب نهند، غرق می گردند. فی المثل یهودا: او به وسوسه حرص فرو افتاد، توانست از آن گذر کند بلکه غرق شد و جسم و جانش تباه گردید. پطرس پا به وسوسه انکار نهاد، به درون آن رفت اما غرق نشد: با مهارت شنا کرد و از وسوسه نجات یافت.

باری، بشنوید آواز جمیع مقدسین را که نجات یافته اند و به خاطر رهایی از وسوسه، سرود سپاس می خوانند:

«تو ما را امتحان کرده ای،

تو ما را به آتش بوته نهاده ای نظیر آن آتشی که نقره را تصفیه می کند،

تو ما را به دام درآوردی

و باری گران بر ما نهادی؛

مردمان را بر سر ما سوار گردانیدی،

و ما به آتش و آب درآمدیم،

سپس ما را به جای خرم بیرون آوردی» (مز ۶۶: ۱۰-۱۳).

می بینی آنانی که گذر کرده اند بدون آن که غرق شوند با چه اطمینانی سخن می گویند (آنان می خوانند): «ما را به جای خرم هدایت کردی» به مکان خرم رسیدن همانا نجات از وسوسه است.

(آموزش ۲۳: ۱۷)

«بلکه ما را از شریر رهایی ده!» اگر جمله «ما را در وسوسه میاور» به این معنا می بود که هرگز وسوسه نگردیم در آن صورت خداوند اضافه نمی نمود: «بلکه ما را از شریر رهایی ده». شریر همان شیطان و دشمنی است که تمنا داریم از وی رهاشده شویم.

در پایان نیایش با افزودن کلمه آمین به معنای «همچنین بادا»، مهر خویش را بر محتوای نیایشی می گذاریم که خدا ما را آموخته است.

(آموزش ۲۳: ۱۸)

آنچه مقدس است مقدسین را سزااست

سپس اسقف می گوید: «آنچه مقدس است مقدسین را سزااست!» مقدسات همان هدایایی است که در این جا نهاده شده و روح القدس بر آنها نازل گردیده است. شما خود نیز مقدسید که شایسته روح القدس گشته اید. پس مقدسات از آن کسانی است که مقدسند.

و شما می گویند: «تنها یک قدوس، یک خداوند عیسی مسیح». آری، در واقع فقط اوست که ذاتاً و طبعاً مقدس است. ما نیز مقدسیم اما نه ذاتاً و طبعاً بلکه از طریق مشارکت و نیز با تقوی و نیایش.

(آموزش ۲۳: ۱۹)

سپس صدای سرود خوانان کلیسا را می شنوید که با نغمه ای آسمانی شما را به مشارکت در رازهای مقدس دعوت می کنند: «بچشید و ببینید که خداوند نیکوست» (مز ۳۴: ۹)^{۱۸}. برحسب طعم جسمانی ضاوت نکنید بلکه از روی ایمانی که از هر گونه تردیدی عاری باشد. درحقیقت هم کسانی که خداوند را می چشند نان و شراب نمی چشند بلکه تن و خون مسیح را که نان و شراب مشخصه آنها می باشد.

(آموزش ۲۳: ۲۰)

مشارکت در راز نان و جام

هنگامی که به پیش می آید، با دستهای گشوده و انگشتان باز نباشد بلکه دست چپ خود را به حالت ناچی زیر دست راست که با آن، آن شاه را دریافت خواهید کرد قرار دهید. تن مسیح را در کف دست دریافت نمایید و بگویید: آمین.

آنگاه با دقت چشمان خود را در تماس با آن تن مقدس، تقدیس نمایید. تن مقدس را بردارید و مواظب اشید چیزی از آن گم نشود. به راستی اگر شما ذره ای از آن را گم کنید مثل این است که یکی از اندامهای تن خود را گم کرده باشید!

حال ببینیم، اگر شما را مقداری خرده طلا می دادند، آیا آنها را با مراقبت هرچه تمام تر محافظت می کردید که مبادا چیزی از آن مفقود گردد تا متحمل ضرر نگردید؟ پس آیا نباید از آن هم بیشتر مواظب باشید تا حتی یک ذره از آنچه که از زر و سنگهای قیمتی و جواهر گرانبهاتر است بر زمین نیفتد؟

بعد از آن که در تن مسیح مشارکت یافتید، به سوی جام محتوی خورش بروید. دستهایتان را دراز مکنید بلکه به حالت عبادت و احترام سر خود را فرود آورده بگویید: آمین. خود را با مشارکت یافتن در خون مسیح نیز تقدیس نمایید و درحالی که هنوز لبهای شما نمناک است آنها را با انگشتانتان لمس کرده چشمها، پیشانی و دیگر اعضای حواس پنجگانه خود را تقدیس نمایید. سپس در حالی که در انتظار برای نیایش هستید، از خدا که شما را شایسته این چنین رازهای بزرگی گردانیده است سپاسگزاری کنید.

(آموزش ۲۳: ۲۲)

این سنتها را حفظ نمایید

این سنتها را از هر تعرضی محفوظ دارید. بی غل و غش و پاک بمانید. از جامعه جدا نشوید و با آرایش گناه، خود را از این رازهای مقدس روحی محروم نسازید.
باشد که خدای صلح و آرامش شما را تماماً تقدیس فرماید. «باشد که روح و نفس و بدن شما تماماً بی عیب محفوظ باشد در وقت آمدن خداوند ما عیسی مسیح!» (۱- تسا ۵:۲۳).

او را شکوه، افتخار و قدرت باد

با پدر و روح القدس

اکنون و همواره

تا ابدالآباد. آمین.

(آموزش ۲۳:۲۳)

